

بِعَوْنِ خَالِقِ سَخْنِ نِینِ بِنِ اَسْمَاوِ زَمِینِ ^{علی جلاله}

الحمد لله والمنه که این رساله مجموعه طب سراپا حکمت عجمه و صحت است

میزبان الادویه ^{از صفا اولی شریف}

الفاظ الادویه ^{بن}

فرنگ نصیری ^{بن}

مخزن الادویه ^{بر صفر ۱۳۰۹}

حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبد الغنی

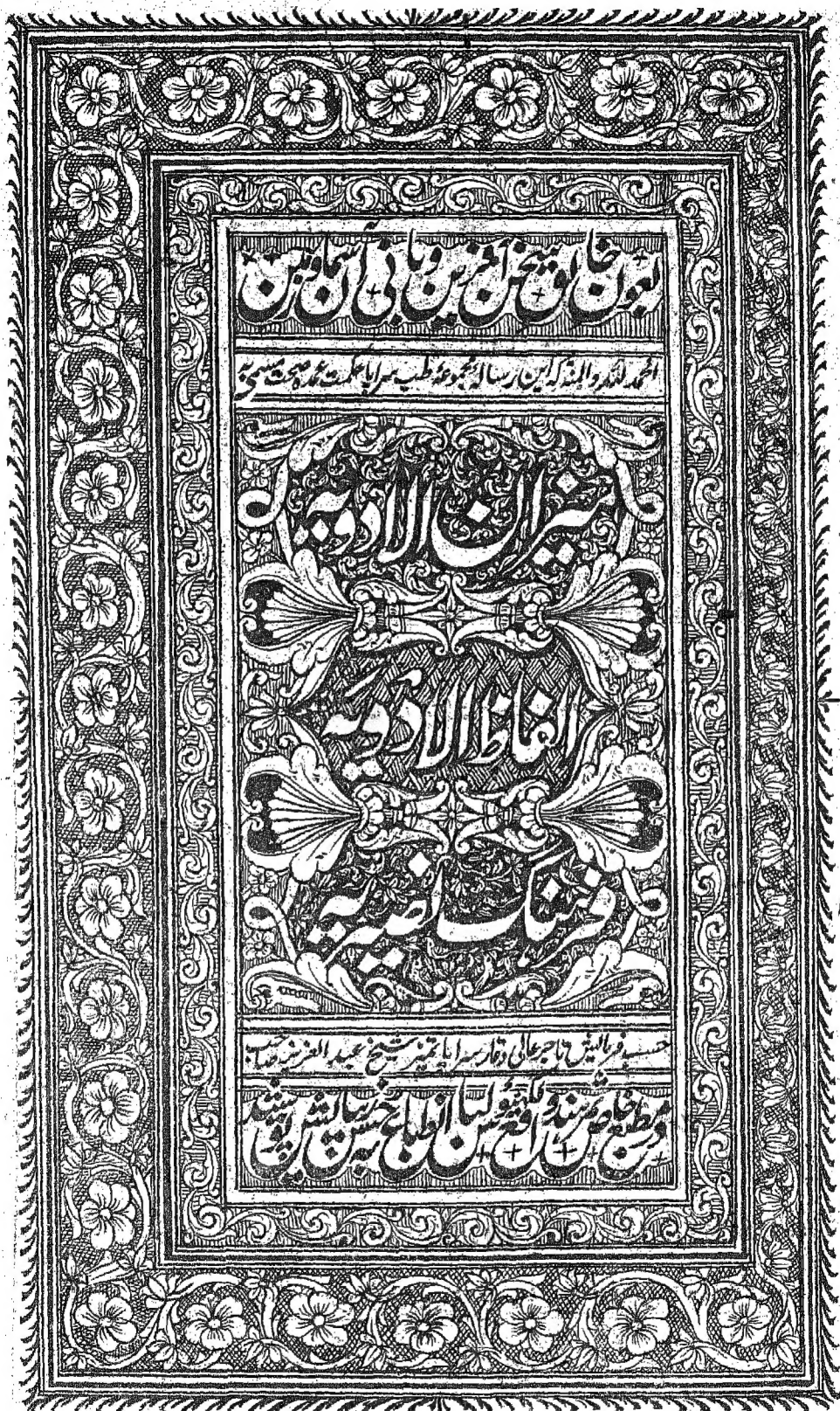
مطبع خافضی اصل ثمین در کتب و طبوع ^{مطبع}

ماوراء النهر

M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE9692



مكتبة الادب

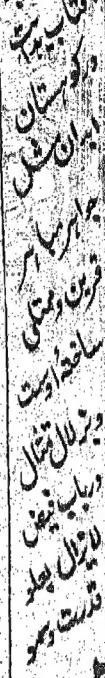
المكتبة الادبية في دار الكتب

مكتبة الادب
مكتبة الادب

مكتبة الادب

مكتبة الادب

10



در وجود نباتات
شجره و
حیوانات
انسان و جانداران
متنزه گرد و زو
در دنیا محدود
و در صفا
چند و چویش



ما بعد از آنکه منشأ نشو و نما نبات است و منزه علما و روحانی از جاد و نبات لوح قلم مراد و حرکت
ارادی الثَّانِ وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْتَفْتُونَ پرده از روی کار خود برداشت جاد لوح شد
و نبات قلم حقیقتِ اَوَّلِ مَا خَلَقَ اللَّهُ از تحرک قلم نقش هستی برگرفت و از اینها
سبب تعینات بمقتضای لامکان را مکانی بهر سببیه احدی بود احد گردیده همچونی بگوئی
بعبارت چون و چرا انجیده صور را آینه شری بنقوش دست داد تا ویل صورت و نقش در میان
آید و آنست سبب واسطه مناعت مصو و سبب گردیدن و مضمون دُرِّ وَّاحِدٍ یَعْدِلُ
آلِفَا یعنی بساکی که هزار دیگر و در موضوع پیوست عدل که لازمه تنزاج اعتدال منزه حقیقت
و مجانبست علم ظهور بر افراخت منت میسر معنی بر فرق معرفت نهاد و بردنهای جلوه حیوان
بامر تَفْخِیْتُ فِیْهِ مِنْ رُوحِی پرده از روی کار نهادن و آشکارا نمودن و پشت و محبت
اثبات و دعوی لیس گم شده نَشِیْ و طَوَّ السَّمِیْعُ البَصِیْرُ مرجع گفت و شنفت آمد
حکمت پوشیده آشکارا ساخت یعنی معنی عدم صوت و وجود گرفته اسرار مبهمی شناخته شد
و بهرید و البَلَدُ الطَّیِّبُ یُخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبَتْ لَا یَخْرِجُهَا
تکلیف اجماد و نبات نبات و نبات مصدر زنی حیات که کنایت از خدیوان است گشت
و بحسب اعتدال حقیقی وحدت بحدت گزینید و جلوه شود و منظر اتم که ستجمیع جمیع بروز
و مکنونست از ظهور شرف حضرت محمدی بنجتم انجاس صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر جَعَلَ
الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بروی بیان آمد و بخیرین ظهور و تجلیات زبان نطق حالی
باشیا عطا فرموده که آثار خواص هر شری و شاهد حال نطق آن شئی است پس باین حیثیت
بمقتضای وَانْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یَسْتَجِیْبُ لِحُجَّتِ و جمیع مکونات و اشیا لِحُظَّةٍ فَلِحُظَّةٍ
باین اساس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت و خواه بنقش معنی می از وحدت سرلی نمای
نشانده هر گاه یکی نشانیش ظهور آثار تجلیات باشد و عالم و عامل و واحد و احد و سبب
و سبب و حمد و محمد و نظر مبصران وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی و کوشی لمولفه

این بر جلیل
 از جمله دین
 و مملکت
 است علی القدر
 ملکیت و توان
 که بتفصیل
 احوال بدن
 انسان پیش
 سراج کبریا
 در آن دید
 ۲۳
 است اسرار
 بحر عبادت
 که لا اله الا الله
 محمد و آله
 و انما آتانا
 ربنا فی
 این بر جلیل
 از جمله دین
 و مملکت
 است علی القدر
 ملکیت و توان
 که بتفصیل
 احوال بدن
 انسان پیش
 سراج کبریا
 در آن دید
 ۲۳
 است اسرار
 بحر عبادت
 که لا اله الا الله
 محمد و آله
 و انما آتانا
 ربنا فی

عالم هستی بنیمن به جانی بیرون رسته بنیمن به از روی زمین گرفته است
 برین به یک نقطه هزار قسمی بنیمن به سبحانه و تعالی عما یقولون علو
 کبریا آیات از حکیم العزیز پدید آید هر چه و اگر آفرینان شاید نظری پاک
 اینچنین بنید نادین جمله نازنین بنید خبری شرف فضل و کمال و جسدنا
 رفعت مقام وصال صاحب الواسی لو کلاک لما خلقت الا کلاک که بمفتاح و
 ما از سلناک الا رحمة للعالمین سبب کشاو کار و عقوبت حکم الله علی قلوبهم
 و علی سمعهم و علی ابصارهم آمده بود ای کنت ندیا و آدم بین الماء و الطین
 شرف مبارک و علم آدم الا قماء کلها با آدم خالی از ادانی داشته و نیروی حکم و کلا
 و طیب و لا یابس الا فی کتاب مبین تجلیات فیوض و انیات را بشیونک
 لا ینامی و تقینات بحد و غایت تصدیق نظر گیان صور و معانی نموده همه احصای
 تفصیل جزوی محل کلی بدست آورده که بر بنیمن این انگشت قدرت تاثیرش باشد
 و ما فی کل الا رسول مشرف بزرگ افشوق القمر عقل خیر از پر توراسی صنعت
 نمایش با بای و ما علی الرسول الا البلاغ در اول ما خلق الله سبعه اشراف
 لطافت کلام معجز نظامش احکام و آیات صحف پیشینیه منسوخ و از شرافت نام گرا
 از نظامش آثار و بنیات ملل دیرینه بسو کتب بن افشا نام اقتدار از او را سر بر آورده
 کشای سر از رویا اینکه دل باس صورت کسوت معنی پرایه ظاهر باطن انکاشته و در عالم ظاهر
 علم باطن اسرار صورت و معنی پنداشته و موت اهل بیت او که بموجب گیر میر انما یرئی الله
 لیس انما یحب انما یحب اهل البیت و یطهر کهر و یطهر کهر البطارت ازلی محض
 از شرف و قفل لا اله الا الله علیه و آله الا المودعه فی القری فی بشارت لمیری صفو
 سرایه نجات کم شد گان وادی فعلالت و تیر غلالت ست و محبت عزت او که و ال
 ذی القری فی حقه در شان ایشان نزل است زود و حله گشتگان با دیر جهالت مضیق

این بر جلیل
 از جمله دین
 و مملکت
 است علی القدر
 ملکیت و توان
 که بتفصیل
 احوال بدن
 انسان پیش
 سراج کبریا
 در آن دید
 ۲۳
 است اسرار
 بحر عبادت
 که لا اله الا الله
 محمد و آله
 و انما آتانا
 ربنا فی

نسیف بن زلفان آن نجاب نیکوستان خردی و مضرب کتب جامعیت در عبادت اوست نسیف بن زلفان آن نجاب نیکوستان خردی و مضرب کتب جامعیت در عبادت اوست

ندلت چون صیت و بدیه رسالت و طنطنه جلالتش کون و مکان را فروز و فزونی
 علی خیر خلقه محمد و آلّه اجمعین و آوازه اکرام و افضال صحنه واجب التمجیل و الما جلال و تبو
 خیر العاقبه و الما لش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از پامون
 ضلالت و بیابان اختلاف بدار الملک هدایت و ایتملاف آورده با قاصی و ادانی رسیده
 رضی الله عنهم همین احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب بر زین طبع طبیعت که بود
 نقالین و الیغ اندازند و انسته برخی زینا گستری خدیو کشور جهانانی غلب البیان
 گرد تا در محله اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم از سلوک مس
 و رسوم هر سلسلاف بندگی انصاف بیرون نباشد محمد اکبر محمد اکبر که اولی الامر
 آوای گیتی خدایوند کشورستان او رنگ آرای سریر گورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت و
 کامکاری تمنیع رسوم حق شناسی و دین اری آغشی شاه جمجه باده کیوان بارگاه جبرئیل سعاد
 مریخ صولت ناسه عشرت قمر شرافت آفتاب ببال کاب کند غنمت ملافت نیرنگ جهان
 عالم عامل بر شد کامل خسرو گدیان کشامی شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرای
 الخصوص بغایت سبحانی ظل الله الو المظفر شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه هما
 قرآن ثانی است که بین متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم و کرم
 و ارشاد و ولایت رشد و رشاد و برافراشت و رقوم مسائل و قیق و نقوش سر از تحقیق بر
 جان و دل چنان متقدان صادق و مسترشدان ادا و اتق و موافق بزکاشت آینه شمس منظر
 بامیز اسلام و احکامش همه موافق بنض کلام دزمان حال را از شورش فتن و آشوب
 حوادث نگا داشته و در مسموی خراب آباد صوری چنان بهمت گماشته که همه و نام از خراب
 و علوم باختلاف و اتفاق و سبط امن و سبط امان مرز و محال و غارغ البال آسوده
 دل شکفته خاطر اند و نقد راجع و انش از جنس کاس جلال امتیاز تمام دارد ابعات فدا
 تو این شاه درویش دوست چه که آسایش خلق در ظل است پد نسیب بر شوق

اصطلاحات
 این فن را گویند
 آن اندازین
 عملی بضا
 آنجا که
 خدیو قمر
 از کتب مولود
 مثل اینهاست
 بدین
 الادب و غیره
 صید نایب
 انتخاب نموده
 به شیراز میبرد
 ترجمه دیگر
 در متن

نسیف بن زلفان آن نجاب نیکوستان خردی و مضرب کتب جامعیت در عبادت اوست

بلانی

در بیان چهار فائده اول در بیان صحیح

بمقدومه و نتیجه و خاتمه مقدمه ششست بر چهار فائده فائده اول در بیان صحیح
 اعراب فائده دوم در بیان علامات زبان هر زبان فائده سوم در تحقیق طبایع
 و درجات آن و علامتیکه بنسبست آن و ذکر محلی از دو الطبع و درجه و قوت
 فائده چهارم در بیان مختار و شریک و صلح بدل و دو علامات آن نتیجه در ذکر الفاظ
 و در بطریق اثبات و بیان علامات آن خاتمه در بیان ادویه که کثیر المنفعت
 که در کتب قدما کمتر است ذکر آنها چون بادریم و موسیانی و چوب چینی و چای و قهوه
 و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطائی آگاهی یابند
 بقلم انصاف اصلاح فرمایند بالله التوفیق و بدلا مستعان مقدمه ششم چهار
 فائده فائده اول در بیان صحیح اعراب پوشیده نمائند که در تحقیق اعراب بختی نتایج
 صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیع و برخی از جاهای ثقات و کتب معتبره
 لغت تازی و فرهنگهای فارسی سند کرده هر جا اشاره با اول میرود مراد از حرف نخستین
 لفظ است و از ثانی حرف دوم که متصل نخستین است و غیره ملینه عبارت از هر یک سو
 کج که بصوت کاف تازی است برابر و قفیه جهت اضافت مانند شجره میوه که هجره بر ما
 دارد و موحده نشان حرف باست و فوقانی اشارت بحرف تا و مشله ایما و بنا و
 و او معروف مانند و او یک در کاف و رست پس هر جا که بسکون او نوشته شده الیه
 و او معروف است و و او مجهول مانند و او یک در ر و غ و شور است و و او محدود و او یک که مشهور
 و تلفظ در نمی یابند و او یک در خواجه کتابت است و غنائی عبارت از باست و غنائی معصوم
 مانند غنائی که در تبدیل نیل قوس است و سکون غنائی را از غنائی فسرست و غنائی مجهول چنان در سیر
 چند بیت ترنوم است و چهار حرف پاری که بران لفظ بنویسند پنج ذک شودی بفارسی است
 و همچنین بیان حرف لفظ دار و هم هله تفسیر حرف بی لفظ فائده دوم در بیان
 علامات احوط طالع و زبان هر زبان و سزین مثلا از عربی ع که حرف اول او است و

در بیان چهار فائده
 اعراب و علامات
 در بیان طبایع
 در بیان مختار و شریک
 در بیان صلح بدل
 در بیان الفاظ
 در بیان اثبات و بیان
 در بیان ادویه
 در بیان علامات آن
 در بیان کثیر المنفعت
 در بیان قهوه و تنباکو
 در بیان اصلاح
 در بیان لغت تازی
 در بیان فرهنگهای فارسی
 در بیان سند کرده
 در بیان اشاره با اول
 در بیان میرود مراد
 در بیان حرف نخستین
 در بیان لفظ است
 در بیان از ثانی حرف
 در بیان دوم که متصل
 در بیان نخستین است
 در بیان غیره
 در بیان ملینه عبارت
 در بیان از هر یک سو
 در بیان کج که بصوت
 در بیان کاف تازی است
 در بیان برابر و قفیه
 در بیان جهت اضافت
 در بیان مانند شجره
 در بیان میوه که هجره
 در بیان بر ما دارد
 در بیان و موحده نشان
 در بیان حرف باست
 در بیان و فوقانی
 در بیان اشارت بحرف
 در بیان تا و مشله
 در بیان ایما و بنا و
 در بیان و او معروف
 در بیان مانند و او یک
 در بیان در کاف و رست
 در بیان پس هر جا که
 در بیان بسکون او
 در بیان نوشته شده
 در بیان الیه و او
 در بیان معروف است
 در بیان و و او مجهول
 در بیان مانند و او یک
 در بیان در ر و غ و شور
 در بیان است و و او محدود
 در بیان و او یک که مشهور
 در بیان و تلفظ در نمی
 در بیان یابند و او یک
 در بیان در خواجه کتابت
 در بیان است و غنائی
 در بیان عبارت از باست
 در بیان و غنائی معصوم
 در بیان مانند غنائی که
 در بیان در تبدیل نیل
 در بیان قوس است و سکون
 در بیان غنائی را از
 در بیان غنائی فسرست
 در بیان و غنائی مجهول
 در بیان چنان در سیر
 در بیان چند بیت ترنوم
 در بیان است و چهار حرف
 در بیان پاری که بران
 در بیان لفظ بنویسند
 در بیان پنج ذک شودی
 در بیان بفارسی است
 در بیان و همچنین بیان
 در بیان حرف لفظ دار
 در بیان و هم هله
 در بیان تفسیر حرف بی
 در بیان لفظ فائده دوم
 در بیان در بیان علامات
 در بیان احوط طالع
 در بیان و زبان هر زبان
 در بیان و سزین مثلا
 در بیان از عربی ع که
 در بیان حرف اول او
 در بیان است و

در بیان علامات احوط طالع و زبان هر زبان و سزین مثلا از عربی ع که حرف اول او است و

و همچنین از فارسی ف و از پند بی هر و از مشهور و معروف و مذکور هم مرقوم ساخته
 و انسانی دیار دیگر را براسه نقش پذیر گردانیده فائده سوم و تحقیق طبایع و درجا
 و داد علامتیکه منسوبست بآن و ذکر محلی از و بالطبع و در وجه و قوت و خاصیت
 بدانکه نزد جمیع طبایع و مزاج کیفیت است که بهم میرساند اول احتمال آتشجان که آنرا
 هرگاه برد و اطلاق کند طبع ناسند و طبایع بیرون نباشند از کیفیت چهار
 از آن کیفیات از بوی بیه که حرارت و برودت و پیوست و رطوبت باشد و چهار
 دیگر که مرکب کیفیات از بوی یکی اعتدال فیزیکی و طبایع پس از طبع ط و از حرارت ح
 و از برودت ب و از رطوبت بر و از پیوست می و از معتدل مع منتقش
 گردانیده و اطلاق دارد و از کیفیت و اثر منحصر چهار پایه قرار گرفته هر پایه را در وجه خود
 چه هر چه وارد بدن شود و منفصل گردد از حرارت غریزی خالی از آن نیست که اصل
 میکند در بدن کیفیت زائده بر چیزی که انسان راست یابنی کند اگر احوال نمی کند
 آنچه را معتدل گویند و اگر احوال می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر میشود
 در درجه اول گویند و دانسته میشود تا اثرش از تکرار تناوب یا اکتفا مقدار و اگر
 محسوس میشود بعدی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند
 و اگر ضرر بعدی ضرر بجز بیهلاک میشود یا نمیشود اگر نمیشود در درجه سوم گویند
 و اگر بجز بیهلاک میشود در درجه چهارم گویند و آنرا دایمی نیز گویند و آن
 غیر مست زیرا که قتل و دایمی بکیفیت است و قتل هم بصورت نوعیه اطلاق
 هم بر دینیه است اولیسم در اهلک و الا حقیقت و درست و هر درجه را تکیه بر
 اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بینها کلیه یک است که گرم و در درجه اول
 حرارت او اندر جدول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود برین مقدار خالی میشود
 رطوبت را پس از برای اینست که یافته نمیشود و دایمی گرم در درجه دوم و سوم الا

افاقیا و فصول اطراف زمین بقلعه یا بنای بطین برگ لیبون برگ تیون بقلعه
 جمار خنوخ خیار صامس زمینون خام سماق شتر آتج طعلب غنص اخض کدو
 اسان الحمل تنفر کلم تاش سرور در درجه سوم بقلعه الحقا بر سیاندا جلنا ریحی العالم
 کبیر و صغیر خامس آتج حب العلیق خام و روغن او شمشاش سیاه حصی الراعی فطر
 قفاح سرور در درجه چهارم جمیع اشیا مزی در مثل فیون غیره شوکران لبخ شخا
 یابس یعنی خشک در درجه اول ابانغالس اصل اللیل اصل السوس بآبونه
 بادام شیرین پریاوشان بسفاج پوست و جوز و لب تخم خرپوزه تخم انجیره
 حب الفار ریحی العالم کبیر و صغیر خزان الصخر دقلی رازیانہ روغن جوز زعفران
 سعد سونق الشعیر طعتر صغ جوز کند کشری ورق سوسن خشک در درجه
 دوم اصل المر اصل اللوف تخم نیلوفر بسفاج لبان ترب چندید تربہ الخضر
 و برگ اوراعی الابل زراوند زفت سنبل الطیب سنبل و می شلیل شاترج
 شراب تخم شجره مصطکی شندل تخم الزمب غسل قفر البهود و قصب لذرہ
 قشور کندر کسسه قشور آتج کرنب لکن جاو شیر مرکب مصطکی لنبج العنکبوت
 خشک در درجه سوم افاقیا انیسون اسارون شنتین اہل ایتھون اصل السایون
 اطراف کرنب خشک اصل قنطاریون برگ و تخم فنجکشت لبان پوست عود
 سوزنہ پوره بلوط جلنا خامس آتج حب العلیق حکایت حصص خر لبقین
 خشی محرق و آتش شحان و شن راد و قشور قصب راد و حذران بری روغن ترب
 زوفا برطان محرق سیلخه سر و سد ابستانی سماق سرکه شیح ارمنی محرق شب محرق
 شونیز شراب کمنہ شجر بلوط شجر محرق صغیر صوف محرق غار فوئج نری قرا
 فاشیرین فطر السالیون فاونیا قیصوم کردیا کدش بری کما در یون کما فیو
 مر مرزنجوش مشکطرا شیح آتج لظرون لچ ورق غار یتوب خشک در درجه

فوق هر دو ل سداب بری قطران گرم کرات محضه غیر لذع آذان لقا اصل سهد
اصل قطران لادن انزروت بیاض رفیق بیض برگ غریب و گل اود و عصاره
برگ اود با قلاب نج نیلوفر بسفایج تویتا تخم انجیره و زرن اود و ترس تلخ جاو رس
چسب اجزا و شجر سر و جمیع انواع طین حب الصندوبه و ردوی عصاره زیتون سیون
قشور جوز محرن کثیر الحینه الطمیس لسان الحمل شرطب یعنی تر در در جداول گ
هفتشده حصص خصیتا الشعلب تخم زعفران گل عصاره سیون قطران کاهو لسان الثور
شر در درجه دوم لقله یانیه لقله الحما بطنج سریق طحلب تسریع شمش اود و یه ل
مائل اما قیا انزروت بزر قطران بر سیاه و لقله الحما لقله یانیه برگ هفتشده
خشک خشخاش و لبن و لب و دم الاخون برصاص سریق شوکران شجر حور طحلب
قطران بستانی کدو کاهو لسان الحمل نامیتا شمش و رقی علیق سیاه در
گرمی و سردی اصل غشی سیاه و شان با قلاب محض حب صندوبه و خصیتا الشعلب
زیت عذبه زیتون خیرس شمع شجر مصطکی طین طوس طین سابوس عدس
فا و انیا عصاره سیون فاشرا قشور لریج مردخج لیبون سیاه در تری خشک لعل
جوه ضا و خصیتا الشعلب زیت عذبه فخرات یعنی اودیه که بخوابانند حسن حرکت را
افین اسبند اصل الملاح اذراقی اصل الذریت تخم موته جنگلی تخم و جرتنا که
جوز مائل سراج القطر یعنی شوکران قنب کاکج کندر لعن الجیل لونگ کاکج برنج
مسلمات صفرا اجاص استنین هفتشده خشک تر تندی و خجرتین خیار شمشیر
سقمونیا شاهر شیرخشت شبرم صبر گلکسج لبلاب با فربون لبلیه زرد مسلمات
بالخ بسفایج شرب حب الجیل محمل فرقیون تخم غلیظ غلیظون قشور یون قشور
مایه برنج مایه وانه مسلمات مسودا افیتون آمل اسطوخودوس بالنگو
بسفایج شجر لازورد و سنا غلیظون کثوث لبلیه کاکلی مقیات یعنی اودیوتی آرزو

موتی بوزیدنی
سکاسنام
ایستادان فخریست
سینل سنبهلو
اما - بلایان زانین
سر سونف
استیج
مغنی سبیدیه

۱۱
سکا سرگه نظر
ن علی الدین
سون سغدیہ
دوبل
بسن کمار
نسخ سفیدہ
سو تو ساکھو
برخیز جنگ ساز
ساتھی ساتھی
سوار خوش
لمی سپوت

فرض سوید که در این راه پدیدار شد
مکانی بی نام و نشان است

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشآت اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجکشت تخم کدو چاود
حماا دار قاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جلیل سعد سداب شربت نارنج عود عود
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و منفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیمین بسفایج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سبیل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عود عود عود مشک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نارمشک نناع نارنج
درق نقره ورق زرد بلبک یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواحب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخرو پوست ترنج بلبک بالنگو جوز بواچینی زرد فساد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مشک
مشک طر اشبع نناع بلبک مبهتات انگور انجیر رطب بسا به بهضه کبریا مشک
ولیک با قلا بهنیرایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیرینش فندون شستق قرقه سطل
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنجشک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جلیل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد و باراسا کن کند انیسون اسفیداج سیطر

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشآت اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجکشت تخم کدو چاود
حماا دار قاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جلیل سعد سداب شربت نارنج عود عود
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و منفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیمین بسفایج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سبیل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عود عود عود مشک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نارمشک نناع نارنج
درق نقره ورق زرد بلبک یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواحب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخرو پوست ترنج بلبک بالنگو جوز بواچینی زرد فساد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مشک
مشک طر اشبع نناع بلبک مبهتات انگور انجیر رطب بسا به بهضه کبریا مشک
ولیک با قلا بهنیرایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیرینش فندون شستق قرقه سطل
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنجشک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جلیل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد و باراسا کن کند انیسون اسفیداج سیطر

المنشآت اودیه که اورام و صلابات الضعیف و هندی الملک ایرسا اوجیزیک
خطی زعفران صمغ بطم کرب لادن تر میوه موم داسنگ منشآت اودیه
که نفخ ویرج را بشکند و تجلیل بودا قیسون آفتیمون بسا سنجکشت تخم کدو چاود
حماا دار قاضل زیره زنجبیل زراوند زرد فساد سداب سعد صغیر فاضل قردمانا کند
کر نس نامخواه مقویات و ماع آبلج الفخضان بلادر بندق بالنگو بهار سداب
بهار امرو و دماغ حیوانات روغن جبهیز جلیل سعد سداب شربت نارنج عود عود
غالبه قرقفل کند گل سرخ لیمو ترنج لیمو و جاج لیمو دراج کین ضان مارا لور و مشک
نسرین یاسمین مقویات گل و منفرحات آن آمرو و انار شیرین اسطوخودوس
آترج ابریشم آمله بهنیمین بسفایج پوست ترنج به تسد بالنگو بادروج ترندی جودا
دارچینی درونج رساس زرد فساد زعفران سداب سوسن سبیل سعد سلیمه شفاقل
صندل طباشیر طین مخموم عود عود عود عود مشک فادانیا قاقله کبریا کافور گاو زبان
کشیز خشک گل سرخ لولو لانا زرد و دمنور و غام نیلوفر نارمشک نناع نارنج
درق نقره ورق زرد بلبک یا قوت مقویات کبد یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماا جوز بواحب البلسان دارچینی غافث قرقفل قرقشوت مصطلک نارین
مقویات معده آمله آخرو پوست ترنج بلبک بالنگو جوز بواچینی زرد فساد
سلیمه سماق سترجل سانج هندی طباشیر قرقه قرقفل قاقله گل سرخ کندر کبریا مشک
مشک طر اشبع نناع بلبک مبهتات انگور انجیر رطب بسا به بهضه کبریا مشک
ولیک با قلا بهنیرایه شتر جرجیر جلفوز جبهه الحضر احب الکلم ملکیت خولنجان
دارچینی زرد فساد زنجبیل سورنجان سقنقور شفاقل شیرینش فندون شستق قرقه سطل
کدو کر نس کبج کثیر الویا مغر دماغ کنجشک و بره مغر یا و ام مغر جزو مغر یا جلیل
یاسون مسکات اوچاع اودیه که ورد و باراسا کن کند انیسون اسفیداج سیطر

[illegible]

تخت عبارت از اجناس هر دو است که همواره در هر کسر تحمل اطمینانست و در اول این
تقین مقدار خوردن هر دو است که احتمال آن در آن موقوفست بر تقین وزن
چند مشهور مثل اسطابق رساله و از آن سیر محمد بن استرآبادی مثلاً حقیقه که میانه
نشود و جو سیاه قیراط چهار جو گهو گنجی که بفارسی سرخ و بندی رقی گویند یک
سیاه که عبارت از هشت برج باشد ماشه هشت سرخ توله دوازده ماشه شانک
چهار باشد و آنک و دافق چهار سرخ و سدس سرخ و درهم و درم سه ماشه یک
سرخ مثقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یکینم توله و دو
اوقیه و و قیه هفت و نیم مثقال ظل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبی
چهل ستارست مصلح دار و یکله ضرر وای دیگر باز دارد بدل و آنکه هرگاه در
دوایی باشد که بهم نرسد وای دیگر قائم مقام آن میدانند و قول کلی در بدل
آنست که اگر وای یافته نشود بدل ثمر او وزن آن پنج وی بود و بدل رقی و
و آنک وزن آن تخم او باشد پس از تخم رخ و از شربت ش و از مصلح
و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بیانکه اسامی ادویه
اشتباه علامت ترقیم که از آن حرف نخستین مرادست و تنسیق که اشارت
بحرف ثانی که متصل نخستین است و تنسیق که ایما از حرف اخیر کلمه است
گردانیده عبارت کثیر را با اشارت قلیل بنمونه گشته سافت دور و دراز بر
جوینندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت ترقیم الهی و تنسیق الهی
و تنسیق السین المهمله آغشیش مشقی و مصری و جبری بفتح همز اول و
ثانی و سکون را و مهمله و کسین مجمه و سکون تختانی و سین ممله با جمعه ف
ز رشک طرح ای ۲ ینهمه اللامه آطریلال یونانی بفتح همز اول و ثانی که طار
مهمله در و مهمله و سکون تختانی و لام و الف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین

1a

1a

کتابخانه عمومی

از زمان که ستم
 کرد و دواست
 استحال می
 آنست که در
 کنند و رفت
 مفرق آنست
 که از این
 مفرق است
 یاد یکدیگر
 از آن دور
 و دور

مکلف گفته بعد از آن که بخواهید شایسته و برابرتان که در این ایستگاه استعجال طریق دیگر را محقق کنید

گرم و خشک و سبیل و نصف وزن او پوست اترج تمیق النون آبرون بهراول و بی بدین

وسکون ثانی و ضمیر و ممله و سکون و او و نون ع حی العالم آکون بهراول و سکون
 ثانی و ضمیر کاف فارسی و سکون و او و نون هم نشا سته کیهون کابیر تمیق الواو
 آتوت بهراول و ضمیر ثانی و سکون و او و هم کل نیلو فر تمیق الهاء ابرار القطع ع
 بفتح اول سکون ثانی و ممله و الف و ضمیر و ممله ثانی و سکون لام و ضمیر قاف
 و طاء و ممله شد و و فطار یام تخم حی العالم ابره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
 و ممله و انهار باج خیابری و تیر کی تو غدره ابره هیچ بکسر اول و سکون ثانی و
 کسر و ممله و تها و سکون تختانی و کسر و فتح تختانی ثانی و دها و ابره میهنه نیر گویند
 ف ابره پست مانند زیره باج طمع آکامه ف ترشی نان ست که آب و رقیق
 کاهارنده کاجی آکینیه بهراول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون تختانی
 و فتح نون و ممله مخفی ف شیشه کاجی ابن جبع بکسر اول و سکون ثانی و ضمیر ف
 و فتح حاء و ممله و موحده مشدود و هاء نان تمیق التختانی ابن اوی ع بکسر موحده و
 سکون ثانی و کسر نون و ممله و الف و و او و الف مقصوره ف شغال آبی
 ف بهراول و کسر ثانی و سکون تختانی ع سفر جل که بهی و نام نوعی از انگور طایفه
 آن مع ح بهراول اب ی تاوی درم م عمل و انیسون تنسیق الموحده
 فارسی و تمیق اللام ف ابل بفتح اول و موحده فارسی و سکون لام ع
 طرائث طب حی ساق قابض و مقوی کبد و موحده ص در بابیه شکرش
 نادر و درمل ثلث وزن آن محض و در ثلث آن قوط و نصف وزن آن قشر
 بیض محرق خنیزر و تمیق النون البان ف بفتح اول و سکون ثانی و فاک
 باسین ممله و الف و نون م سنگ فشان ع تمیس آپیون بفتح اول و سکون
 ثانی فارسی و ضمیر تختانی و سکون و او و نون هم انیسون طب ۴ و گویند ۱۲

گرم و خشک
 سست و دردم
 گویند و گوشت
 او سرد است
 در بهراول
 اترج کوهی
 ابل بکسر
 بیاض
 پیازی سرد
 گویند
 ۱۸
 بهراول و سکون
 سست و دردم
 لکاح ص
 بهراول و سکون
 سست و دردم
 بهراول و سکون
 سست و دردم

گرم و خشک و سبیل و نصف وزن او پوست اترج تمیق النون آبرون بهراول و بی بدین

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و
 انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و
 سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است
 سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار و بد تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم
 اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا
 بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و
 سکون لام و بقلون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان
 اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 معجم و سکون سیم و بازو تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و راس لافعی تنیق الحاء آخر و
 بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و
 و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و
 بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم اورک ق بلین او و او و
 بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و درخت کرد و انطرحی م آن نجاف و
 اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف اورک بکسر اول
 و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و چه و بفتح اول و را و مهمل
 زنجیل تر تنیق النون اوسن و بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون
 م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و
 سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و فار و اژگون که چر چر
 تنیق الیاء التختانی آنرا سه تنیق اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و
 و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و باهی که کلا طحی م ق مخدر و کسر

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار و بد تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون لام و بقلون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح معجم و سکون سیم و بازو تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و راس لافعی تنیق الحاء آخر و بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم اورک ق بلین او و او و بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و درخت کرد و انطرحی م آن نجاف و اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف اورک بکسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و چه و بفتح اول و را و مهمل زنجیل تر تنیق النون اوسن و بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و فار و اژگون که چر چر تنیق الیاء التختانی آنرا سه تنیق اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و باهی که کلا طحی م ق مخدر و کسر

محلل ورام آخر فتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون اول و انگشت افروخته و انگار تنیق السین المهملة اخینوس بفتح اول و سکون ثانی و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمل و خروینة نکالک پنج نباتی است سنیا به پوست که مثل کنول در تالابها و آبهار و بد تنیق الطله المهملة آخر لفظ کیم اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون تختانی و طار مهمل و فر سیون و گندنا بری که بن کا گندنا تنیق اللام اخیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون لام و بقلون است و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگینند و زبان اهل گیلان داده گویند تنیق السیم آخر م و بفتح اول و سکون ثانی و فتح معجم و سکون سیم و بازو تنیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تختانی و سکون و او و نون نباتی است و راس لافعی تنیق الحاء آخر و بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را و مهمل و سکون و او و فتح سین مهمل و خوار با و و صرف گندم شتی که بن گهون تنیق الدال المهملة و تنیق اللام او و بعد اول و ثانی و فتح دال مهمل و الف و زنجیل ترم اورک ق بلین او و او و بفتح اول و دو و دال مهمل و و و الف و درخت کرد و انطرحی م آن نجاف و اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره و پنجه تنیق الکاف اورک بکسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را و مهمل و سکون کاف و آ و چه و بفتح اول و را و مهمل زنجیل تر تنیق النون اوسن و بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون م مشک خالص و از و تنیق الحاء او و جاره بعد اول و کسر ثانی و او و را و سکون تختانی با جیم و الف و فتح را و مهمل و خوار با و فار و اژگون که چر چر تنیق الیاء التختانی آنرا سه تنیق اول و ثانی و الف و را و مهمل و الف و و کسر ف و سکون تختانی و ف و کس و باهی که کلا طحی م ق مخدر و کسر

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر
 البشیر تارة درون بادم ادوی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او وحتاتی
 مجهول تبرکی اکبر کونینج و ج هج تنسيق الذلال المعجده و تینق الباء المعجده
 اذان اللایب بد اول و ذال حجه و الف و ضم نون وسکون لام و فتح نونه وسکون
 راء ممله و فتح نون ثانی وسکون موحده م نوعی از لسان الحمل و ورق آن پین تر
 ان اذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدبج بضم دال ممله مشهور
 وسکون موحده م بوضیف گوش خرس تنیق الذال الممله اذن العیج بضم
 وسکون لام و فتح عین ممله وسکون موحده و دال ممله م نوعی از عیسی الرائی نینق
 الاء الممله اذان الفاع بسکون لام با ف و الف و راء ممله م مرزنگوش
 مرزنگوش که چو به کنی طاح از خرج بکسل اول وسکون ثانی و کسر فاء و سکر و سکر و سکر و سکر
 و کور گیاره و گیاره کنی که کند بیل و گنده راج و راج پنهنس و رده پنهنس طاح ی ۲
 ق مفتوح بلطف قابض و حمل و تقوی موحده م باریک سخت خوشبو شنیدر ممله
 ص بکلات ستن و صندیل بوسیدن بل نبح اوباقصیل لذریه یا وزن او سنبلی و
 شن وزن زعفران تنیق السین الممله اذان القسین ع بسکون لام و فتح فاء
 و کسر سین ممله وسکون تحتانی و سین ممله ثانی م نوعی از جی العالم اذ یاس بد اول
 و ضم ثانی وسکون راء ممله و یا و تحتانی و الف و سین ممله ف صمغ سداب کوبی
 تنیق اللام اذان الغزال بسکون لام و کسر عین معجده و راء معجده و الف و لام ثانی
 م نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء و سکون تحتانی و لام ف پیلگوش
 و لوف و گویند ریخان و ادوی مرزنگوش و اذان الفاع عین ست و سبق الغنایم
 گوینده برگ درخت ساگون اذ ناب الخیل ع بفتح اول وسکون ثانی و نون
 و الف و ضم موحده وسکون لام و فتح فاء و حجه و سکون ثانی و لام ثانی ع لحیه التیس
 فل سلج و درخت سرس یا درخت بلر تنیق النون اذ ارامون بد اول ثانی و

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر
 است از گویند
 راسن
 جنت و پهن
 است و گویند
 نبح که سکر
 سکر که سکر
 رفاقت
 کور گیاره
 و ان و
 کات گویند
 ۲۲
 حاکم
 انشا و السعدی
 و بدل آن بون
 انچه است
 کور گیاره
 کور گیاره
 کور گیاره

قنن لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر لکون سر

در اول سطر اول
 الف م بر او نود طول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م بر کایا اربینا بفتح اول و سکون
 م بر کایا و سر م و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سناه بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اربینا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و خت منو بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و منخ تنیق الدال المهملة ار شده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و ف پنجگشت ه سینه الوار شده
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اربود و بضم اول و سکون ثانی و ضم ییم و سکون و او و ال ممل
 م اربود و ط ب دق سکون حرت صفر او خون با قوت قابضه ار شده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل هندی ریندی و ف سید خیر اربید برید و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیر و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة از زج بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع و ف
 کسج و بر ج ه چاول طح ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف منفذی خ سفید
 ص شیر تاره بار و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جادری از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی ع رصا
 م قلعی ه اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

در اول سطر اول
 الف م بر او نود طول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م بر کایا اربینا بفتح اول و سکون
 م بر کایا و سر م و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سناه بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اربینا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و خت منو بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و منخ تنیق الدال المهملة ار شده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و ف پنجگشت ه سینه الوار شده
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اربود و بضم اول و سکون ثانی و ضم ییم و سکون و او و ال ممل
 م اربود و ط ب دق سکون حرت صفر او خون با قوت قابضه ار شده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل هندی ریندی و ف سید خیر اربید برید و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیر و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة از زج بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع و ف
 کسج و بر ج ه چاول طح ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف منفذی خ سفید
 ص شیر تاره بار و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جادری از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی ع رصا
 م قلعی ه اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

در اول سطر اول
 الف م بر او نود طول اگر کایا بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و سر
 کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م بر کایا اربینا بفتح اول و سکون
 م بر کایا و سر م و سکون تحتانی با نون و الف م نو شاد را ط و سناه بفتح اول
 و ضم ثانی و سکون و او یاسین ممل و الف م بان تنیق الباء الموحدة و اربینا
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و صوره و بر کوی تنیق الدال
 الطوقانی از زج بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء و جمع و سکون نو قانی و ف
 و خت منو بر بی بر طح ی ۲ گویند ج ای ۲ تنیق الجیمه ارج و بفتح اول
 و سکون ثانی و جیم م کر گدن و منخ تنیق الدال المهملة ار شده بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح شلم و سکون دال ممل و ف پنجگشت ه سینه الوار شده
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و جمع و سکون ال ممل م قرشیشا و حجر النور
 طح ی ۲ اربود و بضم اول و سکون ثانی و ضم ییم و سکون و او و ال ممل
 م اربود و ط ب دق سکون حرت صفر او خون با قوت قابضه ار شده بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و دال ممل هندی ریندی و ف سید خیر اربید برید و ف
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و دال ممل و فتح موحده و کسر و ممل ثانی
 و سکون تحتانی ثانی و دال ممل ثانی اسم فارسی است و دالی است مانند صیاد
 شکافته که از سیستان خیر و تنیق الزاء المهملة ارف بفتح اول و سکون ثانی
 م گنجاره که کل تنیق الزاء المهملة از زج بضم اول و ثانی و سکون راء و جمع و ف
 کسج و بر ج ه چاول طح ی ۲ گویند مع گویند ج ای ۲ ف منفذی خ سفید
 ص شیر تاره بار و غن یا سل و شکر سرجل یست جو یا جادری از زیر و ف
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر زای و جمع و سکون تحتانی و زای و جمع ثانی ع رصا
 م قلعی ه اکت که تنیق الزاء الفارسی از شریف بفتح اول و ثانی و سکون

د. محمد عیسیٰ

کلیه را به نوبت اعیان مقتدر است علامه

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ البیاض استین و می
 ست بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و م فلفل و انار ششی و جنگلی انار سیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر میم و یا تحتانی و الف و ف توشاور تمیق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و م اسر و دار و شیرار و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 با دال ممله ثانی و الف و راء ممله و واد و ف نوعی از مرقع تمیق الحاء اراه
 رومی بفتح اول و ثانی و هاء مصطلکی ارجقینه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 جیم و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و هاء و ارجقینه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریره اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و حقا
 م زفت و آن خیر است شبیه لبطران که از درخت منو براه حاصل شود و
 مشو برنده آن است که برنده را روانه و بفتح اول و سکون ثانی و واد
 و الف و فتح نون و خفاء هاء نوعی از شیر تمیق التحتانی اردن ثانی یونانی
 بکسر اول و فتح ثانی و سکون دال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ البیاض استین و می
 ست بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و م فلفل و انار ششی و جنگلی انار سیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر میم و یا تحتانی و الف و ف توشاور تمیق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و م اسر و دار و شیرار و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 با دال ممله ثانی و الف و راء ممله و واد و ف نوعی از مرقع تمیق الحاء اراه
 رومی بفتح اول و ثانی و هاء مصطلکی ارجقینه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 جیم و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و هاء و ارجقینه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریره اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و حقا
 م زفت و آن خیر است شبیه لبطران که از درخت منو براه حاصل شود و
 مشو برنده آن است که برنده را روانه و بفتح اول و سکون ثانی و واد
 و الف و فتح نون و خفاء هاء نوعی از شیر تمیق التحتانی اردن ثانی یونانی
 بکسر اول و فتح ثانی و سکون دال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

دراد و در هر یک از اینها
 در اول بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و سکون نون نام علم است
 و حسن و صید و بزرگ و فارسی و درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و سین ممله و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف
 و سکون نون نون ثانی و ف زرنج زرده پرتال ارسقیلون بفتح اول
 سکون ثانی و فتح سین ممله و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم لام و سکون
 و نون م ارسانیقون ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون
 و ف خاه هندسی اریانیقون بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله و کسر
 و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واد و نون ثانی و ع بزرگ البیاض استین و می
 ست بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی و نون
 ثانی و م فلفل و انار ششی و جنگلی انار سیان بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر میم و یا تحتانی و الف و ف توشاور تمیق الوار و بوف بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واد و م اسر و دار و شیرار و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح ذال ممله و کسر سین و جمع تحتانی و سکون راء ممله و الف
 با دال ممله ثانی و الف و راء ممله و واد و ف نوعی از مرقع تمیق الحاء اراه
 رومی بفتح اول و ثانی و هاء مصطلکی ارجقینه بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 جیم و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و هاء و ارجقینه بخا و جمع و فائز گویند
 و ف زریره اسپرک از زرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاویه و حقا
 م زفت و آن خیر است شبیه لبطران که از درخت منو براه حاصل شود و
 مشو برنده آن است که برنده را روانه و بفتح اول و سکون ثانی و واد
 و الف و فتح نون و خفاء هاء نوعی از شیر تمیق التحتانی اردن ثانی یونانی
 بکسر اول و فتح ثانی و سکون دال و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و

ازین یعنی خجست باو ام کو بیست و در کوستان پارس بیشتر جای می گیرند
شود و نیز نوعی از طب که بغایت شیرین و لذیذ باشد از در و بفتح اول سکون
ثانی ذفتح و او سکون را و هم له شیرازی اندوه قوتوم جند قوتونی تینق الفاء
از و ف بکسر اول سکون ثانی ذفتح و ال هم له و سکون فاسیوه البستخ
رنگ که اکثر و شوره زمین شود هم کو تینق الکاف الفارسی از رنگ ف
بفتح اول سکون ثانی ذفتح و او سکون ذون م خیار تینق الکاف
از و ف بکسر اول سکون ثانی و کسر عین م جمعه مشق تینق الیم
از و ف بفتح اول و ثانی و الف و سکون را و جمعه ثانی و فتح و ال
هم له سکون یم م لو بیات تینق الزا الفارسی از و ف بفتح اول و ثانی فاء
و خفار یا م آهک ع کلس و نوره تنسین السین هم له استخوان با ف
بضم اول و سکون سین هم له و ضم فوقانی و خا و جمعه با و او معد و ال و سکون
ذون و ضم را و هم له با و معد و الف ثانی م طائر بها استرخا و ثانی بضم اول و
کسر نون و گویند بفتح و سکون سین هم له و ضم فوقانی و سکون را و هم له و خا و جمعه
و الف و زنج سرج و مسلسل استرخا و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و هم له و کینه و ضم خا و جمعه و سکون را و هم له با یم و الف م تخم خرقاق سوخته او
بجفت قروح اسهول بفتح اول و سکون ثانی و ضم یم و سکون او با یم
هم له و الف و نوعی از سر و گویند گذری تینق الموحدة اسرج بضم
اول و سکون ثانی و ضم را و هم له سکون موحده م سرج سیاه تینق الفوق
اسپست بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون سین هم له ثانی
و فوقانی ع فصفه م رطب است و بفتح اول و سکون ثانی م شتر و خج و
استخوان آدمی و سایر میوه تینق الجیهه بفتح اول و سکون ثانی

سودا و حفظان
عربست
اسهلان در
اسهل تربید
برای یاد و عاشق
دو گویند هست
اردو گویند
بدل و بیفای
ست و غم
فصل



افغون
ننځوځي
سپهه
دودوځي
دودوځي

از روی
تواریخ
مستوفی
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

و کسر را و همله و سکون نون و جیم گیمای مستحق لحنه القیاس طبعی است
 حاکم و دریل اسیرج ع کسر اول و سکون ثانی و کسر را و همله و سکون نون
 و سرخ و شکرف را ولی که سند و رویند و رطاب ای ۲ ق مجفف خ
 بسیار سرخ ص سفید با جات ل سفید اج پام و اسنگ اسفنج کسر اول و سکون
 ثانی و فتح لام و سکون نون و جیم ع لحنه القیاس سفید ع کسر اول و سکون
 و فتح فا و سکون نون و جیم ف ابر مرده و ابر کمن و گویند حیوان دریایی است
 بدان سبب که چون است برو نمی خورد و اگر کشند و قتی که میرد آب و پیرا بر سال
 اندازه موا بادل طح ای ۲ ق مجفف مجلی خ تازه ش یکدم ص ر بصر
 با فانیل قرطاس سوخته اسفید اج ع کسر اول و سکون ثانی و کسر فا و تحتانی
 همول و وال همله و الف و جیم ف سفید اس از بر و سرب ه بگ طبعی
 گویند ۳ ق مجفف و سکون و جاع خ پاک سفید خوشبو ص اسفید ص صاص قند
 و صغ حری و شورایی حریبل خبت الرصاص بام و اسنگ تنیق الطاهر الجهد
 اسفنا خ ع کسر اول و سکون ثانی و فا و الف و نون و الف ثانی و فا و جیم
 ف اسپا ناخ ه ساگ پاک طاب ار گویند مع ح ب ق ملین ش بقدر
 حاجت ص فلفل و داجینی و آب کاسه ل کد و یا بقله یا نیله سود و اسفنج و فتح اول
 و سکون ثانی و فتح و او و وال همله سین همله و الف و کسر لام و سکون ثانی و جیم
 و مار سیاه ه کالا ناگ تنیق الدال همله اسفنج نون و کسر اول و سکون
 ثانی و فتح فوقانی و جیم و او و محد و الف و سکون نون و فتح را و همله و سکون
 نون ثانی و وال همله حای استول کنده کسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
 و انهار با و سکون و او و لام و فتح کاف و فخار نون و سکون ال ایضا که اگر کشند
 اسفنج و فتح اول و ثانی و ف شیوه با گله اسفند و فتح کسر اول و سکون ثانی و فتح فا

ماہرست
ریخت نامہ
دائن خمسہ
محصلہ ترقی
اقاقیا
نیشاپور

49

لا یم ابرو و دیا
 کشته گویند
 ببول و لک
 چالینوس گوید
 صبح او است
 سرد است
 در درجه دوم



نامشکل اول در الیون
 وضم را در جمله و واو مجهول می است کویک مانند جیشک بر سران چند بر بلند باشد
 مثل شایخ قطاه اسفند اسفیدم خورل سفیدم تخم سپندان اسبند
 طحی سیاق مخدر تینق الواء المهمله استزارف بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی ورا ومله الف ورا ومله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول و سکون
 ثانی وضم غیرین بجمع فارسیست که شایب اسفند قورج بکسلر اول و سکون ثانی و
 فتح قاف و سکون نون وضم قاف ثانی و سکون واو ورا ومله مقنقور
 ریگ ماری وندک شتی کایت مپکلی اسراف بداول وفتح نیر و سکون ثانی
 ویر و الف ورا ومله م وخت مورد آسمندرف بفتح اول سکون ثانی وفتح
 میسم سکون نون وفتح و ال هلمه مهنده آگ کاکیرا اسیرع بضم اول و سکون ثانی
 و سکون تحتانی و کاهص که کانل طب التینی السین المهمله
 اس ع بداول و سکون بین مهمله ف نام وخت مورد که آنرا اسما گویند و
 آنرا حسب الاس گویند و شکوفا آن خوشبو شود و هر کس که آنرا میوید و خواب کند
 محکم گردد و اسبوس ف بکسلر اول و سکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
 سکون واو ع بزر قطن نام بگو که اسفول اسطلس یونانی بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی و سکون طاء ومله وفتح لام م فقر الیه و ضمیریت چون مویانی
 اسطر واطوس یونانی بضم اول و سکون ثانی وفتح طاء ومله و سکون را ومله میسم و
 الف وضم طاء ومله ثانی و سکون واو ف اسبند اسطوخودوس و می ضم اول
 و سکون ثانی وضم طاء ومله و سکون واو وضم خا وجر و سکون واو ثانی وضم ال
 ومله و سکون واو ثانی از جزیره سخاوس نخیز و موافق الارواح نیز گویند
 م شاه سمر رومی که دیار گویند می طح ای ۲۰ لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خنده سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

نامشکل اول در الیون
 وضم را در جمله و واو مجهول می است کویک مانند جیشک بر سران چند بر بلند باشد
 مثل شایخ قطاه اسفند اسفیدم خورل سفیدم تخم سپندان اسبند
 طحی سیاق مخدر تینق الواء المهمله استزارف بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی ورا ومله الف ورا ومله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول و سکون
 ثانی وضم غیرین بجمع فارسیست که شایب اسفند قورج بکسلر اول و سکون ثانی و
 فتح قاف و سکون نون وضم قاف ثانی و سکون واو ورا ومله مقنقور
 ریگ ماری وندک شتی کایت مپکلی اسراف بداول وفتح نیر و سکون ثانی
 ویر و الف ورا ومله م وخت مورد آسمندرف بفتح اول سکون ثانی وفتح
 میسم سکون نون وفتح و ال هلمه مهنده آگ کاکیرا اسیرع بضم اول و سکون ثانی
 و سکون تحتانی و کاهص که کانل طب التینی السین المهمله
 اس ع بداول و سکون بین مهمله ف نام وخت مورد که آنرا اسما گویند و
 آنرا حسب الاس گویند و شکوفا آن خوشبو شود و هر کس که آنرا میوید و خواب کند
 محکم گردد و اسبوس ف بکسلر اول و سکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
 سکون واو ع بزر قطن نام بگو که اسفول اسطلس یونانی بکسلر اول و سکون ثانی
 وفتح فوقانی و سکون طاء ومله وفتح لام م فقر الیه و ضمیریت چون مویانی
 اسطر واطوس یونانی بضم اول و سکون ثانی وفتح طاء ومله و سکون را ومله میسم و
 الف وضم طاء ومله ثانی و سکون واو ف اسبند اسطوخودوس و می ضم اول
 و سکون ثانی وضم طاء ومله و سکون واو وضم خا وجر و سکون واو ثانی وضم ال
 ومله و سکون واو ثانی از جزیره سخاوس نخیز و موافق الارواح نیز گویند
 م شاه سمر رومی که دیار گویند می طح ای ۲۰ لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خنده سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

شاه سمر رومی که دیار گویند می طح ای ۲۰ لطف نصیح مسک
 سودا و متوی وفتح حل خنده سرج خایل بسیری تلخ خریف من از جرم او

و در دم تا ناله درم و در مطبوع تا هفتصد و پنجاه و یک و گویند حاملان بار زود
یا سنجبین و گویند عقل فراسیون یا مرزبان یا فیضیون نصف وزن و نیم وزن یا
استیوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاء و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمل
ع ب ز قطوف ناف بنگو که استیاقس بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف
و کسر قاف ثانی و سین مهمل م نوعی از اکلیل الملک طح سی ۲ استوریوس یونا
بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر اول و سکون تحتانی و ضم اول
مهمل و سکون واو و ثانی ف پتیر یا یه استوریوس یونا بی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف
و سکون واو و ضم لام و سکون واو و ثانی یخی ست م خشی ف گیاره ششم ه شش
کا کمانس ح ی استیوس بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمل
ثانی سنگی ست سبک که زود در زبان شود و از نرم و پاک بروی بند و آثر انهره سبک
خو اندک نمک چینی که چین کالون طح سی تنیق الضاد المجد آسمان الارض ع یق
اول و ثانی و ضم دال مهمل و سکون لام و فتح هزه ثانی و سکون راء مهمل و ضاد و جمعه الضا
ع حراف یو قلمون که گرگ و باصطلاح کمیگران سیل تنیق الکاف است
که بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و راء مهمل و سکون کاف ع اکلیل الملک
وزیر استخوان رنگ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و فارسی و با و و سحر
الف و سکون فون و فتح راء مهمل و نون ثانی و کاف م های تنیق الکاف لهاد
استرنگ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمل و سکون نون ع بیروج ف
سروم کیا هی که منا لکننی تنیق اللام ا ب بول ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح هزه
فارسی و ضم خازمه و سکون واو و لام م بچال مرغان استقیل ع بکسر اول سکون
ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و لام ف پیاز و شتی که کانه طح سی ۲ گویند
ق مقطع محلل ملطف مفرح مخ مشوی کش کیشقال ص حامل یا شیر تازه که در عقیش

است آملی
کاشند می آملی
گویند حکومت
خود و برادر
که است در
و در میان
و در آن
سند و

۳۱
بیشترین بگوشتانند
و یکدیگر وسعت
بهر از این صافی
کنند و بگوشت
در چشم بکارند
سفیدی را که
در چشم بود
ناخن یکدیگر را
موجب است

پیشرو عالم در علم و ادب
در بلاد و دیار
که خواست
در انواع زبان
که گوید
که آئینست
در انواع
از انواع

[illegible]

در روز اول آن
شیت و گویند
که ریاست
بخیر میوه
معروف
بخیر و دشتی
نوی از دست
که اندیش
که تو بر گویند
اندر دست

[illegible]

گروه در پیش
جای گرفت
و گشتن مشغول
در دوشین شد
دور از

FF

بیشتر و نفوس آفاق بیشتر و حیض از بعد از پیش که عیادت در فضیلت شریک هر دو مناسب

[illegible]

در این کتاب که در علم الفقه است
 سوره فنجانی که سرش در جراحی ۲ تنهقی الفوقانی اصابع الفقیات
 ع لفتح اول وسکون ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وسکون لام فتح
 فاء کسر فوقانی وفتح تحتانی والفاء وفوقانی ثانی ف التشت کثیر کان وآن
 فمخوشک است یعنی بالنکوی خورده تلسی اصل الذرت ع لفتح اول وسکون
 ثانی وضم ولام وذل معجمه مشد وفتح را ومله بشد وسکون ثانی فوقانی فنج غله
 جوار طبی و مخدر تنهقی الجلیع اصل البرایانج ع بر ومله مشد والفاء
 ورا وجمه و تحتانی والفاء ثانی وفتح نون وسکون جیم فنج بادیان که سولف کی
 جری تنهقی الحاء المصمده اصل اللفاح ع لضم لام و تشدید لام ثانی مکسور فاء
 مفتوح والفاء و حاطی هم بیر و ج ف سانبیک که لکسنا لکنه فی مخدر تنهقی
 الواح المصمده اصابع صنف ع لفتح اول ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وکسر
 ممله ثانی وسکون فاء ورا ومله ف کف میریم کف عایش طح ی ۲ سعد و
 هزار چنان اصل الجاوشیر ع جیم و الف و او و کسرین معجمه وسکون تحتانی ف
 پنج گاوشیر اصل الکبر ع لفتح کاف و موحده ورا ومله ف پنج کبر اصل البور
 ع لفتح لام مشد و ثانی وسکون و او و ضم را وجمه وسکون لام ثالث وضم میریم
 پنج با و ام تلخ که کروی با و ام کی جری اصل المرح لفتح اول وسکون ثانی وضم لام سکون
 لام ثانی وضم میریم فنج مرطح ی ۲ تنهقی السین المصمده اصابع هرس
 ع لفتح اول و ثانی وکسر موحده وضم مین ممله ورا ومله وضم میریم وسکون
 سین ممله ف کل سورنجان طح ی ۲ سورنجان اصل السوس ع لضم سین
 ممله مشد وسکون و او ف پنج مکه که ماهشی و مرطی طمع ح ب دی گویند
 بی اش یکدمه و دوم اصل الکرفس ع لفتح کاف ورا ومله وسکون قاف
 یکدکرفس که جمودی جری تنهقی الضاد المعجمه اصل السوس الابيض ع لضم سین ممله

در این کتاب که در علم الفقه است
 سوره فنجانی که سرش در جراحی ۲ تنهقی الفوقانی اصابع الفقیات
 ع لفتح اول وسکون ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وسکون لام فتح
 فاء کسر فوقانی وفتح تحتانی والفاء وفوقانی ثانی ف التشت کثیر کان وآن
 فمخوشک است یعنی بالنکوی خورده تلسی اصل الذرت ع لفتح اول وسکون
 ثانی وضم ولام وذل معجمه مشد وفتح را ومله بشد وسکون ثانی فوقانی فنج غله
 جوار طبی و مخدر تنهقی الجلیع اصل البرایانج ع بر ومله مشد والفاء
 ورا وجمه و تحتانی والفاء ثانی وفتح نون وسکون جیم فنج بادیان که سولف کی
 جری تنهقی الحاء المصمده اصل اللفاح ع لضم لام و تشدید لام ثانی مکسور فاء
 مفتوح والفاء و حاطی هم بیر و ج ف سانبیک که لکسنا لکنه فی مخدر تنهقی
 الواح المصمده اصابع صنف ع لفتح اول ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وکسر
 ممله ثانی وسکون فاء ورا ومله ف کف میریم کف عایش طح ی ۲ سعد و
 هزار چنان اصل الجاوشیر ع جیم و الف و او و کسرین معجمه وسکون تحتانی ف
 پنج گاوشیر اصل الکبر ع لفتح کاف و موحده ورا ومله ف پنج کبر اصل البور
 ع لفتح لام مشد و ثانی وسکون و او و ضم را وجمه وسکون لام ثالث وضم میریم
 پنج با و ام تلخ که کروی با و ام کی جری اصل المرح لفتح اول وسکون ثانی وضم لام سکون
 لام ثانی وضم میریم فنج مرطح ی ۲ تنهقی السین المصمده اصابع هرس
 ع لفتح اول و ثانی وکسر موحده وضم مین ممله ورا ومله وضم میریم وسکون
 سین ممله ف کل سورنجان طح ی ۲ سورنجان اصل السوس ع لضم سین
 ممله مشد وسکون و او ف پنج مکه که ماهشی و مرطی طمع ح ب دی گویند
 بی اش یکدمه و دوم اصل الکرفس ع لفتح کاف ورا ومله وسکون قاف
 یکدکرفس که جمودی جری تنهقی الضاد المعجمه اصل السوس الابيض ع لضم سین ممله

در این کتاب که در علم الفقه است
 سوره فنجانی که سرش در جراحی ۲ تنهقی الفوقانی اصابع الفقیات
 ع لفتح اول وسکون ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وسکون لام فتح
 فاء کسر فوقانی وفتح تحتانی والفاء وفوقانی ثانی ف التشت کثیر کان وآن
 فمخوشک است یعنی بالنکوی خورده تلسی اصل الذرت ع لفتح اول وسکون
 ثانی وضم ولام وذل معجمه مشد وفتح را ومله بشد وسکون ثانی فوقانی فنج غله
 جوار طبی و مخدر تنهقی الجلیع اصل البرایانج ع بر ومله مشد والفاء
 ورا وجمه و تحتانی والفاء ثانی وفتح نون وسکون جیم فنج بادیان که سولف کی
 جری تنهقی الحاء المصمده اصل اللفاح ع لضم لام و تشدید لام ثانی مکسور فاء
 مفتوح والفاء و حاطی هم بیر و ج ف سانبیک که لکسنا لکنه فی مخدر تنهقی
 الواح المصمده اصابع صنف ع لفتح اول ثانی والفاء کسر موحده وضم مین ممله وکسر
 ممله ثانی وسکون فاء ورا ومله ف کف میریم کف عایش طح ی ۲ سعد و
 هزار چنان اصل الجاوشیر ع جیم و الف و او و کسرین معجمه وسکون تحتانی ف
 پنج گاوشیر اصل الکبر ع لفتح کاف و موحده ورا ومله ف پنج کبر اصل البور
 ع لفتح لام مشد و ثانی وسکون و او و ضم را وجمه وسکون لام ثالث وضم میریم
 پنج با و ام تلخ که کروی با و ام کی جری اصل المرح لفتح اول وسکون ثانی وضم لام سکون
 لام ثانی وضم میریم فنج مرطح ی ۲ تنهقی السین المصمده اصابع هرس
 ع لفتح اول و ثانی وکسر موحده وضم مین ممله ورا ومله وضم میریم وسکون
 سین ممله ف کل سورنجان طح ی ۲ سورنجان اصل السوس ع لضم سین
 ممله مشد وسکون و او ف پنج مکه که ماهشی و مرطی طمع ح ب دی گویند
 بی اش یکدمه و دوم اصل الکرفس ع لفتح کاف ورا ومله وسکون قاف
 یکدکرفس که جمودی جری تنهقی الضاد المعجمه اصل السوس الابيض ع لضم سین ممله

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون

خدا و حمزه و بیخ سوس سفید که در روم و میان بنفشه میروید و مشهور است بنفشه
و گویند قسط شیرین تنیق الفاء اصل الاصفع بعد همزه و فتح صاد ممله و سکون قاف
بیخ کبر اصل اللوفع بضم لام و فتح ثانی و سکون واو و بیخ پیکوش طح ی
تنیق الکاف اصطک بفتح اول و کسره ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون
کاف ف میوه و گویند منحنی است که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون است
طح ی ۳۱ گویند حی ۲ تنیق اللام اصل التبولع بفتح فوقانی و فتح ثانی و سکون
نون و ضم موحده و واو مجهول و لام م ۳ بیخ پان کلمین اصل الفاضل ع کسره و ووا
و سکون هر دو لام و بیخ فلفل در از و فلفل و یه پیل سول ل را فلفل اصل النیل
ع کسره نون و فتح ثانی و بیخ حبیل النیل که کواد وری کی جط طح ی ل
تنیق النون اصطفین ع کسره اول و سکون ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون تختانی
و نون م ۳ سطین که مذکور شد اصل اللسن بفتح راء ممله شد و الف و فتح سین ممله و
نون و بیخ زخیل شامی گویند نوعی از فیلهوش است طح ی ۴ گویند اصل الباذل
ع یاء و الف و فتح زائجه و سکون راء ممله و ضم تختانی و سکون واو و بیخ نجشکشت
طح ی ۵ تنیق الهاء اصل الکشاع بضم کاف بشلک و الف و اظهار هاف بیخ کرس
اصول اللوحع بضم اول ثانی و سکون واو و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون راء ممله و
فتح موحده و سین ممله و هاف بیخ کاسنی بیخ رازینه و بیخ کبر و بیخ کرس تنیق النحت
اصابع الغداری ع کسره نین مجر و ذال مجر و الف و کسره راء ممله و تختانی و نوعی از
انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند که کالی واکمه طح و اصل الانجوان الخراسانی
ع بفتح همزه و سکون نین و ضم حیم با دال ممله و الف و کسره نون ثانی و سکون لام ثانی
و ضم خازجه یا راء ممله و الف و سین ممله و الف ثانی و کسره نون م ۴ شتر خاز اصل النحت

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون

در هر دو سکون و او فتح سین ممله ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح تختانی و سکون
خدا و حمزه و بیخ سوس سفید که در روم و میان بنفشه میروید و مشهور است بنفشه
و گویند قسط شیرین تنیق الفاء اصل الاصفع بعد همزه و فتح صاد ممله و سکون قاف
بیخ کبر اصل اللوفع بضم لام و فتح ثانی و سکون واو و بیخ پیکوش طح ی
تنیق الکاف اصطک بفتح اول و کسره ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون
کاف ف میوه و گویند منحنی است که از درخت روم حاصل میشود و گویند زیتون است
طح ی ۳۱ گویند حی ۲ تنیق اللام اصل التبولع بفتح فوقانی و فتح ثانی و سکون
نون و ضم موحده و واو مجهول و لام م ۳ بیخ پان کلمین اصل الفاضل ع کسره و ووا
و سکون هر دو لام و بیخ فلفل در از و فلفل و یه پیل سول ل را فلفل اصل النیل
ع کسره نون و فتح ثانی و بیخ حبیل النیل که کواد وری کی جط طح ی ل
تنیق النون اصطفین ع کسره اول و سکون ثانی و فتح طار ممله و کسره و سکون تختانی
و نون م ۳ سطین که مذکور شد اصل اللسن بفتح راء ممله شد و الف و فتح سین ممله و
نون و بیخ زخیل شامی گویند نوعی از فیلهوش است طح ی ۴ گویند اصل الباذل
ع یاء و الف و فتح زائجه و سکون راء ممله و ضم تختانی و سکون واو و بیخ نجشکشت
طح ی ۵ تنیق الهاء اصل الکشاع بضم کاف بشلک و الف و اظهار هاف بیخ کرس
اصول اللوحع بضم اول ثانی و سکون واو و ضم لام ثانی و فتح همزه و سکون راء ممله و
فتح موحده و سین ممله و هاف بیخ کاسنی بیخ رازینه و بیخ کبر و بیخ کرس تنیق النحت
اصابع الغداری ع کسره نین مجر و ذال مجر و الف و کسره راء ممله و تختانی و نوعی از
انگور سیاه و آنرا انگور زیتونی خوانند که کالی واکمه طح و اصل الانجوان الخراسانی
ع بفتح همزه و سکون نین و ضم حیم با دال ممله و الف و کسره نون ثانی و سکون لام ثانی
و ضم خازجه یا راء ممله و الف و سین ممله و الف ثانی و کسره نون م ۴ شتر خاز اصل النحت

اول و سکون ثانی بار اوله و الف ثانی و کسر فاء و فتح راء و سکون ثانی و فتح نو و ک
 و سکون و او و نون و فتوحای ریزون طلب تا تحقیق الحاء اطباء الطبیخ
 بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم فاء و سکون لام و فتح کاف و سکون
 لام ثانی و فتح موحده و خفاء با و سستان و لکسوطا اطریح و کلام اول و سکون
 و کسر راء و ممل و فتح تحتانی و فتوحای شسته و تنجیه سینوی طح و تانیق
 الطاء المعجل و تحقیق الموحده اطفا الطیب و بفتح اول و سکون ثانی با موحده
 و طاء ممل شده و سکون تحتانی و موحده و تاخن صد و تاخن و نو و تاخن
 بو او و تاخن پریان و کله طح ی ۲۴ لطف و تقوی که بدخ آنچه ممل سیفی
 باشد شخخیر و مصل کل ختم و یا قبرس یا طین از نی ل اتوان با قصب الذریر
 تانیق العین الممل و تحقیق النون اعین السطین و بفتح اول و سکون
 ممل و ضم تحتانی و نون و فتح سین ممل شده و راء ممل و الف و کسر طاء و سکون
 تحتانی ثانی و نون و فتح نجشکشت که سبها الکی و فتح تانیق العین المعجل
 تحقیق الزاء الممل و فتح اول و سکون غین و فتح موحده و سکون او و
 و توتیان که مرکب است از فتح و توتیا و کرمانی و نبات مصری تحقیق السین
 الممل و اعراض طین ثانی بفتح اول و ثانی و سکون راء ممل و فتح سین و کلام
 ممل و سکون سین ممل ثانی و ثیل و سید کیا العجیر و بفتح اول و کسر ثانی و سکون
 تحتانی و کسر راء ممل و جرز و می که گویند که با صمغ اوست اعین فتح اول
 و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح شکشت تحقیق الحاء اخال شبه و بعد اول و ثانی
 و الف و سکون لام و فتح موحده فارسی شین و موحده و خفاء با و خست سده و تحقیق
 التخم انا و بفتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون و او و کسر و سکون تحتانی
 و موحده و گویند و خست بلیخ اندک تلخ علی کلام اول و فتح نون و سکون ثانی و کسر

و سکون ثانی و کسر فاء و فتح راء و سکون ثانی و فتح نو و ک
 و سکون و او و نون و فتوحای ریزون طلب تا تحقیق الحاء اطباء الطبیخ
 بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم فاء و سکون لام و فتح کاف و سکون
 لام ثانی و فتح موحده و خفاء با و سستان و لکسوطا اطریح و کلام اول و سکون
 و کسر راء و ممل و فتح تحتانی و فتوحای شسته و تنجیه سینوی طح و تانیق
 الطاء المعجل و تحقیق الموحده اطفا الطیب و بفتح اول و سکون ثانی با موحده
 و طاء ممل شده و سکون تحتانی و موحده و تاخن صد و تاخن و نو و تاخن
 بو او و تاخن پریان و کله طح ی ۲۴ لطف و تقوی که بدخ آنچه ممل سیفی
 باشد شخخیر و مصل کل ختم و یا قبرس یا طین از نی ل اتوان با قصب الذریر
 تانیق العین الممل و تحقیق النون اعین السطین و بفتح اول و سکون
 ممل و ضم تحتانی و نون و فتح سین ممل شده و راء ممل و الف و کسر طاء و سکون
 تحتانی ثانی و نون و فتح نجشکشت که سبها الکی و فتح تانیق العین المعجل
 تحقیق الزاء الممل و فتح اول و سکون غین و فتح موحده و سکون او و
 و توتیان که مرکب است از فتح و توتیا و کرمانی و نبات مصری تحقیق السین
 الممل و اعراض طین ثانی بفتح اول و ثانی و سکون راء ممل و فتح سین و کلام
 ممل و سکون سین ممل ثانی و ثیل و سید کیا العجیر و بفتح اول و کسر ثانی و سکون
 تحتانی و کسر راء ممل و جرز و می که گویند که با صمغ اوست اعین فتح اول
 و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح شکشت تحقیق الحاء اخال شبه و بعد اول و ثانی
 و الف و سکون لام و فتح موحده فارسی شین و موحده و خفاء با و خست سده و تحقیق
 التخم انا و بفتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون و او و کسر و سکون تحتانی
 و موحده و گویند و خست بلیخ اندک تلخ علی کلام اول و فتح نون و سکون ثانی و کسر

۳۹

و سکون تختانی و کسراف و تختانی ثانی و دو شتاب تسبیح الفاء و تینق القوا
 آفتاب پرست و نیلوفر و بوفل و رانیز گویند و گلبست که بر جانب آفتاب گردد
 برگدایش و بدان جانب کنند و اهل هند گل کبود را گویند تینق الجیم افشیر ع
 بفتح اول و سکون فا و ضم شین معجمه و فتح را و همله و سکون جیم ف معرب افشیر و تینق
 عصاه هر چه جز افشیر بفتح اول و ثانی و سکون را و همله و فتح غین معجمه و سکون نو
 که شوش تینق الوا و همله افکار بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و را و همله
 که کاسک تینق الکاف آفتاب کردک بد اول و سکون ثانی با فو قانی و الف و تینق
 و فتح کاف فارسی و سکون را و همله و فتح وال همله و کاف م آفتاب سفا و تینق شک
 اول و سکون اول و سکون ثانی و فتح را و همله و سکون نون و فتح سیم و کسر سیم و سکون
 شین معجمه ف بالنگوی خورد و ریجان قرفلی که گویند تلسی طح ی ۳ صفت
 ل قرفل افشک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون کاف م
 شین تینق النون افا سون بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین همله و سکون و او
 و نون و ف و ر و غن ترب که حولی کاتیل افشیر بفتح اول و سکون ثانی که قرفلی
 و سکون تختانی و ضم سیم و سکون او و نون که اکاسن یل ایل طح ی ۳ صفت
 سودا و بفتح و منشی خ افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازه بش از طبوخ پیچرم تاهفت رم
 و از جرم او و درم تا سه رم صی کثیر ایلرب سبب یا خمین یا ر و غن با و اصل طاشا
 کیوزن و نیم یا تیر بدوزن او یا اسطوخودوس بسفایج افشیر بفتح اول و ثانی و
 سکون را و همله و کسر و صره و ضم تختانی و سکون او و و نون م فرنیون ف تینق
 از قوم کسینده کار و و فسان ف بفتح اول و سکون ثانی با سین همله و الف و
 نون م سنگ فشان افشیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین همله و سکون نو
 و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار

و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار
 و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار
 و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار
 و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار

و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار
 و کسر نو قانی و سکون تختانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از ورنه که مجری و ستار

طاح ای ۲ گویند ۲ ق مفتوح و مسهل و قاطع و بیان خ تازه زردش اخرم و
تا دو درم و در طبع از خنیدم تا هفت درم و از عصاها و بکدرم تا بکشتال می آید
یا نیلوفر ل چه یا شیخ از می یا قیصر و در تقویت معده اسارون یا نیمونون
ملیه زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح مسهل
و سکون ای و م مثل ه گول طاح سی ۲ گویند ح ۲ ق عالی و محل ملین با قوت تریاقیت
در باب یکیش و در باب یکیش و غیران نش یکدم ل و و ثلث آن مرکب یونانی است
یونانی بفتح اول سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام سکون اوف و ضم کوهی فیون می و فاک
فتح اول سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون اوف و غیره خاشاک افیم طاب علی ق مخدر و سکون و طاح
خ و آب گرم زود عمل شود و در آفتاب گرم نرم شود و ش یکدم تا دو و عدس
فلفل و ریحنی و کنبسین گویند بزرگ رفس و چند بیتل سکه دندان وی بند البغ و
یکوزن لغاح تمیق الحام اقاصیع بفتح اول ثانی و الف و سکون و فتح تحتانی و فاک
ف داندو ای گرم چون قرضل و خورنجان و در اچینی آفتاب کسل اول و سکون
ثانی و فتح لام و سکون ثون و فتح جیم م فلفله و خنیدم مانند خردل و بیشتر و عطر
استعمال میکند رخ چون پسته بماند ایوبی سیب و در تمیق التحتانی افعی و فتح
اول و سکون ثانی و سکون مله و سکون تحتانی و فاک و طاح سی ۲ ق الف
خ ماده اش از گوشت او و شغال ص تریاق ل و تریاق القاف و تمیق الکاف
اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و سکون ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصا و قوط
و فلفل طاشته وی بی ۳ و دماشته بی ۲ ق قاضی و خنیدم
نیم درم ص لبوبل حوض یا منیل و عدس و فلفل یا سو و الفصا و پادما لافین
اقلیمیاع و یونانی بکسل اول و سکون ثانی و سکون لام و سکون تحتانی و فاک و خنیدم
ثانی و الف و ثقیل است یا در وی است که بالای بوتیم طلا یا نقره باشد و در آن

طاح ای ۲ گویند ۲ ق مفتوح و مسهل و قاطع و بیان خ تازه زردش اخرم و تا دو درم و در طبع از خنیدم تا هفت درم و از عصاها و بکدرم تا بکشتال می آید یا نیلوفر ل چه یا شیخ از می یا قیصر و در تقویت معده اسارون یا نیمونون ملیه زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح مسهل و سکون ای و م مثل ه گول طاح سی ۲ گویند ح ۲ ق عالی و محل ملین با قوت تریاقیت در باب یکیش و در باب یکیش و غیران نش یکدم ل و و ثلث آن مرکب یونانی است یونانی بفتح اول سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام سکون اوف و ضم کوهی فیون می و فاک فتح اول سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون اوف و غیره خاشاک افیم طاب علی ق مخدر و سکون و طاح خ و آب گرم زود عمل شود و در آفتاب گرم نرم شود و ش یکدم تا دو و عدس فلفل و ریحنی و کنبسین گویند بزرگ رفس و چند بیتل سکه دندان وی بند البغ و یکوزن لغاح تمیق الحام اقاصیع بفتح اول ثانی و الف و سکون و فتح تحتانی و فاک ف داندو ای گرم چون قرضل و خورنجان و در اچینی آفتاب کسل اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون ثون و فتح جیم م فلفله و خنیدم مانند خردل و بیشتر و عطر استعمال میکند رخ چون پسته بماند ایوبی سیب و در تمیق التحتانی افعی و فتح اول و سکون ثانی و سکون مله و سکون تحتانی و فاک و طاح سی ۲ ق الف خ ماده اش از گوشت او و شغال ص تریاق ل و تریاق القاف و تمیق الکاف اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و سکون ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصا و قوط و فلفل طاشته وی بی ۳ و دماشته بی ۲ ق قاضی و خنیدم نیم درم ص لبوبل حوض یا منیل و عدس و فلفل یا سو و الفصا و پادما لافین اقلیمیاع و یونانی بکسل اول و سکون ثانی و سکون لام و سکون تحتانی و فاک و خنیدم ثانی و الف و ثقیل است یا در وی است که بالای بوتیم طلا یا نقره باشد و در آن

طاح ای ۲ گویند ۲ ق مفتوح و مسهل و قاطع و بیان خ تازه زردش اخرم و تا دو درم و در طبع از خنیدم تا هفت درم و از عصاها و بکدرم تا بکشتال می آید یا نیلوفر ل چه یا شیخ از می یا قیصر و در تقویت معده اسارون یا نیمونون ملیه زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح مسهل و سکون ای و م مثل ه گول طاح سی ۲ گویند ح ۲ ق عالی و محل ملین با قوت تریاقیت در باب یکیش و در باب یکیش و غیران نش یکدم ل و و ثلث آن مرکب یونانی است یونانی بفتح اول سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام سکون اوف و ضم کوهی فیون می و فاک فتح اول سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون اوف و غیره خاشاک افیم طاب علی ق مخدر و سکون و طاح خ و آب گرم زود عمل شود و در آفتاب گرم نرم شود و ش یکدم تا دو و عدس فلفل و ریحنی و کنبسین گویند بزرگ رفس و چند بیتل سکه دندان وی بند البغ و یکوزن لغاح تمیق الحام اقاصیع بفتح اول ثانی و الف و سکون و فتح تحتانی و فاک ف داندو ای گرم چون قرضل و خورنجان و در اچینی آفتاب کسل اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون ثون و فتح جیم م فلفله و خنیدم مانند خردل و بیشتر و عطر استعمال میکند رخ چون پسته بماند ایوبی سیب و در تمیق التحتانی افعی و فتح اول و سکون ثانی و سکون مله و سکون تحتانی و فاک و طاح سی ۲ ق الف خ ماده اش از گوشت او و شغال ص تریاق ل و تریاق القاف و تمیق الکاف اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و سکون ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصا و قوط و فلفل طاشته وی بی ۳ و دماشته بی ۲ ق قاضی و خنیدم نیم درم ص لبوبل حوض یا منیل و عدس و فلفل یا سو و الفصا و پادما لافین اقلیمیاع و یونانی بکسل اول و سکون ثانی و سکون لام و سکون تحتانی و فاک و خنیدم ثانی و الف و ثقیل است یا در وی است که بالای بوتیم طلا یا نقره باشد و در آن

سبب بود از دود آتش که در پیش نهاد میوز فاشش قوت دارد ماضی از دود چون سوزان

معی پدید بران چیزی از طلا و نقره چون جهاطا هر باشد طمع حب بی ساق
 و جف نخ چون در سرکه ساعتی را کنند طلا یا نقره از وجه نشود و چندان خسته
 و جهای تقیل زین سیاه کل بشغرت و بقدر شورش نیم مشغال صی رغن بوم
 و در سنگ سفید یا قوتیا تمیق السین الممله افسوس بفتح اول و سکون ثانی و
 ضم سین ممله و سکون و او سین ممله ثانی م مویج عسل م و بن تمیق الطاء الممله
 و قطع بفتح اول و کشانی و سکون طاء ممله م قورت ف کشک و پیوب م
 تمیق النون اقارون و می بفتح اول و ثانی و الف و ضم را ممله و سکون و او و نو
 ع عود الوج ف اگر تاج اخوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حاء ممله با و او و الف
 و نون ف با و نو کا و و م مٹی طحی اگویند اگویند ح سی ا ق محلل لطیف م
 منوع م سبز برک که برین گلش سفید و اندرون زرو باشد و تلخ ش و دود و تاسم
 ص ل نیسون و گویند حب لاس ل شیخ ا قطن بینی بفتح اول سکون ثانی و کس طاء ممله و سکون
 ف ماش و بشیر زنی بنو ماش لا مونگ اقویلا سکون رومی بفتح اول و ضم ثانی ف
 و او و سکون ف فتح تحتانی بالام و الف و فتح سین ممله و ضم میم و سکون و او ثانی ف
 و رغن بلسان تمیق التختا ا قطن ا ر بقی و ا قطن ا قوی یونانی بفتح اول و سکون
 و کس طاء ممله بانون و الف و فتح همزه و او ممله و الف ثانی و سکون تحتانی و کس طاء
 و سکون تحتانی و لغت اول و ضم لام و سکون او و کس طاء ثانی و لغت ثانی ف با و او و ده
 و هما و قطی یونانی بفتح اول سکون ثانی و کس طاء ممله و خت بیل لا هندی بیل کا و که
 قمان البرمان الهندی بفتح اول سکون ثانی باسیم و الف و ضم سین ممله و او ممله شد باسیم
 شد و ثانی و الف ثانی و کس نون و سکون لام و کس طاء و سکون نون ثانی و کس طاء
 ممله ف نار مشکة ناکیسر اقویالی یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او باسیم و الف
 و کس لام ع ما و الف ف آب شمه شمه کایانی تمیق الکاف و تمیق الا لفت

اصل اینست
 جادیز س
 خوا منند
 گرم و خشک
 سست و بوی
 بسبب از دود
 ایند و از دود
 غامض و سرد
 در یک درجه
 و خشک است
 ۲۲
 در دود
 و بیل
 و حبیب
 و م
 بلسان افروز
 کج خرد
 انون و ف
 و کس طاء

سبب بود از دود آتش که در پیش نهاد میوز فاشش قوت دارد ماضی از دود چون سوزان

باز در این باب که در کتب قدماست که در کتب قدماست که در کتب قدماست

اکلاکات بفتح اول و کاف و سکون لام و فتح کاف ثانی بار و همزه و الف عاقل و
 تینق الفوقانی اکملت سربانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون فوقانی ثانی فتح میم
 و کسر کاف ثانی و سکون فوقانی ثانی ف خایه البلیس که کسر نحو اطح ۲ علی تینق
 الناء المثلثه الکثوث بضم اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه و سکون واو و مثله
 کم کشوت مخ تخم قسمی از امیر سلیم تینق الجلیح که کسر و فتح اول و ثانی و سکون جیم
 ففاح بری م زعفر و ف کیل کج ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر خا و همزه و طاب
 تینق السین المهمله اکارس ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله و سکون
 سین مهمله کلمات که کبندی اگر قفس فتح اول و سکون ثانی و فتح او مهمله و سکون فا
 م کرفس که اجودا کمر و قس و می بفتح اول و سکون ثانی و ضم او مهمله و سکون واو و
 فتح فاع جوز و می که گویند که با صمغ اوست تینق الضاد المعجده اکلیل اموض که کسر
 اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تختانی و کسر لام ثانی و فتح هنر و سکون با و فتح
 واو و سکون ضا و همزه و ضم او و تینق الکاف اگر دگر بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم او مهمله و سکون واو و فتح یا و سکون کاف م انزروت آگ که کسر اول و سکون
 ثانی و فتح ع شجر عشر اکلیل الملک ع کسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تختانی و ضم
 لام ثانی و سکون لام ثالث و فتح میم و کسر لام رابع و گیاهی قیصر فریر که کسر
 که از ان رنگ زنگاری سازند طح ی اق محمل ملین منضج تازه رسیده زرد
 مائل سفیدی که اواز شکافتن وانه زرد داشته باشد ش میگردم تاد و درم صیل
 باطنیخ آتش زینین ورق انجیر یا زسیون یا لبان یا لونه بوزن آن یا حلب
 تینق النون اکالیقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله و سکون تختانی و فتح
 و سکون واو و نون و فتح زیتون و شتی الکونیلان بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 میم و کسر او و سکون تختانی و واو و همزه و الف و نومی از که سنه تینق الحاء و الف

باز در این باب که در کتب قدماست که در کتب قدماست که در کتب قدماست
 سکون آن
 و کسر سبب
 آورد و فاع
 بجا کسر
 و سکون
 کسر و کسر
 تینق بود و یا
 کسر تینق
 بصل النون
 میاز نون
 گویند که
 و فاع
 در دوم در کسر
 عدد و فتح
 در شش و فتح
 کسر و کسر

باز در این باب که در کتب قدماست که در کتب قدماست که در کتب قدماست

ای اق قابض و محفوف و مقوی و مانع و معده و مفرج دل و گویند مسهل سودا و اخ
سیاهی که گوشش مانع الصرخه باشد و نیز بوی شش یکیشقال تاسه ورم ص عسل
یا شراب بخیر شیرکه یا بلبله سیاه یا کینیم وزن بلبله تنیق الدال المسهل و سرد
ف بفتح اول و سکون ثانی و ضمیم و معمله و سکون و اوج ناشیاتی تنیق اسپین
المسهل اموس بفتح اول و ضمیم ثانی و سکون و او و سین معمله ف زبان و ناظم
و اجرائن تنیق الضاد المعجمه اسرار الارض بفتح اول و سکون ثانی و سین
معمله و الف و ضمیم و سکون لام و فتح همزه ثانی و سکون را و معمله و ضا و حمزه
زغاره کرم مخرطین که کنیجرا تنیق النون اما معون یونانی بفتح اول و ثانی و الف
و ضمیم ثانی و سکون و او و نون م حاما اما سین رومی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح طین معمله و الف و کسر سین معمله و سکون تحتانی و نون و آب خور و انگور
و لاد که کاپانی امخیلان بضم اول و کسر ثانی مشد و غنیم معمله و سکون تحتانی باللام
و الف و مخیلان که کیله و بیول ط ب ی گویند ح ق قابض و محفوف ش بقدر
حاجت ص بفضه تنسيق النون و تنیق الالف انا گیرا ف بفتح اول و ثانی و الف
و را و معمله و کسراف فارسی و سکون تحتانی بار و معمله و الف ثانی م غوره شخاش یعنی کونا
انتله سودا سیالی بفتح اول و سکون ثانی و کسر نو قانی فتح لام و همزه و یمنه و فتح سین معمله
و سکون و او و بال معمله و ماه فرفین و جد و ارا کسر سی انجبا بفتح اول و سکون ثانی و
کسر جیم و ضمیم و سین معمله و الف م شد که لا تحفظینا سیالی بفتح اول و سکون ثانی و فتح
و کسره و معمله و سکون فا و کسره ط و معمله و سکون تحتانی و نون ثانی و الف ع حنا و ف
گلنا را ندر زاف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال معمله و سکون او و معمله بار و معمله و الف
م گا و زهره و آن سنی است که در میان زهره و گا و سکون شود و یاد در میان شیر و شش
و پیشتر از گا و نهند و ستان بهر سرد و مانند یاد زهره بود و در لون و خاصیت ع حجر البقر

[illegible]

انسا تا بفتح اول سکون ثانی با سین جمله الف با شلشع زریب الجیل ف مویج ه
 لنده الطو نیا یونانی بفتح اول سکون ثانی و ضم ط و جمله سکون و او و سکون و
 نختانی ف کاسنی روی طاب سرا الف و یار روی بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف
 و سکون را و جمله و کسر ال جمله و نختانی ف بلا و را هلا نو انگار و بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی و الف بلا و جمله ف اکلر انگور ف بفتح اول سکون ثانی با کاف
 فارسی و کسر را و جمله و شین معجمه فاع غلب لثلب و ر و باه ترکیه که مکوه و چه پون
 انویا ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او با موصوفه فارسی م کاسنی و گویند گاو زبان
 انولاه به اول و فخر و نون ثانی و فتح و او بالام و الف ف املط ب ی انونیا
 روی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و کسر سیم یا تختانی و الف سیم شقایق ف گل لال
 تمیق الموحده آ تب بفتح اول و ثانی و سکون موصوفه ف باد نجان الف و اناب
 ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و ح و معجمه و ضم فو قانی و سکون لام و فتح هجره و سکون
 را و جمله و فتح نون ثانی ف پیر یا به خرگوش تمیق الفو قانی انز و روت ع بفتح اول
 و سکون ثانی و فتح را و معجمه و ضم را و جمله و سکون و او و فو قانی ف کنجه که لامی طاح
 ای الف و ح ل را کال خ سفید یا کل بر روی شش نیده م تا یکد رم ص صمغ عربی یا بر عن
 جوزل یکوزن نشاسته و نمیزدن صابن و فستق و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون
 سین جمله ف تینه و شکبوت انگشت و بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف قار
 و سکون شین معجمه م ز کال که کوپلا خسته سیوه یا لایتر گویند تمیق الجیل و خ ف به
 اول و فتح ثانی و سکون جیم م ز و لا و خجج بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و سکون
 و او ف و ح و حندی اگر تمیق الدال الموحده ابر و و ف بفتح اول و سکون ثانی
 و فتح موصوفه و ضم را و جمله و او و جمله و ال جمله م امر و و اند ف بفتح اول و سکون
 م هک ع سکون اند و و ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زا و معجمه و ضم را و جمله م

کاسنی روی طاب
 سرا الف و یار روی
 بفتح اول سکون
 ثانی و فتح قاف
 و سکون را و جمله
 و کسر ال جمله
 و نختانی ف بلا
 و را هلا نو انگار
 و بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و الف بلا و جمله
 ف اکلر انگور ف
 بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و کسر را و جمله
 و شین معجمه فاع
 غلب لثلب و ر و باه
 ترکیه که مکوه و
 چه پون انویا ف
 بفتح اول و ضم
 ثانی و سکون و او
 با موصوفه فارسی
 م کاسنی و گویند
 گاو زبان انولاه
 به اول و فخر و
 نون ثانی و فتح و
 او بالام و الف ف
 املط ب ی انونیا
 روی بفتح اول و
 ضم ثانی و سکون
 و او و کسر سیم
 یا تختانی و الف
 سیم شقایق ف گل
 لال تمیق الموحده
 آ تب بفتح اول و
 ثانی و سکون
 موصوفه ف باد
 نجان الف و اناب
 ع بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح فا و ح و
 معجمه و ضم فو
 قانی و سکون لام
 و فتح هجره و
 سکون را و جمله
 و فتح نون ثانی
 ف پیر یا به
 خرگوش تمیق
 الفو قانی انز و
 روت ع بفتح اول
 و سکون ثانی و
 فتح را و معجمه
 و ضم را و جمله
 و سکون و او و
 فو قانی ف کنجه
 که لامی طاح ای
 الف و ح ل را کال
 خ سفید یا کل
 بر روی شش
 نیده م تا یکد
 رم ص صمغ عربی
 یا بر عن جوزل
 یکوزن نشاسته
 و نمیزدن صابن
 و فستق و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و فتح فا و
 سکون سین جمله
 ف تینه و شکبوت
 انگشت و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و کسر کاف
 قار و سکون شین
 معجمه م ز کال
 که کوپلا خسته
 سیوه یا لایتر
 گویند تمیق
 الجیل و خ ف به
 اول و فتح ثانی
 و سکون جیم م
 ز و لا و خجج
 بفتح اول و
 سکون ثانی و
 ضم جیم و
 سکون و او ف و
 ح و حندی اگر
 تمیق الدال
 الموحده ابر و و
 ف بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح موصوفه
 و ضم را و
 جمله و او و
 جمله و ال
 جمله م امر و
 و اند ف
 بفتح اول و
 سکون م هک ع
 سکون اند و و
 ف بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح زا و
 معجمه و ضم
 را و جمله م

کاسنی روی طاب
 سرا الف و یار روی
 بفتح اول سکون
 ثانی و فتح قاف
 و سکون را و جمله
 و کسر ال جمله
 و نختانی ف بلا
 و را هلا نو انگار
 و بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و الف بلا و جمله
 ف اکلر انگور ف
 بفتح اول سکون
 ثانی با کاف فارسی
 و کسر را و جمله
 و شین معجمه فاع
 غلب لثلب و ر و باه
 ترکیه که مکوه و
 چه پون انویا ف
 بفتح اول و ضم
 ثانی و سکون و او
 با موصوفه فارسی
 م کاسنی و گویند
 گاو زبان انولاه
 به اول و فخر و
 نون ثانی و فتح و
 او بالام و الف ف
 املط ب ی انونیا
 روی بفتح اول و
 ضم ثانی و سکون
 و او و کسر سیم
 یا تختانی و الف
 سیم شقایق ف گل
 لال تمیق الموحده
 آ تب بفتح اول و
 ثانی و سکون
 موصوفه ف باد
 نجان الف و اناب
 ع بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح فا و ح و
 معجمه و ضم فو
 قانی و سکون لام
 و فتح هجره و
 سکون را و جمله
 و فتح نون ثانی
 ف پیر یا به
 خرگوش تمیق
 الفو قانی انز و
 روت ع بفتح اول
 و سکون ثانی و
 فتح را و معجمه
 و ضم را و جمله
 و سکون و او و
 فو قانی ف کنجه
 که لامی طاح ای
 الف و ح ل را کال
 خ سفید یا کل
 بر روی شش
 نیده م تا یکد
 رم ص صمغ عربی
 یا بر عن جوزل
 یکوزن نشاسته
 و نمیزدن صابن
 و فستق و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و فتح فا و
 سکون سین جمله
 ف تینه و شکبوت
 انگشت و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و کسر کاف
 قار و سکون شین
 معجمه م ز کال
 که کوپلا خسته
 سیوه یا لایتر
 گویند تمیق
 الجیل و خ ف به
 اول و فتح ثانی
 و سکون جیم م
 ز و لا و خجج
 بفتح اول و
 سکون ثانی و
 ضم جیم و
 سکون و او ف و
 ح و حندی اگر
 تمیق الدال
 الموحده ابر و و
 ف بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح موصوفه
 و ضم را و
 جمله و او و
 جمله و ال
 جمله م امر و
 و اند ف
 بفتح اول و
 سکون م هک ع
 سکون اند و و
 ف بفتح اول و
 سکون ثانی و
 فتح زا و
 معجمه و ضم
 را و جمله م

الف کاف وفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین صغیر شش کیمتقال تا و شتقال
 انجیر و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول و سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین مهمله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلهم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس و فتح اول و سکون ثانی و فتح وال مهمله و جیم
 مهمله و سکون و او باط و مهمله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 بنیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و شین جمعه و سکون قاف بنیر یا
 بچه نریه بنر کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع و فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک و فتح اول و ثانی
 و الف و را و موده و کسر جیم و شین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیمتخو و فتح اول و سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و موده ف مرزنگوش و مر و انجملک ع و فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کمدیل و آنک ع و اول و
 ضم ثانی ف و سرب و سیسات تمیق اللام اهل و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع و فتح جیم و جیم و بنیر یا و شش بهی خ از اشتر اعرا
 الفقه اهل ع و کسرین مهمله و سکون جیم و بنیر یا و کوساله تمیق النون انارین

الف کاف و فتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین صغیر شش کیمتقال تا و شتقال
 انجیر و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول و سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین مهمله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلهم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس و فتح اول و سکون ثانی و فتح وال مهمله و جیم
 مهمله و سکون و او باط و مهمله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 بنیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و شین جمعه و سکون قاف بنیر یا
 بچه نریه بنر کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع و فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک و فتح اول و ثانی
 و الف و را و موده و کسر جیم و شین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیمتخو و فتح اول و سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و موده ف مرزنگوش و مر و انجملک ع و فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کمدیل و آنک ع و اول و
 ضم ثانی ف و سرب و سیسات تمیق اللام اهل و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع و فتح جیم و جیم و بنیر یا و شش بهی خ از اشتر اعرا
 الفقه اهل ع و کسرین مهمله و سکون جیم و بنیر یا و کوساله تمیق النون انارین

الف کاف و فتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی فتح را و جمعه فارسی صغیر و غیره
 است و بشیر اصلی ناستیک گندگو نذیع حلقیت و هینگ تمیق الراء المهمله بخیار
 روی فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موده و الف و را و موده همین نام مشهور است
 طب ای ۲ ق منفی قروح شش و حالبین هم و طین صغیر شش کیمتقال تا و شتقال
 انجیر و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی ع تین انکوف و فتح اول و سکون
 ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و او و و کاف بهی تمیق السین المهمله تا و
 فتح اول و ثانی و الف و کسرین مهمله و سکون تختانی و ضم لام و سکون سین بهلهم
 مرزنگوش تا و برابری ع فتح اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون را و موده و موده
 ثانی و الف و کسر را و موده ثانی و سکون تختانی ف زرشک و زرشک طب ای ۲
 خ کمال خود رسیده سرخ مائل سیاهی شیر و داریص جالب تخم گل چهار انگه زن
 آن مندل و سرخ سمان آند و طاقس و فتح اول و سکون ثانی و فتح وال مهمله و جیم
 مهمله و سکون و او باط و مهمله و الف و کسر قاف و نوعی از خود الفقه الفرس ع ف
 بنیر یا سپ تمیق الفاء الفقه الخشخ ع کسر خا و جمعه و شین جمعه و سکون قاف بنیر یا
 بچه نریه بنر کوی کدایل باشد تمیق القاف انفاق ع و فتح و کسر اول و سکون ثانی
 و فاء الف و قاف و رغن و ریون تمیق الکاف اما و شک و فتح اول و ثانی
 و الف و را و موده و کسر جیم و شین جمعه و کاف م و مار شک و نا کیمتخو و فتح اول و سکون
 ثانی و کسر جیم و فتح را و موده ف مرزنگوش و مر و انجملک ع و فتح اول و سکون ثانی
 و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی هم محلب و کمدیل و آنک ع و اول و
 ضم ثانی ف و سرب و سیسات تمیق اللام اهل و فتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون
 لام و خطی الفقه اهل ع و فتح جیم و جیم و بنیر یا و شش بهی خ از اشتر اعرا
 الفقه اهل ع و کسرین مهمله و سکون جیم و بنیر یا و کوساله تمیق النون انارین

کرم خشنک بمهر گزین مهر
 همانند نوزد با قدره مهرش
 با قدره اول در اندر دوازده
 اول در اندر دوازده

بزرگ بقیاس خرمای هندی و بوقت رسیدن بزرگ و کل و بار میر و دیگر بزیان مال و
 چهار گویند تینق الطاعه آنکه بفتح اول و سکون موحده و فتح لام و خفای با هم
 آنچه بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح را و ممله ف تخم گزیده استگن کی بیج ط
 برگ و ح ی ۲ ف ملطف ص صمغ عربی و کثیر ال حرف و قردانیا یا تخم گزیده نا آنجیده
 ف و یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی و فتح وال ممله ف
 گندزای کوی آنجیده بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تختانی و فتح را و ممله
 م آنجیده اثره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و فارسی م غله الشکع عدس
 مسور آنسته ف بد اول فتح ثانی و سکون سین ممله ف فتح فوقانی ع سوده و تمام الف
 الوشیخ بفتح اول و سکون ثانی و کسر ف و فتح خا و ممله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر
 خا و ممله باسیم و الف و کسر را و ممله و سکون لام ثانی و فتح وا و سکون حا و ممله ثانی
 و کسر سین ممله و فتح تختانی مشدوف پیر یا کور کز الف فتح اول و سکون ثانی و فتح
 فا و خا و ممله و خفای با ف شیران و پیر یا به چه چتا طح ی ۳ ق ملطف
 محمل و مقوی و باغ خ آنچه از و از له تری نموده باشند بش دو و آنک داشتند یکد انگ
 ح عسل یا انبر بالیس ل مراره آنکه بفتح اول سکون ثانی و ضم کاف و فتح میم و خا و ممله
 ه چه را آنکه ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح را و فارسی ع ملکیت
 اینتره ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی و فتح را و فارسی م بوی مادران تینق
 التختانی انالیقی وی بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون تختانی و کسر ف
 و سکون تختانی ثانی م آنچه انبلی ه بفتح اول و سکون ثانی و موحده و کسر لام ف
 مرمندی آنبوت الراعی بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون وا و ضم
 فوقانی با را و ممله شده و الف و کسر سین ممله م نوعی الی العالم آنبوت ملک بفتح
 اول و سکون وا و کسر فوقانی و فتح میم و کسر لام و کاف ف بستان افر و زنجیر شتی

ستاد دوم
 تو مصل
 با قلم و مسر
 و شاهی مهر
 جلال و کین
 که ترس چشم
 آواز سفید
 ست یاقوت
 پیر اشود
 غایتش گم
 ۵۰
 ست و کید
 و شکت و
 در و صبح
 زنجیر
 تینق با و
 که در تینق
 در کین
 مسموم
 زنجیر

در کین و تینق
 زنجیر و تینق
 مسموم و تینق
 زنجیر و تینق

کف و درین باب
 سنگ بزرگ
 و بنایت بزرگ
 قلع میریت
 قلع هندی
 پیرای فرما
 هندی میریت
 اینی گویند
 دست در در
 اوست و درین باب
 ۵۳
 درین باب
 سنگ بزرگ
 و بنایت بزرگ
 قلع میریت
 قلع هندی
 پیرای فرما
 هندی میریت
 اینی گویند
 دست در در
 اوست و درین باب
 ۵۳

سنگ بزرگ
 بخت بخت
 قلع سیست
 موهن دای
 پاری خرماد
 هندو هندو
 ایندی گویند
 دست دارد
 سوم و جی گویند
 ۵۲
 سنگ بزرگ
 بخت بخت
 قلع سیست
 موهن دای
 پاری خرماد
 هندو هندو
 ایندی گویند
 دست دارد
 سوم و جی گویند

و سکون ثانی در اول ممله با قاف و الف هم خاتیرین بفتح اول و سکون ثانی فتح اول
 ممله ف دو مع آیرون بفتح اول و سکون ثانی و ضم را ممله و سکون و ا و ف گوگرد
 زرد و ایتاقین بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و کسراف ثانی و سکون ثانی
 ع محمود ایهقان بفتح اول و سکون ثانی و ضم را با قاف الف هم جریمه سیاهی که کجی
 ترقیه الباء الموحده و تمینق الالف مع التمینق الالف
 با ج را موحده و الف و سکون جریمه فتح را ممله و الف غله الیست مشهور ف کارین را مولا
 بسکون و ال ممله فتح را ممله و دو دم بیر و ده برنج با قاف بکسراف بالام الف
 با کلا و ال طح ب مع گویند ب ای ۲ و شمی ست هندی که او سیم گویند
 قاضی منضج محلل میخ فربه بزرگ خشک ش دو دم ص صغرل ماش بالاموحده
 و الف و لام الف و بالام میخ کاندل که از خوشخانه سازند و بر بالانیز گویند با نجه گکو طرا
 و بخار و نون و فتح جریمه اظهار بار هندی و فتح کاف اول و ضم کاف ثانی و دو و مجهول را
 ممله هندی و دو و هندی ست بانسا و بخار و نون و سین ممله م ا و س ا تمینق القوقا
 بار و ست بسکون را ممله فتح و ال ممله و سکون سین ممله و فوقانی ص آتوس تمینق
 الحییمه بالونج ع بضم موحده ثانی و سکون و او و فتح نون و سکون جریمه ف بالونه
 مر حتی و سونل طح می ق ملطف محلل مفتوح بزرگ زر و گل ش یکله بضم گویند
 سله شقال ص سل بار و غکل ل برنجاسف یا اطلیل الملک با در و ج موحده و الف
 و ال ممله ساکنه و ضم را ممله و سکون و او و جریمه نوعی از ریحان ست که در کوه های
 ف تره خراسانی و یابری و یابچی که لسی کجی ست طح ۲ ی اف محلل و مقوی و
 منضج دل و حابس خون خوش شده تازه ش از شخم ۲ و دم ص بقایه الزهر ال مرزنجوش
 یا باور خجویه باور خج موحده و الف و کسراف ممله و فتح نون و جریمه هندی و مار کیل
 ناریل و کوه پره بار و ف موحده و الف و فتح را ممله م سگ انکو تمینق الحییمه القاق

با فتح غین مجر و سکون جیم فارسی م انکو نیم تحت تنیق الدال المهمله و
 سکون و ال مهمله و مدحه و فتح و او و سکون را و مهمله و ال مهمله ثانی و شکوکه لیض
 و دهجا و جوا و اساطح ی اگویند ب اینج اوبی ۲ اق مجفف سفید ورق تازه
 ش یکدرم و نیم ص افسنتین یا تخم کاهول شاترج بارای کنده بموده و الف
 و را و مهمله و الف ثانی و کسر را و سکون تحتانی و فتح کاف و خفاء نون و ال مهمله و
 یعنی بارای کندنیز آمده یخی است هندی باز روع بموده و الف و فتح را و مهمله و سکون
 مجر م قنه و یزده بری طاح ۳ ی ۲ بار و دوسلانی بموده و الف و ضم را و مهمله و
 خفاء و او ف نمک چینی تنیق الراء المهمله یا بکسر سکون موحده ثانی و فتح سین
 مهمله و سکون را و مهمله ف پرگ سارکی تنیق السین المهمله یا بکسر سکون موحده
 ثانی و فتح لام سکون سین مهمله مخشاش یا بکسر ف بموده و الف و ضم نونانی م
 با سبوس و سکون سین مهمله و ضم موحده و سکون و او م فرزنگوش باطن سکون طار
 معالج علیق و ضم طار مهمله م بالنک و توت و مجور بالوس و ضم لام سکون او
 و سین مهمله م کافور مسحق بالمش و خفاء نون و فی طب ق ملین تنیق الطاء
 المهمله یا بط باط سکون هر دو طار مهمله و عللر هر تنیق القاف بار و ق ضم
 مهمله و سکون و او و قاف و سفیده قلعی و بنگ تنیق الکاف بالنک و فتح
 نون و سکون کاف و حب البان تنیق الکاف الفارسی یا بزرگ و سکون
 و ال مهمله و فتح را و مهمله و سکون نون و کاف فارسی م نوعی از خیار و ترنج بارنگ و
 سکون را و مهمله و فتح نونانی و سکون نون و لسان الحمل بالنک و فتح لام سکون
 نون نوعی از ترنج است که بغایت نازک شیرین باشد و مجور و نیز یا بزرگ یا بانی
 و بکسر تحتانی و موحده ثانی و را و مهمله و خفاء نون و بزرگ کابلی تنیق اللام م
 بفتح کاف فارسی و سکون لام م آب یکدرم بال و نوعی از بای بزرگ که در دریا و قنق

در اول فصل
است در سیم
جاء و غیب
معرب الجا
جمع و غیب
معرب الجا

△△

و بعد از خشتی
دیده است

[illegible][illegible]

محمد بن ابوالفضل هندوستان
 و خوار و نون م تها کو طح ی م ق خند و ی شینیق اللام بحال ف بضم
 اول و فتح جیم الف م مگر تنیق المیم بحم اول رسکون ثانی و میج مرقو الطفا
 گزید و ده ماین تنیق المعاء الهندی کجگر کنده و بفتح اول ثانی مشدوده و سکون اول
 مهله و فتح کاف فارسی خوار و نون و دال مهله سوزن تنیق الخاء المعجمه و تنیق
 الفوقانی تججات یونانی بفتح اول و سکون خا و جمده و فتح فوقانی بابیم و الف و ذوقا
 ثانی و کشته رت سکات تنیق الراء المهمله ججور و بضم اول و ثانی و سکون اول
 مهله م عمل لنبی ع میوه سالیله تنیق المیم بحم و بفتح اول و سکون ثانی و میج
 مهله شیرینی معتبر که از گندم و ازرن و حبوبات سازند ججور و میج و بضم اول و ثانی و سکون
 و او و کسره و مهله و فتح میم و سکون و او مهله ثانی و فتح تحتانی و سکون میم ثانی م شجر میم
 که بیج آن عرطیث است و آن نوعی از سناسط طح ی م گویند ۲ ق م قطع محلل خ
 نر و تازه ص تی و حقه ک کندش تنیق المعاء بحم و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 فوقانی و خوار و م گویند نرسه سال و بفتح اول فارسی م پنه بجه و بفتح اول و
 سکون ثانی و فتح فوقانی و خوار و بجه و بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی و فتح
 لام و خوار و م خرفه تنیق الدال المهمله و تنیق الالف بدو ا یکسره اول و فتح
 و ال مهله و خوار و الف و او مهله و ای هند لیست طح فی ملین تنیق الجیم
 بیج و بفتح اول و نیز بضم اول و کسره ثانی و سکون تحتانی ع بسلیله تنیق الدال المهمله
 بدو اری کند بکسره اول و فتح ثانی و الف و کسره و مهله و سکون تحتانی و او و هند لیست
 تنیق الکاف بدبک و بدبک و بضم سر و و سوده و سکون ال مهله اول و فتح اول
 مهله ثانی و بفتح اول و بضم اول و فتح ثانی و بفتح ثانی ع بدو تنیق اللام بدو
 و بفتح اول و سکون و ال مهله هندی و فتح مام میوه هندی میخوش است بشکل
 به و پر خرم طح تنیق المیم بدو بفتح اول و سکون ثانی و میج و شکوفه و رخت

۵۸
 در دو دم بول
 دقت است
 او دیو دوست
 بیو و دیو دوست
 کمر ریسان چوب
 پوسته را میگو
 دو جفت لک
 در دو دم
 ست در دو دم
 کرم و دقت
 بنگره گرد
 بولان هند

در درجه سوم
چون بنیادی
پایه می باشد
و اگر دوگان
خوانند هنوز
از درجه اول
گرم است در
سوم خشک
است در اول
چون نه فصل

بر و اق بفتح اول سکون ثانی و ضم فاق و سکون واو و فاق با و الف ف گیاه
سیرش تینق الکاف بر تاسک و بفتح اول سکون ثانی با فوقانی و الف
و فتح سین جمله بر نجاسف بر خشک بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم و کیم
و سکون سین معجبه کاف و تالنگو بر و شک و بضم اول و ثانی و سکون واو
و فتح شین معجبه خاک تینق الکاف الفادی برنگ بفتح اول و ثانی و سکون
نون و کاف فارسی ع بر نج کالی تینق اللام بر بفتح اول و سکون ثانی و
ضم غین معجبه و سکون واو ف و لیده گندم تینق المیده بر قوم بفتح اول و سکون
ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و ضم ف خرا می خشک که بیکه گیر نجی چسپید هم خرا
سیر و ن بر دو و سلام ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم دال جمله نون و فتح واو و سین جمله
و لام و الف و ضم سین نون و ورق بارتنگ بر شوم بفتح اول و ضم نون و سکون
و ضم شین معجبه و سکون واو و ضم بفتح ایل نجده قصب ثانی بر ع بفتح اول و
ثانی م شکوفه و رخت مخیلان بر ند کام ف کبیر اول و ثانی و سکون نون و دال جمله
کاف و الف م با و نه کا و تینق النون بر سان ف بفتح اول و سکون ثانی با سین
جمله الف م نوعی از و شاب خوشبو برن کبیر اول و سکون ثانی و ضم سین جمله ف
پنبه بر نان ف بفتح اول و سکون ثانی با نون و الف م شجر لیست که در مبد و در بار
اجیر از تسبیح سازند تینق الواو بر شیاندار و بفتح اول و سکون ثانی و کشتین معجبه
و تخثانی و الف و ضا و نون با و ال جمله الف ثانی و ضم راز جمله و سکون واو و ضم ال
طاب ۲ ی ۲ گویند رص بسدل عنبا لخلب بالسان الحلل یا میوزن آن خر تینق
لها بر بده ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح سوجه ثانی و سکون سین جمله و فتح فوقانی
و ضا و باع حمار و هر چه بنفیر اید و منجر باشد پرده که کبیر اول و ثانی و دال جمله و با و
هندی و دای هندیت بر موه ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم با و و مجهول

در درجه سوم
چون بنیادی
پایه می باشد
و اگر دوگان
خوانند هنوز
از درجه اول
گرم است در
سوم خشک
است در اول
چون نه فصل

در درجه سوم
چون بنیادی
پایه می باشد
و اگر دوگان
خوانند هنوز
از درجه اول
گرم است در
سوم خشک
است در اول
چون نه فصل

و اظهار بام صابون بریزه و بکسر اول ثانی و تحتانی مجهول فتح زار مجمره و بخواهد
 صمغی است شبیه بمصطکی و سبک خشک بود مانند عسل صاف و نیزه باشد
 باز و تمینق تحتانی بر روی ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر ال مملو و سکون
 مشناه تخمنا نیم لوح که در کج می اندازند و در صراط و کاغذ سازند و تک که تیراب
 طاب ی ۲۱ ق محفف و بزبان فارسی نوعی از خرمای لطیف که آنرا سنگ اشک شک
 نیز خوانند و ظرف سنگی بر طایفه بفتح اول سکون ثانی و طار مملو الف و کسر نون
 و سکون تحتانی و کسراف و بستان افروز و تاج خروس که سرانی بر غوثی بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم عین مملو و سکون و او و کسر شش ع بزر قطونا که سفول بر نهی
 بفتح اول و ثانی و خفا و نون و کسر صوره ثانی و اظهار بام زربک بفتح اول
 و ثانی و سکون نون و جیم و کاف و الف و ضم صوره ثانی و کسر لام و بزرگ
 پای بزرگ طح ای ۲۲ ق قابض قاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل شش دودرم
 یا شیر تازده ص کیتالی ترسن باد و وزن آن قبیل بر قی ۱۰ بضم اول و ثانی و سکون
 و او و کسر فوقانی هم که بان بید تنسيق الزاء المعجمه و تمینق الالف بزر القشاع
 بفتح اول و سکون زاء المعجمه و ضم را و مملو و سکون لام و فتح قاف باشد و الف
 و تخم خیاره که گری کی بچ طاب رخ فربه ص سکینین ل تخم بزرگ بزر الندی
 بکسر را و سکون نون و ضم دال مملو و صوره و تخم کاسنی طامع ح بی خ
 سیاه فربستانی شش دودرم تاسه ورم ص سکینین بزر لقله الخشاع بکسر اول
 و فتح موهده ثانی و سکون قاف و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و جار مملو
 و فتح یم و قاف و تخم تورک و خرفه که لونیکی بچ بزر قطونا ع بفتح اول و سکون
 زاء المعجمه و کسر او مملو و ضم قاف و طار مملو و سکون و او و نون و بنگو که
 سفول طاب را گویند و گویند مع سی فی رواج سرخ سیاهی بل فربه گران

کتون و نیم
 افیتون بود
 ح
 در شوشستان
 باشد و سیوا
 سرخ رنگ فول
 داد و پیاپی
 بهر خا و بسند
 دهنده کدان

۴۱
 کتون و نیم
 افیتون بود
 ح
 در شوشستان
 باشد و سیوا
 سرخ رنگ فول
 داد و پیاپی
 بهر خا و بسند
 دهنده کدان

که در آب فرو رود و شش و دو درم تا نهد درم ص کثیرال حبس سفر علی یا تخم کسان العمل
 بزرگ و در قیض تخم خرفه تنیق الموحده بزرگ السداب ع بضم راء و ممله و ضم سین
 ممله مشدود و ال ممله مشدود و الف و سکون موحده ثانی و تخم سداب طح
 خ سیاه فربش یک درم تا دو درم جهت فواق بلغمی ص کثیرا یا عسل ل سداب
 بزرگ القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدود و شمدانه و تخم بنک و بجمیاکی ایج
 بزرگ الکرنج ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء و ممله فتح نون و تخم کل طح
 ی خ تازه فربه تنیق الفوقانی بزرگ الشبث ع بکسر شین مجمره مشدود و موحده و سکون
 فوقانی و تخم ششوت و سونئی کایج طح ی ۲ گویند مع ق مثنی خ فربش و دو درم
 ص عسل ل و وزن آن شبت بزرگ الفنج کشش ع بسکون لام و فتح فاء و سکون نون
 و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
 مجمره سبدها لو که ایج طح ی ۲ گویند مع فربش و دو درم ص شیر بزرگ و
 ع بکسر اللام المشدود و سکون قاف تخم شلغم طح و خ سیخ فربش و دو درم ص
 بزرگ البطنج ل بزرگ الطربا تخم جز و وزن تنیق المشکله بزرگ الکراث ع بضم کاف
 و راء ممله مشدود و الف و تخم گندنا طح ی ۳ گویند و آن بعینه بکشی یا ند و بسیار
 سیاه خ شامی تازه فربش یک درم تا دو درم ص عسل ل جربیر بزرگ کشش ع بضم
 کاف و شین مجمره و سکون و او کا ایل کی ایج طح مع ح ب ی خ فربش و دو درم
 عسل ل بزرگ هند یا چهار دانگ و وزن آن استین تنیق الحیدر بزرگ البنج ع بسکون
 لام و فتح موحده و سکون نون و جیم و تخم بنج و اجوا بن خراسانی ط سیاه او ب
 سی سفید او ب ی ع ق قابض حابسل خون خ سفید و بعد و سرخ ش یک درم
 تا دو دانگ ص عسل و تی کردن بآب گرم و روغن و عسل ل افیون یا افاح خوشخاش
 بزرگ الرز یا بنج ع بابا و ممله مشدود و الف و سکون راء و ممله یا تجانی و الف ثانی و فتح

حب اقلقت
بانس بند و
گفته شود
حب الوضآن
پاره می دانه
انار را اگر بند
سر و خشک
سست دارول
حب اللولاس
پاره می خشم
۴۴
مومون غم
بیمه کس چاک
سست و پنهان
است و در قوس
بیمه کردن آن
بیمه کس
نوزن آن
بیمه کس

نون ف تخم بادیان که سولفت کی بیج لانیسون برزاکا کنج ع بسکون لام باکاف
 والف و سکون کاف ثانی و فتح نون ف تخم ع و سک و در پرده بز غنچ ف بعض
 اول و سکون ثانی و فتح نون ف تخم ع و سکون نون گویند که درخت بسته یکسال میوه
 با مغز بار آورد و یکسال بی مغز و آن مغز و در بسته گویند بی مغز را باین نام نون
 تنیق الخاء المجهود برز الاسفاناج ع بسکون لام و کسر سوره و سکون سین مملو فتح
 فابا نون والف و خا و معجمه و تخم ساگ بالک طاب رخ مائل سرخی بش کیدرم
 نس ملین مخموم برز البطنج ع بسکون لام و کسر سوره و طاو مملو شد و سکون کاف
 ف تخم خرپوزه طاح در گویند یاق خشک او معنت و مفتی خ شیرین ش دو درم
 تا پنجم درم ص ل بادیان ل چلفوزه تنیق الدال المهدل برز الرشا و فتح لام
 مشد و با شین معجمه الف و دال مملو ص بارشا و تخم نره تیرک و بالون کی
 برز القشع بسکون لام و فتح قاف و مثلثه و دال مملو ف تخم خیار بالک و کبیری که
 بیج طاب رخ نره ماخوذ از خیار زردش از پنجم درم تا ده درم ص کیتال تخم خیار نره
 برز الورد ع بسکون لام و فتح واو و سکون را و مملو و دال مملو ف تخم گل که در نره
 و آن زردی میان گل است طب ی ق قابض و عابس خون خ ماخوذ از گل
 فارسی ش دو درم ص کیتال تنیق الرء المهدل برز البرج ع بسکون لام و کبیری
 و سکون را و مملو و کسر تخم ثانی و سکون تحتانی و در مملو ثانی ف تخم کشتک و شراب
 طاح ی گویند ف مفتی بهی خ بستانی ش دو مثقال ص کیتال خردل تخم
 انجیر یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم گندنا برز البرج ع بسکون لام و فتح میم و زوجه
 ف تخم زردک ف مد مفتی برز الصنف ع بسکون لام و فتح عین مملو و سکون صا و مملو
 و فا و را و مملو ف نسکدانه و گوگرد و کسبکی بیج تنیق الزاء المجهود برز اربع بفتح
 اول و سکون زار عجمه ثانی و الف و زل و عجمه ثانی م بیاسه و جا و نری

مجلس السوفیاء
صفوحہ کبیر
کشمیریہ
پوچھ پچھ
بود و بار و ان
مقصد
تبدیل و طریقی
شیخ شافعی

47

بدل و س
بزرگ قوطی حاج
ایلسان بیانی
مجموعه گویند


۱۸

1944

١٠٠

کتابخانه از

10



طرک السیاحین منزل کرد سینه‌ها را در میان کوه و دریا و در میان کوه و دریا
 کوه و دریا و در میان کوه و دریا کوه و دریا و در میان کوه و دریا

تمیق السین المهملة بفتح الحسین مع سکون لام وفتح خاء وجمعه سکون سین محل
 ف تخم کا هو ط ب ی خ سیاه فیه بستانی ش از یکد رم تاد و درم من مصطک
 ل و م الاخوین بزر بلا سقلین بضم میو حده و کسر نیر و لام و الف و فتح سین مهمله و کسر
 قاف و فتح نیر و سکون تخم ثانی ف تخم تر شاه چو کی کی بیج ط ب ی خ
 ع بفتح حاء مهمله و میو شد و الف و تخم تر شاه چو کی کی بیج ط ب ی خ
 فیه و سیاه مائل سیر حی ش و درم من تخم رازیانه یا کسر فس ل لسان المحل
 تمیق الطاء المهملة بفتح میو سکون طاء مهمله م حب الفلفل ف انار و انار
 و شتی تمیق الغین المجهه بفتح و الفتح اول و ثانی و سکون غین معجم و زرع و کل
 و یک و غوک ع تمیق القاف بفتح و الفتح اول و ثانی و الف و قاف م لعا
 و هن و ریق لا لار بزر السریق ع بکسر سین مهمله و فتح نیر و سکون را و مهمله و فتح
 میو ف تخم قطف که بهو که بیج ط مع ح ب ی اگو تمیق بزر السلق ع
 بفتح سین مهمله شد و سکون لام و قاف و تخم حقیقه ط ب ی سکونین
 تخم خطی تمیق الکاف بزرک و الفتح اول و سکون ثانی و فتح را و مهمله و سکون
 بزرکشان و السی بر یک و بضم اول کسر ثانی و سکون سین مهمله ع عرس
 مسور بر یک و بضم اول و فتح ثانی جا نو لیست سیاه رنگ که نوش مر از شاه
 و بیشتر در کنار آب و بر سر درخت نیر نشینند و آواز بلند کنند تمیق اللام المهملة
 ع سکون لام و فتح میو حده و صاد مهمله و سکون لام ثانی ف تخم پیاز ط ح ی
 سن و و درم ل نیموزن تخم شلغم و نیموزن تخم سیب و و و وزن تخم گند زار
 یکوزن آن تخم انجیره بزر الفجل ع بکون لام و ضم فاء و سکون جیم ف تخم ترب
 ه مولی کی بیج ط ب ی خ ف سیاهی خ فیه ش کشنیر یا سیستان و شکر
 ل حب الرشاد بزر لسان المحل ع بکسر او مهمله و لام و فتح سین مهمله و الف و تخم

این به حال بود
 است بعضی
 او گران اسما
 یا فراط عام آورد
 و درم من مصطک
 و بضم فاء و یو
 او را بزرکشان
 حب لکون گویند
 حب النولک
 بزرکشان

۶۴
 تخم
 بزرکشان
 سکون
 شکست شکل
 مقلل اسودان
 مانند گونید
 آن شفافان
 حب الفاف

کوه و دریا و در میان کوه و دریا کوه و دریا و در میان کوه و دریا

نون و سکون لام ثانی و فتح حار و همزه و میم و بابت تک و خوب کلان طاب
خ فریه سیاه سرخی مائل شش سده و درم صسل تخم حاض بستانی تمیق المین
بزرگ انجیر و بضم هر دو حار و همزه و سکون و دو و میم و استقترک و گویند حب الغلظ
بزرگ انجیر و بفتح نون و میم و مشد و الف و تخم سینره بران کی بیج خشک
بستانی شش سده و درم ص کثیر ال تخم کتان و باد و بخوبیه تمیق النون بزرگ انجیر
ع بفتح راء و همزه شد و ثانی و سکون تخم ثانی و فتح حار و همزه بالف و نون و
تخم زریان طح ی گویند مع حب ق قابض ح سیاه فریه کوچک خوشبوی
شش کیشقال باب سرو یا کلاب ص مرزنگوش کل بزرگ و بزرگ کتان ع بسکون
لام و فتح کاف با فوقانی مشد و الف و بزرگ ه السی طح اصح وی گو
مع حب گویند بی اق منضج بلین خ تازه فریه شش سده و درم ص سل
ال حلیه با عصاره با قلاب بزرگ الماز یون ع بسکون لام با میم و الف و فتح رای مجبه
و سکون راء و همزه و ضم تخم ثانی و سکون و ا و ف تخم مارچوبه که که دن کی بیج ط
ح ۲ خ بستانی شش و دو درم ص سل در تخم یک باه حب الغلظ و میوزن
تودری و میوزن شقائق و جبهه بیماری مثانه میوزن تخم کاکج و دودانک و دن
آن حلیه شش و شش یک آن عنب الثعلب و گویند بلیمون و نخل تمیق الواو
بزرگ و بفتح میم و سکون راء و همزه و او و همزه و ف و در و سنگ و تخم و در شک
سرو او کنوچا طح رخ تازه و فریه سرخی مائل شش و دو درم ص کلنار بزرگ کتان
یا بزرگ و طونا تمیق الطاء بزرگ الانجیر و بفتح همزه و سکون نون و ضم جیم و فتح راء و همزه
و خفایا و ف تخم کرسنه ه انگن کی بیج طح ی ۲ گویند ی خ فریه شش و تخم
تا سده و درم ص کثیر ال حرت و قرومانا یا بزرگ کراث یا بزرگ جیر بزرگ انجیر و بفتح راء و همزه و بسکون
لام و ضم خا و همزه و سکون او و همزه و فتح قاف تخم تورک ه لوبیا کی بیج طاب ۲

[illegible]

یک شتا
با سوده و دانه
شبه سوار
نخندنی لیا
نافع بود لیکن
غیشان آورد
و وصل آن
ب نوک
رزش بود
که از آن بخورند

۴۴

حرف البص
مفید است
فیض حاصل
سنت مایه
بین غیب
سین کیم
نسبت به
درست است
بسیار

المهملة بسبع بضم اول سکون ثانی واره ممله فثو روه ممله ط ب ی ق
 قابض ش از شراب او یکو قیص سکون بین ساهل خرون بتمیق الزاء المعجده
 بستان افروز بضم اول سکون ثانی وفتح فوقانی والف و سکون نون وفتح نون
 و سکون فاذ بضم راء ممله و سکون و او و زاء معجم بر طایفه ی ف گل تلج خروس
 ط ب ی ق خ و رسای خشک کرده ش دو درم تا چهار درم و گویند از تخم او
 یک شقال حص کند ر بار از یانیدل محاض بسبب الیفین فتح اول سکون ثانی وفتح موحده
 ثانی باله وفتح تحتانی و سکون سین ممله ثانی نزو اهل مخرج راز یانیدل با ویا
 ه سولف تمیق الکاف بسک وفتح اول ثانی و سکون کاف و بسک ف
 بفتح اول و ثانی و نون ع اکلیل الملک تمیق السیم بستانم ف بکسر اول سکون
 ثانی وفتح فوقانی باله و میم م بسع یخ مرجان تمیق الهاء بسبب اسع بفتح
 اول سکون ثانی و موحده ثانی و الف وفتح سین ممله ثانی و فضاء هاء چاپتری ط
 ح ی ا گویند ا ق ملطف غشقی مهبیخ زر و سرخی مائل خوشبو ش دو دانگ تا سه
 حص صندل و گلابل جوز بویه بسع وفتح اول و ثانی ع اکلیل الملک تمیق
 الشین المعجده و تمیق الالف بستانم تا ه بکسر اول و سکون شین معجمه وضم نون
 و سکون کاف باراء ممله و الف و فضاء نون و فوقانی و الف ثانی و وای پیوند
 تمیق الزاء المعجده بشین وفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی
 و زاء معجم بر بخاسف تمیق الشین المعجده بشین بضم م و موحده و سکون ه و
 معجمه و ورق حنظل ه اندر این کی پاست تمیق الخین المعجده بفتح اول
 وفتح نیر و سکون ثانی وضم فوقانی وفتح راء ممله و سکون عین معجم اکلیل الملک
 ه اسپرک تمیق النون بشکولیون یونانی و رومی بضم اول و ثانی و سکون و او
 و کسر لعم وضم تحتانی و سکون و او ثانی و نون و بگو ه بسفول تمیق الهاء

دفعه

در دیوار

عليه السلام

سید

سفر

۱۰۰

مکتوب

سنة ١٢٨٠

۱۷

ملفوظات

5

4A

15

۱۵۲

100

1

١٢٠

5

10

...

11

والله اعلم

5/2

بشا شکله یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون ثمین مجمره ثانی و فتح کاف
 و فخر لام جنطیانا تبسمه بفتح اول و سکون ثانی و فتح هم بضمین ج ف چشمک ه
 جاکسو تنسيق الصاد المهمله و تنسيق الموحده بصقل الذبج بفتح اول
 و سکون صاد مهمله و ضم لام و کسر زال مجمره مشدده و سکون تحتانی و موحده ص یلیو
 ف پیا ز تلخ تنسيق الواو المهمله بصاق القمق بضم اول و فتح ثانی و ضم قاف و
 سکون لام و فتح قاف ثانی و یم سکون را و مهمله ایصاع رغوة القمر و حجر القمر و زید
 ف سنگ ه چند کانت بصقل الفارغ بفتح اول ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی
 و فتح فا و الف و سکون را و مهمله ایضاع اسقیل ف پیا ز موش ه کانه تنسيق الزلا
 المعجده بصقل الیزع بکسر اول مجمره مشدده و سکون تحتانی و زاء مجمره ثانی ص یلیو
 تنسيق السین المهمله بصقل النرجس ع بفتح نون مشدده و سکون را و مهمله و
 یم و سکون سین مهمله ف پیا ز نرگس ه نرگس کی جر طحی ۲ ش و و شقال
 جهته قی تنسيق القاف بصاق ع بضم اول و فتح ثانی و الف و قاف ف لعاب
 دهن ه لا رطاح دق منضج محلل خ انصایم تنسيق اللام بصقل الغنصل ع بفتح
 عین مهمله و سکون نون و ضم صاد مهمله و سکون لام ثالث م سقیل بصقل ع
 بفتح اول و سکون ثانی و ثالث ف پیا ز طحی ۴ گویند ج ۴ دق مقطع
 ملطف محلل خ سفیدش از تخم دود در ص سرکه و و فحل کرکث شامی تنسيق الطاء
 المهمله و تنسيق الخاء المعجده بطبیخ ع بکسر اول و طاء مهمله مشدده و سکون تحتانی
 و زاء مجمره ف خریزه ه خریزه طح ۲ دق و گونید ب ۲ دق و و جلی و پوست او
 متقی خ سمرقندی شیرین ص شکببین سادول و و جلاب با قلا و بزرقطو تنسيق
 السین المهمله بطا رس یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر او مهمله شکوه
 سین مهمله شرس تنسيق الطاء المهمله بطباط سربانی بفتح اول و سکون ثانی

[illegible]

گنبد است
فی الفور گوشه را
نخورانند و در آن
شود حب
ظلمت است
برین وقت که
وهند و
اندین گویند
گرم است در
در هر سوم
است

کلمه بنده... باب الف... کلمه بنده... کلمه بنده... کلمه بنده...

باموجه ثانی و الف و طار ممله ثانی ف کسته هرت سکطاح ی اق قاب
 خ سبز تازده ش دو درم ص کرفس ل حاض بطع بفتح اول سکون ثانی باموجه
 ثانی ف تازده جنس طح وق سمن ص سکره و پیاز و سیخ شک و اندازند
 تمیق المیم بطمع بضم اول سکون ثانی و میم م درخت جبهه انحضراطح ی
 ق محلل خ سبز تازده ص سقر جل ل فسق تمیق النون بطر اسالیون یونانی
 بکسر اول و سکون ثانی و را ممله و الف و سین ممله و الف ثانی و کسرام و هم تحت
 و سکون و او و نون م فطر اسالیون بطر ایونانی کوه و سالیون کرفس
 تخم کرفس کوبی که پیاوی که بود طح ی م ق مقع مدخ سیاه ش یک درم
 شاه بوط باد و وزن آن تخم کرفس با نمون فشتین بطر لالون یونانی بکسر
 و سکون ثانی بار ممله و الف و لام و الف ثانی و ضم و ا و ع و ه و الجحرف لفظ
 تمیق الفحانی بطنج زقی بکسر اول ثانی مشد و سکون تحتانی و کسرام و جوه
 معج و قاف مشد و سکون تحتانی ثانی ف خیار که و و هند و انه که تر و زطاب
 و تخ شیرین آید اص قند یا غسل بل وی خورند یا بعد از و تنسیق العین الممله
 و تمیق الموحده بعر الضبع بضم اول و سکون بین ممله و هم را و ممله و فتح فضا و
 معج مشد و سکون موحده و ف گین سوا طح ای ل زب الجح تمیق الزا
 المجه بعر المانع میم و الف و کسین ممله و سکون را و ع و ج و ف پیشک زقی
 بکری می گنی طمع ح ی ق منضج منضج خ تازده ص غنک تمیق اللام بعر الجال
 بکسر هم و میم و الف و لام ثانی ف پیشک شتران طح ی ا تمیق النون بعر
 ع بضاد حجه مشد و الف و نون ف پیشک میش طح ی ا تنسیق الغین
 المجه و تمیق الالف بعر الفتح اول و سکون غین مجر را و ممله و الف
 نوک ز که آنرا گرازیز گویند تنسیق القاف و تمیق الالف بفاک المقتاع

کرم و خشک
 است و در
 چون یکدم از
 سخن کند
 و بر سر یک
 یک شمشیر
 افشانند
 و به ندرت
 در قوت باد
 بجا است
 و جبهه
 و کسین
 و فحان
 و کسین
 و فحان
 و کسین
 و فحان

کلمه بنده... کلمه بنده... کلمه بنده... کلمه بنده... کلمه بنده...

[illegible]

فصل في بيان ما يجب من التوبة

بقلمه الجماء
مسطور خمه
بندی بنی
گویند خورده
بندی کین
گویند بلعش
گرم و خور دن
جدا سیات
خوف سفل
مخورر گویند
میش

در اول بیان
 شاه باو ط یا بوزن آن هر نوب بطی تینق الفای بجا سفت بکسول و ثانی و سکون نو
 یا حیدر الف و فتح سین مملع هر بخا سفت تینق الکاف بنگ ف بکسول و سکون
 ثانی م آتش بکوط الملک ع بکسول لام ثانی و فتح سیم و کسول ثالث ف شاه بلوط
 و گویند گردگان تینق اللام بلال و فتح اول و لام الف بلادر بل و فتح اول
 و سکون ثانی ثمر نیست که پوست این را شل خوانند و شحم این را بل و تخم این تل
 و بیل طرح ی گویند و ف حابس طین خ شیرین ش دو درم تا سده در تخم تینق الف
 بکین و فتح اول سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون نون م خرفه بقله الحما
 بلسان ع لفتح اول ثانی و سین مملع و الف و نون شجره مصری مشهور طرح ی گویند
 سی سق ماطف محمل خ خوشبوی ش نیمدرم ص صندل ل زیتون و فتح بلسین
 اول و سکون ثانی و تخم سین مملع خنجر سفید بکطاون و فتح اول و سکون ثانی باطا
 ساه و الف و فتح و اده چولای کا ساگ بکون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و تخم سیم
 سکون و اوم سانج بکوسیطون یونانی بفتح اول و تخم ثانی و سکون و او و کسین
 و سکون تحتانی و تخم طاه مملع و سکون و او ثانی و کلنار و گویند سیوه بل تینق الف
 بلیک و فتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و کاف و خفار با م مسکه بلوایه
 و فتح اول و سکون ثانی و او و الف و فتح تحتانی م بالوایه و پرستوک بلها آینه
 بفتح اول و سکون ثانی باها و الف و سکون را و مملع و فتح موحده ثانی و سکون ثانی
 و فتح ال سله بروقی و گویند کلهی بلیک ف بلیج تینق التحتانی بلبلی و بضم
 اول و سکون ثانی و تخم موحده ثانی و کسول لام دو م و سکون تحتانی م حبشی زرد
 تینق النون و تینق الالف بنده بفتح اول و خفار نون و فتح و الف مملع و الف
 و وای هند نیست و آن عبارتست از و خیتکه بر درخت دیگر وید تینق الفوقانی
 بناست بکسول و فتح ثانی و الف و سین مملع صمغ البطم تینق الجید و بفسج ع

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند

ب را گویند ف سسل صفر اولین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و مین و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المصل
 نبات الرعد ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المصل
 نبات النارج بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و درم
 و را و ممله م انجروه ف کزیه بنیه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجهه بنو ماش ف بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقعر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید قرمز زرد و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و بفتح اول خطای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند
 ب را گویند ف سسل صفر اولین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و مین و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المصل
 نبات الرعد ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المصل
 نبات النارج بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و درم
 و را و ممله م انجروه ف کزیه بنیه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجهه بنو ماش ف بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقعر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید قرمز زرد و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و بفتح اول خطای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

بفتح اول و ثانی و سکون ف و فتح سین ممله ف مفضله بنو ساطب ۲ رس گویند
 ب را گویند ف سسل صفر اولین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
 او و بخورم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پرسیا و شان بنخ ع الفتح اول و سکون
 ثانی و جیم هم بنک و مین و شبکران و خراسانی اجوائن بلی ایاق مخدر قابض
 مسکن رخ سفیدش دو درم و سسل ل لفاخ و ششخا ش لانیون تنیق الدال المصل
 نبات الرعد ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و فتح را و ممله مشد و سکون
 حین ممله م سمار و غ و ف کلاه ماران و لکن بول و کسبنی تنیق الراء المصل
 نبات النارج بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی با نون مشد و ثانی و الف و درم
 و را و ممله م انجروه ف کزیه بنیه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موجده ثانی و سکون او
 ممله م پستان تنیق الشین المجهه بنو ماش ف بضم اول و ثانی و سکون او
 با سیم و الف و غله نوگ تنیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم اول
 ممله م فنیق ف با و ام کشمیری سه گوشه طح ربع گویند ح راق بهیخ بر
 بالیده ش و درم ص فانیل با و ام شیرین یا بوزن آن مقعر جوز و بعضی گویند
 چاقوزنه تنیق الکاف بنیق ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی نوعی از ایشیم
 فر و یاست که کز تنیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف
 مانند تشو لیست که از بنج مغیلان درین خیز و طح ایاق قابض مخفف خ
 سفید قرمز زرد و سبک خوشبوی سسل و بفتح اول و ثانی و الف
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی
 خوشه خرماتینق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسبیم و سکون
 شین مجر و کاف و فتح زار مجر و واو و الف و نون ع لسان العصاره بکسر اول
 و بفتح اول خطای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

طاب بنطافون یونانی بکسر اول سکون ثانی باطا، ممله والف وفتح فاول وضم
 و سکون و او فح نجنگشت طب ای ۲۱ قاقبض خنج غلیظ شش شتقال
 ص کرفس ل جلنا رنگران و بضم اول و سکون ثانی وفتح کاف بار و ممله
 والف هم برنجی که در تیره دیگر بریان شده باشد که چین بن کیهون بفتح اول
 سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تختانی مجهول و ضم با و سکون و او هم آخر و سه
 بن بضم اول سکون ثانی ف آبکامه و تخم قهوه را نیز گویند و بفتح اول هم سیوه و
 تمیق الوا و بنکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی که بفعول تمیق
 المصاء بن تومنه بفتح اول و سکون ثانی و ضم نو قانی و سکون و او و فتح میمه و فضا
 ه اکاسن یل متبع بفتح اول سکون ثانی و فتح قاف م غلا لیت عد بن غلا
 غله را هر طمع می تمیق التختانی پنج و شتی بفتح اول سکون ثانی و کسر حمر فتح
 وال ممله سکون شین بجمه کسرفوقانی و سکون تختانی و و هتو را بنسق هند می
 اول و سکون ثانی و ضم وال ممله و کسر قاف و با و سکون نون ثانی و کسر ال ممله
 ثانی که ریضا طح سی اش است مشتقال از ر و غن او تنسیق الوا و تمیق الوا
 بو حایونانی بضم اول سکون و او با جا و ممله ف ماه پروین تمیق الموصله بول اول
 ع بفتح اول سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدوده و او والف و موصوفه ثانی
 ف شاش بهار یایان بول الکطبع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثانی
 ف کینر سگ تمیق الحجیم و جعج و بضم اول و سکون ثانی و فتح غین
 بجمه و سکون نون و سیاه دانه که کلونجی تمیق الدال المهمله لو شاد و
 و یونانی بضم اول و ثانی مجهول شین بجمه الف و شلغم تمیق الوا المهمله و یحیا
 و بضم اول سکون و او و کسرفوقانی و سکون تختانی با سیم والف هم غیم خورک
 گویند که بر ال ب بهاشیند و از غم آنکه مباد آب کمی پذیرد و با وجود نهایت تشنگی

خون خفاش را تازه در چشم
کشد چشمش روشن کند
وینزها که در چشم
در چشم کشد
وینزها که در چشم
زیاده کشد
اگر زنی دشوار
زاید بازه و

اب خور و یونانی شفتین نامند ع تمام ق گوشش مقوی حافظه و سهله بوجیه
 بضم اول و سکون ثانی و کسر صاد و سکون تختانی م مغیلان و لیکر و قضا و یونانی
 بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون تختانی با ضا و عجمه و الف و ذیت
 بشه و سفیدار و و وار بول البقیع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام
 ثانی و فتح موحده و قاف و شاش کا و خ از کا و و بول الحماج بسکون لام و کسر
 حار و مله با میم و الف و کینه ختمیق الذاع المجهله بر زف بفتح اول و سکون
 ثانی و زار عجمه م ز نور سیاه که بر گلها نشیند به و نر ابستان افر و زف م
 گل تاج خروس بول المضرع بفتح عین مله و سکون زار عجمه و شاش ختمیق
 المله بول الحماجوس ع با جیم و الف و میم و سکون مله و کینه و میش و بول الما
 ع و شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص ز بدل نکات بتمیق الشین المجهله
 بولیش یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر صاد و سکون تختانی و کسر طاء و مله م
 زف شاشا تمیق الفا بوق بضم اول و سکون وا و ف جانور کوف و بوم که به
 نخوست شتهار و ارد تمیق القاف بوق بضم اول و سکون ثانی و فتح راء و مله م
 بوره و تکراره ساک طح ی ۲ گویندی ۲ ق مجلی مقطع متقی ملطف مفرج ملهم
 خ سفیدار منی ش در حقه یکدم تاد و در م ص صمنع عربی و مضه بسکه و شراب
 ل نک تلخ یا نکل اندانی یا شب تمیق الکاف بوق کلک و بضم اول و سکون ثانی
 و فتح کاف و لام و سکون کاف ثانی م بن کوی و نخلک و تبرکی خیلان و عجمه
 تمیق الکاف الفارسی بورتک بضم اول و سکون ثانی و فتح راء و مله و سکون
 نون و کاف فارسی م با و ر و ج تمیق اللام بول لابل ع بفتح اول و سکون
 ثانی و کسر مفره و موحده ثانی و سکون لام ثالث و کینه شترخ از شتر عربی بول
 و بضم اول و سکون ثانی م م تمیق المیم بوم و بضم اول و سکون ثانی

خورشید و یونانی
 شفتین نامند
 ع تمام ق گوشش
 مقوی حافظه و سهله
 بوجیه
 بضم اول و سکون
 ثانی و کسر صاد و
 سکون تختانی م
 مغیلان و لیکر و
 قضا و یونانی
 بضم اول و سکون
 ثانی و کسر قاف و
 سکون تختانی با
 ضا و عجمه و الف و
 ذیت
 بشه و سفیدار و و
 وار بول البقیع
 بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم لام و
 سکون لام
 ثانی و فتح موحده
 و قاف و شاش کا
 و خ از کا و و بول
 الحماج بسکون لام
 و کسر
 حار و مله با میم
 و الف و کینه
 ختمیق الذاع
 المجهله بر زف
 بفتح اول و سکون
 ثانی و زار عجمه
 م ز نور سیاه که
 بر گلها نشیند به
 و نر ابستان
 افر و زف م
 گل تاج خروس
 بول المضرع
 بفتح عین مله و
 سکون زار عجمه
 و شاش ختمیق
 المله بول
 الحماجوس ع با
 جیم و الف و میم
 و سکون مله و
 کینه و میش و
 بول الما
 ع و شاش آدمی
 طح ی ۳ ق مجلی
 ص ز بدل نکات
 بتمیق الشین
 المجهله
 بولیش یونانی
 بضم اول و سکون
 ثانی و کسر صاد
 و سکون تختانی
 و کسر طاء و
 مله م
 زف شاشا
 تمیق الفا بوق
 بضم اول و سکون
 وا و ف جانور
 کوف و بوم که به
 نخوست شتهار
 و ارد تمیق
 القاف بوق بضم
 اول و سکون
 ثانی و فتح راء
 و مله م
 بوره و تکراره
 ساک طح ی ۲
 گویندی ۲ ق
 مجلی مقطع متقی
 ملطف مفرج
 ملهم
 خ سفیدار منی
 ش در حقه یکدم
 تاد و در م ص
 صمنع عربی و
 مضه بسکه و
 شراب
 ل نک تلخ یا
 نکل اندانی یا
 شب تمیق الکاف
 بوق کلک و بضم
 اول و سکون
 ثانی
 و فتح کاف و
 لام و سکون
 کاف ثانی م بن
 کوی و نخلک و
 تبرکی خیلان و
 عجمه
 تمیق الکاف
 الفارسی بورتک
 بضم اول و
 سکون ثانی و
 فتح راء و مله
 و سکون
 نون و کاف
 فارسی م با و
 ر و ج تمیق
 اللام بول
 لابل ع بفتح
 اول و سکون
 ثانی و کسر
 مفره و موحده
 ثانی و سکون
 لام ثالث و
 کینه شترخ از
 شتر عربی بول
 و بضم اول و
 سکون ثانی م
 م تمیق المیم
 بوم و بضم
 اول و سکون
 ثانی

گفته شود حرف دال مملو در قافیه می باشد که اگر در کتب کتب کتب

و میم و او تمینق النون بود یونانی بضم هر دو و صده و سکون هر دو و او
 و فتح دال مملو و ضم تختانی و سکون و او ثالث و نون م بسفاج بوزیدان بضم اول
 و سکون ثانی و فتح زار مجمره و سکون تختانی با دال مملو و الف که بوز و ان و گویند
 ستا و رطاح ی ۳ گویند ی ۳ ای لطف فح سبط تازده سفید با خطوط شکر
 ما و در م ص غسل با خول ل و وزن آن همین سفید یا بوزن آن و ج و نیموزن آن
 در زباد یا سورنجان بوضوح یونانی و در می بضم اول و سکون ثانی و فتح غین
 و سکون لام و ضم صا و مملو لسان الشورف کا و زابان بوقلمون بضم اول سکون
 اتانی و فتح قاف و ضم لام و میم و سکون و او ثانی ع حراف آفتاب پرست و اگر
 بول الصبیان ع بکسر صا و مملو کشد و سکون موحده ثانی یا تختانی الف ف
 کسر کو و کان بولوطه بوزن ثانی بضم اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون و او ثانی و فتح
 طار مملو و کسر را و مملو و سکون تختانی و ضم خا و مجمره و سکون و او ثالث ف پسیا و
 و هنساج بوا و ان ف بضم اول سکون ثانی با میم و الف و فتح دال مملو و او مملو
 و الف ثانی و بوا و ان بحدف دال مملو م برنجاسف تمینق الطاء بوزنه و بوزن
 ف بضم اول و سکون ثانی و زار مجمره و فتح نون و خفای با و در لغت اول و کسر زار
 و سکون تختانی و فتح نون و در لغت ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول سکون
 با طار مملو و الف و کسر نون و فتح تختانی و خفا و با و سیاه و او و تمینق التختانی
 بوزنه انشی بضم اول سکون ثانی و فتح را و مملو و همر و مملو و با و فتح همر و سکون را و
 مملو ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تختانی م بوقی بول التشریبه الی ع بفتح
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر خا و مجمره و سکون نون و کسر
 و ای مجمره و سکون تختانی و کسر را و مملو و سکون لام ثالث و فتح موحده و کسر را و مملو
 مشد ثانی و ف شاش خوک بکلی بولکسری لا بضم اول و سکون ثانی و لام و فتح

حرف دال مملو در قافیه می باشد که اگر در کتب کتب کتب
 میم و او تمینق النون بود یونانی بضم هر دو و صده و سکون هر دو و او
 و فتح دال مملو و ضم تختانی و سکون و او ثالث و نون م بسفاج بوزیدان بضم اول
 و سکون ثانی و فتح زار مجمره و سکون تختانی با دال مملو و الف که بوز و ان و گویند
 ستا و رطاح ی ۳ گویند ی ۳ ای لطف فح سبط تازده سفید با خطوط شکر
 ما و در م ص غسل با خول ل و وزن آن همین سفید یا بوزن آن و ج و نیموزن آن
 در زباد یا سورنجان بوضوح یونانی و در می بضم اول و سکون ثانی و فتح غین
 و سکون لام و ضم صا و مملو لسان الشورف کا و زابان بوقلمون بضم اول سکون
 اتانی و فتح قاف و ضم لام و میم و سکون و او ثانی ع حراف آفتاب پرست و اگر
 بول الصبیان ع بکسر صا و مملو کشد و سکون موحده ثانی یا تختانی الف ف
 کسر کو و کان بولوطه بوزن ثانی بضم اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون و او ثانی و فتح
 طار مملو و کسر را و مملو و سکون تختانی و ضم خا و مجمره و سکون و او ثالث ف پسیا و
 و هنساج بوا و ان ف بضم اول سکون ثانی با میم و الف و فتح دال مملو و او مملو
 و الف ثانی و بوا و ان بحدف دال مملو م برنجاسف تمینق الطاء بوزنه و بوزن
 ف بضم اول و سکون ثانی و زار مجمره و فتح نون و خفای با و در لغت اول و کسر زار
 و سکون تختانی و فتح نون و در لغت ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول سکون
 با طار مملو و الف و کسر نون و فتح تختانی و خفا و با و سیاه و او و تمینق التختانی
 بوزنه انشی بضم اول سکون ثانی و فتح را و مملو و همر و مملو و با و فتح همر و سکون را و
 مملو ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تختانی م بوقی بول التشریبه الی ع بفتح
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر خا و مجمره و سکون نون و کسر
 و ای مجمره و سکون تختانی و کسر را و مملو و سکون لام ثالث و فتح موحده و کسر را و مملو
 مشد ثانی و ف شاش خوک بکلی بولکسری لا بضم اول و سکون ثانی و لام و فتح

حرف دال مملو در قافیه می باشد که اگر در کتب کتب کتب

سیمین ممله و کسر اول ممله و زحمت ششده و زحمت نیست که کل فتح شود و در هر چند گشت ششده
 کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم معیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی مبول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشکط مع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای مبول هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال ص ر و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر ف کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیچ پیره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای مبول و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 معیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و ف و
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

و کسر اول ممله و زحمت ششده و زحمت نیست که کل فتح شود و در هر چند گشت ششده
 کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم معیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی مبول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشکط مع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای مبول هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال ص ر و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر ف کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیچ پیره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای مبول و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 معیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و ف و
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

کند و بسیار بود و در شش بعینه نمکنا است و وای عظیم در وزن است و تنسیق
 الحاء و تنیق الا لف بهاتنا به الفتح اول و اظهار الف و فخار نون بافتو فانی و
 ثانی و با و خجانی و کلا واکه بکسر اول و سکون ثانی باللام و الف و وای و ف بلاد
 بهنگامه الفتح اول و سکون ثانی و فخار نون و فتح کاف فارسی و وای ممله الف
 و وای عظیم الفتح ست هندی هم معیره بهیتره الفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و وای
 ممله ف بلیکه است تنیق الموحده بهاتنا سیب الفتح اول و ثانی و الف و کسر اول
 و سیمین ممله و تحتانی مبول و موحده و کل سبب قی مقوی و یاغ تنیق الجید و ج
 الفتح اول و سکون جیم ثانی هم یوز بیان به ارجع الفتح اول سکون ثانی با و ممله
 و الف و فتح سیم هم بید مشکط مع بهروج و بکسر اول و سکون ثانی و ضم و
 ممله و وای مبول هم کند هندی به بریجان و گویند نوعی از بلور که و تنیق الدال
 الهمله بهار لهر و و الفتح هم و سکون سیم و ضم و وای ممله و سکون و وای و کل اهر و
 مقوی و یاغ تنیق الواع الممله ف بهار الفتح اول و وای و الف و وای ممله هم با و
 و گویند کل که زمان و کل ندیج طحی اقی محلل خزر دانه شش یکشقال ص ر و
 ال جوده تنیق المجرع الفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح هاء ممله و جیم
 ع خراز الصخر ف کل سنگ و آن مانند رنگ خیری بر سنگی نشیند بهیچ پیره
 الفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و وای مبول و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی شده
 هم زحمت هندی است که و کثیر از قشرا و وای و سار و ندر و بیان کا ندر و کتابت
 نمایند تنیق الزاع بهروج و بکسر اول سکون ثانی و ضم و وای ممله و سکون و وای
 معیره بریج تنیق الکاف الفارسی بهاتنا که الفتح اول و اظهار ثانی و الف و ف و
 نون و کاف فارسی هم قنب تنیق اللام بهاتنا الفتح اول و اظهار ثانی و الف

و خفاء و تون و فتح فوقانی هندی و سکون لاهم هم شنج و ف کل نند و مبدول و بفتح
 اول و ضم ثانی و اظهار آن و و او مجهول و دل ممله هندی ع طلق و ف ابرک تنقیق
 النون و لاهم و بهرمان و بفتح اول و سکون ثانی و بار ممله و الف و فتح میم و
 سکون نون و در لغت اول و با هم و الف و نون در لغت ثانی یا قوت سرخ و خانه که
 زمان بر روی بالند و کل شکسته و بهمن هم بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و
 است چنین نام گویند اسکنده و لایقی است سرخ که بهکن سفید و اسکن طح ی
 گویند و ق سمن و مفتح و مقوی دل خ سرخ می یکدر مص انیسون ل تودی
 و لسان العصاره تنقیق العا بهتری و بفتح اول و ثانی و الف و کسر و ممله
 موحده ثانی و بار ثانی و ف کل آبی مقوی و باغ بهتری و بفتح اول و سکون ثانی
 بار و ممله و الف و فتح میم و خفاء و باغ بهرام هم بهدیشک بهر وجه و بهر وزه و ف کسر
 اول و سکون ثانی و ضم بار ممله و و او مجهول و فتح جیم و لغت اول و ز او مجهول و فتح
 ثانی و خفاء و باغ بهتری تنقیق التختانی بهما یکی و بفتح اول و اظهار ثانی و الف و
 فتح بار ممله و سکون نون و کسر و ف فارسی و وای هندی است تنسیق الیاء
 التختانی و تنقیق الالف بتیش تیشا بکسر اول و سکون تحتانی و شین بهجیم و کسر
 فوقانی و تحتانی مجهول ثانی و شین بهجیم ثانی م ماه فرنین تنقیق الفوقالی خشت
 بکسر اول و ثانی مجهول و سکون ال ممله و کسر و ممله و سکون شین بهجیم و فوقانی
 و شین خشت بنیت و بکسر اول و ثانی مجهول و خفاء و نون شینیت خا و دار که
 در هند از چوب شین و شته چا بک سازند و جل غیث نیز قسمی از پوست و ف غیر از تنقیق
 الخاء المعجمه بهجیم و بکسر اول و ثانی مجهول و کسر و ممله و سکون خا و ممله
 ثانی و ممله بیض مسلوخ و بکسر اول و سکون ثانی و کسر و ممله و ممله و فتح میم و سکون
 سین ممله و ضم لاهم و سکون و او ف شخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

و در و بهند و
 و دهان گویند
 خاصیت میم
 و دهان با غنیف
 بود و روی که
 فتح و اری
 بود و دهان
 تو از بر کرم بود
 قسط سبیل
 کنند و کشتنی

و در و بهند و
 و دهان گویند
 خاصیت میم
 و دهان با غنیف
 بود و روی که
 فتح و اری
 بود و دهان
 تو از بر کرم بود
 قسط سبیل
 کنند و کشتنی

گویند در دستان خورشید جوانند
خود را بگیاوار است شقایق

و سکون لام و فتح موحده ثانی و سکون طاء مملو و فتح خایه قازخ تازه تمیق القاف
 بیض مسلوق ع بکسر فاد مجع و فتح میم و سکون سین مملو و ضم لام و سکون و او ف
 شخم مرغ بریان کرده و جو شاندره تمیق الکاف پنج مک بفتح میم و سکون با که تکی
 بید مشک و بکسر هم و سکون شین مجعده نوعی از بید است که از گل آن عرق کشند
 تمیق اللام بیض المحلل ع بفتح حاء مملو و سکون جیم و لام و فتح خایه کبک و بی
 خ تازه بیل بکسر اول و ثانی مجهول م بل مکمل ای سیل تمیق المید تمیق الحام ع
 بفتح حاء مملو بایم و الف و شخم کبوتر و مبی تمیق النعام ع بضم نون مشد
 و فتح عین مملو یا الف و خایه شتر مرغ خ تازه تمیق الملاء بیجا ده و بکسر اول و
 ثانی مجهول و جیم و الف و فتح و ال مملو م که با و کانی و گویند سنگریزهای سرخ رنگ
 از جواهر فرمایند باشد و بضم گویند بیجا ده و بضم بایم و بکسر اول و ثانی
 مجهول و سکون را و مملو و فتح را و مجعده پریجا بخیله بروزن بخیله و م خرد تمیق
 فتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م بنفسه که گفته شد تمیق التختانی پنج چو
 بضم جیم فارسی و سکون و او و کسر هم ثانی که چونک کی جر که آنرا کوکان چون
 لوبریا یا مچی پانین پنجینی و بکسر اول و ثانی مجهول و کسر فاد مجعده جیم فارسی
 سکون تختانی ثانی و کسر نون م چوب چینی و پنج حیات پنج شانه دشتی و پانین
 مجعده و الف و فتح نون و هنر و ملینه و فتح و ال مملو و سکون شین مجعده ثانی و کسر فوقانی
 انگلی کی جربنج سوخت جنگلی که قنخدر بیزری و بکسر اول و ثانی مجهول و را و مملو
 کسر را و مجعده پریجا توقیر الباء الفارسی و تنسیقه و تمیق الالف پا و راه
 موحده فارسی و الف و ال مملو هندی و را و مملو و الف ثانی گل درخت هند است
 و ال موحده فارسی و الف و فتح و ال مملو هندی و سکون لام پا که موحده فارسی
 الف و را و مملو ف سیاه طح تمیق الفوقانی هندی پا که موحده فارسی و الف

طه و سحر یکسوم فرغ است و این درست نیست ۳۲ فافهم و ام

کشت
نیز ویدیم
مخوادم
است هندش
لال گویند وطن
الملل نزلان
صناعت
اراد و فوسا
ست دیک
نفاری برون
گویندم برکت
۶۲
راول پور
گواندون
کنسان
مخفی
وایسرای
از

گفتند بگویند
باید که
جست
بر اندازد
نه بگوید
است و بگوید
از او قطع است
است و بگوید
آدمی
که بگوید
از او قطع است

و سکون سین مهله و ضم فوقانی و سکون کاف و لغت اول و سکون و او در لغت
 ثانی جانوریست که پشت و درم آن سیاه بود و سینه یلاید و سفارش سرخ و در
 سقف خانه آشیانه دارد و فرشتگ پر و آنکاف فتح اول فارسی و سکون ثانی
 و فتح نون م جانوریست که پیشانی شیر آواز گنان رود و تینق الکاف و الف
 پر یک ف یکسر اول فارسی و فتح را و مهله و سکون نون م سرخ و پیش یک
 که یکسر اول فارسی و ثانی و تحتانی بهول و خوار و نون و کاف فارسی و وای هند و سیت
 ط ب تینق اللام پر بال و فتح اول فارسی و سکون ثانی با موحده و الف لک
 ع بسد و مرجان م سونگا تینق المید سر حیم و فتح اول فارسی و سکون ثانی
 و فتح جیم فارسی کا و قطاس که سه کامی تینق النون پر افران و فتح اول فارسی
 و سکون را و مهله و در مهله و ذال و جمه بار و مهله و الف جانوریست شکار علی و زین
 ج و ع زیم و چین و فتح اول فارسی سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی و ا و ع
 فرخ و رطبه که لونی و اکول پر سیا و شان ف ع کنز به البره راج شمس و کز جابه
 و سبل که در کنایه چاه و شبها میر وید طح ی ا گویند مع ح ب ق منضج لطف
 در محل نفقت سهل لغف و سودا خ سیاه چوب سبزو رن یا سیاه چوب سبزی مائل
 بش سه درم تاده درم صی مصطکی یا کثیر ال بوزن او نضشه یا کینیم وزن اب سب
 باد و و آنک و زن آن ز و فا یرن و فتح اول فارسی و ثانی فارسی م زغن
 تینق الحاء پر کنه و فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف و نون تر کیبی
 بو بیای خوش م اگر که پر پیچ و فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم
 فارسی لیف خرم تینق التختانی پر بی که بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر و
 و سکون تحتانی م ثربی تینق السین الممله و تینق الالف پستاه یکسر
 اول فارسی و سکون سین مهله و فتح فوقانی و پسته و فستق طح و تینق النون

کند و چون
مردنه و گزیده
گردان نگردد
و از هر زبان
دندان این
باشد و این
خاص آورده
است و اگر
گرسنگی را در دندان
دیگر گرسنگی نوزاد
آن دیده نگردد

۶۴

بسیار است که
در آنجا این جمع
کنند و او همه
با خود دارد و هم
خود را با آن
ریخته و با آن
سازگار

درخت هند نیست پیل و کبیر بر دو وجه فارسی و سکون هر دو لازم و حاصل
 قبول و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح واو و نه هند نیست که اکثر و کثرت
 برگ قبول بیکارند و ناخوش نیکوست طرح تمیق المیم یکم بفتح اول
 فارسی و سکون ثانی و میم هم خاک تمیق الحاق الف و بفتح اول فارسی و ثانی
 و سکون غین بجه و فتح و ال مهله تم مخ مرغ و میوه که بوسیده باشد بجه و بفتح
 اول فارسی و ثانی و درخت دهاک و نیز فارسی شیر حیوان نوزارنده که آنرا فله
 درنگ نیز گویند تمیق تحتانی یکم و بضم اول و سکون ثانی و کبیر جم فارسی
 خمره بکیندی و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح تحتانی و سکون نون و کبیر
 و ال مهله نوعی از خمره تنسيق النون و تمیق الالف نیز نوا و بضم اول فارسی
 و ثانی و سکون راء و فتح نون ثانی و واو و بکبیر تمیق الفوقانی بجه
 ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی
 سکون شین بجه و درخت سببها لو طرح گویند ی ۳ ق محلل ملطف مغشی
 خ تخم تازه ش یکتقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شداخ تمیق الدال
 ال مهله پذیرد بفتح اول فارسی و سکون ثانی و علی و تمیق الواو ال مهله
 پتوا و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و واو و الف و ای هند نیست م قلت
 ط بجه تمیق الکاف پنج پاک و بفتح اول فارسی و سکون نون و جم
 و موحده فارسی ثانی و الف و فتح تحتانی ع سرطان پنانک و
 بفتح اول فارسی با نون و الف و فتح نون ثانی ع صمغ پیرک
 ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح
 را و مهله م گل خطی تمیق الکاف الفارسی یکم بفتح اول
 فارسی و سکون نون و کاف فارسی م خوشه تمیق المیم پنج بجه

بفتح اول فارسی که باها جوهری تمینق الهایم که از ف که بنو لایح پاره فرجک
که لیکر آنجه گریه و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم و هنر ملینه و ضم کاف
فارسی سکون را و محله و فتح موحده م بید شک تنسیق الواو و تمینق الفوقانی
پوست و بضم اول فارسی و سکون واو و فوقانی م جگر تمینق الشین المعجده
پویش و بضم اول فارسی و سکون ثانی و واو و فتح موحده فارسی ثانی ع هر
تمینق الکاف پویک و بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی
ع هر پویشک و بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح شین معجم که هر تمینق اللام
پویش و بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح موحده فارسی م خوف و سپاری تمینق الواو
جوهر و موحده فارسی و سکون هر دو و اوم هر دو و آواز هر دو تمینق الهاف پویه
بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و خفا و باع هر دو و ف و بضم اول
فارسی و ثانی مجهول فتح نون م خر بوزه و هند و اند و دیگر سیوا که درون سان مضمول
و بوسیده باشد تمینق التختانی پوت بنهماری که و تخم خا و اثر گونه م هر جری
پوش و ریندی بضم اول فارسی و سکون واو و کشرین معجم و فتح وال محله و سکون
را و محله و فتح موحده و سکون نون و کشر ال محله ثانی و شیان ست که از این
و در ریندی آرند و ان بنایتست که همچنان میگویند و شیان میسازند طب بی ال
ما میثا عن الثعلب یا بزر النید یا یا حضض یا حضضه ما میثا پوی که بضم اول فارسی
و ثانی مجهول و سبری هندیت که ریشا مثل انگور پیر پاره مید و اند بینه و خراب
ست و از تر پانی خورش تنسیق الهایم و تمینق الالف پلسا و بفتح اول فارسی
و اظهار با و سکون لام و سین محله م سیوه شهر و هندیت تمینق الدال الموهله
پرده بفتح اول فارسی و اظهار با و سکون او محله و فتح با و ثانی درخت هندیت
م تمینق الواو الموهله پهنور و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم نون

[illegible]

و سکون و او هم می تینق الکاف پسرک بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح نیم
 و زار معجمه و سکون کاف م ناز پشت تینق اللام بکسر اول فارسی
 و سکون ثانی و فتح کاف و سکون راز جمله و ضم میم و سکون و او و ای و بخت
 تینق الهماء و پنجاه و فتح اول فارسی و سکون ثانی با نون و الف و فتح نون
 ثانی م بوزنه و میون که با ندر تینق التختانی پشگری که بفتح اول فارسی و انطا
 ثانی و سکون فوقانی و فتح کاف و کسر او جمله م شش یانی و ف ناک سفید
 پی و ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی ع خنظل تنسینق الیاء التختانی و تینق ال
 پیایانسا که بکسر اول فارسی با تختانی و سوجه و الف ثانی و ف نون و سین جمله
 قسمی از بانسا تینق الواحد که بکوف طعایست ترش که از بوزنه و غیره و غیره
 سازند تینق الدال الهماء مثل امر و ف بکسر اول فارسی تختانی و لام نوعی نام
 است تینق الهماء الهماء پیار که بکسر اول فارسی و تختانی و الف م میوه هندیست
 که ترشیش برشی خرد و هندی ماند و از تخم او چوبی یعنی نقل خواص بهم میرسد بیلا
 که بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح سوجه فارسی ثانی و لام الف و ضم میم و
 و او و فلفلسوبه نیم و ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم میم و زار معجمه و طلب
 که سوال که در آمار وید تینق الشین المعجمه پیش بکسر اول فارسی و سکون
 تختانی و شین معجمه م برگ خرا بیکوش و ف بکسر اول فارسی سکون ثانی و لام
 کاف فارسی و او و مجهول ع اذان الفیل و ف و گویند و فارسی کلی است که بر
 کنار ایشان نقطه های سیاه باشد تینق الکاف پتیک و ف بکسر اول فارسی سکون
 ثانی و فتح فوقانی که میست که جاها و کاغذ تبا و ساز و چوبک بکسر اول فارسی ثانی
 مجهول و فتح جیم فارسی ع عشقه و بلالاب تینق اللام پتیک و ف بکسر اول فارسی و
 سکون ثانی و فتح سوجه فارسی و ف طفل و راز و نیز نام و رخت مشهور هندیست

[illegible]

بیتل و کسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی و فتح تنیق النون تمینق

بفتح اول فارسی سکون تحتانی و ضم غین معجم سکون نون م سدب تمینق
 الواو سیله کسر اول فارسی سکون ثانی و ضم لام ع اراک تمینق بکسر اول
 فارسی سکون ثانی و ضم نون و و غ ترش نخته م کسک تروت تمینق الحاء
 اچیف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحک پیکه بکسر اول
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ایشتم تمینق تحتانی پی و فتح اول سکون تحتانی ع عصب
 ترقیم التاء الفوقانی و تنیق و تنیق الالف تال کماراه بفوقانی و
 و لام و فتح میم و کاف اظهار و الف ثانی و ر و مهله و ای مشهورین دست تانبا
 و بفوقانی و الف و خفاء نون و موحده ف مس تمینق الموحده تا کوب بربری
 بفوقانی و ضم کاف و سکون و او م فرنیون تمینق الفوقانی تا سمصت بربری
 بفوقانی و الف و کسرین مهله سکون میم و فتح صا و مهله سکون فوقانی و ترش
 تسبیح تا غندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجم و سکون
 نون و فتح و ال مهله و سکون سین مهله فوقانی ثانی م عاققه
 تمینق الحاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خا و معجمه و ختی است که چوب ترا
 نیزم سازند آتش آن از هنرهای دیگر نیست مانند و آنرا تاخ نیز گویند تمینق اللال
 الممهله تاروت بفوقانی و الف و فتح را و مهله م کسه که برگ و دیگر حیوانات
 بحسب تمینق الواء الممهله تاروت بسکون را و مهله و ختیت شبیه بدخت خرا
 که از آن آبی حاصل کنند که این در در و کسرو و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
 برگ آن از هر یک کسرت بیشتر و برینان کتابها بران نویسند و هندوان در آن
 انسان نرزه گوش خود پاره ساخته برگ آن و خت پیچیده در آن نهند تا لفسفیر
 بفوقانی و کسر لام سکون سین مهله و کسرها و سکون تحتانی و کسرین مهله ثانی و

بیتل و کسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی و فتح تنیق النون تمینق
 بفتح اول فارسی سکون تحتانی و ضم غین معجم سکون نون م سدب تمینق
 الواو سیله کسر اول فارسی سکون ثانی و ضم لام ع اراک تمینق بکسر اول
 فارسی سکون ثانی و ضم نون و و غ ترش نخته م کسک تروت تمینق الحاء
 اچیف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحک پیکه بکسر اول
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ایشتم تمینق تحتانی پی و فتح اول سکون تحتانی ع عصب
 ترقیم التاء الفوقانی و تنیق و تنیق الالف تال کماراه بفوقانی و
 و لام و فتح میم و کاف اظهار و الف ثانی و ر و مهله و ای مشهورین دست تانبا
 و بفوقانی و الف و خفاء نون و موحده ف مس تمینق الموحده تا کوب بربری
 بفوقانی و ضم کاف و سکون و او م فرنیون تمینق الفوقانی تا سمصت بربری
 بفوقانی و الف و کسرین مهله سکون میم و فتح صا و مهله سکون فوقانی و ترش
 تسبیح تا غندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجم و سکون
 نون و فتح و ال مهله و سکون سین مهله فوقانی ثانی م عاققه
 تمینق الحاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خا و معجمه و ختی است که چوب ترا
 نیزم سازند آتش آن از هنرهای دیگر نیست مانند و آنرا تاخ نیز گویند تمینق اللال
 الممهله تاروت بفوقانی و الف و فتح را و مهله م کسه که برگ و دیگر حیوانات
 بحسب تمینق الواء الممهله تاروت بسکون را و مهله و ختیت شبیه بدخت خرا
 که از آن آبی حاصل کنند که این در در و کسرو و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
 برگ آن از هر یک کسرت بیشتر و برینان کتابها بران نویسند و هندوان در آن
 انسان نرزه گوش خود پاره ساخته برگ آن و خت پیچیده در آن نهند تا لفسفیر
 بفوقانی و کسر لام سکون سین مهله و کسرها و سکون تحتانی و کسرین مهله ثانی و

۸۹
 انشاء الله تعالی
 بجهان او
 در نگوش برده
 و گویند سوسانی
 بجهان سلیمان
 در نگوش است
 در عاقلین
 گویند سرکمان
 بجهان او

و کسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی و فتح تنیق النون تمینق

کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و بهشت
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خشکست در
 سدر و بهشت
 ۹۰
 کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و بهشت
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خشکست در
 سدر و بهشت
 ۹۰
 کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و بهشت
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خشکست در
 سدر و بهشت
 ۹۰

کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و بهشت
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خشکست در
 سدر و بهشت
 ۹۰

تخم سپندان که اسپند تالیسپیتره بفوقانی و الف و کسر لام و سکون تحتانی و
 سین که همزه و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده و وای هندلیست تا مریفتح میهم
 کل حماض تمیق الغین المجهه تاغ و بفوقانی و الف م درخت تاخ و تخم مرغ
 تمیق الکاف تا تینک و بفوقانی و الف و سکون را و همزه و فوقانی ثانی و اول
 ع عنکبوت تا شک و بفوقانی و الف و فتح شین معجم مسکع زید تا فاشک و
 بفوقانی و الف و فتح فا و شین معجم دیو و جیر ع ارضه تارک و بفوقانی و الف و او
 خروکا و جونه تمیق اللام تا ک و م درخت تا ط تا سول و تا نبول م بفوقانی و
 الف و ضم میم و او و بول در لغت اول و سکون نون و ضم موحده و سکون و او
 برگ نبول که یان واک بیل ب ای گویند ای ۲ ص فوئل کات آ که
 محمود ل فر نفل تا و ل و فتح و او و م تا و ک تمیق النون تا رین بفوقانی و الف
 و کسر را و همزه و سکون تحتانی و نون و بی نون نیز آ بیکه از و رخت تا ط حاصل شود
 و آن شرتی بود که نشا اش پاد و سر آرد تمیق الواو تا هوف بفوقانی و الف و ضم
 با م شراب عراقی تمیق الهاء تا رچه بفوقانی و الف و او و همزه و ضم جیم فارسی و او
 ببول و فتح موحده م هلیون تا لانه و بفوقانی و الف و لاله الف و فتح نون و او
 از شفتا لوت تمیق التحتانی تا لگی و بفوقانی و الف و سکون لام و کاف فار
 م کشین صحرای تنسیق الباء الموحده و تمیق الدال تبر و ف بفتح فوقانی و
 موحده و سکون را و همزه و فتح را و جیم نبات و شکر سفید و نوعی از نمک سخت از شکر
 نمک سنگ قسمی از انگور در غایت شیرینی و صبر این گویند تمیق الواو المهمله تا شمر
 و بفتح اول و ثانی و الف و کسر شین معجم و سکون تحتانی م بن سون چن بجمع بکسر
 اول و سکون موحده ف ز و طلاء سونا تمیق النون تبر خون و بفتح اول و ثانی
 و سکون را و همزه و ضم خا و معجم و سکون و او و ع غاب و گویند جوبی ست سنج رنگ

کوهک بود
 از آن که زیاد
 خوانند و بهشت
 زیاد و بهشت
 ناسند و بهشت
 پادشاهی که در
 دهنده و بهشت
 خوانند و بهشت
 خشکست در
 سدر و بهشت
 ۹۰

بسیار سخت و گران و املس که شایطان ازان چو بستی سازند و گویند سرخ بید گویند

بقره و گویند یعنی از تر که باطعام و نان بخورند و آنرا ترخوان و ترخوان خوانند و هر
 آن که طرخون تکران ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف و خاره که کانه
 تینق الحاء تیر ف بفتح اول و ثانی و سکون را در جمله و فتح زاء و جمع هم تیر و تین که
 ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم و کاف شدند و از آخر تنسيق الفوقانی
 و تینق الکاف ترکیب بفتح اول و سکون ثانی و کسر او جمله و سکون تحتانی و کاف
 م ساق تینق المسیح ترم ف بضم هر دو فوقانی م ساق تینق التحتانی تتری
 و بفتح اول و سکون ثانی و کسر او جمله م ساق تینق التحتانی و سکون ثانی و کسر او
 و چو تنسيق الحاء المعجده و تینق للوحده تخم جارب ف م اطلال
 تینق الفوقانی تخم اسپست بکسر حمزه و سکون سین جمله و کسر با و فارسی و سکون
 سین جمله ثانی و فوقانی م بند الرحمن تینق الحاء المعجده تخم بفتح اول و سکون
 ثانی ف کسبه و کجاده که کسل تینق الضاد المعجده تخم حاض بفتح حاء و جمله و تینم شد
 و الف و ضاد معجده چو کی کی بیج تینق الکاف تخم ترک ف ع بزره و تینق
 اللام تخم خمال ف بکسر خاء و لام الف م اطلال تخم کل ف بضم کاف
 فارسی زر یعنی زردی بیان کل تینق المسیح تخم شاه فرم ع بزره و ریحان
 تینق النون تخم سپندان و اسبند تخم گشان کاف و فوقانی و الف
 السی تینق الحاء تخم بنک دیواند بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی
 و دال جمله و تحتانی مجهول با و او و الف و فتح نون و خراسانی اجوائن تخم یلم
 بفتح موحده فارسی و لام و بلاس با طره تخم خروف بضم خاء و سکون او جمله
 و فتح ناه و لوسیا کی بیج تینق التحتانی تخم تیر یلمی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی
 و را و جمله باسیم و ع و کسر با و زردک و مال کنگنی تخم شربی ف تخم بی

بسیار سخت و گران و املس که شایطان ازان چو بستی سازند و گویند سرخ بید گویند

۹۱
 مثال دستانی
 بود و بخورند
 هندش و سکون
 گویند و تینم
 در و سکون
 ناه و لوسیا
 جمله و تینم
 تخم و شکست
 در چهار دور
 ناه و لوسیا

نمونه از کلمات و عبارات در متن

و قایم است در یکدیگر و شکست در دود و گرم است کبر و گینه و غفران و دود و گرد است

از قسم چهارم لیکن بسیار کوچک است تنسيق الدال المهمله و تینق الواو و
افتح اول و ضم دال مهمله و سکون واو و جانو نیست سرخ رنگ بیشتر در حامها
پیدا میشود تنسيق الدال المهمله تینق الجیم تنزع افتح اول و ذال میسکون
را و مهمله و نذره لا و ایا بنر طرح بقی گوشت او مقوی و مانع تینق الواو
نذروف افتح اول و ثانی و سکون او مهمله و او مجهول مرغ شتی تنسيق الواو
و تینق الالف تراب صیداع بضم اول ثانی و الف و کسر موجهه و فتح صا و مهمله
سکون تحتانی و دال مهمله و خاک نیست از معده کوبی تر پیکله بکسر اول و سکون
را و مهمله و فتح موجهه فارسی و اظهار با و لام م لفظی است هندی که بعرب و لفظ
است و آن عبارتست از ترکیب بلبله و بلبله و آله نر گنایا بکسر اول و سکون و ضم
کاف با فوقانی هندی نیز لفظ هندیست که عبارت از ترکیب بر جیبل م و لفظ
و لفظ گرو سر مره بکسر اول و سکون ثانی و کسر یح و را و مهمله جری تینق الواو
تربع بضم اول و سکون ثانی و سولی و فتح اول و موجهه فارسی م قراقرت و
لشک سیاه تراب بضم اول و فتح ثانی و الف و خاک و سنی تینق الجیم
ترنج و بضم اول و فتح ثانی و سکون نون ع اترج کا بجور اتر بدع بضم اول و
سکون ثانی و ضم موجهه و نسوت و ناک تر طرح ی ۳ ق مسهل با فتح اجنبی
بیض و در صحنه مجوف و در سودن سفید تر و زو و کو فته گرد و و کمن باریک است
و در سطحی میان خضر و بنصر او و بعد از کوفتن خجین ریشه بر نیار و دندان است
باشد و قسم سیاه آرا استعمال نکنند و خمر شیدن و چرب کردن بر و عن ادم
پس کوفتن اشخ نمیدرم تا یکدم و گویند انجر دم و یکدم دم تا دو دم و در سطح از
دم تا پنجر دم پوست نکوت تا نیم وزن حب النیل و دانگ و نیم وزن صبر و دانگ
و نیم وزن خنظل و گویند تر مس تینق الواو المهمله تره بهر افتح اول و ثانی و

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم
البركة والرحمة
والهدى والنعيم
والعزة والكرام
والجود والسخاء
والعفو والصفح
والغنى والفاخر
والعز والبرهان
والجود والسخاء
والعفو والصفح
والغنى والفاخر
والعز والبرهان

چهارمین باب در بیان ترکیب کلمات و اجزاء الیه

و تیره و طینه با و کسر و هم سکون تختانی که تر و تینق الزاء البجاء تر از ف بفتح اول
 و ثانی و الف و حث و صوب و تیر و ب و ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موصده م و شدا
 و خیار و باد رنگ بضم اول م تر و تینق السین الممله ثمر فاق بضم اول سکون
 ثانی و ف و الف م کما ت و سمار و ف تیر و س ع بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم
 با قلا می مصری و شامی و جهال طح ای ۲ ق مجلی بفتح و محلل خ سفید فیر و بک
 ش و دو در ص نمک صغر ل برنج کابلی و شیخ ترکی و گویند نو درج یار و وزن
 با قلا یا لوبیا تینق النشین البجاء تر و شش بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین و صوب
 م نوعی از رد و آلو تینق الفانوف و بفتح اول و سکون ثانی و فاکشک سیه
 و قرا و قرت و ع سقل تینق الکاف تر و کاب لک ع به و الف و کسر لام م سمل الفار
 و سبب لکما تر و کاب و بضم اول سکون ثانی و فتح موصده نوعی از انگو و بفتح اول
 و موصده فارسی تر و قرت تر و بک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی و
 مملاتی جان و یسیت که دریا و لاله و نهر و غیره صوفی گویند تر و کاب و بضم اول و سکون
 ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک تر و کاب و بفتح اول و سکون ثانی و فتح اول ممل م کاب
 گندم خوراک تر و بک و بفتح اول ثانی و سکون نو و فتح اول ممل سکون ثانی م تر و کاب
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و الف و کاف م باز و تینق النون تر و ایمان بفتح
 اول و ثانی و الف و کسر تختانی با سیم و الف ثانی که هنس تر و ایمان یو با بی بضم اول و سکون
 ثانی و باد و موصده و و الف م غاف و تر خان بفتح اول و سکون ثانی با خا و
 و الف نوعی از سبزی که مانند پودنه بانان بخورند تر و خون و بفتح اول و سکون ثانی
 و ضم خا و سحر و سکون و اوع بقم و عاقر قمر حاتر و خا و بضم اول و ثانی و سکون نون
 با جیم کف و باد و بخوبیه تر و جیم و بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم کسر
 و سکون تختانی نمی ست که بر خا و تر و خا و اسان و بخا و و قریشی نشیند طمع سی

بیشتر از این است که در بعضی کلمات و اجزاء الیه
 ۹۳
 طینش گرم و در
 بافتند و در
 و در و در و در
 و اندکی تا باض
 و تینق گاهی است
 مشهور که از آن
 سوسن پدید
 خواهند آمد و گویند
 روغن کبوتر
 گویند بیاض
 باشند آن را

و تیره و طینه با و کسر و هم سکون تختانی که تر و تینق الزاء البجاء تر از ف بفتح اول و ثانی و الف و حث و صوب و تیر و ب و ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موصده م و شدا و خیار و باد رنگ بضم اول م تر و تینق السین الممله ثمر فاق بضم اول سکون ثانی و ف و الف م کما ت و سمار و ف تیر و س ع بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم با قلا می مصری و شامی و جهال طح ای ۲ ق مجلی بفتح و محلل خ سفید فیر و بک ش و دو در ص نمک صغر ل برنج کابلی و شیخ ترکی و گویند نو درج یار و وزن با قلا یا لوبیا تینق النشین البجاء تر و شش بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین و صوب م نوعی از رد و آلو تینق الفانوف و بفتح اول و سکون ثانی و فاکشک سیه و قرا و قرت و ع سقل تینق الکاف تر و کاب لک ع به و الف و کسر لام م سمل الفار و سبب لکما تر و کاب و بضم اول سکون ثانی و فتح موصده نوعی از انگو و بفتح اول و موصده فارسی تر و قرت تر و بک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی و مملاتی جان و یسیت که دریا و لاله و نهر و غیره صوفی گویند تر و کاب و بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک تر و کاب و بفتح اول و سکون ثانی و فتح اول ممل م کاب گندم خوراک تر و بک و بفتح اول ثانی و سکون نو و فتح اول ممل سکون ثانی م تر و کاب بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی و الف و کاف م باز و تینق النون تر و ایمان بفتح اول و ثانی و الف و کسر تختانی با سیم و الف ثانی که هنس تر و ایمان یو با بی بضم اول و سکون ثانی و باد و موصده و و الف م غاف و تر خان بفتح اول و سکون ثانی با خا و و الف نوعی از سبزی که مانند پودنه بانان بخورند تر و خون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم خا و سحر و سکون و اوع بقم و عاقر قمر حاتر و خا و بضم اول و ثانی و سکون نون با جیم کف و باد و بخوبیه تر و جیم و بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم کسر و سکون تختانی نمی ست که بر خا و تر و خا و اسان و بخا و و قریشی نشیند طمع سی

[illegible]

بیت المقدس
آریه و فلسفه
شک نوعی
که از گوزن
حاصل شود
چون گوزن
افنی خورد و با
و با نهان
طبعه
برابری کنند

97

و قد راجع فی
کتاب آن خدیو
به شرح بیانی
موسی بنید مردان
است و این پنج
نوع خاص از آن
گروه است

تفسار یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسرین محل یا تختانی م تا صیاف مفتح سداب
کوهی تمیق الفوقانی بفتح اول و سکون ثانی م مشکوکیان تمیق الحاء
المهمله تفتح ع بضم اول و ثانی مشدود و الف سبط شیرین مع ح ب
دا ترش ب بی ۲ پنخوش مع ح ب ق مقوی داغ ح حلو ش از شراب و یقویه
صل ل سفجل تمیق الراء المهمله نفور بفتح اول و ضم ثانی و سکون او
م خاک ع طین تمیق الضاد المهمله تفتح الراء ع بضم اول و ثانی مشدود و الف
و ضم حار مهمله م بابونه تمیق النون تفتح الحین ع بکسر حیم هریر و ج تمیق الواو
نفور بضم اول و ثانی م آب و هن تمیق المعانی تفتح اول و سکون
ثانی و فتح نون م برده نمکبوت تمیق التختانی تفتح ارنی م خوبانی تفتح بی
م زعفرورف کیل تفتح پاریسی م شفتا لو تفتح مائی م ترنج تنسیق القاف
تمیق الهاء تقدع بکسر اول و سکون قاف و فتح وال مهمله ف کشینز تقرع ع کبر
اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله م که و یاف زیره رومی تنسیق و تمیق الکاف
تک ف بفتح اول و سکون کاف گیاهی است که در میان آب برود و در مصر
از آن کاغذ سازند ع بری و گویند گیاهی است که در گندم زار برود و از گیاه گندم سخت تر باشد
تمیق المعانی تفتح اول و ثانی بزر و سرین گاو و گاومیش که بهت پس از آن خشکند
هره شون تنسیق الکاف الفارسی تمیق الراء المهمله مگر بفتح اول و کاف فارسی است
تکس ف بفتح اول و ثانی فارسی هسته انگور تمیق الکاف الفارسی تکرک بفتح
و ثانی فارسی و سکون راء مهمله ف ثاله اول و تنسیق اللام و تمیق الکاف
تلخ خوک و تلخ خبکوک ف نام تره است ع تر خشکون تلخ ف گیاهی است
لغایت تلخ و گویند خنظل تلخ ف بضم اول و سکون لام م لوبیا و یکسر اول
و سکون ثانی م زعفرورف تنسیق اللام تل ه بکسر اول و سکون ثانی ف بکسر

باب السین در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها

تمینق النون تسکین ففتح اول و ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی کسر
 و سکون تحتانی م ترکیبین تمینق الواو و کوف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م
 ثانی تمینق التختانی تسبیح بضم اول و سکون ثانی و کسرین معمله و با و نجوید
 الی که بکسر اول و ثانی مشدود و سبز ع طحال تمینق المیم و تمینق الحاء المهمله
 تسلیع بکسر اول و سکون هم یاسین معمله و الف و حاء معمله و ننگ و مگر مجیه
 تمینق الواو المهمله بفتح اول و سکون ثانی با صطلاح عبریان نمیدانم اردو اول و طالع
 گویند و دوم و اول طالع نامند و سوم و اول و چهارم و اول و پنجم و اول و ششم و اول و هفتم
 و خرم و کجور طاح را گویند محلی لمبی خ فیه صادق الحلاوة ص با و ام و شفا
 ل کشش تمینق اللام تمول بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو م تقا و بر
 تمینق المیم تم کسر هر دو فوقانی و سکون هر دو میم سمان و بضم هر دو فوقانی
 و دم گا و کوی م قسطاس تمینق الواو و تیره تمید و تمینق التختانی تمینق
 ع و خرمای هندی و انبلی طب ۳ گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب د ق قاف
 موه و قوی و مفرح و دل خ زرد شیر و دار بغایت ترش از طبعی و اسکرچه و گویند
 پانزده و دم و گویند نیم طل ص شراب بنفشه و شراب شمشاد ل در حلاب اجاص
 تمینق النون و تمینق الموحده شوب رومی بفتح اول و ضم نون و سکون
 واو م صنوبر کوچک که از قطر ان و زفت سازند و درخت چیت به طحی ۲ ق
 قابض ش از صمغ او یکمقال ص با و ام شیرین ل سر و تمینق الواو المهمله تمکار
 بفتح اول و سکون ثانی و کاف ع بورق و سها که تمینق اللام تمبول و بفتح
 اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو م برگ پان و ناک بیل تمینق النون
 ش و بضم اول و سکون نون گل نروست که صباغان از و رنگ میسازند و درخت
 بعین چون درخت نیب است و بارش چون باریب تمینق الواو و تیره و بفتح اول

در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها

در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها و در وزن کلمات و ترکیبها

و سکون ثانی و ضم اول مملع عنکبوت تینق الاء منسته ف لفتح اول و ثانی و
سکون سین مملع و فتح فوقانی م بافته عنکبوت تنسیق الواو و تینق الالف
توتیا بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی با تحتانی و الف انواصیت بهریش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند و هندی نیلا تهوتته و هر یا تهوتتا مانند
بعد از آن کرمانی که بیایسی توتیای سفالک و هندی که ری گویند طب ای
ال شادنج تینق الجید و توج ف بضم اول و سکون واو م بی توج ف بضم
اول و ثانی مجهول و فتح تحتانی بیار ایست که بر هر رخت که پی از خشک
کنند عشقه تینق الدال المهمله توبال الحدید بضم اول و سکون ثانی و
موحده فارسی و الف و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح حاء مملع و کسر اول مملع
سکون تحتانی و براده آهن توتیا زرد و ف سنگ بصری که بر یاق پیر
توج طب ای ۲ گویند بی ۲ تودون بضم اول و سکون واو م توت
تینق الزاء المهمله توت بضم اول و سکون ثانی کیا جیست ترش مزه
ترشده ساک چو کا تینق الزاء المعجمه توتیا بهریش نیلا تهوتته تینق الواو الفاد
توت و ف بضم اول و ثانی مجهول و ثا و فارسی پوست و خنیش که بر کمان و طلا
نیر و حنای زین اشال آن کشتند تینق السین المهمله توبال النحاس بضم
نون مشدود و حاء مملع و الف و سین مملع و براده مس طحی ۳ تینق الضا
المعجمه توت حاضع بضم اول و سکون ثانی و توت ترش و سیاه طب
ای ۲ گویند و گویندی افی ملینخ سیاه بزرگ ش از رب او یکو قیه ص
جلیجین ل اجاص تینق الغین المعجمه توج ف بضم اول و سکون ثانی
پیزلیست که آتش آن دیر ماند م تاغ و تاج تینق الکاف توتک و بضم
اول و ثانی مجهول و فتح فوقانی ثانی جانور لیست که سخن آسوزد و طوطی

نوع و رنگی
چشمه ای که در
طبیعی است
بندوبار یک
است تمام
و از جمله معجزات
شده که هرگز

96

سایه سپید
هندی السوره
فاصلت و گویند
مقتل است
و گویند سر در
ست دراز
سبوس
بر قوطی
سبوس
سبوس

[illegible]

دود و گوهر
هندی سحر
و ان و دود
است بستان
دشمنی دور
پنهان گستر
سحر و سحر
درد و درد
سلطان زین

94

سید محمد علی میرزا

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیم نام ز کس تینق الواء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک و تینق السید المهمله تین طایس ع بکسر اول و سکون ثانی و تینق و فتح اول و مهمله و موحده و تحتانی الف و موحده و ثانی سین مملو و تیر و شکاک طایس از این مع رفق مجلی متضج مبهیخ در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از این پس با و ام یا گردگان یا کجبین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعال بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره و شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم اول و هم و سکون و او هم تیر و تینق است هندی که خوب او آهوس است تینق التختا

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیم نام ز کس تینق الواء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک و تینق السید المهمله تین طایس ع بکسر اول و سکون ثانی و تینق و فتح اول و مهمله و موحده و تحتانی الف و موحده و ثانی سین مملو و تیر و شکاک طایس از این مع رفق مجلی متضج مبهیخ در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از این پس با و ام یا گردگان یا کجبین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعال بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره و شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم اول و هم و سکون و او هم تیر و تینق است هندی که خوب او آهوس است تینق التختا

۹۹
نکته در این
که تینق الواء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک و تینق السید المهمله تین طایس ع بکسر اول و سکون ثانی و تینق و فتح اول و مهمله و موحده و تحتانی الف و موحده و ثانی سین مملو و تیر و شکاک طایس از این مع رفق مجلی متضج مبهیخ در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از این پس با و ام یا گردگان یا کجبین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعال بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره و شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم اول و هم و سکون و او هم تیر و تینق است هندی که خوب او آهوس است تینق التختا

تیند و بکسر اول و سکون ثانی و کسر ال مهمله هندی و فتح جراتینا و بکسر اول و ثانی مجهول و کسر او معجمه م تینق السید المهمله تین طایس ع بکسر اول و سکون ثانی و تینق و فتح اول و مهمله و موحده و تحتانی الف و موحده و ثانی سین مملو و تیر و شکاک طایس از این مع رفق مجلی متضج مبهیخ در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از این پس با و ام یا گردگان یا کجبین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعال بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره و شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم اول و هم و سکون و او هم تیر و تینق است هندی که خوب او آهوس است تینق التختا

درین تینق الواء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه خرماع طلع و تمام نوعی انوار و نیم نام ز کس تینق الواء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او جهول کشک و تینق السید المهمله تین طایس ع بکسر اول و سکون ثانی و تینق و فتح اول و مهمله و موحده و تحتانی الف و موحده و ثانی سین مملو و تیر و شکاک طایس از این مع رفق مجلی متضج مبهیخ در تیری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یا پس ربلی بش ده وانه تا بست وانه و از شراب او و دو قیقه ص از این پس با و ام یا گردگان یا کجبین ل در انضاج حب صندو بر یا زیت شکر تینق اللام تعال بکسر اول و سکون ثانی باغین معجمه و الف ع سکر العشره و شکر کوهی تینق الواء و تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفازون و هم اول و هم و سکون و او هم تیر و تینق است هندی که خوب او آهوس است تینق التختا

و سین معجمه شد و سکون واو و کسر کاف و سکون لام و کسر میم تانی و سکون سر را
صاد و ممله و کسر او و ممله ف گلتار تنسیق الواو و تمینق الشین المعجمه کوش
را بی نظیر اول و سکون واو و کسر میم و سکون شین معجمه ف پوده گو می تمینق المیم
ثومع بضم اول و سکون ثانی میم ف سیر یسن طحی ۴۴ ف مفتح ملطف ف
بزرگ دانه شش بسته دانه ص ترشی کوه و غن و گوشت فربل ثوم بری تمینق الصا
ثوم الحیثیه ع بضم اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون لام و فتح حاء و ممله و تحتانی
مشدود و خفاء را هم استهویرون ف سیر شتی تنسیق الیاء المحتانی و تمینق اللامش
ع کسر اول و سکون تحتانی و لام هم نوعی اثر شفاف پیدا کبابی اش کیشقال تا
یفش ل علق ترقیم الحیم و تنسیق الالف و تمینق الجیم
بازر ه سرج ع بحیم و الف و سکون واو
و فتح را و سکون الحیم ف گا و زهره و آن مجز البقر است که کای و عن تمینق الواو الممله حاء
ع بحیم الف و ضم را و ممله و فتح نون مشدود و سکون ها و را و ممله ثانی جازا لنهر و سلق الماغ
ان نبات است که در آب وید و نیلوفر ماند و اندکی از آب پیدا باشد طربق
قابض ل بطباط جاف و ف بحیم و الف و فتح عین معجمه صینه وانه مرغان ع ح
جا و شیر بحیم و الف و سکون واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و را و ممله ف گا و شیر
و آن صمغ درختی است طحی ۳۴ ف مفتح ملطف در محلل مغشی خیز زعفران
نازه و تر که رود در آب حل شود و اول که متلاخ بر آید سفید باشد و بعد از آن از
خشکی زرد گردد و هنگام گذارش بشیوایدش بنیدرم ص مرا حوزل سکینج و وین
و باز و یکینیم وزن بالین التین باد و وزن صمغ زیتون تمینق الذام المعجمه
جا و زیم بحیم و الف و کسر او و سکون تحتانی که کای ردین تمینق السیر الممله
باسوس بحیم و الف و ضم سین ممله و سکون واو و سین مه ثانی غ شخاش زنبی جاسر

دافع کریم بنیاد
کلیف واداد و
سربران و
ستارهای
مستعدی
بنیاد
سفر حج
سفر حج

۱۰۱
دانش آموزان بنام
مکتبہ المندوبین
وقت یاد
برستہ ماست
ریگا ایڈوکیٹ
از نسل متبع
سنتا کننگ
باب ادوئی
شہر سے
دیواریں
مکتبہ

در باب ششاد دارگریما در باب زرد الکرباب ماند کن و طلبیاب و اقتصاد

[illegible]

صلو صالم
منه من شفق
تازه گرم و تابان
دلا دلم حین
نک نیک کنش
زلف زلف دهن
مرادش زاده
شود و روشن
کم و متفوق
امضای سر را

۱۰۲

رفع در پیش
بنیادی بر پایه
بر جلیله و درخشان
هر خدیجه کبری
سکونت نیاید
گلزار گلشن کرد

بناست بر احسان
با هویت بنیان

بسم الله الرحمن الرحيم

وسکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه
 ف بفتح اول و ثانی و خفاء و هام رب ترنج و امثال آن تنسيق و تمینق الثام
 المشکله جیشیع بفتح اول کشره و سکون تختانی و مشکله ثانی و ف و حست جوز خرا
 تنسيق الخاء المجهه و تمینق الحیدم الفارسی خج فارسی بفتح اول سکون
 خا و جیم فارسی م شیب پره کلان که مانند غلیو از می باشد و سترگون خود را
 از درختان آویند و مویار به طر با کتر تمینق النون حجج ف بفتح اول کثانی
 و سکون جیم م چا کسو تنسيق الدال المهمله و تمینق الموحده جرب
 ع بفتح اول و سکون ال ممله حار النج ع ف خرکه تمینق الراء المهمله حار
 ع بفتح اول و سکون ال ممله و او و الف را و ممله م ز و و ماه فرین ماه پیرین که
 نرسی طح ی ۳ ق تریاق و قوی مخرج دل خ خطای که بعد از سکون بنحی نماید
 نیرم تانیم شقال ص کشیزه خشک ل در تریاق سوزن ز و و تمینق التختانی ج
 ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تختانی ف بزغاله یعنی حلوان تنسيق الراء المهمله
 و تمینق الالف جراسیاع بفتح اول و ثانی و الف و کسین ممله و تختانی و الف ف الوبالو
 جریح الماع بکسر ه و جیم و تختانی و سکون و ممله اول و ممله ثانی و سکون م جیم و الف و مخرج
 ع قرة العین و کفر ل بی تمینق الموحده جرب ف بفتح اول و فتح ثانی م و ا ج تمینق القوقا
 جریوشت بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او ف باد نجان کوی
 المشکله جریث ع بکسر اول و ثانی مشد و سکون تختانی و ف ما و ای تمینق
 الدال المهمله جراع بفتح اول و ثانی و الف ف تلخه و ثیری طح ی ۲ ق
 در عرق خ فربص خس و خیار تمینق الراء المهمله جرا و البصر سکون الم
 و فتح موحده و سکون حار و ممله و ممله ثانی اریان و ریایان ف تلخ و ریای
 جریح بکسر ه و جیم و سکون م و ممله ع با قلا جریح بکسر اول و سکون ثانی

و سکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه
 و تمینق الالف جراسیاع بفتح اول و ثانی و الف و کسین ممله و تختانی و الف ف الوبالو
 جریح الماع بکسر ه و جیم و تختانی و سکون و ممله اول و ممله ثانی و سکون م جیم و الف و مخرج
 ع قرة العین و کفر ل بی تمینق الموحده جرب ف بفتح اول و فتح ثانی م و ا ج تمینق القوقا
 جریوشت بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او ف باد نجان کوی
 المشکله جریث ع بکسر اول و ثانی مشد و سکون تختانی و ف ما و ای تمینق
 الدال المهمله جراع بفتح اول و ثانی و الف ف تلخه و ثیری طح ی ۲ ق
 در عرق خ فربص خس و خیار تمینق الراء المهمله جرا و البصر سکون الم
 و فتح موحده و سکون حار و ممله و ممله ثانی اریان و ریایان ف تلخ و ریای
 جریح بکسر ه و جیم و سکون م و ممله ع با قلا جریح بکسر اول و سکون ثانی

و سکون ثانی و کسین ممله و سکون تختانی ع ج ص ف کج تمینق الماه قبه

[illegible]

[illegible]

۱۰۷
مغیبت شهنشاه
شکوه گویند
دبند و سکه
لاوده خوانند
و طبقت گرم
و شکست
و گونشت وی
جهت افتاد

جسٹانواع گوید کہ المساکیر تصنف علفست دانش پشلا گویند بهمن دی بیاسی می

[illegible]

دیکھو

مستوی بایست

در مشاكت او

فوائد

پہاڑی کھجور

تاریخ گویر

وہابیائیں جو کہتے ہیں

10

1914

卷之四

3

[illegible]

۱۰۰

11

در اول فصل ششتم در بیان سکون و ساق ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لامک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الف فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول ثانی مجهول
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هم جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوزلیا و دیا نوره طاب بی هم مخدر متشی متشی متشی
 ثانی یک قیراط ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر یا و همزه و فتح جیم و سکون نون و هم طال و سکون هم عین یا هم مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الف نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لوا و جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیمه شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الها جوده
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه الف و فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده در یها جولا ه و بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الف و انهار با جولا ه بفتح لام الف و با و اول و جوله و بفتح لام انهار
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق التختان جوزه الفی بضم اول ثانی مجهول
 و سکون لام و فتح قاف ه عین بصل طح بی هم مخدر متشی متشی متشی
 قاف و لقوه ص رب السوس و هم شغال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل ه نازیل که بر آتش تینق الها و تینق الوا و ه با و

در اول فصل ششتم در بیان سکون و ساق ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لامک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الف فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول ثانی مجهول
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هم جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوزلیا و دیا نوره طاب بی هم مخدر متشی متشی متشی
 ثانی یک قیراط ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر یا و همزه و فتح جیم و سکون نون و هم طال و سکون هم عین یا هم مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الف نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لوا و جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیمه شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الها جوده
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه الف و فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده در یها جولا ه و بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الف و انهار با جولا ه بفتح لام الف و با و اول و جوله و بفتح لام انهار
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق التختان جوزه الفی بضم اول ثانی مجهول
 و سکون لام و فتح قاف ه عین بصل طح بی هم مخدر متشی متشی متشی
 قاف و لقوه ص رب السوس و هم شغال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل ه نازیل که بر آتش تینق الها و تینق الوا و ه با و

در اول فصل ششتم در بیان سکون و ساق ل جبهه الحضر یا جوزهندی یا فندقی تینق الفی حاصل
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 جوزه الفی بفتح را و همزه شده و سکون فاعلین همزه هم جوزه الفی تینق الکاف
 بضم اول ثانی مجهول کسر موحده و سکون ثانی فتح نون هم طارکاد و انکه لامک
 بضم اول ثانی مجهول و لام الف فتح هم عنکبوت تینق اللام جوزه الابل بضم اول ثانی مجهول
 و سکون موحده فتح با و سکون لام ثانی هم جوزه الکامل بفتح کاف و سکون او فتح ثانی هم جوزه الفی
 جوزه الفی بضم اول و کسر ثانی کوزلیا و دیا نوره طاب بی هم مخدر متشی متشی متشی
 ثانی یک قیراط ص قطن جمل و بضم اول و سکون ثانی هم غلیو از تینق الفی
 جوزه جیم بکسر یا و همزه و فتح جیم و سکون نون و هم طال و سکون هم عین یا هم مشهور
 و بشیر کز کل گندم گویند تینق النون جوده ان بفتح اول و سکون ثانی با و ال
 همزه الف نوعی از کاف و جیم و ان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که در آن
 ان خشک بی آب است تینق لوا و جوزه الفی بفتح سین همزه شده و سکون او
 همزه و او مجهول و کوز کلاغ که درخت سرست طح ای سم گویند بی
 و قابض و طابس خون خخ تازه شش نیدرم تا نیمه شغال ص سسل ل نیموزن
 پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابل و نیموزن گزمازک تینق الها جوده
 و بفتح اول و سکون ثانی با و ال همزه الف و فتح نون هم جوده ان جوزه الفی
 بکسر او همزه شده و فتح نون ثانی شده در یها جولا ه و بضم اول و ثانی مجهول
 و لام الف و انهار با جولا ه بفتح لام الف و با و اول و جوله و بفتح لام انهار
 و جوله بفتح لام و با و اول هم عنکبوت تینق التختان جوزه الفی بضم اول ثانی مجهول
 و سکون لام و فتح قاف ه عین بصل طح بی هم مخدر متشی متشی متشی
 قاف و لقوه ص رب السوس و هم شغال خربق سفید جوزه بکسر با و سکون نون
 و کسر ال همزه و نازکیل ه نازیل که بر آتش تینق الها و تینق الوا و ه با و

الحفظه
 سيقول
 در اول
 انست
 گویند
 فغان
 بپارس
 السعير
 سيقول
 فغان
 وفتح جیم فارسی ثانی در اول ممله الف و خا و واژگونه تنسيق الحجه الفارسی تنسيق
 الالف چينده بفتح اول و کسیریم فارسی ثانی و تحتانی مجهول و خفا و نون و ال ممل
 هندی و ساير پر و در شتره هندیست بداری خیار و از و بیات توری ناخوار
 ست تنسيق الواو و حروف بضم اول و ثانی فارسی پستان تنسيق الدال الممل
 و تنسيق الالف و چدر و البقم اول فارسی و وال ممل سکون را ممل با و او
 م ستنی صبر تنسيق الواو الممل و تنسيق الالف چراتیه بکسر اول فارسی باله
 ممل و الف و کسر تحتانی و فوقانی مع قصب النهر و تنسيق الدال الممل
 چرخند و باول فارسی و ده گو سپند را گویند که بگوشت پر کرده باشند کلمه تنسيق الواو
 ف پیر بفتح اول فارسی و سکون ثانی و از و جیم خیار تنسيق الشين المعجمه و
 چرخ بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر موحده و سکون ضین معجمه چدر
 تنسيق الغین المعجمه چرخ و بفتح اول فارسی و سکون ثانی م جانور پرند شکاری
 تنسيق الکاف چریک و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده و سکون کا
 م شیر و قیماغه ملای چریک و بفتح اول و سکون ثانی مرغیست که خود را از جت
 آویز و چریک و بفتح اول فارسی و ضم ثانی و سکون و او م نان تنسيق اللام
 و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم ضین معجمه و سکون و او م لسان الحل تنسيق
 چرب و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و او م جربش تنسيق
 چر آعله و بفتح اول فارسی و ثانی و الف و سکون ضین معجمه و فتح لام م کرم شب
 چرخند و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح ضین معجمه و سکون نون و فتح وال
 ممل و ده گو سفند که بگوشت پر کرده باشند کلمه تنسيق التختانی چروچی بکسر
 اول فارسی و فتح ثانی و سکون و او و خفا و نون و کسر جیم و نقل خواصه تنسيق
 الواو المعجمه و تنسيق الدال الممل و چرخ بفتح اول فارسی و سکون ثانی جانور

بیارے
 ننگان گندم
 گویند گرم شکم
 دریا اول سیو
 لادہ بیاری
 تنیان برج
 گویند باعتدل
 مردک تشنگی
 فروشانہ
 سیمالکوسن

115

بازماند است
از کمال آن
و از کمال آن
است گم
نقشست درو
و چو پیلست
بازماند است

[illegible]

مجلس ششمین

111

۱۱۱
 و در آن آن دانه
 و در مشاجره
 را به این
 شادانه و در
 حجر الدم و خورشید
 از آن جهت
 چون آب بر
 سنگ سوده
 شعله آب را
 بر آن گذاشت
 و در آن

سرست فاعل انشائي مقول فاعل مقول انشائي
 پودنه كوي و كويند برگ سپندان شتى طحى ۲ كويند باق ملطف مفتح
 محلل مقطع مخ تازه و ترش تار و درم ص نفعاع باطبا شيرل حالو ما سباني بضم
 لام و سكون واو بايم هم تنكيه تنقيج الجحاج ع جاح و مله و الف و ف تفت
 كه تنخيچين ازان محلل ميشود تمنيق الواه الموهله حافر الحارج و ف سم خر حافر
 ع جاح و مله و الف و كسراف و هم كه طرب اى ق مجفف خ از حيلونيكه سخيورند
 ص روغن ل قرن حافر المهر و بفتح بيم و سكون باهم سوخجان و لعبت بربرى
 ال سبسا الميوس تمنيق الشين المعجله حافر حمار الوحش ع ف هم كويخر تمنيق
 اللام حاقظ الاطفال و حافظ النحل ع م فرميون تمنيق النون حافر البون
 ع و ف كسر مخ تمنيق الموحد و تمنيق الالف جبا قاسباني بفتح اول مسوده
 و الف و قاف و الف ثاني م جند قوفى حب الترسا بضم نو قاني و سكون را و مله
 باشين معرب تخم ترشنيك و چه كه كيچ حبه الخضاع بفتح خا و معربه و سكون ضا
 معربه يا و مله م فرخت بطرف دن و بن طحى ۲ كويند ۲ كويند هم ق مدر
 مهي خ بزرگ بزرگ تاز و ص كتيال منقربيه و مخنوا و ام حبه السوداء بفتح اول
 و ثاني ششده بضم نو قاني و فتح سين موهله مشد و سكون واو باوال موهله و ف
 سياه و احب الالاف مخ حا و مله و سكون فون و فتح كاف بالام و الف و ف
 حقيق الضاع بفتح اول و سكون ثاني و ضم قاف و سكون لام و فتح فا و فو قاني
 م و زنگوش حقيق الضاع بفتح فا و فون و روباه تريك حقيق الماع و بايم
 غنوه و الف محدوده و با پودنه ابي تمنيق الموحد و احب الزبيب ع
 بفتح زا و معربه و كسر مسوده و سكون ثاني و ف تخم مويه و كيه كيچ طرب اى
 تنقيج بخرم ص كتر احب الجلب ع كسر بيم و سكون حا و مله و فتح لام و ف
 ميوندم هم كه سببا طحى ۲ كويند مع كويند ب ل بقا و ام تلخ تمنيق القوا

در یک روز که می
را هم گویند
و هستند و ی
لاکل سیلان
نیز خوانند
گرم است در
و درجه و در
در یک درجه
و مقوی است
و در یک درجه
و در یک درجه

119

کتابخانه عمومی
مکتبہ اسلامیہ
پنجاب، لاہور

حب القلتع بکشاف و سکون لام ف ماش هندی که کلتی دگویند بنه اول
 تخم بلوس تینق الحیدر حب ککج ع ف عروس در برده طب مع
 گویند ی اگویند ۲ خ بزرگ سنج کوهی یاستانی ص ورق گل سنخ
 غلب الثعلب تینق الحاء الممله حب التسلع ع ککج و سکون نیم سین ممله و
 ف یویند ی تینق الحاء المجله حب الطنج ع تخم ترنوبل شونیزا حب صنوبر حرق التینق
 مرشک تینق الال المله حب الشاوع لفتح تراو مله شد شونیزا نیم و الف و ال مله و تخم ترنوبل حرق
 ق مفتع ملطف مفتع سهل بلغم و مر و سفراخ بابلی نوشا و و شقال ص شکر ل
 بر جیر و غرول و تخم ترب و در ضا و عوق النسا تیطح حب الفقع ففتح فا و ف و سکون ال مله
 ف تخم یخ نکشت حب الیهود ع ففتح تخانی و ضم با و سکون و او م حب ککج حرق
 الراء الممله حب الصنوبر صفرا ع لفتح صا و مله شد و و لون و سکون و او
 و فتح موده ثانی و کسر او مله و صا و مله ثانی باغین عجمه الف و او مله ثانی ف
 تخم کاج و تاثره جنده کزنج طاح ی ۲ حب الصنوبر کبار ع ککج کاف و فتح با
 موده و الف و چاغوزه که چکوب با و نو با طاح و اگویند ۲ گویند مع ح ب
 ق بهی مشی سدرم تاخیزرم ص باقند خورون ک حب حلب مقشر یاغیزون
 با و ام مقشر یاغیزر تخم خریزه یاغیزر جوز هندی یاغیزر بادام کوهی یا حب صنوبر و صفرا
 حب المهر ع لفتح هر و عین مله و سکون هر و او مله و تخم و ال که موه سیر
 حب الحصف ع لفتح عین مله و سکون صا و مله و فتح فا و سکون و ملاف حله حب الف
 باغین عجمه الف و او مله شد شونیزا نیم و الف و ال مله و تخم ترنوبل حرق
 ع سکون لام و فتح موده و ف با و نه تینق الزاء المجله حب ککج ع
 لفتح عین مله و کسر او مله و سکون تخانی و او مله ثانی م صا و مله و تخم ککج حرق
 لفتح و او سکون را و عجمه شونیزا نیم و الف و ال مله و تخم ترنوبل حرق
 لفتح و او سکون را و عجمه شونیزا نیم و الف و ال مله و تخم ترنوبل حرق

در آنجا که می باشد
که از آنجا که می باشد
که از آنجا که می باشد

مشکلات را
پایانی است
تجربیات و کیمیا
قوت باغچه باداد
سست و گریزند
باداد در دستان
دکاهه گویند
گرم سست و
یکسره و پود
در دود و
شکل

در کمال
حق است
بهر
ایمان
و سوی
ایمان
گردد اندیشه

که سریش خنکایی است مانند گلاب و بوسه ای از دست دارد

لام وفتح و او و لام نيسون جمع بفتح اول ثانی شد و الف سرخه که گوییم درستی تمیز
 التختانی خبایع بضم اول با سوره و الف و کسر او جمله و سکون تختانی با فتح
 او جمله و الف مقصوره طار لیت ف جز ط گوشت او ح و حجاب الکثیر ع
 بسکون لام و ضم کات و یسم شد و فتح شله و او جمله و الف مقصوره و تخم امر
 طاح ی خ بزرگ ز روی مانل ش چهار و من غناب یا بزر قلعو ناجیه حیاتی
 ع یکسر سین جمله و جمع و سکون سین جمله ثانی با فو قالی و الف و کسر نون ثانی
 ف و دانه قافله الایچی که دانه جق الراعی ع بر او جمله و الف کثیرین جمله و تختانی ح
 بر خاسب جق ترختانی ع بضم فو قالی و او جمله و سکون نون یا جمع و الف کثیر
 ثانی و تختانی ف بالنکو جق خراسانی ع بضم خازمه و او جمله و الف و سین جمله و الف
 و کسر نون ف تر خراسانی جق مقصر و جق کو و کضم صاد جمله و سکون عین جمله و فتح تخم
 و کسر او جمله و شامس ف تخم ریحان جق قرقلی بضم فو و کسر لام ف بالنکو ی خ
 و باو و بنوی جق کرمانی یکسر کات و سکون او جمله یا جمع و الف و کسر نون م شامس ف
 و تخم ریحان یا و باو و کسر جق بطلی بفتح نون و سکون سوره ثانی و کسر طار جمله
 ف پود و ثانی تشیق الشاء الشله و تمیق الالف خراسانی بفتح اول
 و سکون شله و فتح او جمله و یسم و الف ف پود و تشیق الجید و تمیق الالف
 حمر الراجع بفتح اول و جمع و ضم او جمله و کسر او جمله شد و ثانی با حاء و جمله ثانی و الف
 ف سنگ سیاتیمیق الموحده حجر الکثیر شیخ بفتح تختانی و سکون شین معرف
 سنگ شینخ ستر تمیق الفوقانی حجر اهت ع بضم نه و فتح موحده شد و او و سکون
 فو قالی و کز حمر حجر کوه ع بسکون لام و ضم حاء و جمله ثانی و سکون و او ف
 سنگ برهای و آن سنگ است که برهای یا بند دریا نیکه دماغ است تمیق الجید
 حجر الاسفنج ع یکسر نه و سکون سین جمله و فتح فو و سکون نون و جمع و سکون

این کتب
در این مجرایست
شبه شلخته
و شبه خسته
آزاد اند و برین
نمونه نوعی است
که در شهر دار
خاکسان و خاک
پروست

آن که فراه
شکفته از آب و خاک
نیز به زمین بچین
مهری است در
دو عالم
در میان

[illegible]

که در میان سنگ یا بند حجر الافروج بفتح هز و سکون فاء و ضم را و همزه سکون او
بر سنگی است که از بلاد روم غیر و سنگی بود که بر روی آب یا استیل حجر الفضه
تتمیق الدال المهمله حجر الیهود بفتح تحتانی و ضم ط و سکون واو ف
سنگ جهودان که بر تیون ماند و خطوط بسیار بر دست طامع گویند ب ای
ق مفتتخ زیتونی شکلش نیدرم صی سنگجبین سفر علی ل بهت نفوس مس
حجر لاد و روع باللام الف و سکون زار مع و فتح واو و سکون را و همزه سنگ لاجر
تمیق الواء المهمله حجر الامم بفتح هز و سکون حاء و همزه و فتح میم سنگی است
بلون بسد و از جمله شوم قتال الیست حجر البقر بفتح موحد و قاف و سنگی است
که در زهره گا و بمرسد و آن پازهرست ع جاد و زهره ف گا و زهره گا ی روین حجر
ع بضم موحد و لام ثانی و سکون واو ف سنگ بلور حجر الطور بفتح طاء و همزه
م حجر الدم حجر القمع بفتح قاف و میم براق القم و چند رنگ است که شب در درو
ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشور بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم شین مع سکون
واو و را و همزه نوعی از کف دریا حجر النسر بفتح نون مشد و سکون سین همزه و را و همزه
م الکتمت که در بخا حجر النمرع و بفتح نون مشد و کسیم و سنگی است که در آده
بمرسد حجر التار بفتح نون مشد و الف و سنگ چقماق و وی مختلف الالوان
می باشد طاب ای ۳ ق دز و را بمقف خنازیر و مندل قر و عسر لاند مال
جمله اعضا و تعلیق و البته بران عامله با نافع عشر لوات حجر النور بفتح
نون مشد و سکون و ادم قر شیشا تمیق السین المهمله حجر اما غا طس
یونانی بفتح هز و نون و الف و غین مع و الف ثانی و کس طاء و همزه و سنگی
که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح فو قانی مشد و سکون تحتانی
ف پازهر شیا کاره و بازهر حیوانی و آن از بز صحرایی حاصل میشود که خورشید

الحسن بن علي

۱۲۱
نکته در باب
چندین صفت
بیایستند
و بر آن دو کلمه
و در آن دو کلمه
کنند و اگر
طلعه کنند و
زود و این
نکته در باب

دعای از آنکه
ببیند
بهره نصیب
بخواهد
در این جهان
بود
که حق
نشود در این دنیا
بیاپیمان رفت
از دست
چون در دست

نوعی که در این کتاب مذکور است

از آنجایی که گیرند و آنرا پاد زهر و باد و هره و بار هره خوانند و آن بلون مار بود و امتیانش
 آنست که چون در آب نیواند از اندر حرکت آید حجر مثانه بفتح میم و مثانه و الف
 و فتح نون و سنگی است که در مثانه آدمی بهر سده پتهری حجر ششویع بفتح میم و
 سکون شین معجزه و کسرا و فتح تحتانی میشود و کلس نوره که چون کالی تنیق التخت
 حجر از نیع بفتح اول ثانی و سکون را و همله و فتح هزه و سکون را و همله ثانی و فتح میم
 و کسرا نون و کل از می ط ب ی اق سهل خ سببر مائل بسفیدی باندک کبونی
 و پس از سنگستن چهار و دانند و پنج باشد و بعد از ترک کردن بوی طفل یا بوی گل خوش
 و بدش نمیدرم تا نیم شقال ص مفصول ل یکینم وزن حجر لازم در حجر اعرابی بفتح
 هزه و سکون عین همله بار و همله ثانی و الف و کسرا موحده و شکر سنگ بشیر
 سنگ زخم حجر البنیع بفتح لام میشود و موحده و کسرا نون و سنگ شیرین چون
 او را آب بسایند بشیر ناند حجر جرمی بفتح موحده و سکون حا و همله ثانی و کسرا همله
 م مر جان که سوزگ و پریال حجر جیشی بفتح حا و همله ثانی و موحده و کسرا شین معجزه
 و سنگیست سببر رنگ مانند پشم حجر حدیدی بفتح حا و همله ثانی و کسرا همله
 و سکون تحتانی و کسرا همله ثانی و خماین اوندل حدیدی حجر خرفی بفتح حا و همله ثانی
 که در تفتان سنگ مصریت مانند خرف و زرد از هم بشکافد و صفایج بر یکدیگر دارد
 حجر روشنائی بضم را و همله ثانی و واد و همله و سکون شین معجزه نون و الف و کسرا
 هنوزم قریشیا حجر علی بفتح سنگی است که چون بسایند رطوبت بی نهایت
 شیرین بود و بقوت شادانه باشد حجر قبطی بکسرا قاف و سکون موحده و کسرا
 همله و سنگیست مصری بنیایت است در آب که داخل شود و گاه از آن
 مصرکتان پلان شوند حجر هندی و نوعی از شادانه نیست تلخیص الدال
 الهمله و تنیق الفوقانی حرکت بضم اول و الف و همله ثانی و

نوعی که در این کتاب مذکور است
 از آنجایی که گیرند و آنرا پاد زهر و باد و هره و بار هره خوانند و آن بلون مار بود و امتیانش
 آنست که چون در آب نیواند از اندر حرکت آید حجر مثانه بفتح میم و مثانه و الف
 و فتح نون و سنگی است که در مثانه آدمی بهر سده پتهری حجر ششویع بفتح میم و
 سکون شین معجزه و کسرا و فتح تحتانی میشود و کلس نوره که چون کالی تنیق التخت
 حجر از نیع بفتح اول ثانی و سکون را و همله و فتح هزه و سکون را و همله ثانی و فتح میم
 و کسرا نون و کل از می ط ب ی اق سهل خ سببر مائل بسفیدی باندک کبونی
 و پس از سنگستن چهار و دانند و پنج باشد و بعد از ترک کردن بوی طفل یا بوی گل خوش
 و بدش نمیدرم تا نیم شقال ص مفصول ل یکینم وزن حجر لازم در حجر اعرابی بفتح
 هزه و سکون عین همله بار و همله ثانی و الف و کسرا موحده و شکر سنگ بشیر
 سنگ زخم حجر البنیع بفتح لام میشود و موحده و کسرا نون و سنگ شیرین چون
 او را آب بسایند بشیر ناند حجر جرمی بفتح موحده و سکون حا و همله ثانی و کسرا همله
 م مر جان که سوزگ و پریال حجر جیشی بفتح حا و همله ثانی و موحده و کسرا شین معجزه
 و سنگیست سببر رنگ مانند پشم حجر حدیدی بفتح حا و همله ثانی و کسرا همله
 و سکون تحتانی و کسرا همله ثانی و خماین اوندل حدیدی حجر خرفی بفتح حا و همله ثانی
 که در تفتان سنگ مصریت مانند خرف و زرد از هم بشکافد و صفایج بر یکدیگر دارد
 حجر روشنائی بضم را و همله ثانی و واد و همله و سکون شین معجزه نون و الف و کسرا
 هنوزم قریشیا حجر علی بفتح سنگی است که چون بسایند رطوبت بی نهایت
 شیرین بود و بقوت شادانه باشد حجر قبطی بکسرا قاف و سکون موحده و کسرا
 همله و سنگیست مصری بنیایت است در آب که داخل شود و گاه از آن
 مصرکتان پلان شوند حجر هندی و نوعی از شادانه نیست تلخیص الدال
 الهمله و تنیق الفوقانی حرکت بضم اول و الف و همله ثانی و

نوعی که در این کتاب مذکور است

فروغیہ صفیہ بیارے ایضاً حسنہ دروغیہ دروغیہ دروغیہ دروغیہ

[illegible]

زنده و
 احوال چندان
 خورد و سرور
 شکست
 در علم و فضل
 تحسین و تقوی
 از افواج ادا
 کرم و خیر و ان
 بستاند و در
 زنگ و چرخ
 زعفران

1752

[illegible]

[illegible]

ان گروم و خیر
برادران چون
گشش میں
گشتند یاور
جوت دهد
چون نهر
بمش بر سر
طللا گشتند
گویند گ
محب جانوزان
رافع دهد

174

چون طالع
طالع اگر که در
برینند فایده
از حاکم
بویست
از فواید
سایه
خداوند

وزن آن چند گویند و وزن اوست الفیل و نیم وزن طح لفظی و نیم وزن محمده
 تمینق النون خا و مجنون بفتح میم سکون جیم و ضم نون و سکون واو و
 و سیم یعنی ورق نیل تمینق الهاء خا و الغول ع بضم غم و سکون لام و ضم غین
 بضمه او جهول و فتح لام م الیوغلسا و شدکار و شرطه و کسبه کسیر اول و سکون ثانی
 و فتح طاء و همزه و خفاء یا و ضم را و همزه و سکون واو و کسر سیم و فتح تحتانی مشدود میم
 خذر روس ف کامل و جو بر هیه خطی ع ف گندم که گیهون طاح مع ری
 ق منضمخ میان سرخ و سفید نرم بسیار قریه تمینق التحتانی جند قوی ع بفتح او
 و سکون ثانی و فتح دال و همزه و ضم قاف و سکون او و کسراف ثانی و فتح اندوه
 قوق و وید و پست و آن سبز و لیت بری طاح ی گویند ق لطف مدخ
 بستانی ش و و درم ص هند بال طبعه بنسب الو او و تمینق الفوقانی حوت
 ع بضم اول و سکون ثانی ع سبک ف مایه میم بلی تمینق الواو الهمزه و ضم نون
 ف بضم اول و سکون ثانی و کسر را و همزه و همزه و سکون سین و همزه و فتح ف و سکون
 نون یا و ال همزه الف و را و همزه ثانی م بستان افر و ز حوم و فتح اول و سکون ثانی
 میم سکون او و الف و فر هندی تمینق الکاف حوک بفتح ک و سکون ثانی و کاف م و
 تمینق الیاء حو جیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون جیم و کسره و کال ک
 تمینق الهاء حوا و بضم اول و سکون ثانی یا و الف و فتح نون و با و و ثلثه
 او راق و طریقین ه سنسک کوهی تمینق التحتانی خواری ع بفتح اول و ثانی
 و الف و کسر را و همزه و تحتانی ف آ و گندم از خرینجه و سید اجز و می بفتح اول و سکون
 ثانی و ز ا و جیم م و ز می که گویند کرا با صغ ا و س طاب ی ق مجتف س
 یکشقال ل و لب تنسب الیاء التحتانی و تمینق الهم حیطل کسیر اول و سکون
 تحتانی و فتح ضا و جیم و سکون الهم ح و تمینق الیاء العالم ع بفتح اول و ضم ثانی مشدود

۱۲۹
 گل داغی
 دهنده
 محلی خوان
 فامیت
 سرور
 طین
 از
 گل
 نورنگ
 دی
 طین
 خا

است حلال
 ایلیم سیر
 گویند
 باب الف
 اظفار الطیب
 مرقوم ظلف
 هم چار پای
 کبریا شکار
 عرب آن را
 ظلف گویند
 خامه سمن
 ۱۳
 و سکون لام با عین مملو و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن در
 ورا که از سرخ و لای روی کار آید و بنجر به رسیده و بزبان هندی شندی زرد گل است طب
 سیاق باو رخ بستنی ش از آب و بنجر برص طین ارینی یا پودنل عصا
 کا هو یا عنب الثعلب تمیق الماء جمیع بفتح اول و ثانی مشد و فخر و هاف ماره
 سانپ و ناگ طح ی اق ملطف خ افی تمیق التحتانی حیات الموتی بفتح
 اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون و او و فتح فوقانی
 ثانی و الف مقصوده م نظر ان توفیر الماء المعجم و تنسیق و تمیق الالف
 خراف نجا و محبه و الف و او مملو م سنگ سخت خا مال و الف میم و الف ثانی لام
 و فتح الف ثالث مد و دم ماذریون تمیق الموحده خاق الذبیع نجا و محبه و یکسرون
 و ضم قاف و کسر الف جمعه مشد و سکون تحتانی و موحده م خرب سیاه فغان نگی آن
 کشنده گرگ است که لنگی طح ی ۳ خاق الطبع بسکون لام و فتح کاف
 و سکون لام ثانی ف فلوس مایی که کلام تمیق الموحده الفارسی خاصیت
 یکسرون مملو و سکون و موحده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خا ریشیت
 ف بسکون را و مملو و ضم موحده فارسی و سکون شین معجم منفذه ساهی
 تمیق الدال المملو خا و ف بسکون دال مملو م غلیو از تمیق الوا
 المملو خا شتر ف یکسرون مملو و ضم شین معجم و فوقانی و سکون را و مملو ثانی
 جنس از خا که شتر آنرا بر غبت بخور و آنرا شتر خا نیز گویند قانون النسخ یکسرون
 و ضم قاف و فتح نون ثانی مشد و کسر میم نوعی از ماذریون و آن کشنده پلنگ
 و گرگ و سگ و نوک است و مانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر
 بفتح تحتانی و فخر و او و کسر کاف فارسی سکون تحتانی ع ریتا تمیق الزام المعجمه
 خایه زین ف بفتح تحتانی و فخر و او و کسر او مملو و تحتانی مجهول و را و معجمه خایه کینه

اظفار الطیب
 مرقوم ظلف
 هم چار پای
 کبریا شکار
 عرب آن را
 ظلف گویند
 خامه سمن
 ۱۳
 و سکون لام با عین مملو و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن در
 ورا که از سرخ و لای روی کار آید و بنجر به رسیده و بزبان هندی شندی زرد گل است طب
 سیاق باو رخ بستنی ش از آب و بنجر برص طین ارینی یا پودنل عصا
 کا هو یا عنب الثعلب تمیق الماء جمیع بفتح اول و ثانی مشد و فخر و هاف ماره
 سانپ و ناگ طح ی اق ملطف خ افی تمیق التحتانی حیات الموتی بفتح
 اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون و او و فتح فوقانی
 ثانی و الف مقصوده م نظر ان توفیر الماء المعجم و تنسیق و تمیق الالف
 خراف نجا و محبه و الف و او مملو م سنگ سخت خا مال و الف میم و الف ثانی لام
 و فتح الف ثالث مد و دم ماذریون تمیق الموحده خاق الذبیع نجا و محبه و یکسرون
 و ضم قاف و کسر الف جمعه مشد و سکون تحتانی و موحده م خرب سیاه فغان نگی آن
 کشنده گرگ است که لنگی طح ی ۳ خاق الطبع بسکون لام و فتح کاف
 و سکون لام ثانی ف فلوس مایی که کلام تمیق الموحده الفارسی خاصیت
 یکسرون مملو و سکون و موحده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خا ریشیت
 ف بسکون را و مملو و ضم موحده فارسی و سکون شین معجم منفذه ساهی
 تمیق الدال المملو خا و ف بسکون دال مملو م غلیو از تمیق الوا
 المملو خا شتر ف یکسرون مملو و ضم شین معجم و فوقانی و سکون را و مملو ثانی
 جنس از خا که شتر آنرا بر غبت بخور و آنرا شتر خا نیز گویند قانون النسخ یکسرون
 و ضم قاف و فتح نون ثانی مشد و کسر میم نوعی از ماذریون و آن کشنده پلنگ
 و گرگ و سگ و نوک است و مانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر
 بفتح تحتانی و فخر و او و کسر کاف فارسی سکون تحتانی ع ریتا تمیق الزام المعجمه
 خایه زین ف بفتح تحتانی و فخر و او و کسر او مملو و تحتانی مجهول و را و معجمه خایه کینه

[illegible]

10

2

10

10

10

0.5

مجلس

114

والله اعلم

دین

پاکستان

عزیز کو

البريد

کاف کف

النشأ والسرور

Very often, the process of the

و الف م جز بزرگ خردل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال ممله رانی خط
 ح ی م ق محرق کاوی ملطف بستانی تازه فریب سرخ که بعد از کوفتن زرد شد
 ش و پیشقال و گویند ندرم ص صندل و کلاب و کافور و نک هندوی ل و دور
 حساب لرشاد و در وزن تخم شلغم خرغول و بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین
 و واد مجهول م گیاه باز تنگ و ریم آن هیچ و زبان سعدی سمرقند روف نامتبع
 لسان الحمل که خوب کلان خراسانی البهبل که کسب تنیق النون خراسانی ع بفتح
 اول و ثانی و الف و کسر ط و ممله و سکون تحتانی و زغازه که پنجه اطح ای
 ق ملحم ش جسته یرقان و ورم ص روغن بادام یا زیت ل زلوه خراسانی و
 بفتح اول و سکون ثانی و مدبره و فتح با نوعی از علف که او را خراسانی ع بفتح اول
 و ثانی و الف و کسر ط و سکون تحتانی و زلوه چونک و گویند خراسانی خرطمان
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح ف و ط و ممله و الف م بنبویه که اکاسن سیل ل سیل
 خراسانی بفتح اول و سکون ثانی و کسریم یا تحتانی و الف م چند بیدر تنیق الوا
 خرچک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موصه و فتح جیم فارسی و ضم کاف که تخم گواچ
 خر و کسر اول و ضم ثانی م گل خیر و تنیق الها خربت و بفتح اول و سکون ثانی و
 فتح موصه و فوقانی و خفا یا م خربت خرزهره و بفتح اول و سکون ثانی و فتح زو حمیم
 و سکون یا و فتح را و ممله ثانی ع دقلی که کثیر خرسته و بکسر اول و ثانی و سکون
 سین ممله و فتح فوقانی م چونک خرغول و بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین م
 و واد مجهول و فتح لام م خرغول خرغه و بضم اول و سکون ثانی و فتح قام توکر
 خرزه و بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون یا و فتح را و ممله م سفید موهه
 شکله خرزه و بضم اول و ثانی و واد مجهول و فتح سین ممله م تدر و خرزه و
 بضم اول و واد مجهول و انهار یا م خروس خره و بفتح اول و ثانی م گنجاره

و گویند بوسلار
 و در آن دق
 و حقوق و سون
 السفر الان
 چون با هم جمع
 کنند بدل او
 بود و گویند
 بدل آن رفت
 بود و در حاتم
 بود که از کرب

و کسریم یا تحتانی
 و الف م چند بیدر
 تنیق الوا
 خرچک و بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح موصه
 و فتح جیم فارسی
 و ضم کاف
 که تخم گواچ
 خر و کسر اول
 و ضم ثانی
 م گل خیر
 و تنیق الها
 خربت و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و فتح
 زو حمیم
 و سکون یا
 و فتح را
 و ممله ثانی
 ع دقلی
 که کثیر
 خرسته و
 بکسر اول
 و ثانی
 و سکون
 سین ممله
 و فتح
 فوقانی
 م چونک
 خرغول و
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی و
 ضم غین
 م و واد
 مجهول و
 فتح لام
 م خرغول
 خرغه و
 بضم اول
 و سکون
 ثانی و
 فتح قام
 توکر
 خرزه و
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی و
 ضم میم
 و سکون
 یا و فتح
 را و ممله
 م سفید
 موهه
 شکله
 خرزه و
 بضم اول
 و ثانی
 و واد
 مجهول و
 فتح سین
 ممله م
 تدر و
 خرزه و
 بضم اول
 و واد
 مجهول و
 انهار یا
 م خروس
 خره و
 بفتح اول
 و ثانی
 م گنجاره

و کسریم یا تحتانی
 و الف م چند بیدر
 تنیق الوا
 خرچک و بفتح اول
 و سکون ثانی
 و فتح موصه
 و فتح جیم فارسی
 و ضم کاف
 که تخم گواچ
 خر و کسر اول
 و ضم ثانی
 م گل خیر
 و تنیق الها
 خربت و بفتح
 اول و سکون
 ثانی و فتح
 زو حمیم
 و سکون یا
 و فتح را
 و ممله ثانی
 ع دقلی
 که کثیر
 خرسته و
 بکسر اول
 و ثانی
 و سکون
 سین ممله
 و فتح
 فوقانی
 م چونک
 خرغول و
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی و
 ضم غین
 م و واد
 مجهول و
 فتح لام
 م خرغول
 خرغه و
 بضم اول
 و سکون
 ثانی و
 فتح قام
 توکر
 خرزه و
 بفتح اول
 و سکون
 ثانی و
 ضم میم
 و سکون
 یا و فتح
 را و ممله
 م سفید
 موهه
 شکله
 خرزه و
 بضم اول
 و ثانی
 و واد
 مجهول و
 فتح سین
 ممله م
 تدر و
 خرزه و
 بضم اول
 و واد
 مجهول و
 انهار یا
 م خروس
 خره و
 بفتح اول
 و ثانی
 م گنجاره

که از کوهستان فارس غیر طح ی ل یلمیزن غسل ثنیق الواو خشوع بفتح
اول ضم ثانی مخرای زبون تینیق الها خشکانه ف بضم اول و سکون ثانی
و کاف بالنون و الف و فتح نون ثانی نان بی نا خورش تنسلیق الصا و المهد
ثنیق الموحده فخصی الکلب بضم اول مخی ست مانند خصیة الثعلب بضم
ع بضم اول و سکون ثانی طح و گویند مع ف مبین شیخین فرب که از وی موی
آیدش یکشقال تاد و شقال و گویند بخرم ص آمدن بوزیدان با تخم بزوز یا تخم
بزجیر یا تخم یاخیر یا تخم سپست یا ستفقور یا شقال ثنیق الواو المهدله خصیة
ع م جنبید شثنیق السین المهدله خصی الفرس هم جلیوب ثنیق الالام
خصیة الیل ف خاییز کوی خصیة العجا بیل بفتح عین مهله و جیم و الف کسجه
و سکون تحتانی ف خایگوساله ثنیق الها خصیة بضم اول و سکون ثانی و فتح
تحتانی ف خایه پیلری طح گویند ب ی خ خاییز و کس فرب تنسلیق
الصا و المعجه و ثنیق الفاء خضف بفتح اول و ضا و حجه و خریره ناریه
و خریره خور و خضلاف بفتح اول و سکون ثانی بالهم و الف م درخت شقل
تنسلیق الطاء المهدله و ثنیق الواو المهدله خطع بکسر اول و فتح طاء مهله
م و م ثنیق الفاو خطاف بضم اول یا ثانی مشد و الف ف پرستو که کنهیا
پت دیوری ا ح ی ا ق مفتت حصاة ل سگین گا و ثنیق النون خطبان
بفتح اول و ثانی با سوجه و الف م خطبیا نا ثنیق التحتانی خطمی بفتح اول
و سکون ثانی و کسجه کل مشهور است طب ر گویند ق ملین منضج محلل خ سبر
مانده کوی سفید کل ص شل لکنار لیلو فرب یاخیزی تنسلیق الفاء و ثنیق الحاء
خضف بفتح اول و سکون فاجیم م خردل بری خضف ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
را و صلیح بقدره و ثنیق الشین المعجه خفاش و بفتح اول و ثانی مشد

۱۳۹
 مقوی باد بود
 چون مصدق
 خانات است
 مقیم فرما
 بود فی اسرار
 زبان فارسی
 و یاد کرد
 گوشت
 مقصد بعض
 التفسیر

از این جهت که

وادراد اوچتر
بتر خوازن
حافظه سطور
فهرست ایشان
سیماب را
گویند فقیق
پسته را گویند
گرم و خشکست
درد دود را
وید و سوز
نار و

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دہلی دارالافتاء

مازندران / شهر بابک / بخش مازنی / دهستان

م غیر و ضروف بکسر اول ستم ثانی عاب بر تینق الحاله خیاره ف بکسر اول ثانی الف
فتح ز او مجر و فخر با و کله ای طبک و تینق تختانی غیر لان بکسر اول ثانی مجهول فتح ز او
بار و ماله الف و کسرتن فتح و کلام کسرتن اول ماله و سکون تختانی ثانی ف و کله ای غیر و ف کسرتن
اول سکون ثانی و کسرتن ماله نام کلی است و در کلمه میان آن سیاه باشد و آنرا همیشه
نیز گویند تر قیمة الدال المصهله و تلشیق الالف و تینق الدال المصهله
و اورد بال ماله و الف و فتح ز او ماله و سکون دال ماله ثانی و اسکند و تینق الدال
المصهله و کسرتن بعضی موهله و سکون ز او ماله و غیبت بهر رنگ که متفق
درختان را سوراخ کند و آنرا بشیرازی نمک و گیلیانی دار کوب گویند و دستخار
ف بکسرتن شین مجر یا جاور مجر و الف و فتح ثبث الحدید و آغ سرف بکسرتن شین
و فتح سین ماله جانوریست که در میان سران جند پر زو باشد و مانع بکلیل و جل و سر
و خوش آواز بود و تینق الزاء المجهله و الپوز ف بکسرتن لام و ضم موهله فارسی
و او مجهول و ز او مجر م فرست و ک تینق السین المصهله اس ف بکسرتن
سین ماله م سلاب و تخوان ماهی تینق الصاد المصهله و اضعوض از موهله
بکسر اول ماله و فتح صاد ماله و ضم سین ماله و سکون و او و صاد ماله ثانی و لغت اول و
فتح میم و سکون نون و ضم صاد ماله و سکون و او و لغت ثانی م و اچینی تینق
الکاف و اریک بکسر اول ماله و فتح میم و سکون کاف م نوعی از موهله و تینق اللام
و اول فلفل بکسر اول ماله و فاف و سکون لام و کسرتن ثانی و سکون لام ثانی ف فلفل و ا
و پیل طحی ۳ ق باطلف منقشی رخ سبزی که بطعم فلفل بودش نیز در ص
صنخ عربی یا صندل و گلاب زنجبیل یا زرنما و یا فلفل و اریک بکسر اول
ماله یا نون و با و الف درخت بقم و اریک بکسرتن شین مجر یا جاور و الف و لام
ع حبث الحدید و اول لفتح و او ف روغن کتان تینق المسیم و اریک بکسر اول ماله

بکرم فی اسنل
 یا معنی از
 اسنل الطیب
 است از هند
 خالاک است
 گویند گرسنه
 دیگر در جبه
 و شکست
 در دو در جبه
 بدل و
 ۱۳۳
 بزرگ آن اسنل
 یکبار بود
 و در نینبیل
 آن مغلط
 است قفوق
 الصبیان
 و دانش از نینبیل
 و در نینبیل

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرتون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرتون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شن یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطراف یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و الف فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زا و معجمه و نفسا و ا م
 فرشته و ک و ا و کسیر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و ا که الف فتح کاف و انهار با ع غیب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زا و معجمه فرشته و ک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسیر هم
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و ا و ی و ف بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و ا و چینی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرتون ه
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ا ق لطیف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرین آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا اهل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول با ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و ا و فتح اول ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش نذریده که

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرتون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرتون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شن یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطراف یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و الف فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زا و معجمه و نفسا و ا م
 فرشته و ک و ا و کسیر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و ا که الف فتح کاف و انهار با ع غیب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زا و معجمه فرشته و ک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسیر هم
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و ا و ی و ف بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و ا و چینی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرتون ه
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ا ق لطیف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرین آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا اهل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول با ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و ا و فتح اول ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش نذریده که

سکون هم ف اما تمینق النون و النون کالفتح فوقانی و سکون و او و نون و
 پنج خط السلاطین م جمال گوشه کی جزو دایر بر نیان و یکسر او ممل و فتح موصده فار
 و سکون را ممله ثانی و کسرتون با تختانی و الف ف چوب بقم و ایشیشان کسیر
 را و ممله شین و کسرتون تختانی و فتح شین معجمه ثانی عین ممله و الف ثانی که کمال
 طح ای ۲۰ ق قاضی خ گران سرخی مائل خوشبو سطرندک تلخ شن یکدرم دو و
 ص دو تو یار ازین ل اسارون یا نقره الطراف یا چهار دانگ وزن آن زرا و نذر
 نیموزن آن درونج یار ایکست سعد دارقن یکسر او ممله و فتح قاف و شفتا تمینق
 الحاء و ایریزه و الف فتح موصده فارسی سکون را و ممله و فتح زا و معجمه و نفسا و ا م
 فرشته و ک و ا و کسیر او ممله و کاف و سکون تختانی و فتح سین ممله م بسبب
 و گویند طاکیسفر و ا که الف فتح کاف و انهار با ع غیب و انگور و البوزه و
 بسکون لام و ضم موصده فارسی و او مجهول و فتح زا و معجمه فرشته و ک تمینق
 التختانی و اوروی یکسر ال ممله ثانی و تختانی و ضم را و ممله و سکون و او و کسیر هم
 سکون تختانی ثانی م هو فاریقون و ا و ی و ف بسکون را و ممله و ضم موصده
 و او مجهول ع عود و ا و چینی ع یکسر او ممله و صا و ممله و سکون تختانی و کسرتون ه
 و ال چینی طح ی ۳۰ گویند ا ق لطیف مفتوح مد و قوی ل و کبد و مده و مبیخ
 سیلانی خوشبو مرغ نیز طعم شیرین آئینش یکدرم ص اسارون ل پوست سیلانی و
 کبابه یا اهل یا زرب یا خولجان تمینق الباء الموحده و تمینق کالاف و باع ضم
 اول با موصده مشد و الف و کد و تمینق الموحده و باب بضم اول با ثانی و الف
 و موصده ثانی م سبل سبتر تمینق الواو الممله و یو و ا و فتح اول ضم ثانی و سکون او
 با و ال ممله ثانی و الف و را و ممله م تمینق السین الممله و لبس ع یکسر اول
 و سکون ثانی و سین ممله و و شایب خرمائی طح رخ بصری آتش نذریده که

کرم رشت بنو عدیکر که انجمن بی بی گید ایشاد است و صاحب البین نمود که باز نریکی پس مد

از طب فارسی گرفته باشند ص بادام و کاهو و خجاش و سنجبین تمینق لقا
دبق بکسر اول رسکون ثانی و قاف م موینج غسلی طح ۲ ی ۳ ق محل ملین
نخ تازه المس که دروش کرانی و برش سیاه سرخی مائل ص زرباد و نیمون
حاقه قرع و چهار دانگ زن آن جزا السور و نیمون آن اهل تمینق اللام
د بول بفتح اول و ضم ثانی و سکون داو و لام ف روغن کتان
تمینق الحاد باله ف بفتح اول و ثانی و الف و فتح لام و خفا و م
ترنج و لیک بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف بار و دخت کمریره
شیت تمینق و تمینق المجیم و حاج ع بضم اول با جیم و الف و جیم ثانی
ف ناکیان که کو کزی و بزبان شاهجهان آباد مرغی طامع ح ق گوشت او
مغزی و مقوی مانغ نخ آنکه پیضه ندره باشد ص نان پاک ل در لاج و ج ع بفتح
اول ف مرغ بری که طخام بزبان دلی مرغ تمینق الراء المجله و ج ع بفتح
و کسر ثانی ف لوبیا تمینق الخاء المجمه و تمینق الالف و ضسیا بضم
اول و سکون خا و جمه و کسرین جمله و سکون تحتانی با سین جمله ثانی و الف و
روغن بلسان تمینق الخاء المجمه و فتح ف بضم اول و سکون خا و جمه م گیا
که از میان آب بروید و از آن حصیر با فندم لوخ تمینق السیر دخت دریم
اول و سکون ثانی و کسر ثانی و فتح میم و سکون را و جمله و فتح تحتانی و سکون میم
ثانی ف پوست دخت سببها که چهار چال سببها که تمینق النون و خان ع بضم
اول با ثانی و الف و نون ف دودلا و هنون طح سی ق ملطف بمحرق ص
شراب ششخاس و ضم ع بضم اول و سکون ثانی ف ارزن که چنیا طبای
گویند که گوینج ص تند و مصطلک ل برنج تمینق و تمینق الدال المهمله
دو ف بفتح اول و سکون دال مهمله ثانی م جانوران درنده چون شیر و ببرگر

و امثال ان تمینق الهاء و ده ف بفتح هر و ال ممله و خفاء را بمعنی و دند و در
تنسیق الراء المهمله و تمینق الالف درخت ریثاف بفتح اول ثانی و سکون
خا و جمعه کسر فوقانی و دراء ممله ثانی و تحتانی مجهول بالشین مجمره الف و درخت بر
درختک و انا ف بفتح اول و ثانی و سکون خا و جمعه و فتح فوقانی و کسر کاف و ال
ممله ثانی با نون و الف درختی است که بهر جانب که آفتاب بگردد برگهای آن
رو بجانب آفتاب کنند و گویند درخت و قواق و سورج که می تمینق الموحده
در و اب ف بفتح اول سکون ثانی بارال ممله ثانی و الف و موحده و سبثنویه
و کسر تمینق الفوقانی درخت آفتاب پرست و بفتح اول و ثانی و سکون خا و جمعه
و کسر فوقانی و دینره و سکون قافا فوقانی ثانی و الف و موحده ساکنه و فتح جمعه
فارسی و دراء ممله ثانی و سکون سین ممله و فوقانی ثالثه و اهل تمینق الجیم
در ارجع بضم اول و ثانی مشدده بالالف و جیم و تراج و تیت ط مع ف کو
و تعوی و ماغ و اراش بفتح اول و ثانی و الف و فتح شین مجمره نوعی از ابلاب
در خج و بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و ارج تمینق الخا
المجمره در آو خ بفتح اول و ثانی و الف و کسر او و سکون تحتانی و خا و جمعه و جوبه
تمینق الواو المهمله و دراء بفتح اول و سکون ثانی بارال ممله ثانی و الف و دراء ممله
ثانی و درخت پسته و سیمیدار ط و ورق او بی ۲ ف قابض مجلی روی
ع بضم اول و سکون ثانی و کسر ال ممله ثانی و ضم تحتانی مشد و سکون لام و
و فتح خا و جمعه و سکون یم و دراء ممله ثانی و دردی شراب طح ی خ از شراب
کس و در و بطا بفتح اول و ضم ثانی و سکون و و و فتح موحده با ط و ممله و الف
توت سکل تمینق السین المهمله و در افس شتامی بفتح اول و ثانی و الف و کسر
و سکون سین ممله و شفتا و تمینق الشین المجمره در ش ف بفتح اول و ثانی

در بیان این که در هر کلمه که در این کتاب مذکور است

در بیان این که در هر کلمه که در این کتاب مذکور است

در بیان این که در هر کلمه که در این کتاب مذکور است

و سکون تحتانی که التوس طح ی ۳ قی ملطف و فوج و تقوی ل خ روی مش
 نیم درم تا یک درم ص مازایانه یا نشاسته ل زرباد و دو انگ مزن کن و نقل و
 گویند عاقر قرحا و و وزن سورنجان درسی ف بفتح اول کشتانی م نوعی از
 کبک تنسيق و تنسيق السین الممله دس ف بضم اول و سکون سین ممل
 م کل خیه تنیق الهاء و ستنویف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نو قانی و سکون
 نون و ضم موحده و و او مجهول و فتح تحتانی و فحار باع شامه که کجری تنسيق
 المجه و تنیق الراء الممله و شمر ف بفتح اول و سکون شین مبع و فتح ميم
 و سکون را و ممله م شاخل ع درجه که اربهر تنیق التحتانی و تنیق بضم اول
 و سکون ثانی و کسر نو قانی و سکون تحتانی م زلوه جونک تنسيق الفاء و تنیق
 الراء الممله و فحار بفتح اول با و الف و را و ممله که گنوار تنیق الفتانی و فلی ع
 یکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و فخر زهره که کسر طح ی ۳ ق
 محلل خ سطر بزرگ و رق بسیار تنیق سرخ گل سخت شمش نیم درم تنسيق الفاف
 و تنیق النون و قطا مانون بفتح اول و سکون قاف با طار ممله و الف و یم
 و الف ثانی و ضم نون و سکون واو و لون م مشکط اشبع تنسيق اللام و
 تنیق الموحده که دل شوب و یکسر اول و سکون لام و مدهزه و ضم شین مبع
 و سکون واو و موحده م پنج انگشت که سبنا الو و کب ع بضم اول و سکون ثانی
 و ف دخت چنار طح جوز و پوست اوی گویند ۲ ب ۱ و چوب او ب و ف
 محقق خ تازه ص عود یا و ارنجیل قشور رمان تنیق المشله و کبوت
 بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و مشله ف نوعی از سون
 تنیق السین الممله و کینس بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر ف
 نون و سکون شین ممله ف نوعی از صدف کوچک تنیق العین الممله و لاع

در بیان این که در هر کلمه که در این کتاب مذکور است

لہذا میں قویٰ ضعیف سمیت دعا الیٰ اعظمیٰ دیکھ کر ۱۳۴۲ھ

۱۲۔ حضرت ابو موسیٰؓ سے یہ روایت ہے کہ حضرت امیر المؤمنینؓ نے فرمایا کہ

فصل اول در بیان احوال و سیرت حضرت علی علیه السلام

۱۵۱
 دوست داشت
 که او را سزاوارت
 و بیان آن مردم
 قصص
 بر زبان که بیان
 او حق را قلم
 او راست باشد
 و بیاریانی خوش
 قصید الشکر
 بیایند شکر
 دهند و سزاوار

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

سازمان

بفتح لام شد و سکون و اواف روغن بادام تل روغن سسته شفتالو تمینق
السین المله و دهن الخربس و فتح لوز شد و ثانی و سکون را و مهله و کسیر
و سکون سین مهله و روغن برگس و قوی و مرغ و روغن سین تمینق
المهله و دهن الخربس و سکون لام و کسر خا و سحر و سکون را و مهله و فتح واد و سکون
عین مهله و روغن بیدار خیر و روغن بادام تل و روغن خشکدانه تمینق القاف
و دهن الزنبق بفتح ز و سحر و سکون نون و فتح موهده و روغن گل و زنج
ال روغن یاسمین یا روغن بنوسن و دهن الخلق بفتح خا و سحر و ضم لام و روغن
و عفران تمینق اللام و دهن لعل و فتح حاو و مهله و روغن کنجد و روغن شیر
و تلون کاتیل و بیدار تل و دهن الفجل بفتح سین مهله و فتح واد و سکون
را و مهله و فتح جیم و روغن ابی و دهن التفاح و بدل دهن تفاح و دهن بنو
باشد و دهن الفجل و بیدار و سکون جیم و روغن ترب و مولی کاتیل و طرحی
ال روغن بیت کست و دهن السابیل و دهن مشد و ثانی و الف و سکون را و مهله
و کسیر و سکون تختانی و روغن جوز هنری و روغن گردگان تمینق المسک
و دهن الخرق و سکون لام و ضم قاف و سکون را و مهله و ضم ط و مهله و روغن خشکدانه
و روغن الخیر تمینق النون و دهن الف بفتح اولی و دهن ثانی و الف و کسیر و سکون
نون و دهن شمشور و زیت و نیز نام یا سیاه و دهن البان و سکون لام و سحر
الف و روغن کائنات و روغن بندق و دهن البان و سکون لام و فتح موهده
و لام ثانی و سین مهله و الف و روغن بلسان خ تازه قوی بوی و بوزن آن
و دهن داوی یا نیموزن و دهن نازیل و دهن نیموزن آن زیت کهن گویند که
ببلسان کوفته در روغن را زنی بچو شاند یا روغن گا و یک و دهن را و ریخته بشند
و در روغن زیت و دهن و در روغن نازیل و نیموزن و دهن ترب یا بجم مخلوط کرده

سازمان

پیشانی

دفاع


پیشانی
درست درج

ملکیت دور

باری بخت

۱۰۰

100



13

15



نیم از یک کلمه که در این کتاب است

سجده شامند تا بر وزن آید و در ظرف آید بکینه نگاه دارند و گویند که زیر هر کس نیستی شنگ
 نزد یک شنگافش شیشه آویند که در و بچکد طح ی آ گویند ۳ و همین السون بضم
 ممله مشدود و او مجهول بفتح سین ممله ثانی م ر و غن سکون ل ر و غن ف و ز و ه و ن
 بفتح نون مشدود و سکون سین ممله و سکون ممله و سکون تحتانی م ر و غن نسرین ل
 ر و غن با و ام و ه و ن بضم اول و سکون ثانی ف ر و غن طح رق ملین خ تازه یق
 الها و هان ف بفتح اول و انما ثانی و الف و فتح نون و خا و ا و ی الف نیز م ر و غن
 نو عیست سبزرنگ تلخ و از کان پس حاصل شود و ه و ن و ه و ن و ه و ن و ه و ن و ه و ن
 لام و فتح ه و سکون نون و کسیریم و فتح ر و ممله ف ر و غن کز نزل ر و غن خسکه انه
 تمیق التحتانی و اما کل بفتح اول و انما ثانی و الف و فوقانی و کسراف و سکون
 تحتانی م گل و با و ی و ه و ن الخیری بکسر و مجهول و سکون تحتانی و کسراف ممله ف
 ر و غن خیری ل ر و غن حنا و ن السولی بکسر سین ممله مشدود با و او و الف و کسراف
 ف ر و غن کتان و ن السولی بفتح سین ممله و سکون لام م او و الی تمیق التحتانی
 و تمیق الالف و یا قود و یونانی بفتح اول و کسراف و تحتانی و الف و ضم قاف
 و سکون و او با و ال ممله و الف ثانی ف شراب شخاش که با پوست بنزد و یو یا
 ف بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی
 آنرا چند قوتی خوانند تمیق الفوقانی و یو یا پوست بکسر اول و ثانی مجهول و او
 مجهول و کسیریم و سکون سین ممله کسیریم و حده فارسی سکون سین ممله ثانی و فوقانی
 م چند قوتی تمیق الراء الممله و نیار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و او
 ممله م تخم کشوث و یو و ا بکسر اول و تحتانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و
 الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی
 تمیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی آنرا چند قوتی خوانند تمیق الفوقانی و یو یا پوست بکسر اول و ثانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی تمیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

۱۵۵
 بکسر اول و ثانی مجهول و او با و حده فارسی ع عنکبوت و گیاهی است که بعلی آنرا چند قوتی خوانند تمیق الفوقانی و یو یا پوست بکسر اول و ثانی مجهول و او مجهول با و ال ممله ثانی و الف و بیدار است و آن منور بر نهی است ف درخت مانو و خنده طح ی تمیق السین الممله و یفر و حبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

در این کتاب است

شماره کتاب ۱۵۵
 تاریخ ۱۳۰۲
 مکان ۱۳۰۲
 نام ۱۳۰۲
 نام ۱۳۰۲
 نام ۱۳۰۲

[illegible][illegible]

10

فاز

مجلس

۱۶۷

کتابخانه

15-4-59

27

۱۰۰

وہابیہ

10

024

106

10

25

10

12

2

1

...

10

11

...

مجلس

10

[illegible]

و موصود و مشد و الف ثانی و فوقانی هر دو در ذوات ثلاث شکوات ع یفتح شین معجر
و سکون و او با کاف و الف ثانی م شکوات تنیق العین الملهله و زخمسته اصابع
ع ف یخمسکشت تنیق القاف و زخمسته او راق ع یفتح هنزه و سکون و او با ل و ملهله
و الف ثانی و قاف ف یخمسکشت تنیق الحاء و تنیق الموصود که ذهب ع یفتح
اول و با ف زره سونا طح مع ق و قش مقوی دل ش یک قیر طح اول
و شک تنیق الباء التختانی و تنیق الموصود که ذهب ع یکسر اول و سکون
تختانی و موصود ف گرگ که بدیتر یا تنیق النون و یفان ع یکسر اول و سکون
ثانی با ق و الف و نون و زهر قاتل تنیق الحاء الملهله و تنیق الحاء
تنیق الالف را نایوتانی بر او ملهله و الف و نون و الف ثانی ف نایوتانی
سکون و او با او ملهله ثانی م خاریشت تنیق الجیمه آیتنج روی یکسر فوقانی و سکون
تختانی و فتح نون و سکون جیم م صنع درخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق
عنیت اللحم علی قروح سفید روی بایل که بوی هندو بریانده اسفیدار و غنجل
قند و علك البطم یازد کمن را یانج ع بر او ملهله و الف و سکون را بر عجمه یا تختانی
و الف ثانی و فتح نون م باز یان ف با بیان و سولف طح ی ا ق یفتح در مفتت
ج بستانی ش از پوست او یثقال تاد و در م ص صندل و کافور یان ع و ل تخم
فس راج یفتح نون ف ناکریل تنیق الحاء الملهله راج ع بسکون م و ملهله
و اب تنیق الدال الملهله را و ند ع یفتح اول و الف و فتح و او سکون نون و ال
نیز خربیا حسیت م ریونده ریون چینی طح گویند مع گویند ح ۳ ی گویند
ح ۳ ی مقوی خ چینی که بعد از سحق زعفرانی شود و بعد از شکستن دروش
یران گا و اند و دیر ریونده نمی یخوامند و مانند سم اسپ باشد که اصلا سوراخی در
شدش نیز م تاد و در م و گویند دانگی تا یکدر م ص صنع برلی یا ما و الهند یا نیکو

[illegible]

از او ندر جرج و بوزن وی ورق گل سرخ سنبل و بعضی گویند رشک و بلبل شیر زعفران
 تنیق الزاء المجد را از ف بسکون را از جیم خالیش را از یون بکسر او و سکون
 تختانی م درخت اشتر غار تنیق السین المجله را س ع بفتح اول بفتح ساکنه ف
 سری موثر تنیق الفاء را ف ع بسباسبه تنیق الکاف را م ک بفتح میم
 سکون کاف م هر کبی است از باز و پو است انار و زاج سیاه و صمغ و دوشابا بل
 و گویند از باز و پو است انار و زبیب و در و دوا پینی طب ی گویند ح ق قاقین
 خ انچه سرخی زندش نیم منقال ح ل ال قاقیا یا سوا القضا یا جلناریا آله او
 ف بفتح و او و سکون کاف م شراب صاف ع را و ق تنیق الکاف الفارسی را ک
 ه بخفا و نون ف از زیر تنیق اللام رال ه م قی تنیق المیم را ز با ف م بسکون
 را از جیم یا تختانی و الف و میم م را ز یا نه تنیق النون را دن بکسر ال ممله ف زعفران
 را س ن ف بفتح سین ممله م زخیل شلی و گویند فیلا کش و اسناطح ی گویند
 م ق مقطع لطف مفرخ سبز تازه ش یک منقال ح م طکی حماما یا سکره ش
 ال پر سیا و ج را ن ف درخت انگوزه را یسین ه بکسر تختانی و سین ممله م نام در
 هندی نیست تنیق الو او را بوف بضم موحده نام کلی است را صوف بضم سین ممله
 م موش خرباع ابو عرس ه نیولا تنیق الهاء را و ف بفتح و خفا و با م گیا ای بود
 مانند سیر که آنرا بریان کرده بخورند را و ج ف بسکون و او و فتح جیم فارسی م نوعی
 از انگور را و سه بسکون و او و فتح سین ممله م اشتر غار را و م ه ف بسکون و او
 با میم و الف و فتح و ال ممله م انگوزه ح طلیت تنیق التختانی را و بوی ف بسکون
 و ال ممله و ضم موحده و او و مجهول و تختانی مجهول ع عود را ز ق بکسر او و ج ف
 گل تنیق را ز یا نچ شامی روی بسکون را از جیم یا تختانی و الف و فتح نون و کسر جیم
 بشین ممله و الف و کسر میم و سکون تختانی و فتح و او و ضم را و ممله ثانی و سکون و او و ثا

[illegible]

گرم است در
درجه اول و ثانی
حدود درج
که در نظران
را گویند
گفته اند که او
ست از افواج
نبات بنیره
ماند و بنفودی
اورا ساگو

در خدمت اعلیٰ اینکند
ایکند نیز گیند و ادب و این
و اینکند و اینکند و اینکند
و اینکند و اینکند و اینکند

و کسر میخانی هم ایسون را یعنی کسر طاء و همله و سکون تختانی و نون هم هر یک را
 بدین نام خوانند و عکس یعنی آنچه نوان خائید و فرو توان بردن مثل مصطلک و مقرانی
 و کسر مخوف خزل تنسيق الباء الموحدة و تميق الالف بتتباع لفتح اول
 و کسر موحده و سکون تختانی با فوقانی و الف و مایه کوچک طح تميق السین همله
 راء ایسون ع بضم اول و ثانی مشدود و سین همله مشدود و سکون داو و سین همله ثانی
 عصاره همک تميق القاف برق سرانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر همله ثانی
 و سکون قاف م غبب المشعل تميق اللام ربل و می لفتح اول و سکون ثانی و
 لام مضمین کوی تنسيق الموحدة الفارسی و تميق الدال الموحدة ربد و
 ف لفتح اول و موحده فارسی و سکون ال همله و لغت اول و ضم ثانی فارسی و سکون
 داو و لغت ثانی م گیا می ست که چرنده راست کند تنسيق الفوقانی و تميق
 الالف رتیلله و یو ثانی بضم اول فتح فوقانی و سکون تختانی بالام الف حیوانیست نه
 عنکبوت ف خانه گرک و وله و آن از سموم قتاله است تميق الکاف رنگ و بضم
 اول و فتح ثانی م پود نه بر می تميق الحاتره و لفتح اول و ثانی مشدود و خا و راه ریا
 تنسيق الجید و تميق الموحدة رجل العقاب ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم
 لام و سکون لام ثانی و ضم عین همله با قاف و الف و موحده هم اطر لیل مثل الفراء
 ع بکسر لام ثانی و ضم عین همجه بار و همله و الف حیثیست که ف بنری پای
 کلانخ گویند و گویند آن اطر لیل است طبع و ی ح ای ۲ تميق الدال الموحدة
 رجل الجراد ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح جیم بار و همله
 و الف و دال همله م زرب ف سر و ترک ثانی تميق الواو الموحدة رجل الطیر
 بفتح طاء همله مشدود و سکون تختانی و دال همله م رجل الغراب تميق السین رجل الهم
 ع بکسر لام ثانی و فتح حاء همله با میم و الف و میم ثانی ف شکر تميق الهاء همله

دریا میزدید
و هر دو دست
کز کز و دهره
بهندی کرده
گویند گرم
و خشکست
کنیز به پارس
کشیز و بندود
پیشیان گویند

۱۶۰

حقیقتش اینست
که دست دراز
نشدند پسند
خشکست درد
و جگر آید
سایر از آن طوط
نشسته است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

جاده نون مکار نون توکلیت و صراطی و دست فساد و غشیان و مقوی پنهان و قافض شرم

چهارم در فتح اول و ضم ثانی و سکون او و نون ص حنا تینق الی

رتقه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مملو هم اسم مخفی است سرخ رنگ هر دو را
 که بجز کسر کند آنرا رتقه خوانند مثل انجبار و بنوبه و خاما و اقطی و تنسیق الکاف
 و تینق الموحدة الفارسی رکت هپه بفتح اول و کاف و سکون فوقانی
 و ضم موحده فارسی و انظار بار و سکون موحده فارسی ثانی و خمر زهر و سرخ م
 لال کثیر تینق الی کاسه و بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین مملو و مجرم
 خاریت تنسیق المیه و تینق الدال المملو رابع بفتح اول و یحکم
 و فاکستره که طح ی ق بجفت خ فاکستر بلوطش نیم در ص جلاب
 و دروغن کل تینق الی راء المله رمان البرج بضم اول و فتح ثانی مشد و الف
 و ضم نون و سکون لام و فتح موحده و را و مملو مشد و رشتی است که بد رخت انا
 ماند که بکتر از و حب فلفل و انه لیست فاش بنج او مست تینق السین المملو
 ریاس و بفتح اول و ثانی و الف م مصطلک تینق الضاد المجهه رمان محض
 ع بضم اول و ثانی مشد و الف و کس نون با ح و مملو و الف ثانی و کسر سیم ثانی
 و سکون ضاد و مجوف الی ترش طب ی گویند مع ری خ بزرگش دهاق
 از شراب او ص رمان حلویاز بنجیل مریا یا حلویا علی سل یا قندیل محصر تینق اللام
 رمان السعال ع بضم سین مملو مشد و یعین مملو و الف م خشناش رمل ع
 بفتح اول و سکون ثانی و ف ریگ یی که بیت تینق المیه و م بکسر اول و ف
 مغر و خاک تینق الو او رمان حلویاز بضم ط و مملو و الف و شیرین طب و گویند
 مع ح ق مقوی تلخ رسیده الی سی ش در و قیاز شراب او ص رمان محض
 با او یا بیداز و تنسیق النون و تینق الی الف و کیناف بفتح اول و سکون نون
 و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با نون ثانی و الف م شفتنگ تینق الدال المملو

تینق الی الف و کیناف بفتح اول و سکون نون
 و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با نون ثانی و الف م شفتنگ تینق الدال المملو

۱۶۳
 خوانند که در
 و ملک و صی را
 گویند بضم
 مصطلک گویند
 در سده و سده
 خفکان را مملو
 است و فاطر را
 قوت گرداند
 و فی یا باز دارد
 که مست در

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 ربنا انک انت الغنی
 ربنا انک انت الغنی

[illegible][illegible]

ثانی و فتح موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 ثانی مجهول و فتح دال موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 و شفت خوانند و از پوشتش پوستین سازند ر و شفت و بضم اول و ثانی
 مجهول و فتح شین موحده ثانی و سکون کاف ع عنب الثعلب ر و د ک ف بضم اول
 تمینق النون ر و بیان ع بضم اول و ثانی مجهول بکسر موحده با تحتانی و الف
 و نون م و اریان و بلخ و ریای که چند نگارین و بضم اول و ثانی مجهول با تحتانی
 مفتوحه و بجهت تمینق الواو ر و نجوف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم جیم و
 سکون و ا و ثانی ع ارض تمینق الهاء و و چه بضم اول و ثانی مجهول و فتح جیم
 و اظهار با ف نیله گ و و ر و س انگزده و بضم اول و سکون ثانی و سین م و
 فتح م و و سکون نون و ضم کاف فارسی و سکون زار و موحده و فتح دال مطلق
 عنب الثعلب چه ر و س و و باه و انگزده و ا و انگور و وین بجهت بضم اول و ثانی
 مجهول و فتح تحتانی و کسوف و موحده فارسی و سکون تحتانی ثانی و کسوف جیم فارسی
 و سکون تحتانی ثالث و فتح کل موحده ناگیس تمینق التحتانی ر و باه ترکی با اظهار
 و ضم فوقانی و سکون ر و م و کسوف م و خاریشت ر و ی و بضم اول و سکون
 ثانی ع صفه کالسی تمینق الهاء و تمینق الواو الموحده ر و الف الف بفتح اول و
 سکون ثانی و ضم جیم و سکون لام با ف و الف م سم الفارف م ر و موشه
 و سنکسیا تمینق التحتانی ر و شیش ع بفتح اول و سکون ثانی و کسوف جیم
 آ و ده که از کنج سازند طح و تمینق الیاء التحتانی و تمینق الالف ریثاه
 بکسر اول و سکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار با ع بندوق هندی
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون با کاف و الف و ضم خیم بکشت تمینق
 الفوقانی ر و سفت یونانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون سین م و

میرزا حسن خان
ابراہیم خان
اسلم خان
سلطان خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان
میرزا حسن خان

140

یا اللام
بیلا ب
پیارے
عشق پیارا
گویند در شربت
که ز ذی کساد
بود نو پیچیده
شود مرد نیست
گرم و خشکست
در درج اول
نفا

کبریا کنیز است خوبان سود دارد ازین عمل عالم علی بود و درین زمان برای دفع بلا علی حلق می‌کشد و در اصل چون در مسجل صفرا در جدول

چندین بیت از کماله

و بهائی بھول و اظہار با خاک مشورتیمیق التختانی رسیف بکسل اول و ثانی
 و کسین مملہ و سکون تختانی م نوعی از انگو رست تدقیقہ انواع المعجمہ
 و تنسیق الالف و تمیق الجیمہ زاج ع نبر او معجمہ الف و جیم و زاک
 بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز
 قلقد و زرد و راقط طار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند
 و زاک زرد و راہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند
 طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر
 مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیمہ
 الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق
 بضم ہمزہ و سکون و اوق سیماب تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خست
 ز قوم گویند و خست آگ ز زال ف بہر و ز او بمعجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ
 پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الطاء زاف
 ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفاہ ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده
 زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی
 و موحده ثانی ف سرگین گرگ رخ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان
 و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلک بیدیع
 بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم کشمش ط گوشت اوج را و دانا و
 بی ۲ ق ملین مفتح شہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم
 منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ
 سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ریخ قدری
 از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز قلقد و زرد و راقط طار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند و زاک زرد و راہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیمہ الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق بضم ہمزہ و سکون و اوق سیماب تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خست ز قوم گویند و خست آگ ز زال ف بہر و ز او بمعجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الطاء زاف ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفاہ ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی و موحده ثانی ف سرگین گرگ رخ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلک بیدیع بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم کشمش ط گوشت اوج را و دانا و بی ۲ ق ملین مفتح شہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ریخ قدری از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

بہشگری و آن انواع باشد سفید و اشب و قلقد لیس و سنج و سوری و سبز قلقد و زرد و راقط طار و سبز زاک سیاه نیز نامند و بہ ہندی کیس خوبند و زاک زرد و راہندی کسیر سیس زاک ملک و زاک ترکی را نیز ہندی کیسینند طحی ۳ ق قابض حرق مفتح مصری براق زرد و زیندہ و پاک و نوص شیر مانہ زنان و سکہ باشکرل شہار زاج ف بکسر او مملہ زرشک تمیق الجیمہ الفارسی زاج ف بکشین معجمہ سکون جیم فارسی م زاج تمیق القاف اوق بضم ہمزہ و سکون و اوق سیماب تمیق اللام زاخل بکسر فار معرف و خست ز قوم گویند و خست آگ ز زال ف بہر و ز او بمعجمہ بہر و الف م مرغی سیاہ پای کوتاہ کہ بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک اند تمیق الطاء زاف ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفاہ ہام خارشیت تنسیق و تمیق الوحده زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمہ مشدودہ و سکون تختانی و موحده ثانی ف سرگین گرگ رخ کہ از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان و موی یا بند و از زبل سگ کہ از استخوان خورده باشد زبل کلک بیدیع بفتح اول و کشتانی و سکون تختانی ف موزیم کشمش ط گوشت اوج را و دانا و بی ۲ ق ملین مفتح شہ در ص خیا و الیک بنر یا خسل عتاب یا موزیم منقی تمیق الدال المملہ زبایدع بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیہ سستی جانور نیست گر با سہ زباب و سیدہ و شاخ طح ۳ مع ریخ قدری از و ہر سر جوالہ مذی کردہ قیرن آتش از اندا گردان نشود و جید رست آتش

پیشینه پاره عالم گرام باولنده دهر بنده دولت بیخیزد یاست انجمله کعبه

[illegible]

طبع و رویداد
دفاعیت
مقوی اعضا
دفاع اخلاط
ثلثه و در مناف
برای آب و بیاض
و گرسه آن شیر
را بچمن آن
نوشند و سحر
و اخلاط ثلثه

142

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کون کراؤ اور کون کراؤ
 دماغ و فاساد و
 دگر دگر کراؤ
 دماغ و فاساد و
 دگر دگر کراؤ
 دماغ و فاساد و
 دگر دگر کراؤ
 دماغ و فاساد و
 دگر دگر کراؤ

ف ماه پر دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی

بفتح اول کسر او مهمله سکون تختانی بار اوله ثانی و الفع بقله الحما تینق
الموحده زر شبع بفتح اول سکون ثانی و فتح نون سکون موحده و
سور کسرتانی که برنی سینی طح ی ۲ ق ملطف مخ تازه خوشدوش بنیدرم
جلاب میگرم یا صندل و اریچی یا کباب یا مال یا قشتر تینق الفوقا
زیرین درخت است بفتح اول و کسرتانی شد و سکون تختانی و نون و فتح دال
و او مهمله ثانی و سکون خاور حجه فوقانی هر دخت اترج و گویند درختی است در
ولایت گازرون مشهور بهین نام ص حسب الالاسل تنطوریون باریک یا تخم
خیار زره یا حبل الایموزن زعفران تینق الجیمیز راجع بفتح اول تا
والف م زر شک زلف و اندر ج بفتح اول و ثانی و الف و فتح و او سکون نون
و کسرتان مهمله و ضم سیم و فتح دال مهمله ثانی و سکون حار مهمله ثانی نیم را و
طح ی ۲ گویند ۲ ق ملطف بفتح مقطع مخ فریز عفرانی شش کینقال تا در دم
ص عمل ایند باریس ل زر نباد و قسط دو دانگ وزن آن بسیاره نیموزن
ریوند و گویند کینموزن زر را وند طویل زر غنچ و بفتح اول و سکون ثانی و ضم
معجمه سکون نون م طلیعینی کیا هیست بغایت بدو که ازین بسته است
بیازند و برگش برگ سداب ماند طب دندان گنج و بفتح اول و سکون ثانی
و ضم کاف فارسی و سکون نون م زر غنچ زر شبع و بکسر اول ثانی و سکون نون م
زرینک بفتح اول سکون ثانی و کسرتان سکون تختانی و لام م سا تینق الجیمیز راجع
و سکون جیم فارسی م کبک تینق الخاء المعجمه زر غنچ سرخ بفتح اول
و سکون ثانی و کسرتان و سکون تختانی و کسرتان معجمه و ضم سیم مهمله
و سکون او مهمله ثانی و خاور معجمه ثانی مینسل تینق الدال المهمله زر سوم

ف ماه پر دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی
بفتح اول کسر او مهمله سکون تختانی بار اوله ثانی و الفع بقله الحما تینق
الموحده زر شبع بفتح اول سکون ثانی و فتح نون سکون موحده و
سور کسرتانی که برنی سینی طح ی ۲ ق ملطف مخ تازه خوشدوش بنیدرم
جلاب میگرم یا صندل و اریچی یا کباب یا مال یا قشتر تینق الفوقا
زیرین درخت است بفتح اول و کسرتانی شد و سکون تختانی و نون و فتح دال
و او مهمله ثانی و سکون خاور حجه فوقانی هر دخت اترج و گویند درختی است در
ولایت گازرون مشهور بهین نام ص حسب الالاسل تنطوریون باریک یا تخم
خیار زره یا حبل الایموزن زعفران تینق الجیمیز راجع بفتح اول تا
والف م زر شک زلف و اندر ج بفتح اول و ثانی و الف و فتح و او سکون نون
و کسرتان مهمله و ضم سیم و فتح دال مهمله ثانی و سکون حار مهمله ثانی نیم را و
طح ی ۲ گویند ۲ ق ملطف بفتح مقطع مخ فریز عفرانی شش کینقال تا در دم
ص عمل ایند باریس ل زر نباد و قسط دو دانگ وزن آن بسیاره نیموزن
ریوند و گویند کینموزن زر را وند طویل زر غنچ و بفتح اول و سکون ثانی و ضم
معجمه سکون نون م طلیعینی کیا هیست بغایت بدو که ازین بسته است
بیازند و برگش برگ سداب ماند طب دندان گنج و بفتح اول و سکون ثانی
و ضم کاف فارسی و سکون نون م زر غنچ زر شبع و بکسر اول ثانی و سکون نون م
زرینک بفتح اول سکون ثانی و کسرتان سکون تختانی و لام م سا تینق الجیمیز راجع
و سکون جیم فارسی م کبک تینق الخاء المعجمه زر غنچ سرخ بفتح اول
و سکون ثانی و کسرتان و سکون تختانی و کسرتان معجمه و ضم سیم مهمله
و سکون او مهمله ثانی و خاور معجمه ثانی مینسل تینق الدال المهمله زر سوم

اول الفحان از دین که نرسبی تفسیق الراء المهمله و تینق الالف زیر کسریانی

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م كل شقاق تينيق الواو زرد خوف

بفتح اول وسكون ثاني ووال ممله وفتح فارجه وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زرد و خوشبو ست زرد و ففتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاندا توقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فا و خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زرده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردی میان تخم مرغ زرنبد ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زرجامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسر ييم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زردک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فارسي م شقاق زرد قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر او ممله م جل الغراب تينيق العين
 الممله و تينيق الدال الممله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين ممله وفتح فا و را
 ممله وضم نون وسكون لام وفتح حاء ممله وکسر وال ممله وسكون تخاني ووال ممله
 ثاني ف ييم آهن طح ي تينيق الواع الممله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 او ممله وسكون واو وراء ممله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 ش سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغیر تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا و را ممله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتوح شفع مفرح
 مقوی ل نومخ تازه سرخ تير بوي ش پندرم تا کيدرم ص انيسون وزر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواع الممله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ممله م شاخ
 و زخات انگور غيغ بفتح اول وکسر ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الکاف زخاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و تخم کتان

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زرد و خوشبو ست زرد و ففتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاندا توقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فا و خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زرده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردی میان تخم مرغ زرنبد ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زرجامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسر ييم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زردک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فارسي م شقاق زرد قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر او ممله م جل الغراب تينيق العين
 الممله و تينيق الدال الممله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين ممله وفتح فا و را
 ممله وضم نون وسكون لام وفتح حاء ممله وکسر وال ممله وسكون تخاني ووال ممله
 ثاني ف ييم آهن طح ي تينيق الواع الممله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 او ممله وسكون واو وراء ممله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 ش سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغیر تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا و را ممله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتوح شفع مفرح
 مقوی ل نومخ تازه سرخ تير بوي ش پندرم تا کيدرم ص انيسون وزر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواع الممله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ممله م شاخ
 و زخات انگور غيغ بفتح اول وکسر ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الکاف زخاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و تخم کتان

۱۶۱

بفتح اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو م گياهي ست که گلش
 زرد و خوشبو ست زرد و ففتح اول وضم ثاني م زالو تينيق الهاندا توقع بضم اول
 و ثاني وال ف وفتح فا و خفاء هاف شتر گاؤ و و پلنگ زرده ف بفتح اول وسكون ثاني
 وفتح وال مله م زردی میان تخم مرغ زرنبد ف بفتح اول وسكون ثاني وکسرون
 وسكون تخاني وفتح لام م ريواس تينيق التختاني زرجامي ف بفتح اول وسكون
 ثاني باجيم وال ف وکسر ييم وسكون تخاني م نوعي الزانگور زردک ريکي ف بفتح
 اول وسكون ثاني وفتح وال ممله وکسر کاف وراء مهله ثاني و تخاني
 مجهول وکسر کاف فارسي م شقاق زرد قوري رومي بفتح اول
 وسكون ثاني وضم قاف وسكون واو وکسر او ممله م جل الغراب تينيق العين
 الممله و تينيق الدال الممله زعفران الحد يدع بفتح اول وسكون عين ممله وفتح فا و را
 ممله وضم نون وسكون لام وفتح حاء ممله وکسر وال ممله وسكون تخاني ووال ممله
 ثاني ف ييم آهن طح ي تينيق الواع الممله زرع ورج بضم اول وسكون ثاني وضم
 او ممله وسكون واو وراء ممله ثاني ف كيل طاب ي ۲ ق قابض رخ سرخ رسیده
 ش سدرم تا پندرم ص راز يانيل بغیر تينيق النون زعفران بفتح اول وسكون
 ثاني وفتح فا و را ممله وال ف و نون ک کيسر طح ي ۲ اق محلل مفتوح شفع مفرح
 مقوی ل نومخ تازه سرخ تير بوي ش پندرم تا کيدرم ص انيسون وزر رشک
 يا جارش سفر حل قسط بوزن دي وکنيوزن آن پوست سيلو تينيق العين
 المعجده و تينيق الواع الممله زعفران بفتح اول وعين معجده وال ممله م شاخ
 و زخات انگور غيغ بفتح اول وکسر ثاني وسكون تخاني ف مرو سفيد و تخم کتان
 و السی تينيق الکاف زخاک ف بفتح اول ثاني وال ف وکاف م شاخ و تخم کتان

از و سکون اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و غیره

تمینق اللام زغال بضم اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و غیره
 بفتح اول و ثانی و سکون نون م غلیو از و جیل تمینق الفاء و تمینق الفوقانی زفت
 و بضم اول و سکون فاء و فوقانی و دال می ست چسپنده که از صنوبر بی بر مهل
 شود و آن که بجهت سمت رومی و یاسین و طرب طحی ۲ ق محلل لمج مجلی قریح
 براق صاف یا کالاسک ش از وی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیدان و کافور
 جا و شیر و عسل البطم و صوم و قطر ان تمینق القاع و زفریت اندلسی بکسر اول و ثانی
 سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آورده و فتح را و حجه ثانی و فاء ثانی و غناب تمینق القاف
 و تمینق المیم زقوم بفتح اول و ضم قاف و سکون داد و میمه سینده و تنویر
 الکاف و تمینق الواو حله کاف و بفتح اول کاف و الف و صوره م سیاهی
 و دات و دایع مرکب هر تمینق الکاف فارسی و تمینق الواو حله ز کالاف
 بضم اول کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و صوره م کاف تمینق اللام
 ز کال و بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انگشت نا افرخته و کولید بن سکا
 تمینق الهاء ز کال و بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و فقاء و ا و ع مداد
 تمینق اللام و تمینق الکاف ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون داد و کاف م
 ز الو تمینق الواو ز لوف بفتح اول و ضم لام و سکون و او م ز الو تمینق الهاء
 ز لوف بکسر اول و فتح ثانی شد و فقاء و لام جا و زیت مانند الخ که در هوای گرم
 بخانه و صحرایا و کند تمینق المیم و تمینق الحجیمه الفارسی زج بفتح اول و
 سکون میم و صیم فارسی و پشگری و بکسر اول و فتح ثانی شد و م غیبت که از ابرخ
 گویند تمینق الدال المله زمر و بضم اول و ثانی در ا جمله شده و سکون ال جمله
 و پتان بی ۲ ق محفت خ بنر شفاف کندش یکفراط ص مشک ل
 مر جان تمینق الغین المعجمه ز باروغ و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و جمله سکون

از و سکون اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و غیره
 بفتح اول و ثانی و سکون نون م غلیو از و جیل تمینق الفاء و تمینق الفوقانی زفت
 و بضم اول و سکون فاء و فوقانی و دال می ست چسپنده که از صنوبر بی بر مهل
 شود و آن که بجهت سمت رومی و یاسین و طرب طحی ۲ ق محلل لمج مجلی قریح
 براق صاف یا کالاسک ش از وی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا اسفیدان و کافور
 جا و شیر و عسل البطم و صوم و قطر ان تمینق القاع و زفریت اندلسی بکسر اول و ثانی
 سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آورده و فتح را و حجه ثانی و فاء ثانی و غناب تمینق القاف
 و تمینق المیم زقوم بفتح اول و ضم قاف و سکون داد و میمه سینده و تنویر
 الکاف و تمینق الواو حله کاف و بفتح اول کاف و الف و صوره م سیاهی
 و دات و دایع مرکب هر تمینق الکاف فارسی و تمینق الواو حله ز کالاف
 بضم اول کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و صوره م کاف تمینق اللام
 ز کال و بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انگشت نا افرخته و کولید بن سکا
 تمینق الهاء ز کال و بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و فقاء و ا و ع مداد
 تمینق اللام و تمینق الکاف ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون داد و کاف م
 ز الو تمینق الواو ز لوف بفتح اول و ضم لام و سکون و او م ز الو تمینق الهاء
 ز لوف بکسر اول و فتح ثانی شد و فقاء و لام جا و زیت مانند الخ که در هوای گرم
 بخانه و صحرایا و کند تمینق المیم و تمینق الحجیمه الفارسی زج بفتح اول و
 سکون میم و صیم فارسی و پشگری و بکسر اول و فتح ثانی شد و م غیبت که از ابرخ
 گویند تمینق الدال المله زمر و بضم اول و ثانی در ا جمله شده و سکون ال جمله
 و پتان بی ۲ ق محفت خ بنر شفاف کندش یکفراط ص مشک ل
 مر جان تمینق الغین المعجمه ز باروغ و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و جمله سکون

از و سکون اول و فتح ثانی و الف و لام و کولید تمینق النون و غیره

بسم الله الرحمن الرحيم

واو و ضین مجیم سا م و غ تمینق النون و تمینق الموحده زنجیل الرطب بفتح
 اول سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تخمائی و ضم لام و فتح راء موحده مشدده
 و سکون طاء موحده و موحده ثانی که اگر ک و ا و ا تمینق الدال الموحده زنجیل بفتح
 اول و سکون ثانی و دال موحده و تحت موحده و تمینق الواو الموحده زنجیل بفتح
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء موحده انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح جیم و الف زنجیل طاح ی م ق حاد اکال خ ما خوذ از معدن مس سیما
 منیص قی کردن باب گرم و شیر تازه و روغن و شوربای چرب ال قلیسیا و نیوزن
 زنجیل ی و یخ زنجیل بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف شکسته
 اینک طح ی م گویند ب اف مغسل ص روغن زرد و آب گرم ل م و یخ زنجیل
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف لا نیلا لوتو تار زنجیل
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و ا و م بن خوشه خرا و جیون ز الو تمینق الثاء زنجیل
 بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء موحده و فام شکسته تمینق القاف
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و کلیست که آنرا استون
 گویند طح اص ی ر تمینق اللام زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده
 و سکون لام انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده
 و سکون تخمائی و لام که سونکه و سندی طح ی م ق م قش و مقش
 و یخ چینی زردی بایل ش و دوم ص ل ا قیر ص کافورل دار فضل و فلفل
 عاقر قضا تمینق المسیح زنجیل العجم سکون لام ثانی و فتح عین موحده و جیم م اشتراف
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و جیم م مضمون تمینق النون زنجیل بفتح اول
 و سکون ثانی و تحتانی و الف و نون ثانی م ناخواه اجو این دن بضم اول م
 خندوس تمینق الواو زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و ا و م موحده

و ا و ضین مجیم سا م و غ تمینق النون و تمینق الموحده زنجیل الرطب بفتح
 اول سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تخمائی و ضم لام و فتح راء موحده مشدده
 و سکون طاء موحده و موحده ثانی که اگر ک و ا و ا تمینق الدال الموحده زنجیل بفتح
 اول و سکون ثانی و دال موحده و تحت موحده و تمینق الواو الموحده زنجیل بفتح
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء موحده انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح جیم و الف زنجیل طاح ی م ق حاد اکال خ ما خوذ از معدن مس سیما
 منیص قی کردن باب گرم و شیر تازه و روغن و شوربای چرب ال قلیسیا و نیوزن
 زنجیل ی و یخ زنجیل بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف شکسته
 اینک طح ی م گویند ب اف مغسل ص روغن زرد و آب گرم ل م و یخ زنجیل
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف لا نیلا لوتو تار زنجیل
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و ا و م بن خوشه خرا و جیون ز الو تمینق الثاء زنجیل
 بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء موحده و فام شکسته تمینق القاف
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و کلیست که آنرا استون
 گویند طح اص ی ر تمینق اللام زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده
 و سکون لام انبر بار لیس زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده
 و سکون تخمائی و لام که سونکه و سندی طح ی م ق م قش و مقش
 و یخ چینی زردی بایل ش و دوم ص ل ا قیر ص کافورل دار فضل و فلفل
 عاقر قضا تمینق المسیح زنجیل العجم سکون لام ثانی و فتح عین موحده و جیم م اشتراف
 زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و جیم م مضمون تمینق النون زنجیل بفتح اول
 و سکون ثانی و تحتانی و الف و نون ثانی م ناخواه اجو این دن بضم اول م
 خندوس تمینق الواو زنجیل بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و ا و م موحده

بسم الله الرحمن الرحيم

در قاطع که صاخ مصری که از کوه بیت المقدس گیرند ش چهار و ده ص صخ عربی یا
عنا بل فودج ویرسیاوشان و نیموزن مرزخوش تینق القاف و رواق
بضم اول با ثانی و الف و ضم نهر و سکون و او ثانی و قاف و سیاب و ق
بضم اول و سکون ثانی و فتح خرمای جنگلی تینق النون و ان بفتح اول و ثانی
و الف و نون و یهین تینق التختانی و زنی ف بضم اول و سکون ثانی و کسر
نون و سکون تختانی و م ز الو تنسینق الهاء و تینق الالف زهر گیاف بفتح
اول و سکون ثانی و راء و ممله و کسر کاف فارسی با تختانی و الف و م گیاف است
که هرگاه و روق او آدمی بخورند بیزند تینق الطاء الممله زهره الملع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح راء و ممله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر ییم و سکون لام ثانی
و حاء و ممله و ثانی است که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای استیا
و نهر یا نیر رودیخ و عنانی منقن شود گزنده تینق الواء الممله زهر الحج و سکون
لام و فتح حاء و ممله و سکون راء و ممله و مخر از الصخر زهر ف بفتح اول و سکون
ثانی و سمه پس تینق السین الممله زهره النحاس و بضم فوقانی و فتح نون
شده و با حاء و ممله و الف و یسیت که چون مس بگدازند و آب بکران زنند کفی پیدا
گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تینق الکاف زک ف بفتح اول و سکون ثانی
و کاف و شیر زنان و شیر ماه حیوان نوزائیده پیوستی تینق المید زهر بضم و
فتح اول و سکون ثانی و یم و زربا و تنسینق الیاء التختانی و تینق الالف
زیرا که بکسر اول و سکون تختانی بار و ممله و الف و کون تینق الموحده زیرن
و بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون و او و ضم نون و سکون لام
و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده و زیتون بری تینق الفوقانی زیت
و بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و رغن زیتون طح و رخ ترص

لیکن حق
 درشت که کوی
 در زبان نیست
 در نفوس در
 تقویت قلب
 بشا که از زبان
 نمی رسد چنان
 در شش
 در گوش
 در کتب بسیار
 تمام فاضل
 قلمی بی بیان

فصل در زینب کهن روغن خروع بار و غن ترب در او ویتقاله از بلج تمیق
 الجیم الفارسی نزع ف بکسر اول و سکون ثانی و جیم ف م نوعی از نامور
 که بغایت نازک و خوش لذت باشد تمیق الراء المصله زیتار ج بفتح اول
 و سکون ثانی با فوقانی و الف و راء مصله ف ثقل و دروی زیت زیرک
 بکسر اول و سکون ثانی م اسپرک تمیق الزام العجیه زیر بکسر اول و سکون
 ثانی و ضم فوقانی و سکون و او و ضم نون و سکون لام و فتح حاء مصله و مصله
 و سکون شین بجمع م زیتون الکلب تمیق الضاد العجیه زیتون الاض بکسر
 لام و فتح حاء و سکون راء مصله و ضاد بجمع م هاذیون تمیق القاف زیر ق ع
 بکسر اول و سکون ثانی و فتح صوره ف حیوه و صباب که پاره طح سی محرق
 گویند ب د ق مفسد خ زنده که مستعمل نگریده باشند و بغایت همبده و از
 که پاش و در بر آید و بغایت کثیر بیان نامهای بسیار دارد تمیق الکاف یک
 ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و سکون کاف م روده گو سپند کیم
 و گوشت با مصلح پر کرده قاق سازند م کله زیرک ف بکسر اول و سکون ثانی
 و فتح راء مصله م فولاد و هر درار تمیق الکاف الفارسی یک ف بکسر اول و
 سکون ثانی و کاف فارسی م مانوری حقیق حبه خاکستری رنگ که زیر هر دیار
 سرخ است و کو چکتر از کچمشک خانگی بود و آواز من بغایت خوش و حریز تمیق
 النون زیت السودان ج بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح سین مصله
 شد و سکون او با دال مصله و الف و ر و غن بجرک یعنی روغن بادام کوی
 زیت الهوان بفتح م و راء با جیم و الف م زیت السوان زیتون ج بفتح اول
 سکون آن و ضم فوقانی و سکون و او و حقیقت شهر طاس سیده او مع ج
 سی و ناریه ب ی او گویند اطراف هر برگ او را و آنچه از پیوسته و از

تقویت قلب
بیشتر از کافور و زعفران
در کتب بسیار یافت
تمام خاصه تقویت
قلبی بیان

۱۰۴

تقویت قلب
بیشتر از کافور و زعفران
در کتب بسیار یافت
تمام خاصه تقویت
قلبی بیان

از بزرگ سبزی
 و مقدار خورد
 ترست و
 بزبان هندو
 کلپی خوانند
 طبعش سرد
 خشک است
 و در دم در
 میل آن بوزن
 آن حاضرتانی
 بوده هلسان
 ۱۷۸
 از بزرگ سبزی
 و مقدار خورد
 ترست و
 بزبان هندو
 کلپی خوانند
 طبعش سرد
 خشک است
 و در دم در
 میل آن بوزن
 آن حاضرتانی
 بوده هلسان
 ۱۷۸
 از بزرگ سبزی
 و مقدار خورد
 ترست و
 بزبان هندو
 کلپی خوانند
 طبعش سرد
 خشک است
 و در دم در
 میل آن بوزن
 آن حاضرتانی
 بوده هلسان
 ۱۷۸

و بمقدار خورد
ترست و
بنیان هندی
کاهی خوانند
طبعش سرد
خشک است
درد دم در
دیل آن بود
آن حاکم رستایی
لوده لسان

128

[illegible]

ورا و مجمه م سنگه که بدان کار و شیر تیر کنند تنیق السین الممله سارس ه بفتح
 ممله و سکون سین ممله ثانی م جانو و شهور و نند لیت ساسا لیوس سین ممله ثانی و
 الف ثانی و کسر لام و ضم تخانی و سکون وادوم انجدان رومی و کاشم رومی ط
 ح ی ۲ خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین ممله و الف ه
 که مثل کرسیت خور که خون آدمی بخورد و ساویس ف بکسر او و سکون تخانی م
 تناله سیکوین ف بضم تخانی و سکون وادوم انجدان تنیق الشین المجه
 سایه خوش ف بفتح تخانی و خفار با و ضم فار مجمه و وادوم و له و شین مجره و زشت ر
 تنیق الصاد الممله سام برص ع بکسر سم و فتح مزه و سکون موده و فتح
 را و ممله و سکون صاد ممله ف مازنگ و چلیا سه سیکلی و چیکلی و نکلی طح
 ی ق مفسخ انچه در لبایتین باشد ص ر و غ زرو و غسل آب گرم ف بفتح تنیق
 الغین المجه ساغ ف بسکون غین مجمه نام غیست مانند سار تنیق الکاف
 ساینک ف بکسر موده و سکون تخانی و فتح زاو مجره و سکون کاف م ساینک
 سار شک و سار شک ف بفتح را و ممله و سکون خاو مجره و لغت اول و سکون
 شین مجره و لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح را و ممله م سار و ستاه برک ف
 بفتح تخانی و خفار با و فتح موده و را و ممله م گیا هیست که چون شتر بخورد و بخواب
 ر و تنیق اللام سال ه بسکون لام ع سار تنیق المیه ساسم ف بفتح
 سین ممله ثانی و سکون میم م آبنوس سام ف م آتش تنیق النون ساخن
 ف بکسر خاو مجره و سکون نون ع صا روج سا و اوران بدال ممله و الف ثانی
 و فتح واد و را و ممله و الف ثالث م سواد القصاة و سیک و اوران گویند چیر لیت
 مانند صمغ که در اندرون یخ گردگان که محو ف شده باشد یا بند و گویند و زبان
 و زشت بکر کهن میباشد و اوران آب خوانند طب ی ۲ ف قابض خ

گویند و بدیدان
خیزد الماسی
وزن آن را پنج
ست و ده را
خفاش گویند
وزن آن خیزد
گویند و بدیدان

۱۷۹
آن بند انجمن
ملک بریان
هندو لاکه
گویند جمع درختی
ست دان در
پله است کدور
زمین هندوستان
بسیار باشند
گرم است درجه
اول و خشک
نت در دره

بلام فخره
 ساق و دوله
 دست نشین
 در دود در جبهه
 باب المیم
 فاذیر یاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

باطل سیرخی شی و دووانگ من زعفران ل فیلز جرج یار و دووانگ وزن آن پنج
 یا آله و اما قیاسا طریون بفتح طاء ممله و سکون را ممله و ضم تحتانی و سکون و او
 م نضی الثعلب ساگون و بفتح کاف فارسی و سکون و او درخت مشهور بهندست
 که برگهاش گویش فیل ماند و درختی بسن گش چون بسو بان سالیون و بکسر لام
 و ضم تحتانی و سکون و او م تخم کرفس کوهی سانبه لرون و بسکون نون و فتح ممله
 و اظهار با و سکون را ممله و ضم لام و او مجهول ع ملح مجین و اندرانی سان و
 سوانگی که بدان کار و غیره تیر کنند که آنرا نشان نیز خوانند ساوان و با و او الف
 ثانی غله الیست مشهور ف شامخ تمیق الواو ساروف بضم را ممله و سکون و او
 م صارج و با و مجهول م جانویست سیاه نگ که درینند بهر سد و مانند طوطی سخن
 گوید و آنرا شاد و شادک نیز گویند ساوف زرخا ص که شکسته و ریزه ریزه باشد
 ع قراضه و نیز بوته خار دار سفید رنگ که درایش یک گز باشد و آنرا چون بهمه
 بسوزند و نیز در میان کرم پیله بگذارند تا پیله بران تنز تمیق الها ساروف بفتح
 و ال ممله و فخار با ع سارج ساروف بضم را ممله و سکون و او فتح نون م زانکه
 سانه بکسر نون و فتح قاف پر سیا و شان تمیق التحتانی ساوچی و بکسر فوقانی
 هند و بی اظهار با و سکون تحتانی ف قسمی از شالی سرخ بهندست ساجی و بکسر
 و فتح ساری و بکسر او م سار سالی بکسر لام م انجمن رودنی و کاشم رودنی
 تنسيق الموحل و البلم و تمیق الالف سبع الشعر بفتح اول و سکون موهده
 و ضم عین ممله و شین بهیچ شده و فتح عین ممله ثانی بار و ممله و الف م افیتون
 تمیق الفوقانی سبکت و بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون فوقانی
 م برش تمیق الحیم سبع بفتح اول و موهده و سکون جیم و شبه طبع
 تمیق الخاء المعججه سبع بکسر اول و فتح ثانی و سکون خاء معجمه م نمک

ساق و دوله
 دست نشین
 در دود در جبهه
 باب المیم
 فاذیر یاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

ساق و دوله
 دست نشین
 در دود در جبهه
 باب المیم
 فاذیر یاون
 در وقت مینیس
 را گویند گوم
 شکست در
 به به پندام
 ۱۸۰

تمت الدال الملهمة تسبو سفن ففتح اول فتح تاني وسكون او وكسر سين مملتان
وفتح موحده فارسي وسكون نون لا جوائنا تمنيق الشين المجهه سببوش فبكر
اول وسكون ثاني وفهم تخاني وسكون واو هم تخم سببول تمنيق الضاد المجهه
سبع الارض ففتح اول ثاني وفهم سين ممله وسكون لام وفتح هزه وسكون راء
ممله ف پرسپاوشان تمنيق الكاف سببگ ففتح اول وسكون ثاني ففتح
راو بجرم جانورا كاسكينه سبگ ف بكلمه اول ففتح ثاني م جانور يست پنده كخلاف شير عاشق اول
باش تمنيق اللام سبال ففتح اول وسكون ثاني وراو مجربا يسم اللام نوعي ازاو تمنيق الهاء سبال
لفظ اول ثاني والفت فتح اول ممله ففاهم نكي كه ازان فسان سازند و كاكن اين بان تبرا
و جلا دهند م سباده سبوسه ففتح اول وفهم ثاني وواو مبول ففتح سين ممله هم
گندم حوار سبوس اس او تمنيق التختاني سبال ففتح اول وسكون موحده وراو
سبحه يسم والفت وكسر لام وسكون تخاني م نوعي ازاو تمنيق الموحده الفارسي
وتمنيق القوقالي سبست ففتح اول وكسر موحده فارسي وسكون سين ممله ثاني
وفوقاني م سبست تمنيق الخاء المجهه سبال فبكر اول باثاني فارسي
والف باون والفت ثاني وخواو سبجه ساگ يالك تمنيق الضاد المجهه سببديان
الارض بكسر اول ففتح ثاني فارسي وسكون نون فتح وال ممله با تخاني والفت وفهم نون
ثاني وسكون لام وفتح هزه وسكون راو ممله هم سببون تمنيق الكاف سبال
ففتح اول ثاني فارسي والفت وفهم راو ممله وسكون واو وكاف م كبر تر سببگ
فبكر اول وسكون ثاني فارسي ففتح راو ممله هم سببگ تمنيق اللام سبال ف
فتح اول ثاني فارسي م سبب تمنيق السيم سبب فبكر اول ففتح ثاني فارسي
سكون راو ممله ففتح سين ممله وسكون سيم عريان وكميران وباد موجه سبب سيم
وسببهم فبكر اول ففتح ثاني فارسي وراو ممله ولف اول وسكون راو ممله

[illegible]

تمتینق الکاف و سبک و بفتح اول و فتح ثانی هم شیر و دغ که با هم بیامیزند و بکاف نیزه زده کرده در آن بریزند و آنرا در و ناغ و شیر از نیزه خوانند تمینق اللام و تمینق الجیم و بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام و ف زعفران تمینق الخاء المعجمه و تمینق السین المهمله تخم یوس بفتح اول کسرتانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون او سین مهمله ثانی هم از آخر تمینق الدال المهمله و تمینق الموحده سداب نیمه و دال مهمله الف بوحده سالون ساتری ط تر آن جی ۲ خشک آن ۳ گویند تر او ۳ گویند هم قی مقطع محل و ملطف مدغشی مفرج خ بستانی بهتر نیز بوی که نزدیک و دخت انجیر رسته باشد شش سه درم صلی نیسون یا بقلاه الحماق و افناع و فوئخ یا سیب تمینق الواو المهمله سدح بکسر اول و سکون ثانی و در المهمله و دخت کنار که بیکر کار و که طب یاق قابض خ سبزین ورق شش درم صلی کثیر تمینق الهاء سنپایه و بفتح اول و سکون ثانی با سوجه فارسی الف ففتح تحتانی و خفاء با جزیه آن که در گوش و دم هزار پاییه سده و بفتح اول ثانی و دختی هست که در ار المر و ماوراء آن از دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود مثلاً بزرگ باشد که تنه او بشواری در بغل چهار کس در آید و بر گماشش بر تپانجه که بایران از آن نگذارند و او زیست سوار و سیاه آن دخت آرام تواند گرفت و بجدی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلندتر و ساقش بجاایت سوزن بود و بر آن دخت چیری گردمانند خریطه که از چرم ساخته باشند بهر سرد و بر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بمیرسد و در تپانجه که دو مانند همی که آنرا بهوض منع در سیاهی کنند سیاهی را رنگین و شفاف سازند و آنرا پشه خانه و پشه دار پیشه خال و سار خلدار و سار شکدار و بازین کرم و ملا شکدار و اخال پشه کجشک و کجک و در داز نیز خوانند ع شجر البق تمینق القحطانی سدی و بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بلغث اهل مدینه ع خلال غوره خرا

طایفہ العسل
 کرم ابو مصطفیٰ
 سید محمد زورخ
 آپ سید محمد زورخ
 قاضی ملت بریدو
 ملک ان بانڈو
 سید علی بانڈو
 داسو بانڈو

117

6

فہرست

ادامہ

15

منه

دولت

13

12

فصل دوم

سرکه بران
یزند شیر
پدید نشود
وینچ شوی
و بعد از آن
بالایش
بیالایند
پس از آن
بیکه پاس دیگر

[illegible]

توضیحات
در حرکت لایم
چشمی
والتالیست
بنابرانه سید علی
و سید شمس
و سید محمد

سینا الکیمیاء فی الحیة

وفتح میم و سکون را در جمله ثانی و زاء و جمیم سرخ مرو و سر و نازف بفتح اول و سکون ثانی
 و کسر و او و نون و الف م سر و نو و سر و ته تمینق السین لهمله سطر ع بفتح
 اول و ثانی و سکون خا و ی و جمیم مملوف کیل و او آن چو کیست سیاه رنگ
 که بر ساحل دریایی جزریا بند و آن نه واده است و گویند پیشور اطاح ی ۲۲ بفتح
 محفف خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فسققی بودش نیم مثقال تا دو درم ص
 شیخ ارمنی پادشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم شبرم یک شوش سرخینوس یونانی بفتح
 اول و سکون ثانی و کسر خا و ی و جمیم و سکون تحتانی و ضم نون و سکون و او و م شطیح
 سر س و بکسر اول و سکون ثانی و دخت مشهور رهنندی بر منفعت است ع لیه التیم
 تمینق الشین لهمله سطر س بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون شین جمیم و
 خوابی تمینق الفاس شرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین جمیم و سکون فا
 و سر سون تمینق القاف سرق بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون قا
 و ساگ بهر اطاب و ۲۲ ف ملین ص نمک و ابازیر ل اسپانخ تمینق الکاف
 سربک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون کاف م اسفانخ رومی ع سر
 تمینق الکاف الفارسی سربک بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی
 م آزاد و دخت تمینق النون سر سون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم سیم و مملو تا
 و سکون و او و نون و ف سرف سربکین گران و بفتح اول و سکون ثانی و کسر
 کاف فارسی و سکون تحتانی و نون و فتح کاف فارسی ثانی و سکون را و مملو با ال
 مملو و الف م جبل سرون و بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و م شلخ جیلون سیر
 سیرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون و او و مملو و تمینق
 الو او سر و بفتح اول و سکون ثانی و او و مملو و ف دختیت مشهور ط مع ح
 ب دی ۲ گویند گویند ی ۲۲ ف قایض خ سبتر ازه ص مملو ل نیون

کسر و او و نون و الف م
 چون آب بنشیند
 شده باشند و آن
 یک در رهنده
 است و در رهنده
 شود و آن
 و تمینق

۱۸۵
 کنند سبک
 بر سر و مملو
 شیخ و او و م
 مملو و الف م
 از نو سار
 کنند و او و م
 همین باشد
 گویند و او و م
 این است

گویند گویند گویند گویند گویند گویند گویند گویند

[illegible]

تنسيق الحاء الموهله سطح لفتح اول وثاني دالف وها ومله م هر بنا نيکه برره
 زمين گستره شود و اوريدن نام خوانند تنسيق السمين الممله سطر مليوس يوناني
 لفتح اول و سکون ثاني بار اول ممله و الف و کسر ط و ممله ثاني و ضم تخاني و سکون اول
 و سمين ممله ثاني ف نياني ست که ادر ايج نيست و بر روی آب پيدا شود و قرش
 مانند ورق باد خيمويه بود و کوهک تراز و دواز لعاغ هنر گتر طب و سطحيون نيا
 بضم اول و سکون ثاني و ضم تخاني و سکون و او م کلنا تنسيق الکاف سطر اک
 و سطواک سرياني لفتح اول و سکون ثاني بار اول ممله و الف و کاف و لغت اول
 و با و اول لغت ثاني م زرباد تنسيق النون سطر و نيون يوناني لفتح اول و سکون
 ثاني و ضم ر و ممله و سکون و او و کسر نون و ضم تخاني و سکون و او و نون ثاني ف
 چوبک شان تنسيق العين الممله و تنسيق الدال الممله سجع بضم اول
 و سکون عين ممله و وال ممله و موها طح ي اگويند اق مجفف در رفعت نشي
 مقوی مانع دول و صدف خ کوفی و فربه خوشبوی بستاني سفيد بعد از ان شیرازی
 بعد از ان هندی که چون سپاهی از و خمر اشند سفيد و فربه بود و شي یکدر مصل منند
 و صندل و انيسون و گویند خس و خيارک و اچيني و روج تنسيق الواء الموهله
 سقر ف بضم اول و سکون ثاني و فتح فوقاني و سکون ر و ممله سا نه تنسيق ال
 المعجم و تنسيق الدال الممله سقر و ف بضم اول و غين م و سکون و او و دال ممله
 م و فتح سنگو تنسيق الواء الممله سقر و ر و مفتح اول و سکون ثاني و فتح م و ح
 م و خس سقر ف بضم اول و فتح ثاني جانور ليت که سيهای ابلق بريشان
 باشد و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بچيناند که آن سيها بر آن کشند
 و ساهی تنسيق الفا و تنسيق الجيم الفارسي سقر ف بفتح اول و سکون فا
 و جيم فارسي م خريزه نارسیده تنسيق الدال الممله سقر و ف لفتح اول و سکون فا

از ان درین

کتابخانه عمومی
شماره ثبت کتاب

سید الشہداء علی بن ابی طالب

613

مستطاب

مشتی
راپا پور سے
نزدک لوگوں کو

مشکل

10

مسامی همزوج کنندق متقی سنگلبین ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و
 ضم کاف فارسی و کسر موحده و سکون تحتانی هم بکسبجین تنسيق الهاء سکاست و کاسته
 سکاسته کاسته بضم اول و ثانی و الف و در همه لغات و سکون بین مهملاتی و فتح فوقانی
 و خفاء و اور لغت اول و فتح سین مهمل و لغت ثانی و سکون شین بجه و فتح فوقانی در
 لغت ثالث و فتح شین بجه و لغت رابع هم رکاسته سنگنبویه و می لغت اول و سکون
 ثانی و فتح سین مهمل ثانی و سکون نون و ضم موحده و سکون و او و فتح تحتانی ف
 تخم پستان و گویند پنج چنگشت تنسيق الکاف الفارسی و تنسيق الموحده
 سکاست ف بفتح اول و سکون کاف فارسی بالام و الف موحده حیلونیست شیم
 بسک که در ریاهم سدم چند بیدستره او و بالا و تنسيق الواو المهلله سگرف
 بضم اول و ثانی هم رکاسته سنگنکورت بفتح اول و ثانی فارسی و سکون نون و
 کاف فارسی ثانی و سکون و او و عنب لغت تنسيق الکاف سک ف بفتح
 اول و ثانی فارسی و سکون کاف و چرخ اسک ف بفتح اول و کلب و کتا تنسيق
 الواو سک کاف بفتح اول و سکون ثانی فارسی بالام و الف و و او و مجهول م
 سکاست تنسيق الهاء سک کاف بفتح اول و ثانی فارسی و فتح لام و خفاء هم گبین
 سک سکرنه ف بضم اول و ثانی فارسی و سکون را و مهمل و فتح نون و هم رکاسته
 تنسيق تحتانی سک لبی و سکلابی و سکلاوی بفتح اول و سکون ثانی فارسی در
 در همه لغت و در همه و کسر موحده و سکون تحتانی و لغت اول و لام و الف و
 کسر موحده و لغت ثانی و کسر او و لغت ثالث هم بیدستر تنسيق اللام و تنسيق
 الالف سابق المسامی بکسر اول و سکون لام و ضم قاف و سکون لام ثانی باسیم
 و الف ممد و در جبار النهر تنسيق الفوقانی سلا جت و بفتح اول و ثانی و الف
 و کسر جیم و سکون فوقانی هم قسمی از سلا رس سلت ع بکسر اول و سکون لام ف

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرسنه
و تشنگی لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دو گویندند
سوم در
۱۹۲

چهارم برهنه سنگهاست بضم اول و فتح ثانی و سکون حار مملو با الف و سنگ شیت
که کپوا طمع و صرطیخ بزرگ ص و رو تمینق الدال الممله سلسله بفتح
اول سکون ثانی و فتح سین ممله ثانی و سکون دال مملو سلسی تمینق الوا الممله
سکون بفتح اول و ضم ثانی و سکون وا و وا ممله و نوعی از ماهی است در نیل مصر
تمینق السین الممله سلسله بکسر اول و ثانی و الف و وا ممله و فتح را ممله ثانی
و سکون سین ممله ثانی م میوه سایه تمینق الطله الممله سکیط یونانی بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی و طار ممله و روغن زیت تمینق القاف سلق و بکسر
اول و سکون ثانی و قاف و جقد رطاح ی اف محلل لطیف مجلی رخ شیرین
سفید ص سرکل شلغم سلق بفتح اول و سکون ثانی و فتح میمه که بیشتر تمینق الکاف
سلسله بضم اول و فتح ثانی و سکون کاف و کبک بجه تر تمینق المیهو سلسله بفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم و شلغم طح و ف مدخ بستانی تازه ص
تو ابل ل جز سلسله بفتح اول و ثانی م درخت سفیلان تمینق الها سلسله بفتح اول
و ثانی و الف و فتح حار ممله و خفا و ف بول بزرگویی است که بهنگام تهج بر سنگ
گرفته باشد و سنگ سیاه گردد مانند قیر تنک سلسله بفتح اول و ثانی و لام و الف
و فتح قاف شیره انگور و گویند در و سلسله الحیج بفتح اول و سکون ثانی و ضم خا حجه
و سکون لام و فتح حار ممله و تحتانی مشدوف پوست افکنده مار و کینجلی طابی
خ ماخوفا را در ز سفید سکیط بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح خار و جوف پوت
و فتحی است که کیلی کینلا طح ی گویند و ف محفف ملطف در مفرج و مقوی
دل و معده و سنج سطر اندک تلخ تمام غصص و چون بشکنند بر اینو نه کمی ماند و دراز
قصه سورش مانند قرفه چیده ش یکدم ص کثیرا لکال دار چینی یا اسازون
تمینق التختانی سلق بری و بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح موجه

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرسنه
و تشنگی لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دو گویندند
سوم در
۱۹۲

بیماری از کس
خود را طبیعت
دی معتدل
بود در گرسنه
و تشنگی لطیف
بود و بعضی از این
گرم خشکست
در اول در
دو گویندند
سوم در
۱۹۲

[illegible]

در طب سینه

بنوں کے بارے میں

سید محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

معاون

10

۱۸

دوافع

ایم دی اے



برای

190

...

5

6

11



...

11

1

1

2



100

همه در این راه خوانند = سندروس و نبات دار گویند اورینج کدو و نیلانیست میس

و فوقانی از زیر اسکناس پشت بفتح اول سکون ثانی و کاف فارسی و ضم موحده
فارسی و سکون شین بحجم م لاگ پشت که کچو اتمینق الحیو سبناوچ بعضم
اول سکون ثانی با موحده و الف بفتح و ال مهله سکون میم و سبناوچه که کز
که بر و اقرا ز با نیز کنند طایبی سق مفرح تینق الحاء المعجه سنج بفتح
اول ثانی و سکون خا بحجم م نمک تینق الدال المهمله سنج و سکون اول
سکون ثانی و کسر جیم و سکون ال مهله م غیلر سنسنا بفتح اول و سکون ثانی
باسین مهله ثانی و الف و های تیری تینق الراء للمهمله سنج بفتح اول
و سکون ثانی و فتح جیم و سکون فار و و مهله م زنجر سنسند بفتح اول و سکون
ثانی و ضم و ال مهله م سندروس شد و رة بکسر اول و خفا و ثانی و ضم و ال مهله سکون
و اوم سرخ سنکیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و کسر سم و تحتانی
بهمول جانوزیست پزنده سنگین سار و بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فار
و سکون تحتانی و نون ثانی با سین مهله ثانی و الف نام طائر لیست سیاه رنگ
که بر پشتش نقطه ها سپید باشد م سار و سنکیر بکسر اول و فتح ثانی و سکون
و اوف گربه بلی طاح و تینق الزاء المعجه سنسند بفتح اول و سکون ثانی و ز و حجه
م سیاه و انه سنکیر بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و کسر و سکون تحتانی
و زنجیل و سنکیر تینق السین للمهله سندروس و بفتح اول و سکون ثانی
و فتح و ال مهله و ضم و ال مهله و و اومهمول و سین مهله ثانی م صفیست شبیه که بر او
روغن کمان از و سازند طحی آگونی داق مجفف خ صافی ش نیم شقال
ص بوزیدان ل که با واک سندروس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم
و ال مهله و سکون و اوم کسر کاف م سرخ سنکیر و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
کاف فارسی و و ال مهله سکون کاف ثانی م نگر تینق اللام سنسند بفتح اول و سکون ثانی

گرم سست
در دروطل
دشمنست
در دوم در
قابضست
نیلو فر
پاری است
و نیلو برگ
یاز گویند
۱۹۴

۱۰۰
 ۹۹
 ۹۸
 ۹۷
 ۹۶
 ۹۵
 ۹۴
 ۹۳
 ۹۲
 ۹۱
 ۹۰
 ۸۹
 ۸۸
 ۸۷
 ۸۶
 ۸۵
 ۸۴
 ۸۳
 ۸۲
 ۸۱
 ۸۰
 ۷۹
 ۷۸
 ۷۷
 ۷۶
 ۷۵
 ۷۴
 ۷۳
 ۷۲
 ۷۱
 ۷۰
 ۶۹
 ۶۸
 ۶۷
 ۶۶
 ۶۵
 ۶۴
 ۶۳
 ۶۲
 ۶۱
 ۶۰
 ۵۹
 ۵۸
 ۵۷
 ۵۶
 ۵۵
 ۵۴
 ۵۳
 ۵۲
 ۵۱
 ۵۰
 ۴۹
 ۴۸
 ۴۷
 ۴۶
 ۴۵
 ۴۴
 ۴۳
 ۴۲
 ۴۱
 ۴۰
 ۳۹
 ۳۸
 ۳۷
 ۳۶
 ۳۵
 ۳۴
 ۳۳
 ۳۲
 ۳۱
 ۳۰
 ۲۹
 ۲۸
 ۲۷
 ۲۶
 ۲۵
 ۲۴
 ۲۳
 ۲۲
 ۲۱
 ۲۰
 ۱۹
 ۱۸
 ۱۷
 ۱۶
 ۱۵
 ۱۴
 ۱۳
 ۱۲
 ۱۱
 ۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

عالمی شمس
مرکز است
از آن در هر
محال است
در هر محال
و این محال
است که
محال است
محال است
محال است
محال است

[illegible]

نمازین بهر تنی نه که در کعبه است و جبریزان
مکرر شد بر لب باو سواد خورشید
خونک هندو کشد و لاله

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاستی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق الالف سوناة بضم اول و واو مجهول بانون الف
 ف زر و طلا تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صود
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول و ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو ه
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه ست از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و و مری تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست شل شکل
 را سوع ضب ه گوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله ه مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاستی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق الالف سوناة بضم اول و واو مجهول بانون الف
 ف زر و طلا تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صود
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول و ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو ه
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه ست از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و و مری تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست شل شکل
 را سوع ضب ه گوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله ه مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

و الف و ضم هاء ثانی و واو مجهول و کسر لام و دوای هندیت طح ق ملین
 سنگ بصری بفتح اول و سکون ثانی و کسکاف فاصی فتح موحده و صاد ممله
 و کسر و ممله ف تو تیار سفالک کعبه یاستی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
 تنیق الواو و تنیق الالف سوناة بضم اول و واو مجهول بانون الف
 ف زر و طلا تنیق الموحدة الفارسی سوپ ک بضم اول و سکون واو و صود
 فارسی ف آب تنیق الفوقانی سوادا لقضات بفتح اول و ثانی و الف و ضم
 و ال ممله و سکون لام و ضم قاف و فتح ضا و مجر مشد و و الف فوقانی م بازو ه
 ما جو بیل تنیق الجیم سورج بضم اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون جیم
 ف نوعی از کفدر یا تنیق الخاء المجهول سوخ ف بضم اول و سکون ثانی و ظاهر
 م نیاز تنیق الدال المهمله سوادا السند و سوادا السند بفتح اول و ثانی
 و الف و ضم و ال ممله و کسر سین ممله شد و ثانی و سکون نون با و ال ممله و لغت
 اول و کسر کاف و لغت ثانی نوعی از سیلونه ست از سیلونه السوادا گویند دل صد
 سو سفید ف بفتح اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی و فتح موحده فارسی سکون
 نون م شیر گیاه و و مری تنیق الراء الممله سوادا و النهر بفتح اول و ثانی و الف
 و ضم و ال ممله و فتح نون مشد و سکون با و را و ممله م کشت بر کشت سوسمار
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی یا سیم و الف م با و نویست شل شکل
 را سوع ضب ه گوه سویق الشعیر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
 قاف و فتح شین مجر مشد و کسر سین ممله و سکون تحتانی ثانی ف بست جو
 ه ستور کوی طای ای احد قد سفید تنیق السین المهمله سوسع
 بضم اول و سکون ثانی و سین ممله ثانی ف ممله ه مری طح ی گویند مع
 گویند اب ف مقوی دل و حلال لطف و محلی خ بنج زر و تنگ ش یکشتقال

وایمنند قاقاز پیران من گویند سال بابا اعجاز گشتند غضاب گویند

خوارک سونم که بهضم اول و ثانی مجهول و فغا و لون و فتح فوقانی هندی و اظهار با
ع و زجیل تمینق التختانی سوبدی و بهضم اول سکون ثانی و موهده و کسر اول
معلمه سارع زبر و روان طائر لیست سوبدی بهضم اول و سکون ثانی و کسر اول
معلمه و نوعی از زجاج سرخ است که مزاج کفشگر آن خوانند طاحی سوم بلدی
بهضم اول و ثانی مجهول و میم و فتح موهده و کسر اول و دای مشهور بهند لیست
بهضم اول و ثانی مجهول و لون ساکن باسیم و الف و کسر اول و اظهار باهم قریشیه
ننسیق الحاء و تمینق الالف سهال که بهضم اول اظهار با و الف باکاف فارسی
و الف ثانی و تنکا سهجانه بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح جمیم بانون و
م و دخت بهند لیست و کونیز لفل سفید تخم اوست سهراب بفتح اول و ضم ثانی
و و او مجهول بار او معلمه و الف و دخت مشهور بهند لیست که بالی صیغه ماکر و چوب
مکر و تمینق الزام المعلمه سرف که اول و سکون ثانی م گاو و تمینق الکاف
که کوکب و بکسر اول و ضغار ثانی و ضم کاف و و او مجهول و فتح با و سکون کاف
بانی م خا خسا که گوهر و تمینق اللام سگل و بفتح اول و ضغار ثانی و ضم کاف
م خت لیست که چون سیوه پخته شود و سرخ گردد و ف قابض تمینق التختانی سمدی
بفتح اول سکون ثانی و کسر اول معلمه و تختانی مجهول و کسر مژه و سکون تختانی
م دای بهند لیست طاب رف دافع حرارت اگر خنجر اسلیمه بر قضیب طلا کنند
هرز نیکه مقاربت نمایند فریخته گردد و چون کوفته پارچه نیز نموده با بول انسان شسته
و ساخته بر بدن عرق مدنی بر بندند این رخ بار و تنسیق التختانی و تمینق الالف
سیا بفتح اول با تختانی م سنا سیمیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موهده با تختانی
نی و نام ماهی مشهور است در نواحی بیت المقدس سیسا بکسر اول و سکون ثانی
سیمین معلمه ثانی و سرب تمینق الموهده سیاب بکسر اول با ثانی و الف و موهده

دیر و بیضا
خندان ناز
کویندین
قاندین
الایچه خرد
عاشقش
گرم دست در
در برادر خند
در دوم جگر
سردی ازین

۲۰۰
سودید و منعم
ست
هل بقار
سلمان
منع
جوانان گرامی
اولاد خود را
فریاد زخمی
باید
که

دی چون
میلور کرسچن
سبحو
قافیه
از این سبک
اشعار
در زبان
دوران
پیدا می

بلف و ادی قرن م خلال سیف الغراب بفتح اول و سکون ثانی و ضم فام و سکون

لام و ضم غین معجمه بار و مهمله الف م نوعی از سین م و لبوس سیما بفتح کبکس اول
 و سکون ثانی با میم و الف که بار است سین ب کبکس اول و ثانی مجهول و خفا و نون
 ف نهی از با قلامی هندیت تمیق الفوقانی سین که ان الحوت ع کبکس اول و سکون
 ثانی و فتح کاف در او مهمله و الف و ضم نون و سکون لام و ضم هاء و مهمله و سکون او
 و فوقانی م با هر هرج تمیق الجیمه بفتح اول سکون ثانی و میم م و
 تمیق الحاء المعجمه سیما بفتح اول و سکون ثانی و الف و کس لام و سکون
 حاء معجمه م خارج ک تمیق الدال المهمله سین که بکس اول و ثانی مجهول و ضم
 با و و خفا و نون و ال نهندی م ز قو تمیق الواط المهمله سیما بفتح اول و ثانی
 و الف م کشکینه و آن ثانی است که از جو نیزه سیما بفتح اول و سکون ثانی
 و خا و جمعه و فتح موحده فارسی م بچ جالوزان پرند که نو بر براند سیرف کبکس اول
 و سکون ثانی که لسن سین بکس اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون
 نون و فتح موحده م سسی بیل و سین بیل و تمام منبری باشد میان فضا و بود نه
 زیرا که بود نه چون و کر زره دست نشان نمایند سین ب وید و چون باز بکر
 و گیر نقل کند فضا بر آید و بوش تیر باشد طی ۳ ل در تحلیل و لطیف با و
 تمیق الزوا المعجمه سیما بفتح اول سکون ثانی و الف و کس کاف و سکون تحتانی
 ثانی م ز تمیق سین المهمله سیما یوس کبکس اول و سکون ثانی با سین مهمله
 ثانی و الف و کس لام و ضم تحتانی ثانی و سکون و ادوف نوعی از صمغ ست شل
 انگوزه و آن انجدان روی و کاشم روی است و گویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
 که بوی ترنج در طاحی ۳ ق حلل و لطیف روی کوچاک ق و خیش بوشو
 و مخش حلیت و تخم کاشم نشی نیدرم صی بر طانیق ل خردل سفید یا انجدان

بلف و ادی قرن م خلال سیف الغراب بفتح اول و سکون ثانی و ضم فام و سکون
 لام و ضم غین معجمه بار و مهمله الف م نوعی از سین م و لبوس سیما بفتح کبکس اول
 و سکون ثانی با میم و الف که بار است سین ب کبکس اول و ثانی مجهول و خفا و نون
 ف نهی از با قلامی هندیت تمیق الفوقانی سین که ان الحوت ع کبکس اول و سکون
 ثانی و فتح کاف در او مهمله و الف و ضم نون و سکون لام و ضم هاء و مهمله و سکون او
 و فوقانی م با هر هرج تمیق الجیمه بفتح اول سکون ثانی و میم م و
 تمیق الحاء المعجمه سیما بفتح اول و سکون ثانی و الف و کس لام و سکون
 حاء معجمه م خارج ک تمیق الدال المهمله سین که بکس اول و ثانی مجهول و ضم
 با و و خفا و نون و ال نهندی م ز قو تمیق الواط المهمله سیما بفتح اول و ثانی
 و الف م کشکینه و آن ثانی است که از جو نیزه سیما بفتح اول و سکون ثانی
 و خا و جمعه و فتح موحده فارسی م بچ جالوزان پرند که نو بر براند سیرف کبکس اول
 و سکون ثانی که لسن سین بکس اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون
 نون و فتح موحده م سسی بیل و سین بیل و تمام منبری باشد میان فضا و بود نه
 زیرا که بود نه چون و کر زره دست نشان نمایند سین ب وید و چون باز بکر
 و گیر نقل کند فضا بر آید و بوش تیر باشد طی ۳ ل در تحلیل و لطیف با و
 تمیق الزوا المعجمه سیما بفتح اول سکون ثانی و الف و کس کاف و سکون تحتانی
 ثانی م ز تمیق سین المهمله سیما یوس کبکس اول و سکون ثانی با سین مهمله
 ثانی و الف و کس لام و ضم تحتانی ثانی و سکون و ادوف نوعی از صمغ ست شل
 انگوزه و آن انجدان روی و کاشم روی است و گویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
 که بوی ترنج در طاحی ۳ ق حلل و لطیف روی کوچاک ق و خیش بوشو
 و مخش حلیت و تخم کاشم نشی نیدرم صی بر طانیق ل خردل سفید یا انجدان

۲۰۱
 از دوزاد و
 از سیده از دوز
 بد کنند و فتح
 درم پیلید و
 سید است و
 این آفت
 که از دوز
 رسیده
 و زرد و
 بود و
 بود و

این قرن م خلال سیف الغراب بفتح اول و سکون ثانی و ضم فام و سکون
 لام و ضم غین معجمه بار و مهمله الف م نوعی از سین م و لبوس سیما بفتح کبکس اول
 و سکون ثانی با میم و الف که بار است سین ب کبکس اول و ثانی مجهول و خفا و نون
 ف نهی از با قلامی هندیت تمیق الفوقانی سین که ان الحوت ع کبکس اول و سکون
 ثانی و فتح کاف در او مهمله و الف و ضم نون و سکون لام و ضم هاء و مهمله و سکون او
 و فوقانی م با هر هرج تمیق الجیمه بفتح اول سکون ثانی و میم م و
 تمیق الحاء المعجمه سیما بفتح اول و سکون ثانی و الف و کس لام و سکون
 حاء معجمه م خارج ک تمیق الدال المهمله سین که بکس اول و ثانی مجهول و ضم
 با و و خفا و نون و ال نهندی م ز قو تمیق الواط المهمله سیما بفتح اول و ثانی
 و الف م کشکینه و آن ثانی است که از جو نیزه سیما بفتح اول و سکون ثانی
 و خا و جمعه و فتح موحده فارسی م بچ جالوزان پرند که نو بر براند سیرف کبکس اول
 و سکون ثانی که لسن سین بکس اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون
 نون و فتح موحده م سسی بیل و سین بیل و تمام منبری باشد میان فضا و بود نه
 زیرا که بود نه چون و کر زره دست نشان نمایند سین ب وید و چون باز بکر
 و گیر نقل کند فضا بر آید و بوش تیر باشد طی ۳ ل در تحلیل و لطیف با و
 تمیق الزوا المعجمه سیما بفتح اول سکون ثانی و الف و کس کاف و سکون تحتانی
 ثانی م ز تمیق سین المهمله سیما یوس کبکس اول و سکون ثانی با سین مهمله
 ثانی و الف و کس لام و ضم تحتانی ثانی و سکون و ادوف نوعی از صمغ ست شل
 انگوزه و آن انجدان روی و کاشم روی است و گویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
 که بوی ترنج در طاحی ۳ ق حلل و لطیف روی کوچاک ق و خیش بوشو
 و مخش حلیت و تخم کاشم نشی نیدرم صی بر طانیق ل خردل سفید یا انجدان

بلف و ادی قرن م خلال سیف الغراب بفتح اول و سکون ثانی و ضم فام و سکون

مجلسه سده هجرت میلادینج دیماه اربعه اربعین شریفه در روز دوشنبه

یا فطر سالیون تینیق الکاف عیسکر و عیسک سبک و سبک و ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسرین ممله ثانی و سکون و او ممله و کاف و رفعت اول و کسر
سین ممله ثانی و رفعت ثانی و کسر کاف اول و رفعت ثالث و کسر لام و رفعت
رابع م کرم گندم خوار تینیق الکاف الفارسی سماهنگ و بکسر اول و سکون
ثانی و بیسم و الف و فتح با و سکون نون و کاف فارسی م فتاوری تینیق اللام
سبیل و بفتح اول و ثانی و الف و لام و ف یاسمین و بکسر اول اسم هندی ست
ف شغال سچول بکسر اول سکون ثانی و بیسم و الف و فتح با و سکون ثانی و ضم نا و مجه
و سکون و اوج تشی و ساهی سبیل و بکسر اول و فتح ثانی و اظهار با و ضم ن
ممله ثانی و سکون نون و ضم موهده م سینبر تینیق النون سبیل و بفتح
اول و سکون ثانی و ضم موهده و سکون و او و فتح سین ممله ثانی و سکون نون
م سبیل و سکون و بکسر اول و سکون ثانی و بیسم ممله ثانی و الف و ضم با و
ممله و سکون و او و ف و سبیل و اینه طحی و سبیلان بکسر فتح اول و سکون
ثانی و فتح سین ممله یا ثانی و باموهده و الف م حب الفقه سبیل و سکون بکسر اول و
سکون ثانی و ضم سین ممله ثانی و سکون و او و و حاکم نند لیست مشهور که نصفه
خون و دای تو لیست سبیلان بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و او ممله و الف
ع بنو البنج سبیلان و بکسر اول و ثانی مجهول باللام و الف شیر که از هزار سید
مجموعه سیند بالون و بکسر اول و ثانی مجهول و خفاز نون و فتح دال ممله و اظهار با
و الف و ضم لام و او و مجهول م کسنگ تینیق الود و عیسکر و بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین ممله ثانی و ضم را و ممله و سکون و او م کرم گندم خوار سبیل و
بکسر اول و ثانی مجهول و او و مجهول م سبیل و اینه و بکسر اول یا ثانی و الف
و اظهار با و دال ممله و الف ثانی و فتح نون و کلونجی سیچنه و بکسر اول و سکون

ماریچور مسطور
هندو
کلیا پاری
کلیندیش
کلیچیز گوند
کلیسی شتی
کلیسی مرار
دیوانی طوفون
رند بیست

174

افغانیہ ہندوستان
ہندوستان کی سرحدیں
درجہ صوبہ
صوبہ افغانیہ
راولپنڈی
راولپنڈی کی سرحدیں

[illegible]

و کسر جیم فارسی و سکون عین مخرج نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم این بی
 و کسر اول م سنگ ترفیع الثقیین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و بفتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح وال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نوقالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح وال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طائش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس بین تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون منقش نیم منقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن نوتیای کرمانی یا حجر متضاطیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون با و فتح نوقالی و را و ممله و شاه تر و ه بیت پایره طح ای گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صغرا سبز تازه تلخ منقش از آب انیسون تلخ تا دو و ثلث
 رطل و خشک و مرطوب تا و ده درم و در غیر مرطوب تا هفت درم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سناری و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه کاشک لوج ع
 بشین مخرج و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و وال ممله م مخرج تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و با و فتح سین ممله ع در شاه انجیر
 و با اظهار با و فتح مخرج و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط با اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسر جیم فارسی و سکون عین مخرج نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم این بی
 و کسر اول م سنگ ترفیع الثقیین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و بفتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح وال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نوقالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح وال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طائش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس بین تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون منقش نیم منقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن نوتیای کرمانی یا حجر متضاطیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون با و فتح نوقالی و را و ممله و شاه تر و ه بیت پایره طح ای گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صغرا سبز تازه تلخ منقش از آب انیسون تلخ تا دو و ثلث
 رطل و خشک و مرطوب تا و ده درم و در غیر مرطوب تا هفت درم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سناری و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه کاشک لوج ع
 بشین مخرج و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و وال ممله م مخرج تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و با و فتح سین ممله ع در شاه انجیر
 و با اظهار با و فتح مخرج و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط با اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسر جیم فارسی و سکون عین مخرج نون م جانور باشد که شکار نیست تمیق الخصال
 سنی و کسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون ثانی و ثانی ثانی م ریم این بی
 و کسر اول م سنگ ترفیع الثقیین المعجمه و تمیق لالف و تمیق القوق
 شاه درخت و بفتح اول و سکون ثانی و اظهار با و فتح وال ممله و را و ممله و سکون
 خا و معجمه نوقالی م درخت صنوبر تمیق الجیم شاه رخ بفتح وال ممله و نون
 و سکون جیم م شاد و و حجر الدم طائش سقا و ای ۲ و شسته اوب گونید
 ۲ ق قابض محقق جابن رخ م مدسی که از حدس بین تر باشد و بسیار رخ سیاه
 مایل و و سکون منقش نیم منقال من حصاره زرشک ل نیم وزن آن رو
 سوخته و چهار دانگ وزن آن نوتیای کرمانی یا حجر متضاطیس سوخته شاه رخ
 ع بسکون با و فتح نوقالی و را و ممله و شاه تر و ه بیت پایره طح ای گویند
 ب ا ق مفتح منقی و مسل صغرا سبز تازه تلخ منقش از آب انیسون تلخ تا دو و ثلث
 رطل و خشک و مرطوب تا و ده درم و در غیر مرطوب تا هفت درم ص کیمو و رطل
 ل نیم وزن سناری و چهار دانگ وزن بلبله زرد و در تپهای کهنه کاشک لوج ع
 بشین مخرج و الف و را و ضم لام و سکون و ا و ف شاه آوز و رسیده تمیق
 لحاء المعجمه و شلخ و سکون خا و درخت و شاخ حیوانات و عطریات که اگر گریه
 حاصل شود ع ز باد شاخ و ف بیم و الف ثانی که غله سافو تمیق الدال الممله کینه
 و سکون کان و فتح جیم و سکون نون و وال ممله م مخرج تمیق الراء الممله
 شاد و سکون را و ممله م شغال م جانور یکمانند طوطی سخن گوید و از اشارت
 و شد و نیز گویند شانه سرف بفتح نون و خفا و با و فتح سین ممله ع در شاه انجیر
 و با اظهار با و فتح مخرج و سکون نون و کسر جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری
 تمیق الطاء الممله شاه بلوط با اظهار با و ضم موهده و لام و سکون و او و

و کسرتون م حنا تنسيق و تنسيق الموحدة ه تنسيق لفتح اول موحدة مشددة
 ف نواج بلور و ذاک سفید ه تنسيق طح ی گونید و ق قابض مخفف
 خ یانی سفید مکی بزری ص مسکه و شیر تازه و شکر و لعاب تل نکست تلخ و مسکه
 نیموزن شبان قریب ف بعض اول ثانی و الف و نون و کسر ف در اول ممله و سکون
 تختانی و موحدة ثانی م مرغ کو چاک شنبیه بابا باشد و هر گاه بزیرین نشیند چنان معلوم
 شود که قوت بر خاستن و پریدن ندارد و همین که کسی قصد رفتن او کند پزیده اندک
 و در تر نشیند و هر چند که بیشتر ریزد و بیشتر رفته نشیند شنبیه ف لفتح اول سکون
 با فو قانی و الف م کرکی که در شب و شن نماید از طرفی ف که بندش مکن و گویند تنسيق الفوقا
 شنبیه ع کبر اول و ثانی ه سوط منضج منوم خ سبزه تازه شکفته گل شن و دو در صحن ارضی
 قرطبی المیو یل یا خمر ل نیمون تخم همان یا بابونه تنسيق الرائ المهمله شبانوف ففتح
 و ثانی و الف و خطا و نون ففتح و سکون و ممله م شب پر شنبیه ف لفتح اول سکون
 یا تختانی و الف م تنزی صبره گسیکو و طح ی ق سهل صفرا تنسيق الزعفران م حله شبار ففتح
 و ثانی مشد و الف و زام و حجه م شیر و شنبیه و ز ف لفتح اول سکون و ففتح موهو سکون فاضرا
 ممله و او مبول و زام و حجه م که م شنبیه شنبیه گیسو ففتح اول سکون و ففتح موهو سکون و کسر
 کان قار و تختانی مبول م بخیر خست بز لیس ه خراسا اجوان کی جز و دیگر آن سبزی است شنبیه
 ف مده موهو که او و تختان مبول موهو است که شنبیه خود را بپا از شاخ و رخت و زیر چمن و
 وادامی که چند قطره خون از گلویش نچکه خاموش نشود و تنسيق الطاء المهمله
 شنبیه با ففتح اول و کسرتانی و طاء ممله باب موحدة ثانی و الف و طاء ممله ثانی
 ف کشته تنسيق ففتح اول و ضم ثانی و سکون و او و مپسلی و هو تنسيق الغنن
 المجهله شب چراغ ف لفتح صیم و او ممله و الف و غنن م حجه موهو که در شب
 و رشتانی روید گویند کاوی از دریا بر می آید شبیه او گوهر مذکور از درین برآورده

آید موهو درود
 وادایست
 از وادی باو
 غنن سبزه
 بود یک در فاقه
 گویند و فاقه
 نیک سبزیست
 از ویزدن
 سبزه از ویزدن
 را فاقه فاقه
 ۲۰۴
 راجحه از ویزدن
 که یک سبزه
 که یک سبزه
 راجحه از ویزدن
 که یک سبزه
 که یک سبزه
 راجحه از ویزدن
 که یک سبزه
 که یک سبزه

و کسرتانی و سکون و او و مپسلی و هو تنسيق الغنن
 المجهله شب چراغ ف لفتح صیم و او ممله و الف و غنن م حجه موهو که در شب
 و رشتانی روید گویند کاوی از دریا بر می آید شبیه او گوهر مذکور از درین برآورده

بر زمین می نهد و بر تنخی آن چرامی کند تمیق الکاف شبان از یک شبان فرود
ف الفتح اول و ثانی بالالف و نون و کسر فا و راء مهمله و تحتانی مجهول و فتح موحده ثانی
و سکون کاف در لغت اول و فتح واو و در لغت ثانی م مرجع شبان فریب شب چنانکه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و راء مهمله و الف و فتح ضین معروف که در کتاب
شب نیز که بکسر راء مجمله و تحتانی مجهول و فتح زاء معروف تره نیز که ع شاد تمیق
الکاف الفارسی شبرنگ و الفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و خطا و نون و
کاف فارسی م گلی مست خور و سیاه رنگ بانگ زر روی در و سنگ سیاه براق که
آتش بد نیز خوانند و طب می تمیق المید شبرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله
و سکون جیم شمی از یو عات مست و بسو لاطح ای ۲۴ ف سهل صفر سبک
که رنگ ساقش نائل بزمی باشد ش داگلی و گویند خیرم تا یکدرم ص در سر که
یاد شیر تاز خیسانیدن ل میوزن باز ریون یا قضا الحار تمیق اللفون شکون
بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون م شب چرخ تمیق
شبان فرو و ففتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر راء مهمله و تحتانی مجهول
و واو مجهول م شبان فریبک تمیق الها شبره ف بفتح اول و ثانی مشدده و الف
و فتح راء مهمله و خطا و م شبر و شب الاشکافه بفتح اول و ضم ثانی مشدده و سکون
الام و فتح همزه و سکون سین مهمل کاف الف و فتح قاف قلیه و شانی شیوه بفتح اول
و ضم ثانی و سکون واو و فتح قاف م خا هن شب بفتح اول و ثانی م سنگ رنگ
شب یازده تحتانی و الف و فتح زاء مجمله و همکا و تمیق التحتانی شبوی ف بفتح اول
و ضم ثانی مشدده و واو مجهول و تحتانی مجهول م کلید است کبود و سفید و دیگر الوان
که شب بوی در شبیبی ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر موحده ثانی
ف برگ بزرگ بفتح ق مخدر کیف تمیق الموحده الفارسی و تمیق الزاء

در رسیدن به نفع است اخلاط افزاینده که نفع کمیند مضر برای انسان

شبهه ف بفتح اول ضم موحده فارسی شده و و او مجهول و زائده بمجم شبهه تمینق
الکاف شبرک ف بفتح اول زائنی فارسی شده و را مملعه چیکا و تمینق الراء
شبهه ف بفتح اول زائنی فارسی شده و را مملعه خفا و راه چیکا و شبهه ف بفتح
اول و کسر زائنی فارسی فتح شین مجرانی که سیست که اکثر در تالستان دریاها
پیشین می کنند و دیگر غله را بیفتد و آنرا تابه ساز و تمینق الراء الفوقانی تمینق الراء
المملعه شخارف بضم اول و فوقانی و سکون را و ممله با و معجده الف و را ممله تال
مجنسی از خاک که شتر آنرا بر غبت تمام می کند شتر موز ف بضم سیم و سکون و او م
اشتر موز تمینق الراء المملعه شخارف بغین معجده الف و را ممله و خست کند
تمینق النون شتر و دان ف بفتح و ال ممله و سکون نون با و ال ممله تانی و الف
و نون ثانی نوعی از مزاج مصر است تمینق الواو شتر گاؤف بکاف فارسی الف
و و او مجهول م فراقه که سر آن بستر شده و گویند بسرا و گویند و ممله و ممله شخ
همه بگا و مانند شاخش از شاخ گاؤ کو می گستر و دیگر و پوستش چون پوست پلنگ
پرخال و درم بد هم آه و دندان پندان خرماند و گردن و دستها بسیار دراز و
پایها کوتاه و گویند زانو ندارد و گویند که چون نافه حبشه با گاؤ کو بی جمع شود این
مولد شود و در ولایت توبه بهر ستمینق الراء شته ف بفتح اول و زائنی و خفا و را
انگور تمینق التختانی شتر پای ف موحده فارسی الف تحتانی مجهول م گیا میست
که بر کش چون پای شتر مانند تمینق الحیمر و تمینق الموحده شجرة الدب بفتح
اول و سکون حیم و فتح را و ممله و ضم فوقانی و دال ممله شده م درخت زعفر و
تمینق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام و فتح ممله و تحتانی آمده و الف م
و خست و تمینق المشکله شجرة البراغیث بسکون لام و فتح موحده و را ممله و الف
و کسر عین معجده و سکون تحتانی م درخت غافتم تمینق الراء المملعه شجرة الوز

وگران و می
و بنامیت
مغوی دل و
جمع اعضا
مشتی طعم
و دفع فساد
باد و مضار
شیر و آن
بطبع و بلین
در کشتی
۲۰۸
سوی و نام
و خلعت و روشت
و بلینیت
نیکی و در چرخ
از بسبب این
سست و کمر
مخ از نساج
رخصه و عیون

[illegible]

سختی و تنگی
بود فیض
از کمال منعم
ادب و شکر
باشند و بیرون
کمال و کبریا
صفا

FA

و در نشانی
و فساد صفا
خون و باد و
سوزش اعضا
و ضرب و سقط
که بیهوش شده
باشند و راج
بیهوشی و
و رانی راج
نشان که بیهوش
اراده

ان الطبع
صفحه اوله
و قضاوت لغت
و قضاوت و دیکر
ادامه فی سیر
بدن در استقامت
در زور
اماسی غصا
خاتم و دفع
مقتضی دارد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کوبیدن کل / دهن / قاف / کمان / دبل / کمر / دهم / اول / دود / داف / دهر

برای مفرد
مراجعت
و سوداوی
مناسب باشد
و مصالح آن
دانه ریست
که مثل آدم
بریان کرده
خود ندیده
گویند که مفرد

۲۱۳

کوبیدن کل / دهن / قاف / کمان / دبل / کمر / دهم / اول / دود / داف / دهر

و سکون تحتانی ثانی م خندروس تنسيق الغین المعجمه و تمیق التختانی
شغالی و یکسر اول باعین معجمه الف و کسر لام م نوعی از انکو تنسيق الف
و تمیق الجیم شغل الفتح اول و سکون فاف و فتح لام و سکون جیم م مکرر تمیق
الکاف الفارسی شفتک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمل
و سکون نون و کاف فارسی م میوه سرخ و سفید شبیه بشفقالوم شلبر و شلیل
تمیق الواو و شفا دار و ف بکسر اول با ثانی و الف و وال مهمل الف ثانی و ضم
راء مهمل و سکون و او م باز هر تمیق التختانی شفتین سرخ بفتح اول و کسر اول سکون
ثانی و کسر نون و سکون تحتانی و کسر نون ثانی و فتح موحده و کسر راء مهمل مشدده
ف مرغ بوی تمارخ کوچک تنسيق القاف و تمیق الراء المهمله شفا لضم
اول یا قاف و الف و راء مهمله ساجی شقر بفتح اول و ثانی م شقایق تمیق القاف
شقر اق بفتح اول و سکون ثانی باراء مهمله و الف و قاف ثانی ف مرغیست
که کاسه شکنگ گویند و آن کلاغ سبز است تمیق اللام شقا قل بفتح اول
و ثانی و الف و ضم قاف ثانی ف گزشتی به پهلوی کاجر و برالی و دود و بالی و بولی
و کاکولی و سیالی طاح را گویند ۲ ف بهی و مرغ و قوی دل خ زرد دندی است
و دود م آمله یا غسل لوزیدان یا چغوزه یاد اچینی یا تخم زردک تمیق اللام
شقایق النعمان بفتح اول و ثانی و الف و کسر تحتانی و ضم قاف ثانی و کسر نون
مشدود و سکون مین مهمل با سیم و الف ثانی ف گل لال طاح ی گویند ۲ گویند
ح راق مجلی جاذب منوم شی نهدرم از گل اوص غیال شیخ شقر دیون روی
بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح وال مهمل و ضم تحتانی و سکون هم شقر دیون
ف سر و تنسيق الکاف و تمیق الالف شکو با بضم اول و کاف و سکون
و او باشد و الف و تخم کشوت تمیق الموحده شکب بفتح اول و سکون ثانی

کوبیدن کل / دهن / قاف / کمان / دبل / کمر / دهم / اول / دود / داف / دهر

مرگ هوش تمینق الجیم شکنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم م نوعی از
 شکو پنج کس اول و ضم ثانی و واد و بول و فتح با و سکون نون م خا خشک تمینق
 الدال المهمله شکنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و واد و مخرج خراطین
 تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون ثانی و دال ف و فتح نون م سنگران
 مرغان شکنج ف بفتح اول ع سم الفار و مرگ هوش کافی و نیز طائر عک تمینق
 الکاف الفارسی شکر برک ف بفتح اول و ثانی و سکون راء و مخرج مخرج
 و سکون راء مهمله ثانی و کاف فارسی جنبی از شکر بار صافی ع غیر هره تمینق المیم
 شکر بار دام ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله با موحده و دال مهمله و الف
 ثانی م خوبانی تمینق تحتانی سکاعی ع بضم اول و ثانی و الف عین مهمله و الف
 مقصوره ف با و آورد طاح ی ۳ گویند ای ۲ ف محلل خ سترانه ش و در
 ص ل تنسیق الکاف الفارسی و تمینق الراء المهمله شکا نک ف بفتح اول
 و کاف فارسی الف م شغال بضم اول م زکال تنیق اللام شکال ف بفتح اول و ثانی فار
 و الف لام م شغال بضم اول م زکال تنسیق اللام و تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون
 اللام یا کاف الف م زلوه چونک تمینق الراء المهمله شکا نک ف بفتح اول و ثانی و سکون
 صبیح یا فاد الف و راء مخرج اصل السوس و ماضی شد و تمینق ف بفتح اول و ثانی و سکون
 قسیر شفتا لوم شفتا نک تمینق الکاف شکا نک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و واد و بول
 و کاف شاکه دران شکا نک شکو ف بفتح اول و سکون ثانی و دال ف و فتح نون م شکران
 ثانی م زلوه چونک تمینق اللام شل ف بفتح اول و سکون ثانی شریست و شد
 مانند بوی بطعم تلخ و تند فی الجملة آنرا سفرجل هندی خوانند م بل و بل گویند و پست
 شمرل ست طاح ۳ راشلیل ف بفتح اول و سکون تحتانی م شلینر تمینق المیم
 شکیم ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون یم ف شکم طاح ۳ راشلم

باب در بیان
و جابجاییست
و ایضا
و نوشتن
و سواد خواندن
و گران دواغ
و بیلیج
و بیلیج
و بیلیج

۲۱۳
گنج حرم و
بازار دوم بطبع
کرد و گران
و جانیست و
و امیل و بوز
و نسا و صفا
و بلغم گران
و سارا
و صفا و یاسین
و سحر و
و نوری

ایمان و یقین

سودست و
مقوی اعضا
و عمری و داف
فساد صفراء
بلغم و خون و
قرا و بطبع
شیرین بطبع
سرد و قوی
گردان بجای
تفاخ و بلغم افزا

۲۱۴
دورنخ فسا و سفا
وین و بایر
سفینه و سفا
سفا و سفا
سفا و سفا
سفا و سفا
سفا و سفا

در این کتاب
در این باب
در این باب
در این باب
در این باب

وفتح صاد مهملة وراء مهملة نوکی از برنج باسطی چه می شود که بیضا ع بفتح اول و سکون
 ثانی و فتح کاف و همزه ملیده با و فتح سوجه و سکون تحتانی با صاد مجهول با و و شود
 بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی بالا م و الف م برنج باسطی تنقیح الموحده که شوبهم
 بفتح اول و سکون ثانی م عمل تنقیح الفوقانی شوات و فتح و ضم اول با ثانی و الف جا که
 است پرند مانند مرغابی که هم در آب و هم در خشکی زندگانی کند و گویند پرند است سرخ رنگ
 که هر زمان برینگی و یعنی برآید م بوقلمون تنقیح الدال المهملة شوات و فتح و ضم
 اول با ثانی و الف و دال مهملة م شوات تنقیح الراء المهملة شوات بضم اول و الف
 مجهول با غین مجمره و الف و راء مهملة زاک سفید تنقیح الزاء المعجمة شوات و فتح
 بضم اول و ثانی مجهول و فتح راء مهملة و خطا و فتح کاف فارسی ع ا ش هر درخت جهار
 شوشمیر بضم اول و سکون ثانی و شین مجهله شے و کسیر و سکون تحتانی ع قاطعه صفا
 شوشیر بضم اول و سکون ثانی و کسیر و سکون تحتانی و سیاه وانه طحی ۲ ق
 مقطع مجلی محلل مدرش نیم شقال تاد و در م ص کتیر او کاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
 ترو تیزک تنقیح الطاء المهملة شوقط بفتح اول و سکون ثانی و فتح طاء مجهول
 خرشته ازن تنقیح العین المهملة شوع بفتح اول و سکون ثانی و فتح طاء مجهول
 تنقیح الکاف شواک و فتح اول و ثانی و الف و فتح لامه صخری است که هر زمان
 بستی که نایع ابو فرس شوشک و بضم اول و سکون ثانی و فتح شین محته ثانی م
 جانوده تیر شوکه الحاک ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و سکون لام
 و کسیر و همزه و سکون لامه ثانی م نوخ ایلو یون تنقیح النون شوکه الدین ع
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و فتح و دال مهملة شده و ضم و سکون
 نون م که شوکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهملة و الف م تفت
 شیر و گویند که تخم بگ روی و در س طب ی ۲ ق مخدرخ شیر و شمشیر م

من شرب صفتی بزر البنج و تخم القحاح تنقیق الواو شوشون بضم ه و شوشین مجمره و سکون
 هر دو و الواو هم از زن تنقیق الها شکو که بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف هم سکون
 تنقیق التختانی شوشه ف بکسر اول و ثانی هم مثبت هر دو تنقیق الها و تنقیق
 الواو حده شهاب بفتح اول بابا و الف هم رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
 کار بره کشند و در عربی شیر نیک باب آنجه تنقیق الجیم شهدا نج ۶ بفتح اول
 و سکون ثانی با و ال مملکه و الف و فتح نون هم شهدانه ف تخم رنگ طحری ف
 بجهت خلیفانی ش س در م ص بریان نمودن ل بوزن آکن کنجد و نیم وزن
 فلفل تنقیق الها شهدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با و ال مملکه و الف و
 فتح نون هم شهدا نج شهدانه ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
 فارسی و الف و فتح نون هم شهدا تنقیق الیاء التختانی و تنقیق الالف
 شیباف بکسر اول و سکون تختانی با موحده و الف هم افخی شیر گیاف بکسر اول
 و سکون ثانی و را مملکه و کسر کاف فارسی با تختانی ثانی هر دو و تنقیق الفوقا
 شیرشت بکسر اول و سکون ثانی و را مملکه و کسر خا و مجمره و سکون شوشین مجمره
 ثانی نمیشد که در خراسان چون شب نم بر درخت سیاه چوب که درختش
 بی برو بغایت صلب باشد بنشیند طمع و ح ق مسهل صفراخ شفاف
 مانند صمغش از بیفت و در م تاسی و در م ل یک نیم وزن آن ترنجبین یا کوبند
 آن تنقیق الجیم شیر آلیج بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مملکه و بد مجمره و سکون
 سیم و فتح لام و سکون هم چون شیر آله چون آله را در شیر خسیانیده باشند آنرا
 بدین نام خوانند و طبیبی که گویند رخ باید که چند روز آله را در شیر خسیانیده
 باشند یک شقال شیر بکسر اول و سکون ثانی و فتح را و مملکه و در غل
 کنجد و شیرین هر میسها تیل طحری ف کلمین فوا که قابض ص نیست مغسول

شیرنج بفتح زاء معجونه شیر خفاش طحی شیطان اول سکون تحتانی
 وفتح طاء مهمله وراء مهمله شیتره هجتها طحی سق مجلی شقی خمبندی ش
 یک شقال ص صطلک یاور ویا صندل ل فوه یا بجکبر یا عقر قر حاتنق الحاء
 المهملة شیخ عکسر اول سکون ثانی وحاء مهمله در منه طحی سا گویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل خم از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الزاء المهملة شیر خفاش بفتح موحده
 و سکون خا معجونه و کسر شین معجمه ثانی و سکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و انک
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیتیه العجزم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیر ان کسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله بالالف ع ریحان شینیه کسر اول
 و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ثانی و متونیه تنیق السین المهملة
 شیر کس ف کسر اول و ثانی مجهول و راء مهمله و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر زوق کسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات م شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک وید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیم
 در خراسان درخت بید نشیند طح گویند مع ب ح ق بلین خم سفید شیرین ش
 و درم ل ترنجبین ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه ثانی و
 فتح تحتانی ثانی م گویند کیسالا ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه
 ثانی و فتح تحتانی ثانی م تیر تنیق المیم شیلیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انها ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

شیرنج بفتح زاء معجونه شیر خفاش طحی شیطان اول سکون تحتانی
 وفتح طاء مهمله وراء مهمله شیتره هجتها طحی سق مجلی شقی خمبندی ش
 یک شقال ص صطلک یاور ویا صندل ل فوه یا بجکبر یا عقر قر حاتنق الحاء
 المهملة شیخ عکسر اول سکون ثانی وحاء مهمله در منه طحی سا گویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل خم از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الزاء المهملة شیر خفاش بفتح موحده
 و سکون خا معجونه و کسر شین معجمه ثانی و سکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و انک
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیتیه العجزم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیر ان کسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله بالالف ع ریحان شینیه کسر اول
 و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ثانی و متونیه تنیق السین المهملة
 شیر کس ف کسر اول و ثانی مجهول و راء مهمله و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر زوق کسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات م شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک وید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیم
 در خراسان درخت بید نشیند طح گویند مع ب ح ق بلین خم سفید شیرین ش
 و درم ل ترنجبین ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه ثانی و
 فتح تحتانی ثانی م گویند کیسالا ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه
 ثانی و فتح تحتانی ثانی م تیر تنیق المیم شیلیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انها ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

شیرنج بفتح زاء معجونه شیر خفاش طحی شیطان اول سکون تحتانی
 وفتح طاء مهمله وراء مهمله شیتره هجتها طحی سق مجلی شقی خمبندی ش
 یک شقال ص صطلک یاور ویا صندل ل فوه یا بجکبر یا عقر قر حاتنق الحاء
 المهملة شیخ عکسر اول سکون ثانی وحاء مهمله در منه طحی سا گویند
 ح ۱۲ ی ان مقطع محلل خم از منی ش نیدرم ص ترس یا شرب ریاس یا شرب
 ارج یا بنفشه ل برنگ یا فنتین تنیق الزاء المهملة شیر خفاش بفتح موحده
 و سکون خا معجونه و کسر شین معجمه ثانی و سکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی و
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر فی طحی ش و انک
 انیدرم تنیق الزاء المعجمه شیتیه العجزم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون و اوم اش
 شیر ان کسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله بالالف ع ریحان شینیه کسر اول
 و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ثانی و متونیه تنیق السین المهملة
 شیر کس ف کسر اول و ثانی مجهول و راء مهمله و فتح میم و کاف فارسی ع عکبوت
 تنیق القاف شیر زوق کسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و ضم زاء معجمه و
 سکون و ا و وفات م شیرنج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا معجمه و سکون
 شین معجمه ثانی و فید خشک وید الکبیر نمیت یعنی نعمت است که چون شنیم
 در خراسان درخت بید نشیند طح گویند مع ب ح ق بلین خم سفید شیرین ش
 و درم ل ترنجبین ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه ثانی و
 فتح تحتانی ثانی م گویند کیسالا ششیک ف کسر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه
 ثانی و فتح تحتانی ثانی م تیر تنیق المیم شیلیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و انها ص صلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

سرخ در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام و
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه و
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی و
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صا
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء المهمله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ه ایلوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

سرخ در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام و
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه و
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی و
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صا
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء المهمله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ه ایلوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

در میان کشت گندم روید و گویند یا حسین جنگلی است طحی ۳ و گویند ح ۱
 می ۲۲ ملطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریه ص کز به خشک ل جند قوقی و در و نغ
 قو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مایه ای است غلو س و ارم ح پنه
 تنمیق النون شیان بکسر اول با ثانی و الف ف پیر سیادشان تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون و اوم تنمیق اله و شیشو
 بکسر اول و سکون ثانی بار امله و الف و فتح موحده و خشخاش شیر و بکسر اول و سکون
 ثانی و فتح ر امله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانف بکسر اول و سکون
 ثانی بالام الف و فتح فون م عذاب شیلونف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام و
 سکون و ا و فتح فون م الاک پشت شیه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح بیلم م
 از اگور تنمیق التختانی شیان خوزی بکسر اول با ثانی و الف و کسر ف و ضم معجبه و
 و ا و مجهول و کسر زار معجبه و سکون تختانی م پوش در بندی شیخ جسته ف بکسر
 اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح ح امله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی و
 فاضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تنمیق الموحده
 صاب بصاد ممله و الف و موحده م غفل و گویند قاء الحارست و گویند از پیو عا
 و گویند و یو دارست تنمیق الفاصحا یون القاف بضم موحده و سکون و ا و ضم
 فون و سکون لام با قاف و الف و فام جوبک اثنان تنمیق النون صابون
 بضم موحده م طحی ای مقعر محرق مخمنه ص قے کردن باب گرم و روغن
 کنجد و خوردن شور باب چرب باروغن و مرغ ل بوره و اثنان تنمیق اله و صا
 بکسر ح امله و فتح تختانی م حرف زردک هرگاه و تنسیق الباء الموحده و
 تنمیق الداء المهمله صبا بضم اول با موحده و الف و امله م تمسندی صبر
 بفتح و کسر اول و سکون موحده ه ایلوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ محفف مدلل

[illegible]

۲۲
الشفقة بالبر
والماء والطين
والخشب واللبان
والصندل والعود
والسوسن والكافور
والبنج والكمون
والفلفل والبهار
والزعفران والورد
والقسطاس والياض
والشوكية والريحان
والعشبة الطيبة

والمهملة ثانیة فجو واسک هجینکیش سه عدد واینج یابفت جانول
 تنسيق العین المهملة وتنسيق الراء المهملة متفرع بصنم اول و
 سکون عین مهملة وفتح فوقانی و سکون راء مهملة فوعی از نو و نه بری ست ف او ش
 وکا کو ته طحی سق مفتوح و ملطف مغشیه خم کو چک ورق ش نیم مشقیال
 تا کدر م صی سرکه ل فو تیح تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون صغیرین
 بفتح اول و سکون عین معجمه و کسر موحده و سکون تخانی تم کج تنسيق القاف
 وتنسيق الراء المهملة متفرع بفتح اول و سکون قاف و راء مهملة طائر صی سب
 شکار صی ف جیح طحی تنسيق السین المهملة متفایس بفتح اول و قاف
 و کسر تخانی و سکون سین مهملة لکری تنسيق وتنسيق اللام متصل عم به فتح
 هر دو صا و مهملة و سکون هر دو لام م مکده و عقیق هر دو کا وصل عم یکسر اول فایرت
 که افسون نمی پذیر وتنسيق النون صکون عم بفتح اول و ضم ثانی و سکون واه
 م خرنوب بچی تنسيق المیم وتنسيق الموحده لا صمغ السداب بفتح اول و
 سکون میم و ضم غین معجمه و سین مهملة شدد و بادال والفل دو وزن حلیت است
 تنسيق المثلثه صمغ الموحث عم بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون
 لام و فتح میم ثانی و سکون حاء مهملة و ضم راء مهملة و سکون و اوم حلیت تنسيق الدال
 المهملة صمغ القناد بفتح قاف و مثلثه والفل کثیر صمغ عسفید بفتح اول
 و سکون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهملة و کسر فای تخانی مجبول هکوند و جیت
 کر بری تنسيق الدال المهملة صمغ الصنوبر بفتح صا و مهملة شدد و ثانی و نون و فتح
 موحده صمغ الکنکری سکون لام و فتح کان و سکون نون و فتح کاف فارسی
 ل بیخ و ارشیعان و دوسته کردن جز الفی تنسيق الراء المهملة صمغ اللوز عم
 بفتح لام شدد و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی
 بفتح نون و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی

والمهملة ثانیة فجو واسک هجینکیش سه عدد واینج یابفت جانول
 تنسيق العین المهملة وتنسيق الراء المهملة متفرع بصنم اول و
 سکون عین مهملة وفتح فوقانی و سکون راء مهملة فوعی از نو و نه بری ست ف او ش
 وکا کو ته طحی سق مفتوح و ملطف مغشیه خم کو چک ورق ش نیم مشقیال
 تا کدر م صی سرکه ل فو تیح تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون صغیرین
 بفتح اول و سکون عین معجمه و کسر موحده و سکون تخانی تم کج تنسيق القاف
 وتنسيق الراء المهملة متفرع بفتح اول و سکون قاف و راء مهملة طائر صی سب
 شکار صی ف جیح طحی تنسيق السین المهملة متفایس بفتح اول و قاف
 و کسر تخانی و سکون سین مهملة لکری تنسيق وتنسيق اللام متصل عم به فتح
 هر دو صا و مهملة و سکون هر دو لام م مکده و عقیق هر دو کا وصل عم یکسر اول فایرت
 که افسون نمی پذیر وتنسيق النون صکون عم بفتح اول و ضم ثانی و سکون واه
 م خرنوب بچی تنسيق المیم وتنسيق الموحده لا صمغ السداب بفتح اول و
 سکون میم و ضم غین معجمه و سین مهملة شدد و بادال والفل دو وزن حلیت است
 تنسيق المثلثه صمغ الموحث عم بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون
 لام و فتح میم ثانی و سکون حاء مهملة و ضم راء مهملة و سکون و اوم حلیت تنسيق الدال
 المهملة صمغ القناد بفتح قاف و مثلثه والفل کثیر صمغ عسفید بفتح اول
 و سکون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهملة و کسر فای تخانی مجبول هکوند و جیت
 کر بری تنسيق الدال المهملة صمغ الصنوبر بفتح صا و مهملة شدد و ثانی و نون و فتح
 موحده صمغ الکنکری سکون لام و فتح کان و سکون نون و فتح کاف فارسی
 ل بیخ و ارشیعان و دوسته کردن جز الفی تنسيق الراء المهملة صمغ اللوز عم
 بفتح لام شدد و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی
 بفتح نون و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی

والمهملة ثانیة فجو واسک هجینکیش سه عدد واینج یابفت جانول
 تنسيق العین المهملة وتنسيق الراء المهملة متفرع بصنم اول و
 سکون عین مهملة وفتح فوقانی و سکون راء مهملة فوعی از نو و نه بری ست ف او ش
 وکا کو ته طحی سق مفتوح و ملطف مغشیه خم کو چک ورق ش نیم مشقیال
 تا کدر م صی سرکه ل فو تیح تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون صغیرین
 بفتح اول و سکون عین معجمه و کسر موحده و سکون تخانی تم کج تنسيق القاف
 وتنسيق الراء المهملة متفرع بفتح اول و سکون قاف و راء مهملة طائر صی سب
 شکار صی ف جیح طحی تنسيق السین المهملة متفایس بفتح اول و قاف
 و کسر تخانی و سکون سین مهملة لکری تنسيق وتنسيق اللام متصل عم به فتح
 هر دو صا و مهملة و سکون هر دو لام م مکده و عقیق هر دو کا وصل عم یکسر اول فایرت
 که افسون نمی پذیر وتنسيق النون صکون عم بفتح اول و ضم ثانی و سکون واه
 م خرنوب بچی تنسيق المیم وتنسيق الموحده لا صمغ السداب بفتح اول و
 سکون میم و ضم غین معجمه و سین مهملة شدد و بادال والفل دو وزن حلیت است
 تنسيق المثلثه صمغ الموحث عم بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون
 لام و فتح میم ثانی و سکون حاء مهملة و ضم راء مهملة و سکون و اوم حلیت تنسيق الدال
 المهملة صمغ القناد بفتح قاف و مثلثه والفل کثیر صمغ عسفید بفتح اول
 و سکون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهملة و کسر فای تخانی مجبول هکوند و جیت
 کر بری تنسيق الدال المهملة صمغ الصنوبر بفتح صا و مهملة شدد و ثانی و نون و فتح
 موحده صمغ الکنکری سکون لام و فتح کان و سکون نون و فتح کاف فارسی
 ل بیخ و ارشیعان و دوسته کردن جز الفی تنسيق الراء المهملة صمغ اللوز عم
 بفتح لام شدد و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی
 بفتح نون و سکون و اوم صمغ بادام خرسفید ماخو دار و رخت جوان ل صمغ عربی

وکثیره و تنقیق الصفا الممهله صمغ الاجاص بسکون لام و کسر ميم و باجميم مشدود
 و الف م صمغ آروق مفت مدخل خم ماخوذ از درخت کمن تنقیق الطاء الممهله
 صمغ الباط کيسر موحده بالام و الف ت از سنگ ساخته و آن چيزی است که از
 رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهر سرد و نام مکی است که از صبر و قشر
 خون سیاوشان و علك و انزروت و صمغ عربی از هر یک جز فی و اصل مرجان و
 شاج از هر یک نیم جز و کوفته بخته آب صمغ عربی بپوشند و بر دیو ارچی زنند و را کنند
 تا خشک شود و هر چند که نه شود و نیکو بود تنقیق الغین الممهله صمغ و ففتح اول
 و سکون ثانی و غین مجمره صمغ جمیع و می ف از دو شکم هر گوند طحی گویند مع
 ق مغزی قابض و طابس خم عربی شفاف سفید صاف بی چوب زد و دگر از زنده و
 آب تنقیق الفاء صمغ الخرشف بسکون لام و فتح حاء مهمله و سکون داء مهمله و فتح شیز
 معجمه مککری تنقیق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله و
 سیم شانی مسقط ح می ۲ ش یک درم صمغ صمغ و کشری ال کشری تنقیق النون
 صمغ اکرتون ففتح زای مجمره مشدود و سکون تخانی و ضم نو قانی و سکون واد ح
 اسطرکل عصاره طریش یا شونیز تنقیق التختانی صمغ الجوز المر صمغ بسکون
 لام و فتح جیم و سکون واد و کسر زای مجمره و ضم راء مهمله مشدود و سکون واد و کسر سیم
 و سکون تخانی ف که با صمغ الکشری بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدود و سکون
 شکله و فتح راء مهمله و الف مقصوره و فتح و رخت امر و دخ از درخت کمن ش
 و و شقال صمغ عربی کيسر غین معجمه و فتح غین مهمله و راء مهمله و کسر موحده هر گوند
 و رخت لیکر طمع گویند م گویند بی ش و و شقال صمغ کيسر و شراب صندل
 و گلاب صمغ بادام و حب الاسس تنقیق النون و تنقیق الراء الممهله
 صندل احمق و ففتح اول و سکون نون و فتح و ال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون

حاء مملو وفتح تميم وسكون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سرل فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی و سکون و او و فتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج بکسر کاف با موحده و الف و درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد من جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتخاش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال مملو
 و کسر لام و فتح همزه و سکون تخمائی و فتح تخمائی و سکون ضا و هملاف صندل سفید
 هر چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خر مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکری طبر زول اشتره با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول و سکون و او و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را و هملاف و
 ضا و هملاف فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول و سکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول و سکون ثانی
 و فتح طار مملو و لام و خفا بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجوه و الف و لام و کتا تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجوه و الف و نون ف شس هر همدی تنسيق الباء المعجده و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و فوخل عین مملو ثانی و سکون را و
 مملو با جیم و الف و کفتار طگوش و ح ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول و سکون موحده و ن پچ سو سمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق بشکل او محله خر متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی و سکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق

حاء مملو و فتح تميم وسكون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سرل فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی و سکون و او و فتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج بکسر کاف با موحده و الف و درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد من جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتخاش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال مملو
 و کسر لام و فتح همزه و سکون تخمائی و فتح تخمائی و سکون ضا و هملاف صندل سفید
 هر چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خر مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکری طبر زول اشتره با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول و سکون و او و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را و هملاف و
 ضا و هملاف فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول و سکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول و سکون ثانی
 و فتح طار مملو و لام و خفا بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجوه و الف و لام و کتا تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجوه و الف و نون ف شس هر همدی تنسيق الباء المعجده و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و فوخل عین مملو ثانی و سکون را و
 مملو با جیم و الف و کفتار طگوش و ح ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول و سکون موحده و ن پچ سو سمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق بشکل او محله خر متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی و سکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق

حاء مملو و فتح تميم وسكون را و هملاف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی ۲ گویند
 سرل فوخل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی و سکون و او و فتح موحده و کسر را و هملاف و صا
 مملو ثانی باغین مغجوه و الف هم درخت چیده طعم ح گویند ح ای گویند ال زفت
 صنوبر کبابج بکسر کاف با موحده و الف و درخت چلقوره طح اساق مسنخ
 تازه نیرگ سفیدش پانزده عدد من جوارش سفیر جل ل و وزن او خشتخاش
 تنسيق الضاد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال مملو
 و کسر لام و فتح همزه و سکون تخمائی و فتح تخمائی و سکون ضا و هملاف صندل سفید
 هر چندن طب ی ۲ گویند ۳ گویند راق مقوی دل خر مقاصری ش نیم شقال ص
 جلاب شکری طبر زول اشتره با فوخل تنسيق الواو و تنسيق الضاد المعجمة صون
 الارض بضم اول و سکون و او و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را و هملاف و
 ضا و هملاف فراسیون تنسيق الفاکه و ف عم بضم اول و سکون ثانی و فاق شهم ط
 ح ی سرق مسخن مجفف اکال ل شقر تنسيق الهاء صوطه بضم اول و سکون ثانی
 و فتح طار مملو و لام و خفا بان نوک از چقدر رتقیم الضاد المعجمة و تنسيق
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجوه و الف و لام و کتا تنسيق النون ضا
 ع بضاد معجوه و الف و نون ف شس هر همدی تنسيق الباء المعجده و تنسيق الهاء
 صعبه و جاع بفتح اول موحده و عین مملو و همزه و همزه و فوخل عین مملو ثانی و سکون را و
 مملو با جیم و الف و کفتار طگوش و ح ی ۲ تنسيق الموحده و حسب عم بفتح
 اول و سکون موحده و ن پچ سو سمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطبخ و بعد از ان حصص و چون تمامی رسد ضب
 گویند طح ی ق بشکل او محله خر متوسط حصص تنسيق الراء المهملة ضب
 بفتح اول و ثانی و سکون را و هملاف و رخت جزو با تنسيق الراء المهملة و تنسيق

[illegible]

تحتانی و ضمیمیم بار اوله و الف و نون م ریکان تفریم الطاء المهملة و
تتبع الالف و تنطق الالف المهملة طاليسف بطا و مهملة و الف و کسر
لام و سکون تحتانی و سین مهملة و فتح فاء و سکون را و مهملة و پرست بیخ و سین
سندی و آن تشویر سندی است طامع گویندی ۳ قی قابض شریک شغال ص
عسل یارب السوس ل شبل الطیب و نیموزن سافج یا مثل و اهل مسا و س یا
چهار و آنک وزن آن کون و نیموزن اجهل یا یوزن او غنیه و نیموزن بسا
تنطق السین المهملة طامع و بضم همزة و سکون و او ده مورط و گوشت و ۷۰
تنطق الکاف طامع و یفتح خاء معجوف بار و رخت نیمه نوئی تنطق المیم
طالم یفتح لام و فتح زور و تنطق النون طالقون کسر لام و ضم قاف و سکون
و او ف نون و ست مصنوعی که بدر کرده باشند بتوبال نخاسه که در کینه گاو خیسانه
باشند تنطق الهاء طالطه یونانی بسکون را و مهملة و کسر طاء و مهملة و یفتح قاف
م ح ب الملوک طالطه یونانی کسر را و مهملة و سکون تحتانی و یفتح قاف م و ن و
تتبع السباء الالف و تنطق الالف طلقا یفتح اول و سکون موحده با قاف
و الف م خندروس تنطق الحاء العجوة یفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی
و خاء معجوف خریزه و او ویه که باب بخوشانند و یفتح تنطق الدال المهملة طالطه
یفتح اول و کسر ثانی و سکون را و مهملة و فتح ناء معجوف تیز و دست معنی نبات مصری
از طبس اول و الی و ک ک سنگ را نیز بدین نام خوانند از جهت صحت و صلی هر دو
تتبع الالف المهملة طالطه یونانی و الف و نون م و از انجیر سرخ بزرگ
طالطه یفتح اول و ثانی و الف و کسر ثانی معجوف و سکون تحتانی که بنسب طاب
می گویند ۳ قی قابض محقق مقوی مثل و موحده خم سفید سبک و زوز و شوز
ست و در آنک ص کلاب و گویند صطک و انیسون و گویند رب السوس نیموزن کاف
و نیموزن کلاب و گویند صطک و انیسون و گویند رب السوس نیموزن کاف

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

اول و سکون ثانی و کسرون و فتح قاف و سکون تحتانی ثانی و ضم سیم و سکون و اول
و کسرون لام تحتانی ثالث و ننگ رخا مل طین صری تنیق الموحل کالمیک
و کسرون اول و سکون ثانی و ضم سیم و سکون لام و فتح عین و ممله
و راه ممله و سکون موحده م از خ تنیق الفوقانی طین حکمت و کسرون
اول و سکون تحتانی و ضم نون و سکون لام و کسرون ممله و سکون کاف و فتح
سیم و سکون فوقانی و کل حکمت و آن در کسرت تنیق المثلثه طینوت
و فتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واد و مثلثه و ع و سک و سوز و دور
جیونانی ست سرخ که بر و نقطه های سیاه بودند و از سرخ خورد و تراکثر بر خوشه انگور
بود و از سرخ با گرم سبز درخت صنوبر تنیق الحیم طین کسرون اول و سکون ثانی
و ضم واد و سکون واد و ضم تیه و پودنا طین خ فربهی که در فصل خریف کسرون
تنیق الراء المصله طین احمد کسرون اول و سکون ثانی و کسرون و فتح حمزه و
سکون حاد و ممله و فتح سیم و سکون راه ممله و کل سرخ که آن را مغیره نیز گویند که
طین اخضر و فتح حمزه و سکون خا و مجمه و فتح ضا و مجمه نیل طین اصفر و فتح حمزه
و سکون حاد و ممله و فتح فام طین الفم زرقه رنگ که بپند و آن در شقه بکار میبرد
هر پیوستی تنیق السین المصله طین کشاموس شین معجمه و الف و ضم سیم و سکون
و او و سیم ممله که کب ساموس و آن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تنیق المیم طین مختوم و فتح سیم و سکون خا و مجمه و ضم فوقانی و سکون واد و
کل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت الملس ط مع ح ب ق قابض و مفتح
و مقوی دل و حابس خون و بدل نشی و در ممل در تریاتی بدل ندارد و در
قبض خون مغیره یا طین از منی که بخون بزرگویی سرشته باشند تنیق النون
طیطان مریانی کسرون اول و سکون ثانی یا طام ممله ثانی و الف و کسرون ممله

اول و سکون ثانی و کسرون و فتح قاف و سکون تحتانی ثانی و ضم سیم و سکون و اول
و کسرون لام تحتانی ثالث و ننگ رخا مل طین صری تنیق الموحل کالمیک
و کسرون اول و سکون ثانی و ضم سیم و سکون لام و فتح عین و ممله
و راه ممله و سکون موحده م از خ تنیق الفوقانی طین حکمت و کسرون
اول و سکون تحتانی و ضم نون و سکون لام و کسرون ممله و سکون کاف و فتح
سیم و سکون فوقانی و کل حکمت و آن در کسرت تنیق المثلثه طینوت
و فتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واد و مثلثه و ع و سک و سوز و دور
جیونانی ست سرخ که بر و نقطه های سیاه بودند و از سرخ خورد و تراکثر بر خوشه انگور
بود و از سرخ با گرم سبز درخت صنوبر تنیق الحیم طین کسرون اول و سکون ثانی
و ضم واد و سکون واد و ضم تیه و پودنا طین خ فربهی که در فصل خریف کسرون
تنیق الراء المصله طین احمد کسرون اول و سکون ثانی و کسرون و فتح حمزه و
سکون حاد و ممله و فتح سیم و سکون راه ممله و کل سرخ که آن را مغیره نیز گویند که
طین اخضر و فتح حمزه و سکون خا و مجمه و فتح ضا و مجمه نیل طین اصفر و فتح حمزه
و سکون حاد و ممله و فتح فام طین الفم زرقه رنگ که بپند و آن در شقه بکار میبرد
هر پیوستی تنیق السین المصله طین کشاموس شین معجمه و الف و ضم سیم و سکون
و او و سیم ممله که کب ساموس و آن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تنیق المیم طین مختوم و فتح سیم و سکون خا و مجمه و ضم فوقانی و سکون واد و
کل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت الملس ط مع ح ب ق قابض و مفتح
و مقوی دل و حابس خون و بدل نشی و در ممل در تریاتی بدل ندارد و در
قبض خون مغیره یا طین از منی که بخون بزرگویی سرشته باشند تنیق النون
طیطان مریانی کسرون اول و سکون ثانی یا طام ممله ثانی و الف و کسرون ممله

اول و سکون ثانی و کسرون و فتح قاف و سکون تحتانی ثانی و ضم سیم و سکون و اول
و کسرون لام تحتانی ثالث و ننگ رخا مل طین صری تنیق الموحل کالمیک
و کسرون اول و سکون ثانی و ضم سیم و سکون لام و فتح عین و ممله
و راه ممله و سکون موحده م از خ تنیق الفوقانی طین حکمت و کسرون
اول و سکون تحتانی و ضم نون و سکون لام و کسرون ممله و سکون کاف و فتح
سیم و سکون فوقانی و کل حکمت و آن در کسرت تنیق المثلثه طینوت
و فتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واد و مثلثه و ع و سک و سوز و دور
جیونانی ست سرخ که بر و نقطه های سیاه بودند و از سرخ خورد و تراکثر بر خوشه انگور
بود و از سرخ با گرم سبز درخت صنوبر تنیق الحیم طین کسرون اول و سکون ثانی
و ضم واد و سکون واد و ضم تیه و پودنا طین خ فربهی که در فصل خریف کسرون
تنیق الراء المصله طین احمد کسرون اول و سکون ثانی و کسرون و فتح حمزه و
سکون حاد و ممله و فتح سیم و سکون راه ممله و کل سرخ که آن را مغیره نیز گویند که
طین اخضر و فتح حمزه و سکون خا و مجمه و فتح ضا و مجمه نیل طین اصفر و فتح حمزه
و سکون حاد و ممله و فتح فام طین الفم زرقه رنگ که بپند و آن در شقه بکار میبرد
هر پیوستی تنیق السین المصله طین کشاموس شین معجمه و الف و ضم سیم و سکون
و او و سیم ممله که کب ساموس و آن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تنیق المیم طین مختوم و فتح سیم و سکون خا و مجمه و ضم فوقانی و سکون واد و
کل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت الملس ط مع ح ب ق قابض و مفتح
و مقوی دل و حابس خون و بدل نشی و در ممل در تریاتی بدل ندارد و در
قبض خون مغیره یا طین از منی که بخون بزرگویی سرشته باشند تنیق النون
طیطان مریانی کسرون اول و سکون ثانی یا طام ممله ثانی و الف و کسرون ممله

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی ش یک در خم ص میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و سکون طین ا ر منی بفتح حمزه و سکون راء و ممله و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین ممله فاعضه کل سر شوی طب سی خ مائل بسرخه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و ممله و کسر سین ممله گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رگما و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و ممله کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف فاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و ممله و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین ممله و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الراء طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاء فاعضه بکسر اول و سکون لام

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی ش یک در خم ص میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و سکون طین ا ر منی بفتح حمزه و سکون راء و ممله و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین ممله فاعضه کل سر شوی طب سی خ مائل بسرخه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و ممله و کسر سین ممله گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رگما و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و ممله کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف فاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و ممله و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین ممله و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الراء طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاء فاعضه بکسر اول و سکون لام

طبعاً بیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فاعضه تحتانی
 ثانی و سکون و ا و فاعضه از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاعضه
 تحتانی و مجموع کلاب سی و بعضی ش یک در خم ص میند بال از بعضی بعضی
 تنسيق التحتانی طبعاً روسی بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی
 ثانی و ا و سکون طین ا ر منی بفتح حمزه و سکون راء و ممله و فتح میم و کسر نون
 ثانی و فاعضه ا ر منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و در می که بی رمل و بعد از
 سخن چون بر زبان نهند بحسب کلاب طین لاکه طین فارسی بفا و الف
 و سکون راء و کسر سین ممله فاعضه کل سر شوی طب سی خ مائل بسرخه مش و شقال
 طین قمری بضم قاف و سکون موحده و فتح راء و ممله و کسر سین ممله گلی ست
 سرخ گلگون که چون در دست بماند سرخه او در دست بماند و چون بشکند
 و رانده راون و سی رگما و زرد بود و چون بر زبان نهند بغایت بچسبیدل طین
 مخموم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی و بشین معجمه و الف و ضم
 موحده و سکون و ا و کسر راء و ممله کل ماکول و کل خراسانی و آن را خام و بران
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند یک درم تا دو و شقال توقیم الظاء المعجمه
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی طبعاً بفتح اول و سکون
 موحده و تحتانی مجهول فاعضه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف فاعضه
 بفتح طاء معجمه و سکون فاعضه راء و ممله و الف فاعضه بر سی تنسيق الظاء المعجمه
 طفیره العجزه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و ضم
 فوقانی و سکون لام و فتح مین ممله و ضم جیم و سکون و ا و فاعضه خضک
 تنسيق الراء طفیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء و ممله و فاعضه
 فاعضه بر سی تنسيق اللام و تنسيق الفاء فاعضه بکسر اول و سکون لام

و قاف سم هـ کم ط ب ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة

اول و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هر و قاف و سکون هر و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در ریش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یو یج یارب السوس ل و ر غ ر ه ق و ج و در م ص ه و م و
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هر با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هر سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب الذیل عجم الزید عجب یفتح

و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هر و قاف و سکون هر و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در ریش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یو یج یارب السوس ل و ر غ ر ه ق و ج و در م ص ه و م و
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هر با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هر سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب الذیل عجم الزید عجب یفتح

و کسر ثانی و سکون تخانی تم ذکر لغام تنسيق الباء المتخانی و تنسيق النون
 طمان ع یفتح اول و تخانی و الف و نون و ناسمین بری که گل کو چاک دارد
 هـ جالی حے ط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 و تنسيق النون و تنسيق الالف فاقر شعا بعین ممله و
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین و سکون سیم با عین ممله
 ثانی و الف م شکار فاقر ق ر جاع یفتح هر و قاف و سکون هر و را و ممله با حاء
 ممله هـ اگر که رابط ح ی س ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 غلیظ و بعد از شکستن در ریش سفید باشد و در و انگ گونید و در م تا
 س در م ص یو یج یارب السوس ل و ر غ ر ه ق و ج و در م ص ه و م و
 راسن یا دار لفضل و غسل و گویند شیطرخ تنسيق الحیو عجاج و سکون جیم
 و ندان فیل هر با تسی و انت ط ب ی ق یح ف ح سحت ص ز ب ل ش ل خ تنسيق الباء الموحدة
 از نشانه او ص رب الصنوبر ل ش ل خ تنسيق اللوام فاقول بضم قاف
 و سکون و او و لام ف و رخت ساج هر سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی و کچو موحده یفتح و سکون
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م شکر کانج ف کچو تنسيق الاء المهملة عجب یفتح
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله و کسر عجب یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی
 و سکون تخانی و طاء ممله و پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المسمم
 بضم اول و سکون فوقانی و سیم ف زیتون کوس ط ح ی ا تنسيق التلیم
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حب الذیل عجم الزید عجب یفتح

[illegible][illegible]

شیم شقال ص بلوط و جوز الس و عرق الکافور ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم
قاف و سکون لام باکاف و الف و ضم فاد و سکون دا و ف زرباد و عروق الشجر
بضم اول و ثانی و سکون دا و ضم قاف و فتح ثنین معجمه شده و جیم کدر
و گویند عرق الصباغین عروق الصفرة بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم
قاف و کسر صاد ممله شده و سکون فاد و نون سست بزرگ و زرد و خوبه و
خوردوی مایه رنگان و وارزرد و زرد و خوبه هر یک ملاحی گویند و محمل لطیف
مدرم سخت شکننده ش نیم درم ص قرص کافور ل نیم وزن مایه رنگان یا نیم وزن
عاقه قرصه تنیق السین المهمله عرق یابس ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف
باختانی و الف و کسر موحده و سکون سین مملو زنگباری تنیق الضاد المعجمه
عروض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم زنگ و سبزی که بر آب بهم رسد
عروق ابض ع بضم اول و سکون ثانی و او و کسر قاف و فتح همزه و سکون
موحده و فتح تخم ثانی م بوزیدان تنیق الفاع ص بفتح اول و سکون
ثانی و فتح صاد ممله و سکون فام کما فیطوس ف ماش و او و عرق نجده
بضم اول و ثانی ع قصب فی عروق الاصف ع بضم اول و ثانی و سکون
واو و ضم قاف و سکون لام و ده همزه و فتح صاد ممله پو سست پنج کنیر ط
ح حی خ بار یک ش نیم شقال ص عمل ل و راو و یه سپر چهار دانگ و وزن
آن حلیت یا سنگین تنیق القاف عروق بضم اول و ثانی و سکون
دا و ف نیم تنیق الکاف ع و سک ع بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح
سین مملو هر گرم بهر بولی تنیق المیم ع بضم مینه بکسر اول و سکون ثانی و
کسر صاد مملو بادشجان عروق و اهرم ببال مملو و الف و سکون را و مملو
و کسر با و فتح را و مملو ثانی و فتح مملو ع بضم اول و سکون ثانی

[illegible]

الف تفتح اول وثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانی و فتح موحده فاکر
 و سکون راء مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فاء کسریم و فتح موحده و کسر راء مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 عزیر الصغیر و کسر بضم اول و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم راء مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر راء مہملہ و فتح واد و
 کاف و کسر باء موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح واد و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون راء مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل واد و کسر
 لام باء وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام و فتح
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر مود و طح می ۲ ق مدخل بجلے او ساخنہ صادق اکلا وۃ خوشبو می سپید
 برنجہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فواکہ و حماض ارج و ظل سفینچ شیرین تہنیق التختانی

واد و طح می ۲ ق مدخل بجلے او ساخنہ صادق اکلا وۃ خوشبو می سپید

الف تفتح اول و ثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانی و فتح موحده فاکر
 و سکون راء مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فاء کسریم و فتح موحده و کسر راء مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 عزیر الصغیر و کسر بضم اول و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم راء مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر راء مہملہ و فتح واد و
 کاف و کسر باء موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح واد و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون راء مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل واد و کسر
 لام باء وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام و فتح
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر مود و طح می ۲ ق مدخل بجلے او ساخنہ صادق اکلا وۃ خوشبو می سپید
 برنجہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فواکہ و حماض ارج و ظل سفینچ شیرین تہنیق التختانی

الف تفتح اول و ثانی ف چیز سیست که
 زیادہ میشود و ظاہر میگردد و نزدیک زانو و سیم اسبب عظم شقیق ہر گہوے
 کا پر عروق الصباغین عضم اول و ثانی و سکون و او و ضم قاف و فتح
 صاد مہملہ موحده مشدودہ و الف و کسر غین معجمہ سکون تحتانی ف زرد و حیر
 تہنیق الہاء ع و سک در پردہ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح
 سین مہملہ و کسر کاف و فتح وال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانی و فتح موحده فاکر
 و سکون راء مہملہ ثالث و فتح وال مہملہ ثانی و فقاء ہام کالج تہنیق التختانی
 و فتح بری ففتح اول و سکون ثانی و فتح فاء کسریم و فتح موحده و کسر راء مہملہ
 مشدودہ و سکون تحتانی م سافج تہنیق الراء المعجمہ و تہنیق الراء المہملہ
 عزیر الصغیر و کسر بضم اول و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم راء مہملہ و فتح
 صاد مہملہ مشدودہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر راء مہملہ و فتح واد و
 کاف و کسر باء موحده و سکون تحتانی ثالث م قنطوریون و قیق و غلیظ
 تہنیق السین المہملہ و تہنیق الدال المہملہ غسل القصب و الطبر و فتح
 اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر
 موحده و فتح واد و طاء مہملہ و موحده ثانی و سکون راء مہملہ و فتح زاء معجمہ
 و سکون وال مہملہ شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہر رس طح را غسل واد و کسر
 لام باء وال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون و او م ادانی تہنیق اللام و فتح
 ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدودہ و سکون حاء مہملہ مشدودہ
 ہر مود و طح می ۲ ق مدخل بجلے او ساخنہ صادق اکلا وۃ خوشبو می سپید
 برنجہ مال ربیع بعد از ان صیفی ش و او قیہ و در محجون و او برابر او و تہ تاسہ
 برابر ص انار و ربوب فواکہ و حماض ارج و ظل سفینچ شیرین تہنیق التختانی

عسل البنج لفتح لام ثانی و موحده و کسرتون م سیه سائر تنبیه الشبذ المعجمه
و تنبیه الراء المهملة عشر بضم اول و سکون شین معجمه و راء مهملة اتیو عاصه
ه و رخت الراء ط ی ۲۴ ف محرق ش از شکر او و و درم ص شستن و راء ب و
ل شبر تنبیه القاف عشق کبر اول و ثانی و سکون راء مهملة مروه سنگ
تنبیه الهاء عشقه کبر اول و ثانی و فتح قاف و نون از لبلاب تنبیه الصاد
المهملة و تنبیه الالف عصارة مامیتا بضم اول با صا و مهملة و الف و فتح
راء مهملة و همزه ملینة بابا میم و الف و کسرتون ثانی و سکون تحتانی با شلثة و الف
ثالث م سیان مامیتا ط ب ی اخ ز و سبک ل حضض یا بوش و راء ب و
تنبیه الموحدة عصاب بضم اول با ثانی و الف و موحده م شیطر عصب
ع لفتح اول و ثانی و ی ه ش تنبیه الفوقانی عصارة فافت بضم اول
با ثانی و الف و فتح راء مهملة و همزه ملینة بابا عین معجمه و الف و سکون فا و نون
ف فشره فافت تنبیه المثلثة عصارة ط انیت همزه ملینة با فتح ط و
مهملة و راء مهملة و الف و کسرتون ثانی و شلثة ثانی ف فشره و الی
عصارة قرط تنبیه الهم عصارة البنج بضم فوقانی و سکون لام و فتح با و موحده
و سکون نون ف افشره بزر البنج عصارة عوج تنبیه الال المهملة عصا
خشا ش اسود و همزه ملینة با و فتح ه و نون عجمه و سکون شین معجمه اول و کسرتون
و فتح همزه و سکون سین مهملة و فتح و او با و ال مهملة افیون تنبیه الراء المهملة
عصافه لفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون راء مهملة خس و خشک ط ح
ی ۲۵ ف شکره سرخ نون روغن بنفشه ل زهره الملح یا آرد و سفر حل عصافه
ع بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون و او ف کنجشک ه خاکی چرک و
بکیر ی ط ح ی ۲۶ ف زرد صیدک تنبیه الناء المعجمه عصارة شجرة الجوز

۲۳۵
چهارم قنایط
دو طسوق است
پوزن مار مر
والق و حانک
دو فیاطا است
پوزن هشتم
فی مده دو و قنایط
است قنایط و قنایط

مفتوح ثلثين مع وجيم وراو مهمل وضم فوقاني وسكون لام وفتح جيم ثانی وسكون واو
 ف افشده ودرخت گردگان ل مرزنجوش تنمیت السین المهملة عصارة السوس
 بضم فوقانی وسین مهمل مشدود وسكون واو وسین مهمل ثانی م رب السوس
 ف بشیر از س آب خشک شده مهمل ط مع ح د عصارة انبر بارسی بفتح همزه
 وسكون نون وفتح موحده وسكون راو مهمل و موحده بالالف وکسر راو مهمل ثانی
 وسكون تحتانی ف افشده ودرخت ل دو وزن آن زرشک متقی عصارة
 بحیة التیس کبر لام وسكون حاء مهمل وفتح تحتانی وضم فوقانی وفتح فوقانی
 مشدود ثانی وسكون تحتانی ثانی ف افشده ودرخت سرس ۳ تازول افاقیا
 تنمیت الظاء المعجمة عصارة القوط بسكون لام وکسر قاف وسكون راو مهمل
 م افاقیا تنمیت اللام عصارة المثل بسكون لام وکسر سیم وسكون ثلثة ولام
 ثانی م رب السوس تنمیت النون عصارة افستین بفتح همزه وسكون فاء وفتح
 سین مهمل وسكون نون وکسر فوقانی وسكون تحتانی ونون ثانی ف افشده
 افستین م ریوندل سه وزن آن از ورق آن عصارة شقائق النعمان بفتح
 ثلثین معجمة قاف بالالف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وفتح نون مشدود وسكون
 عین مهمل باسیم والفاء ثانی ف افشده لال عصارة بنجور مریم تنمیت الهاء
 عصبیه بضم وفتح اول وسكون ثانی وفتح موحده وحقاء م ریحان سلیمان
 گویند بلال عصفیه بفتح اول وسكون ثانی وکسر فاء وسكون تحتانی وفتح
 راو مهمل وخیری زر و تنمیت التحتانی عصارة الراعی بفتح اول وثنائی والفاء
 م قصوره وراو مهمل مشدود والفاء وکسر عین مهمل کسرة هلال ساک ط ج
 سی گویند رخ بستانی سرخ مائل بسیاهی م صندل ل غلب الثعلب تلسیق
 الصناد المعجمة و تنمیت الفوقانی عصات کبر اول وضاد معجمة والفاء وفوقانی

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

تفہیم لغت

کسر اول و سکون ثانی و کسر کاف با تخانی و الف و کسر سوحده م فلفونبا
 ست و آن نوے از این پنج است و زنگباری عکس لغت اول و ضم ثانی
 و سکون و او و کسر فاع خازرے هر جز تفتیق الطاء المهملة عکس الانباطع
 کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و
 فتح سوحده و الف و ضم بطم مفر مفر و رخت خشک طح ہی اگر کیند باقی
 منفع محمل خ ز و معتدل القوام بقدر بلح صنفه باب طلیخ مور و صطک
 تفتیق القاف علق و فتح اول و ثانی و سکون قاف و ناز الوطاب ر ق جازر
 خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضول خراطین
 حلق و ضم اول و فتح ثانی و سکون تخانی و در و توت س گل طاب سے
 ق قابض خ تر و تازه می از اینج او و در م ص بیخ ممال شکوفه اما تفتیق
 الکاف عکس کسر اول و سکون ثانی و هر صنفی که توان غایب تفتیق المیم
 علق مفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم و غطل و گویند و احم
 و هر چه بلخ بود آن را علقه خوانند عکس البطم کسر اول و سکون ثانی و ضم
 کاف و سکون لام ثانی و ضم سوحده و سکون طار مهمله م سقر تفتیق التختانی
 عکس مفتح اول و ثانی و کسر سین مهمله صبر تر عکس بغدادی مفتح سوحده
 و سکون غین معجمه با و ال مهمله و الف و کسر و ال مهمله ثانی م صطک م سفید
 لائل بند و سے تنسیق المیم و تفتیق الحیم علق مفتح اول و سکون میم و فتح لام
 و سکون جیم و فنوے از خر بوزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم
 خورند مخر بوزه رستانی تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و سکون میم و
 فتح زاده مجرب کرس تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و ثانی مشد و الف
 و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف غنقا مفتح اول و سکون ثانی با قاف

کسر اول و سکون ثانی و کسر کاف با تخانی و الف و کسر سوحده م فلفونبا
 ست و آن نوے از این پنج است و زنگباری عکس لغت اول و ضم ثانی
 و سکون و او و کسر فاع خازرے هر جز تفتیق الطاء المهملة عکس الانباطع
 کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و
 فتح سوحده و الف و ضم بطم مفر مفر و رخت خشک طح ہی اگر کیند باقی
 منفع محمل خ ز و معتدل القوام بقدر بلح صنفه باب طلیخ مور و صطک
 تفتیق القاف علق و فتح اول و ثانی و سکون قاف و ناز الوطاب ر ق جازر
 خون خ انچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضول خراطین
 حلق و ضم اول و فتح ثانی و سکون تخانی و در و توت س گل طاب سے
 ق قابض خ تر و تازه می از اینج او و در م ص بیخ ممال شکوفه اما تفتیق
 الکاف عکس کسر اول و سکون ثانی و هر صنفی که توان غایب تفتیق المیم
 علق مفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم و غطل و گویند و احم
 و هر چه بلخ بود آن را علقه خوانند عکس البطم کسر اول و سکون ثانی و ضم
 کاف و سکون لام ثانی و ضم سوحده و سکون طار مهمله م سقر تفتیق التختانی
 عکس مفتح اول و ثانی و کسر سین مهمله صبر تر عکس بغدادی مفتح سوحده
 و سکون غین معجمه با و ال مهمله و الف و کسر و ال مهمله ثانی م صطک م سفید
 لائل بند و سے تنسیق المیم و تفتیق الحیم علق مفتح اول و سکون میم و فتح لام
 و سکون جیم و فنوے از خر بوزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم
 خورند مخر بوزه رستانی تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و سکون میم و
 فتح زاده مجرب کرس تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و ثانی مشد و الف
 و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف غنقا مفتح اول و سکون ثانی با قاف

تفتیق المیم و تفتیق الحیم علق مفتح اول و سکون میم و فتح لام و سکون جیم و فنوے از خر بوزه که گوشت او سرخ و سبز و راه پیمان با تخم خورند مخر بوزه رستانی تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و سکون میم و فتح زاده مجرب کرس تفتیق الدال المهملة علق مفتح اول و ثانی مشد و الف و مور و تفتیق النون و تفتیق الالف غنقا مفتح اول و سکون ثانی با قاف

مفتوح در حقوی و طع و دل خم سندی ش نیم درم تا یک نیم درم ص و ورق گل سرخ
 ل و شکم بستن صندل زرد و در معاجین و دودانگ وزن آن و ارجین و دودانگ
 وزن آن زعفران و دودانگ وزن آن زراوند حرج و گویند مضطک و سنبل
 فانیق الهما و تنبیق النون همین یک کسر اول و سکون باو نون و صوف و ششم
 فانیق البیاء الفح و تنبیق الموح و عسب و بفتح اول و سکون تحانی و ضم سین
 مهمل و سکون و اوم اذان الفار و بار شاه زبور و غسل یا شیز نام خوانند
 حین الدب بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و وال مهمل مشدده و چشم خرس
 تنبیق الال المهمل عین الدب و سکون لام و ضم هر دو با و سکون هر دو و ال
 مهمل اسم نباتی است با فرغیتکه معروف است باذان الفار و سبب تنبیق
 الاله المهمل عیون البقر یعنی اول و ثانی و سکون و او و ضم نون و سکون
 لام و فتح موحده و قاف و سکون راء مهمل زوا و بل مغرب و اندلس اجاص است
 و گویند انور سیاه کلان که صادق اسحلا و نیست تنبیق الطاء المهمل
 حیدر و البطاط کسر اول و سکون ثانی و وائل و الف و ضم نون و سکون لام
 و فتح موحده و سکون طاء مهمل و سکون موحده ثانی و الف و طاء مهمل ثانی ساکن
 ف و جوب کسته تنبیق المیم عتیام بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف و ف
 و رخت چار تنبیق النون غیر ان میوه یک کسر اول و ثانی مجبول و زاء و مجمل
 راء مهمل و الف م قس از زعفران و ط ب ی ۲ ق فاقض خم آنچه بوسه سبب رها
 ص و عمل سفر عمل تنبیق الهما عیون الیه که بضم اول و ثانی و سکون و او و
 ضم نون و کسر و ال مهمل مشد و سکون تحانی ثانی و فتح کان و خفادان
 شمشک خروس و وجه سرخ و گونگی و رقی ط ۷ ی تنقیم الغیر المعجم
 و تنبیق و تنبیق الالف غالب و طایو ثانی و غین معجمه الف و لام الف و م

[illegible]

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثانی ف ت گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی بار او موحدة بحد ط بی ۲ گویند هم می ق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 ف تفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد و تفتح اول و ضم دال موحدة ف باد بخان تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر تفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را کسن تسمیة الموحدة لا غر ب تفتح اول و ثانی م در خنیت کمانا
 اطرا خوانند و بشیران و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و مخفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب تفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ف نو ع از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر ف تفتح اول و سکون ثانی و کسر میم سیاه و دانه تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود و تفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم حیم و لام ثانی و
 سکون واو ف تسمیة ط ح ۲ ی ۲ خود م کسر اول و سکون ثانی ف نو ع از انکور
 غر قد تفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عو سج تسمیة الدال الموحدة
 قر تفتح اول و ثانی م نوعی از عی الراء که معروف است باره غر کسر اول
 م نوعی از سمار و ع تسمیة الشین الهمزة غرا نو ف تفتح اول و سکون ثانی با سیم
 و الالف و ضم نون و سکون و ا و هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و هم حاست
 غر و شین تفتح اول و سکون ثانی با و او و الالف م بچیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک م تفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم ف تسمیة

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثانی ف ت گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی بار او موحدة بحد ط بی ۲ گویند هم می ق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 ف تفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد و تفتح اول و ضم دال موحدة ف باد بخان تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر تفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را کسن تسمیة الموحدة لا غر ب تفتح اول و ثانی م در خنیت کمانا
 اطرا خوانند و بشیران و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و مخفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب تفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ف نو ع از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر ف تفتح اول و سکون ثانی و کسر میم سیاه و دانه تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود و تفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم حیم و لام ثانی و
 سکون واو ف تسمیة ط ح ۲ ی ۲ خود م کسر اول و سکون ثانی ف نو ع از انکور
 غر قد تفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عو سج تسمیة الدال الموحدة
 قر تفتح اول و ثانی م نوعی از عی الراء که معروف است باره غر کسر اول
 م نوعی از سمار و ع تسمیة الشین الهمزة غرا نو ف تفتح اول و سکون ثانی با سیم
 و الالف و ضم نون و سکون و ا و هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و هم حاست
 غر و شین تفتح اول و سکون ثانی با و او و الالف م بچیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک م تفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم ف تسمیة

و تسمیة الالف غبار الراء بضم اول و موحدة بالالف و ضم را و موحدة و کسر را و موحدة
 مشددة ثانی با جا و موحدة بالالف ثانی ف ت گرد آسایا بضم اول و فتح ثانی و
 سکون تحتانی بار او موحدة بحد ط بی ۲ گویند هم می ق قایض خ انچه برگشت
 و بر پشته ص فانیل بندق تسمیة الموحدة الفارسی و تسمیة الکاف و غیره
 ف تفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که از ان بوریا بیابانند تسمیة
 الدال الموحدة و تسمیة الواو و قد و تفتح اول و ضم دال موحدة ف باد بخان تسمیة
 الراء الموحدة و تسمیة الالف غر تفتح اول و سکون را و موحدة با سین موحدة
 و الالف م را کسن تسمیة الموحدة لا غر ب تفتح اول و ثانی م در خنیت کمانا
 اطرا خوانند و بشیران و زک گویند و او را خا را بود و قطران از و حاصل شود
 درخت پده است ع اسجل طب ای گویند پوست سوخته او و پنجه او ح ۲ ی ۳
 و مخفف ح صمغ و ص جلاب ل صدف غریب تفتح اول و سکون ثانی
 و کسر موحدة و سکون تحتانی ف نو ع از انکور سیاه تسمیة الحیم الفارسی
 غر ف تفتح اول و سکون ثانی و کسر میم سیاه و دانه تسمیة الدال الموحدة
 غرا الجلود و تفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم حیم و لام ثانی و
 سکون واو ف تسمیة ط ح ۲ ی ۲ خود م کسر اول و سکون ثانی ف نو ع از انکور
 غر قد تفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوعی از عو سج تسمیة الدال الموحدة
 قر تفتح اول و ثانی م نوعی از عی الراء که معروف است باره غر کسر اول
 م نوعی از سمار و ع تسمیة الشین الهمزة غرا نو ف تفتح اول و سکون ثانی با سیم
 و الالف و ضم نون و سکون و ا و هم نون که پنج خنس کوسه آن عا و هم حاست
 غر و شین تفتح اول و سکون ثانی با و او و الالف م بچیل شامی م را سن تسمیة
 الکاف غر السک م تفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین موله بهیم ف تسمیة

طحی ۷ سفید حسن تنقیق المیم غرقم و بضم اول و ثانی م کیش و شسته
 و گو سفند و میش و شسته تنقیق الهاغه اشمیه بفتح اول و سکون ثانی باوا و الف
 و فتح شین معجونه خفا و باهم زنجبیل شامی و گویند سده می که کو انچه تنقیق التختانی غرقمی
 بفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی و سر شیم پوست گا و باگا و میش را در آب
 لے پزند و صاف سے نمایند و قرص سے سازند طحی ۸ کوف مغری بحقیف پیچید
 صاف سے بش نیم درم ص طحی ۹ الاصول ل در فنیق زفت تنسیق الزا اء المعجمه
 و تنسیق اللام غزال بفتح اول و زاء معجمه سده و الف و لام و شیر خر و کسر
 اول و ثانیه صنف و آهوز به تنسیق الزا اء الفارسی و تنسیق الالف غرقما و
 غرقا کاف بفتح اول و سکون زاء فارسی و لغت اول و کاف فارسی و لغت
 ثانیه م گا و کس که و کو بهای مابین ملک خطا و هندوستان پیدا شود و تیرگی
 آن را قطاس خوانند هر سه رنگ تنقیق الموحله کاف و غرقم بضم اول و سکون
 ثانی فارسی م هاء الگور که شیر و کس یعنی تخم انگور در سیانیش باشد تنقیق المیم
 غرقم و بضم اول و سکون ثانی فارسی م غرقم تنقیق الواو غرقما و و غرقما و و
 هر سه رنگ تنسیق السین المصله و تنسیق الالف غرقما بفتح اول و سین مصل
 مایع تنسیق الحیم غرقم بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م غرقم تنسیق الکاف
 غرقم بفتح اول و ثانی و الف م گیاره پیچان که عشقه است غرقم و بفتح
 اول و ثانیه م کرم ساس هر که مثل تنقیق اللام غرقم بفتح اول و ثانیه و
 خطمه تنقیق الشین المعجمه و تنقیق الهاغه و بکسر اول و فتح شین معجونه خفا و
 م برگ نی صحرای تنسیق اللام و تنسیق الالف غرقم یا یوناسه بضم
 اول و لام و سکون و او و کسر فا و سکون تختانی و کسر را و مصله یا تختانی ثانی
 و الف ع اصل السوس هر طبعی غلیظین آغریا سیرانی بضم اول و فتح ثانیه و سکون

[illegible]

[illegible]

وضم فوقانی و سکون و او ثانی و نوعی از ز و فراد کو یک تنسيق الهاء فاحشه
 کسیر و فتح شین معجمه و خفا و ام جدید ستر فاخته بسکون خا معجمه و فتح فوقانی
 هر بندگی طاکوشت اوج می قاعیه کسیرین ممل و فتح تحتانی م فل و فتح بلو فر
 هندس قاعیه کسیرین معجمه و فتح تحتانی و کل خطا ط م ب و هر فرس ک
 خوشبو بود نیز این نام خوانند و گویند گل رای چنبا فاغره کسیرین معجمه و فتح
 را و ممل و فاغره و کباب و شکافته تنسيق تحتانی فاشتر سس بسکون شین معجمه
 و فتح را و ممل و سکون سین ممل و کسیر نون م سپندان تنسيق الحیم و تنسيق
 اللام قبل م بضم اول و سکون جیم و لام و ف تر ب ه مولى ط برگ اوج م ای
 و مقطع لطف و برگ او معشتم بسائی سبز نازدهن از مرابی اوده و در ممل
 عمل تنسيق الحاء المعجمه و تنسيق الهاء فحظه و بفتح اول و سکون خا معجمه و
 فتح فارثانی و را و ممل فایه و تنسيق الراء المهملة و تنسيق الفوقانی و رفت به فتح
 اول و سکون ثانی و فتح فاو ثانی و سکون فوقانی و شاهتر و تنسيق الحاء المعجمه
 فتح م بفتح اول و سکون اول و ممل و جوجه مرغ و فراخ کسیر اول جمع آن فرخ بفتح
 اول و سکون ثانی و فتح فاو ثانی م بقلة الحقا تنسيق الدال المهملة فرزد و
 بضم اول و سکون ثانی و فتح زا و معجمه هر سینه و وب فرصاد و کسیر اول و سکون
 ثانی با صاد ممل و الف و توت فرغند و بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه
 و سکون نون م عشقه هر امر بیل تنسيق الداء المهملة فرغوف بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم غین معجمه و واد مجهول م تیهو فرغین بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا
 ثانی و کسیر خا معجمه و سکون تحتانی م بقلة الحقا فرغوف بضم اول و سکون ثانی
 و ضم فاو ثانی و سکون و ا و م قرا قروت و بفتح اول و ضم فاو ثانی م بود و نه با هم
 فرغیر بفتح اول و سکون ثانی و کسیر فاو ثانی و سکون تحتانی و نقشه و گویند

سبیل در آن
 کسیر و فتح شین
 هر بندگی طاکوشت
 هندس قاعیه کسیرین
 خوشبو بود نیز این
 را و ممل و فاغره
 و فتح را و ممل
 اللام قبل م بضم
 و مقطع لطف و برگ
 عمل تنسيق الحاء
 فتح فارثانی و را
 اول و سکون ثانی
 فتح م بفتح اول
 اول و سکون ثانی
 بضم اول و سکون
 ثانی با صاد ممل
 و سکون نون م
 ثانی و ضم غین
 و سکون ثانی و
 و ضم فاو ثانی
 فرغیر بفتح اول

فصل در بیان کسیرین و فتح شین و کسیرین و فتح شین و کسیرین و فتح شین

یونہ یا تینو تہنیق الیاء المعجمہ قرطیہ فتح اول و کسر ثانی و تخانی مجبول و ذرا بحجم نیم وزن
 تہنیق الیاء الفارسیہ فورث و بضم اول و ثانی م و ج یا یوید تہنیق الشیخ المعجمہ قرطیہ
 و بضم اول و سکون ثانی و شین معجمہ شیرجیوان نوذائیدہ قرطیہ فتح اول و کسر
 ثانی و تخانی مجبول م گوشت بریان تہنیق الکاف قرطیہ فتح اول و سکون ثانی
 و ضم فوقانی و سکون و اوم پرستوک قرطیہ فتح اول و سکون سین مہمل
 و ضم فوقانی و سکون و اوم سرخ و قرطیہ فتح اول و سکون سین مہمل
 مہملہ مشتقاوہ قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 شین معجمہ ریحان قرطیہ فتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر جیم و سکون
 بول و ملطف خم سیدوش از تخم و نیم شقال م صندل و گلاب بادرنجبویہ یا
 نیم وزن قرطیہ فتح اول و سکون ثانی و تخانی مجبول و فتح و اوم خربورہ
 تہنیق المیم فراخ الحما م و کسر اول ثانی و الف و ضم خا و جمہ و سکون لام و فتح
 حا و ملہ باسیم و الف ثانی و نیم ثانی و کسر جیم ط گوشت اوجہ ای گویند رص
 مہملہ و کسر تہنیق النون قرطیہ فتح اول و ثانی و الف و کسر سین مہملہ و
 ضم تخانی و سکون و اوف گند نامی کو ہے ط ۲۶ م ۳ ق مفتوح مقطع در مہملہ و
 سرخ تا تخم ش نیم درم تا یک درم ص سبل العلیب یا صوغول اسارون و چہا نون
 وزن آن لبان یا اسیون یا اقیون یا یوزن آن لاعیہ بازو فاقیون فتح اول و
 سکون ثانی و کسر موحده و ضم تخا ثانی و سکون و اوف شیر و رخت زقوم ط مہملہ
 گویند ۳۶ ق مقوقہ ملطف مہمل بلغم خم زرد صافی حاد الرائحہ قرطیہ فتح اول و سکون
 تا و در اگ مہملہ با دام شیرین و کشنیہ و لمبات و روغنہاں ماذریون نیم وزن و
 و اگ و آن چند بدست قرطیہ فتح اول و سکون ثانی و کسر سین مہملہ و ضم لام و سکون
 و اوم ملط و قرطیہ فتح اول و سکون ثانی و کسر فا و ثانی و ضم تخانی و سکون و اوم

سودای دمویش
باید احتراق
میدان قلیک
فساد و کلبه
الوارده است
روغنهای داغ
سیاه باقیمانده
در تنگ فاج آن مزج
سودای رسیده
با احتراق

فوقه وفتح اول و سکون تالی و کسر فارغانی و سکون کتانی و فتح تورک و خرفه
 تنین الواد و قراشتو و قراشتو و فتح اول و تالی و الف و سکون شین و مجمر و فتح تالی و
 سکون واد و رفعت اول و کسر اول و تالی و سکون سین و هله و رفعت ثانی کم و زائده
 و رفعت اول و سکون ثانی و واد و جبول و پستین گزترین پستین روابه پس
 هموس پس یلنگ پس قاهر بعد از آن بره و تنین الهاء و خرفه و فتح اول و سکون
 تالی و فتح زاز و مجمر و خفاز و هله و رفعت اول و سکون ثانی و
 فتح شین و مجمر شیر چوان و زاز و یله و هله و رفعت اول و سکون تالی و
 و فتح سین و مجمر سکون نون و فتح و ال معلم و عشقه و هله و رفعت اول و سکون
 تالی و فتح میم و رفعت و رفعت یونان و فتح اول و کسر ثانی و سکون شتانی و فتح
 قاف و طه و تنین السین المهملة و تنین العین المهملة و فتحة الضبع و فتح اول
 سین و هله و فتح واد و فتح تالی و فتح ضاد و مجمر مشدده و فتح و سکون عین
 هله و سمار و فتح تنین القاف و فتح کسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون
 قاف و پسته طح و سی و گویند ساق و فتح میم و زاده و رفعت بزرگ و الف از پسته
 بیرون او نیم و دم ص و ز و الومی شک یا تخم خیارل مغز بادام و مغز بن یا نیموزن
 مغز خور و نیم مغز بن یا فندق و تنین النون و سکون اول و سکون تالی و کسر لام
 و فتح ثانی و سکون واد و سبغول و تنین الهاء و فتحة الهاء و سکون
 ثانی و فتح فوقانی و قاف و سکون لام با و الف و کسر واد و فتح ثانی و خفاز و هله و ثانی
 م ح البان و فتح کیم و فسقه و فتح اول و سکون ثانی و فتح فارغانی و سین و هله و ثانی
 م است و تنین السین المعجمة و تنین العین المهملة و فتحة کسر اول و شین و مجمر
 الف و عین و هله و شهر نیل است که چون بر شاخه انگوچه پیچیده شود و مفید و سی بود
 و تنین الصاد المهملة و تنین الباء مفتوحة و فتح اول و سکون واد و هله و فتح فارغانی

و کسر اول و سکون تالی و کسر فارغانی و سکون کتانی و فتح تورک و خرفه
 تنین الواد و قراشتو و قراشتو و فتح اول و تالی و الف و سکون شین و مجمر و فتح تالی و
 سکون واد و رفعت اول و کسر اول و تالی و سکون سین و هله و رفعت ثانی کم و زائده
 و رفعت اول و سکون ثانی و واد و جبول و پستین گزترین پستین روابه پس
 هموس پس یلنگ پس قاهر بعد از آن بره و تنین الهاء و خرفه و فتح اول و سکون
 تالی و فتح زاز و مجمر و خفاز و هله و رفعت اول و سکون ثانی و
 فتح شین و مجمر شیر چوان و زاز و یله و هله و رفعت اول و سکون تالی و
 و فتح سین و مجمر سکون نون و فتح و ال معلم و عشقه و هله و رفعت اول و سکون
 تالی و فتح میم و رفعت و رفعت یونان و فتح اول و کسر ثانی و سکون شتانی و فتح
 قاف و طه و تنین السین المهملة و تنین العین المهملة و فتحة الضبع و فتح اول
 سین و هله و فتح واد و فتح تالی و فتح ضاد و مجمر مشدده و فتح و سکون عین
 هله و سمار و فتح تنین القاف و فتح کسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون
 قاف و پسته طح و سی و گویند ساق و فتح میم و زاده و رفعت بزرگ و الف از پسته
 بیرون او نیم و دم ص و ز و الومی شک یا تخم خیارل مغز بادام و مغز بن یا نیموزن
 مغز خور و نیم مغز بن یا فندق و تنین النون و سکون اول و سکون تالی و کسر لام
 و فتح ثانی و سکون واد و سبغول و تنین الهاء و فتحة الهاء و سکون
 ثانی و فتح فوقانی و قاف و سکون لام با و الف و کسر واد و فتح ثانی و خفاز و هله و ثانی
 م ح البان و فتح کیم و فسقه و فتح اول و سکون ثانی و فتح فارغانی و سین و هله و ثانی
 م است و تنین السین المعجمة و تنین العین المهملة و فتحة کسر اول و شین و مجمر
 الف و عین و هله و شهر نیل است که چون بر شاخه انگوچه پیچیده شود و مفید و سی بود
 و تنین الصاد المهملة و تنین الباء مفتوحة و فتح اول و سکون واد و هله و فتح فارغانی

و صا و ممله ثانی م است چون تر بود فصد فصد و طبه گویند و چون خشک گردد و رفت

علف گویند و رنجبه تنسیق الضاد المعجمه و تنمیز کال فضا بکسر اول باضا و معجمه و
 الف ف وائه و نیز تنمیز الهاء فضاء فضاء بکسر اول و فتح ثانی مشدود و لغوه و رو با
 ط ک ای و رق و اقوی دل خالص ش یک و لک عن قتل ل فی و ز و تنسین
 الطاء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة
 و او و انواع است یک نوع فقع که بفاست به یک خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
 و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی و شیب سرگین و بدو نوعی
 و شیب ختم شرب و آنچه سرخ بود و زهر بود و آنچه سفید بود و زهر و آنچه در زهر ختم شرب بود
 پوست او نیز زهر است و گویند قسه از دست که در کشمیر او را کتد همچو گویند لفتح کاف و نون
 و خفاء و ففتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و او و سکون و او و ضم سفید تنمیز النون
 فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با را و ممله و الف و سین ممله و الف ثانی
 و کسر لام و ضم تحال و سکون و او و مطر اسالیون ف تحم کرس کو سبت تنمیز العین
 المهملة و تنمیز السین المهملة فقیلا سوس یونانی بفتح اول و کسر عین ممله و سکون
 تحانی بالام و الف و ضم سین ممله و سکون و او و سین ممله ثانی ف چربک نشان
 تنمیز النون فغولیون روسی بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر لام و ضم تحانی و
 سکون و او ثانی م خا تنسیق القاف و تنمیز الحاء المهملة فقلح المکلف بضم اول باقا
 و الف و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر سیم و سکون ل ثانی م زهره المم فقلح ع
 بضم اول و ثانی و الف ف کل و شکوفه تنمیز الال المهملة فقلح بفتح اول و سکون
 ثانی ف تحم تکشت تنمیز الاء المهملة فقلح الاذرع بضم اول با ثانی و الف
 و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر زهره و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م کل اذ خمر
 خوشبوین بارزول قصب الذریره تنمیز العین المهملة فقلح ع بضم اول

و صا و ممله ثانی م است چون تر بود فصد فصد و طبه گویند و چون خشک گردد و رفت
 علف گویند و رنجبه تنسیق الضاد المعجمه و تنمیز کال فضا بکسر اول باضا و معجمه و
 الف ف وائه و نیز تنمیز الهاء فضاء فضاء بکسر اول و فتح ثانی مشدود و لغوه و رو با
 ط ک ای و رق و اقوی دل خالص ش یک و لک عن قتل ل فی و ز و تنسین
 الطاء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة و تنمیز الراء المهملة
 و او و انواع است یک نوع فقع که بفاست به یک خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
 و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی و شیب سرگین و بدو نوعی
 و شیب ختم شرب و آنچه سرخ بود و زهر بود و آنچه سفید بود و زهر و آنچه در زهر ختم شرب بود
 پوست او نیز زهر است و گویند قسه از دست که در کشمیر او را کتد همچو گویند لفتح کاف و نون
 و خفاء و ففتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و او و سکون و او و ضم سفید تنمیز النون
 فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با را و ممله و الف و سین ممله و الف ثانی
 و کسر لام و ضم تحال و سکون و او و مطر اسالیون ف تحم کرس کو سبت تنمیز العین
 المهملة و تنمیز السین المهملة فقیلا سوس یونانی بفتح اول و کسر عین ممله و سکون
 تحانی بالام و الف و ضم سین ممله و سکون و او و سین ممله ثانی ف چربک نشان
 تنمیز النون فغولیون روسی بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر لام و ضم تحانی و
 سکون و او ثانی م خا تنسیق القاف و تنمیز الحاء المهملة فقلح المکلف بضم اول باقا
 و الف و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر سیم و سکون ل ثانی م زهره المم فقلح ع
 بضم اول و ثانی و الف ف کل و شکوفه تنمیز الال المهملة فقلح بفتح اول و سکون
 ثانی ف تحم تکشت تنمیز الاء المهملة فقلح الاذرع بضم اول با ثانی و الف
 و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر زهره و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م کل اذ خمر
 خوشبوین بارزول قصب الذریره تنمیز العین المهملة فقلح ع بضم اول

و صا و ممله ثانی م است چون تر بود فصد فصد و طبه گویند و چون خشک گردد و رفت

بابانی و الف و عین مملکت بوز و بکنی ق ملطف ص عمل و فانا و اول رایب
 تنهین المیدو فاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف و سکون را و مملکت و میم و
 دل و آن شکوفه انگور بود و طاب تنهین النور نقل المینون بفتح اول و بسکون
 ثانی باللام و الف و کسر میم و سکون تخانی و ضم نون و سکون و اودن چوبک شان
 تنسيق اللوم و تنسيق الدال المهيمله فلنجد و فالحية بفتح اول و سکون لام و
 و ضم خا و میم و سکون و او و دال مملکت و لغت اول و کسر خا و جمعه و سکون تخانی و لغت
 ثانی م منبه و انه نقل السو و م کسر ه و و ف و سکون لام اول و کسر لام ثانی و فتح حمزه و سکون
 سین مملکت و فتح و ا و م نقل سیاه ه کالی مرج ط ح م ق ملطف منشته ش نیم
 ص عمل یا و القرع ل یک نیم وزن فضل سفید یا زنجبیل فضل الغر و بسکون لام
 ثالث و ضم غین معجمه را و مملکت و سکون و او و م و سمة تنسيق الناء المعجمه نقل و را و
 بفتح و ال مملکت و را و مملکت الف و پیل تنسيق الصناد المعجمه فضل ابيض ع بفتح حمزه و
 سکون موحده و فتح تخانی و فضل سفید ط ح م ی م خ سبک ش از التسو ب ح
 ثانییم شقال ص عمل ل زنجبیل تنسيق الکاف فلنجد شک بفتح اول و ثانی و سکون
 نون و فتح جیم و کسر میم و سکون سین معجمه کاف بالنگوی خرو تنسيق اللام
 فل ع بضم اول و سکون لام و شیخ نیلو فرسندی ط ح ی م عمل ل تفاح ع
 تنسيق النون فلنجدون کسر فائین و سکون لایین و ضم میم و سکون و ا و د و
 کو بی ط ح ی تنسيق الهاء نقل الصقاله بفتح صاد مملکت و وقاف و الف
 و کسر لام ثالث و فتح موحده و فتح نجاشت فلنجدو کسر فائین و سکون لایین
 و ضم میم و سکون و او و فتح تخانی و فتح و رخت فضل و را ز م پیل مملکت
 ح ی اثنا یک شقال تا و و شقال ص عمل ل و ا و فضل یا یا رشک یا و و ف
 وزن آن سو و رنجان و نیم وزن مغر خشک و انه فلنجد بفتح اول و ثانی و سکون نون

در یک گداز
دال است بر بدو
سفید بکارن قوت
چرخ که لونی است
وین بدست دال
دال است بر بدو
نخامو که سبک
است که بدو
بازجانی که
میراث

۲۵۳
بالا شرق وال است
بر حرات و رنگ
گندم با کودت
و غیر مشرق وال
سست بر و و و و
و رنگ از ق
و بال خفت است
علاصه انکه
دین است که

الشيخ

راب
 وسم
 و سکون
 چو یک شان
 سکون لام و
 تحماتی لغت
 فتح حمزه و سکون
 شش ش سیدم
 و سکون لام
 فاضل و راز

مفتح هنو
والتسويح
وثاني وسكون
سبق اللام
ل تفاح
واو فو
ن والف
لون لامين
لا لاول ط
يا ووف
وسكون نون

از این کتاب

وَسَكُونُوا وَادْعُوا
بِالْفَتْحِ اَوَّلَ وَ
كَسْرٍ لَامٍ ثَانِي
مَهَقٍ لِمَطْفِئِ
سِيلِ فَلْيُضِلَّ الْغُرُ
وَالنَّاءِ الْعَجْمِ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فقرت انوار

ساق اطوف
 رم وفتح كاف
 ز النور نقلا
 ماني وضم نون
 فليخود وفتح خ
 فقت اول وكس
 وسكون لام وا
 كالي مرج ط
 نفل سفيد يا
 واو وم وسمه

سید طحیسی
الکاف فلنجی
مجموعه کاف
مؤلف فریدی طحی
لئون لایمن و
نقشه بقیع صا
شت نقلمو
تج و رخت ف
عم عمل وار
سه وانه فلنجی

افغانستان

بوز و کای
بود طب تنبی
سیم و سکون نخت
الکامل المصل
او دوال معلول
دوع بکسر دوفا
غل سیاه ه
یک نیم وزن فلک
او ممل و سکون

الف به پیل تنه
ثانی و فضل سف
جکیل تنیق
م و سکون شین
ن لاص و شیخ
بکیس فامین و سکون
هیا و فضل الص
و حده و تخم
فتح تحانی و
نا و و شقال
یم وزن مغر خیا

لغات و کلمات

الف وعين م
سيد فاح الك
ان شكوفه الكور
نام والف وك
اللام وتنق
مجهه وسكون
به دانه لفل اس
مده وفتح واد
يا يا القرع
ينم نغم معجه

مملکت و راجہ
موجودہ فتح
الصلح
چیم و کسمیر
نیم اول و سکون
فنون فغلو
رحمی تنبیہ الہ
ثالث و فتح
وسکون واو
رکب متقال
ن سورنجان

الموت

باتانی م
 تهنیق الم
 دل و
 انانی با
 تهنیق
 وضم خا
 ثانی م
 سین
 ص عسل
 الث و

بفتح وال
 سكون
 تاثير شق
 نون و
 قل ع لفظ
 تسمية الد
 كوهي ط
 وكس لام
 وضع ميم
 حى ا
 وزن آ

دلالة

[illegible]

۲
الف واء مملو الف ثانی و کسرین مملو با تخیانی و الف ثالث ف الوبالوقایم
بکسرت ثانی با تخیانی م اقا قیاسنیق الموحدة قاتل الذئب بکسرت فوقانی
و ضم لام و کسر فال معجمه شد و سکون تخانی و موحده مزلق سیاه قاتل الکلب
بکسرت فوقانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ه کسلا
تنسيق الداء الممثلة قاتل النمر بکسرت فوقانی و ضم لام و فتح نون مشد و کسر
سیم م اذریون قارم قیر رال قاقله صغاع بضمت قاف ثانی و فتح لام و ضم
لمینه با و کسر صا و مملو با غین معجمه و الف ف سبل ه الاکچی خرد طح ی اگویند
مع ق مطلق و مقوی دل و مده و نیز بوی بن یک ورم ص قن یا طباشیر
باشیر و تخم خرفه یا سنجبین ل و فضل یا کبابه و سبل قاقله کبار بضمت قاف ثانی و فتح لام
و همزه لمینه با و کسر کاف با موحده و الف ثانی ه الاکچی کلان طح ی اگویند
مع ق مطلق و مقوی دل و مده و نیز بوی بن یک ورم ص قن یا طباشیر
قن یا طباشیر یک نیم وزن قاقله صغار یا یک نیم وزن کبابه و نیم وزن سبل یا

نیم وزن قفل تنمیق القاف قائل العلق ع بفتح عین هملة ولام وسکون قاف م
 نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و بهر چیزی که خشک سازند بدین
 نام خوانند تنمیق اللام قائل النحل ع بفتح نون وسکون جاه هملة ولام ف
 نملو و تنمیق النون قاطون بضم طاء هملة وسکون واو ف ثو شاد تنمیق الهاء
 قائل اخیم ع بفتح همزة وکسر خاء همزة وسکون تخانی واطهار بام خصه اشعلب قائل نفسه
 بکسر فوقانی ولام وفتح نون وسکون فا وکسر سین هملة واطهار بام نوسه ان اشق
 قائل اوله ع بضم فوقالی وسکون واو وفتح لام ه دال توره قائله ع بکسر نون وفتح صا و هملة
 م سنگدانه مرغان ه بضم طح ح رق مغدی خ از طائر فیه ص سرکه و ابا زیر
 تنمیق التختانی قاقلی بضم قاف ثانی وکسر لام وسکون تخانی ثانی است مانند
 ایشان وگویند مانند کثوث طح ی ای سسل من از آب اویم طل ص کثوث الیسیا
 تنسیق الباء الموحدة و تنمیق الجیم قح ع بفتح اول وسکون موحدة ف کبک
 م آتشخواره ط گوشت اوح و تنمیق الراء المهملة قبا بر ع بفتح اول و ثانی
 والف وکسر موحدة ثانی وسکون راء هملة چکا و کیا طح ی خ فسر بهر بیان کرده
 تنمیق المقاف قبا ق بفتح اول و ثانی والف و قاف ثانی ف کد و تنسیق
 تنمیق الفوقانی قمت ع بضم اول وسکون فوقانی م اسمی است تنمیق الال
 المهملة قما و ع بفتح اول و ثانی والف م و رخت خار داری ست که صمغ و
 کثیر است بشیر از ی ف کم طح و تنسیق الشاء المشکة و تنمیق الالفت
 قشاع بفتح اول و مشکة ف خیار و راز هر گلر می طاب رسق در محلخ نیشا بک
 پنجه تازه ص غسل ل یا در رنگ تنمیق الدال المهملة قشع بفتح اول و ثانی
 وسکون وال هملة خیار بالنگ ه کثیر اطاب و تنمیق الراء المهملة قمار کما
 ع بفتح اول و ثانی والف وضم همزة وسکون لام وکسر حاء هملة باسیم والف ثانی و

این بار در طلب
 است علی بن ابراهیم
 که در این جزوه
 است و در این
 ۲۵۴
 فصل در بیان
 تنمیق و تنسیق
 است و در این
 است و در این
 است و در این
 است و در این

این کتاب در بیان
 تنمیق و تنسیق
 است و در این
 است و در این
 است و در این

در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقیح رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقیح المیم
قشال النعام ع بضم نون با عین مهمله الف م خطل کو یک تنقیح الهاء قشال
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیح تحتانی قشال هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشال هندی و خیا و خبر تنقیح الدال المهمله
و تنقیح الالف قدسیا بفتح اول سکون ال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیح الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیح
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و گوشت خشک
نه از حیوان و تنقیح المیم قدح مرم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیح الداء المهمله و تنقیح الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیح
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم وال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قشال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونی بضم اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
واو و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آن که اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن زب
و ندان کند فرسیا بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م تو قیا تنقیح الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیح الدال المهمله

در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقیح رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقیح المیم
قشال النعام ع بضم نون با عین مهمله الف م خطل کو یک تنقیح الهاء قشال
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیح تحتانی قشال هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشال هندی و خیا و خبر تنقیح الدال المهمله
و تنقیح الالف قدسیا بفتح اول سکون ال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیح الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیح
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و گوشت خشک
نه از حیوان و تنقیح المیم قدح مرم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیح الداء المهمله و تنقیح الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیح
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم وال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قشال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونی بضم اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
واو و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آن که اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن زب
و ندان کند فرسیا بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م تو قیا تنقیح الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیح الدال المهمله

از م در اول مهمله هر کلا طحی ۳ ق سبیل بلغم و تنقیح رسیده ش یک م تا یک شقال
و گویند عصاره او در واقع ص کتیه مثل ایما صنع و در اول ماه و اندام تنقیح المیم
قشال النعام ع بضم نون با عین مهمله الف م خطل کو یک تنقیح الهاء قشال
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و فقاء با م زازند طول و گویند خطل کو یک
تنقیح تحتانی قشال هندی بزی یکسکون نون و کسر ال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله و قبل قشال هندی و خیا و خبر تنقیح الدال المهمله
و تنقیح الالف قدسیا بفتح اول سکون ال مهمله و کسر سیم یا تحتانی و الف م
قلبی یا تنقیح الحاء المهمله قدح بفتح اول و ثانی و الف م فصفه تنقیح
الدال المهمله قدح بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و گوشت خشک
نه از حیوان و تنقیح المیم قدح مرم بفتح سیم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنقیح الداء المهمله و تنقیح الالف قمر اصیاء بفتح
اول و راء مهمله الف و کسر صاء مهمله یا تحتانی و الف بالو طح راق ملین و تنقیح
رسیده سیاه ش یک کف و فرغ ص طنجین ل اجاص قروانا بضم اول و
سکون ثانی و ضم وال مهمله یا سیم و الف و نون م کرو یا جلی طح ۳ ی اف انش
بفتح لطیف مدرقه از زرد قشال ص انیسون یا مندل ل خول
و حرمل و شکط اشبع و طمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سیم و الف
و نون م قروانا قمر ثانی یا نونی بضم اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون
واو و کسر سیم و سکون عین مهمله یا سیم ثانی م نقل روغن و عفران طح ۳ ی سر فریه
سیاه بی چوب و بعد از آن که اختن در آب بزرگ زعفران ماند و بعد از خائیدن زب
و ندان کند فرسیا بضم اول و سکون ثانی و کسر سیم یا تحتانی م تو قیا تنقیح الحاء
المهمله قرح بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله و تنقیح الدال المهمله

[illegible]

ابر و قد روم بضم اول ثانی بالفت و اول معله در لغت اول و کسبل اول و سکون
 ثانی در لغت ثانی ف کنه و گویند هر بنگر و فرسید کسبل اول و سکون ثانی و ک
 سیم و سکون تخانی و خشت پنجه تنبیه الی اع المهمله قرن البحر بفتح اول
 و سکون ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حاء معله ف کسب باقر
 بضم اول و فتح ثانی و سکون تخانی هاء نون تنبیه الی اع المعجمه قرقر کسبل اول
 و سکون ثانی و کسب سیم و وود الصباغین ف کرم زنگران که بدان ابر کشیم
 صوف رنگ کنند تنبیه السین المهمله قرطاس کسبل اول و سکون ثانی با
 طاء معله و الف ف کاغذ طب ای ۲ ق مخفف ۶ مصری ص کسبل و وود
 بر دی تنبیه الصناد المعجمه قراض بفتح اول ثانی و الف ف بالونه قرقر بفتح
 اول و کسب ثانی و سکون تخانی ف تخم انچه تنبیه الطاء المهمله قراطع بفتح
 اول و ثانی و الف ف تخم مثل تنبیه الطاء المعجمه قرط بضم اول و سکون
 ثانی م نوعی از اسپست و کسبل اول م نوعی از کرات و بفتح اول ثانی سکون ثانی تیرم
 کرت و آن صمغ درخت فلفل است و اما قیاع صابره اوست طب ای اف
 قاض ش یک درم ص آب که دل جلنا تنبیه العین المهمله قرقر م بفتح
 اول و سکون ثانی و عین معله ف کد و طب ای ۲ ق بلین ۷ تر و سبز و شیرین
 ش از آب او نیم رطل ص خردل سیل تر تنبیه الکاف قرقر بضم اول و
 سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و شکر تنبیه اللام قرقره القرض م
 کسبل اول و سکون ثانی و فتح ف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و راء معله
 و سکون نون و ضم فام قرقره الطیب پوست هر خوب و درخت را قرقره
 خوانند و آن پوستی است بود بودون قرقره و طعم قرقره دارد و غیر حلاوت و اریخی
 ل و قرقره ع لقبه اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف بیخک هر کونگ طعم

و چون از چمن
با حارث فریب
غالب بود و بدست
حارث غریب
عقل خود باعث
غلبه حارث فریب
چون عصارات
ترش در شدت
گرایا اگر برودن
غالب شود و حارث
۲۵۸ چین
عصارات ترش
در سربازان که
در کشت غریب
مکن کند و در جبهه
کمان این همه است
نیست است
پسین چون او
مهر و دست چنانچه
عنصر

[illegible]

ی ۲ گویند ۳ ملطف و مقوی و باغ و بکر و معده ۴ تیر کرم تنج باریک چوب
ش نیم و ررم صمغ عربی یا فوفل ل نیم وزن جوز الطیب نیم وزن و ارغنی و قرقه
یا نیم وزن و فنج شک و نیم وزن آن خود لنبان و گویند و آن خود لنبان قرن مغز و ابر
ف و بفتح اول مسکون نون و فتح میم و عین مهمله و سکون زاده و کسره و فتح تحتانی
شده و م شاخ بزکوی ۷ از ازل بر یک سوخته باشند ص کسر ال اسارون و خولنج
قرن لضم اول و ثانی و سکون و او م مرجان قرن انبل ع لضم اول و ثانی و
سکون و او و ضم نون و عین مهمله شده و سکون نون ثانی و ضم موحده و رمان
سنبلیله مانند و آن ارموم است هر سنگی از هر طح ۷ ی ۲ تخم الیم قرطیم
اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و خسکه اند هر طح ۷ ی ۲ لاق تنضج ملطف
نه سفید و فربش ده و ررم از آب او صحت ل یک وزن با دوام و ربع وزن تخم
انجیر تخمیت النون قره العین ع لضم اول و فتح ثانی شده و ضم فوقانی و سکون
لام و فتح عین مهمله و سکون تحتانی م کرس المار طح ۷ ی ۲ قجلی مقطع شش و مطبوخ
نیم و ررم صمغ کالج ل کرس قران بفتح اول و ثانی و حاء مهمله و الف ملو عی از کمات
سفید کوچک قره آسن لونیانی بفتح اول سکون ثانی با و ال مهمله و الف و کسره
م حرف قران بفتح اول سکون ثانی با و ال مهمله و الف و کسره هر یکی که اکثر
بسک و گاو می چید قره آمون یونانی بفتح اول سکون ثانی با و ال مهمله و الف
و ضم میم و سکون و او و کسره ثانی م قرمانا و سطر ایون بفتح اول و کسره ثانی
سکون عین مهمله با و الف و کسره و ضم ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م کمات
کوی قرقران بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و او مهمله ثانی و الف م کروی
قرقران رومی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و او مهمله ثانی و سکون و او
م سعد قرقران سیانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با قاف ثانی و الف و

اگر ویا تو نون بصیرم اول مثانی و سکون و او ف شانها و سر و ماه سینک طب بی
 بجفت خ از ایل نین نیم در ص سد اب ل مافر تنیق العا و قو رسه الی بصیرم اول و
 سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون و او م عفران تنیق التحتانی قمرم هندی
 بصیرم اول و سکون ثانی و ضم طار ممله و کسر سیم و او سکون نون و کسر و ال ممله
 حب الشیل قمره الدار چینی م کسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و فتح و ال ممله
 شده و الف و سکون و او ممله و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون م جوب و جیم
 هج طح بی ۳ ق ملطف مقوی جگر و معده و سبی که گزنده زبان ش نیم شغال ل
 نیم وزن قفل و نیم وزن و دار چینی و قفل لبثانی م فرج شک تنیق السین الممله
 و تنیق الکاف قسا بفتح اول و سین ممله سلیخه تنیق الموحده قسیم بفتح اول
 و سکون ثانی و ف خراب و یون و ان نوعی از خراب هندی خشک است طح بی
 تنیق الراء الممله قسطیر کسر اول و سکون ثانی و کسر طار ممله و سکون تحتانی
 و قافی تنیق السین الممله قسوس بصیرم اول و ثانی و سکون و او م لبلاب
 بزرگ طح بی ۲ ق مجلی و نقی خ تازده ص شاه بلوط قسولید و یونانی بفتح اول
 ضم ثانی و سکون و او و کسر لام و سکون تحتانی و ضم و ال ممله و سکون و او ثانی م کانج
 تنیق الطاء الممله قسطع بصیرم اول و سکون ثانی هر که طح بی ۳ ق مفتوح و ال
 سبی مفرج خ تازده سفید فربش نیم در ص انیسون یا گشک خطی ل نیم وزن و فطر
 ایوج تنیق النون قسطور یون یونانی بصیرم اول و سکون ثانی و ضم طار ممله و سکون
 و او و کسر و او ممله و ضم تحتانی و سکون و او ثانی م جنید سید تنیق التحتانی قسط بحر
 بصیرم اول و سکون ثانی و کسر طار ممله و فتح موحده و سکون و او ممله و کسر و او ممله و سکون
 قسط شامی بشین معجمه الف و کسر سیم م سن قسط هندی کسر و او سکون نون و ضم
 و ال ممله قسط تلخ تنیق الشین المعجمه و تنیق الموحده قسط السج و الصلاب

[illegible]

وگویند دو دانگ ص عرق السوس ل اطفا ر الطیب یا صندل یا عود یا سبیل
 و زعفران یا قصبه صفت اول و کسریانی و سکون تخمانی و فتح صا و ممله ثانی م تودی تنسيق
 الصناد المجحه و تنسيق الموحدة قصبه فتح اول و سکون صا و محجبه است قصبه
 ع لفتح اول و کسریانی و سکون تخمانی م ذکر کثیر تنسيق المیم قضم ع بضم اول و سکون
 ثانی و میم ف نه کنه تنسيق التخمانی قضا بصری ع بضم اول و ثانی و الف و
 کسره موحده و میم و سکون صا و ممله و کسره ممله کشته تنسيق الطاء المهملة
 و تنسيق الالف قفلون بضم اول طاء و ممله و سکون وا و بانون م سبغول تنسيق
 الراء المهملة قطر بکسر اول و سکون طاء و ممله ف س ه تانبا ط ح تنسيق الفاء
 قطف ع لفتح اول و سکون ثانی ف سرق ه ساگ تبجوا تنسيق النون قطران ع
 بکسر اول و سکون ثانی بار و ممله و الف ف ر غنی است که از دخت عر و گیرند و گویند
 قیر است ط ح ی م گویند س ق مقطع ملطف خ ما خور از دخت عر ص ر غنی
 بان ل نقطه سیاه و یا نیم زن چوب بید یا ورق بید یا جادو شیرازیت و ف قطن ع
 بضم اول و سکون ثانی ف نینه ط ح ر ق تخم اولین خ نو سیدین از آب او
 و تخم او و در ص ر ب السوس ل از تخم او و تخم او و با و ام تنسيق العین المهملة
 و تنسيق اللام قبل ع لفتح اول و سکون عین و فتح موحده م لوی از نکات ط ح ر
 تنسيق الضاء و تنسيق الالف المهملة قطر البیه و لفتح اول و سکون فاضم
 را و ممله و سکون لام و فتح تخمانی و ضم با و سکون وا و م میانی یا لوده ط ح ی
 ق تحلل خ فر فری صیصل زرین ش نیم و ر م ص و ر دل زفت تنسيق الساء المهملة
 قضر لفتح اول و سکون را و ممله نه بات کثوث تنسيق الطاء المهملة قفلون لفتح
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون وا و طاء و ممله ف موع از کر ا ث شامی تنسيق
 اللام و تنسيق الالف قفلون یا ر م بضم اول و سکون لام و ضم فاضم و سکون وا و

[illegible]

الف

۱۰۰

۱۰۰

التماس

۹۳

تاریخ

مجلس

۱۰۰

٥٠

مجلس شورای اسلامی

تتمتع بالهبة فتنطق بكسر أول وسكون ثانی باطاء مهمل والفت موحدة الاخرى تنطق بالموحدة
فتنطق بكسر اول وفتح ثانی مشدود فتنبك هجاءناك وبعجا وگویند بهندی نمایند
که از ریسمان سازند وسمی از ونگ است طح ۲ وگویند بن مخدرش که
تا و درم تنطق الال المعجمة فتفخذ بضم اول وسكون ثانی وضم فتح فاف
تخارشت هجاءناک طح ۱ ش از گوشت وکی بخدرم علی تنطق الال المعجمة
فتأبر بفتح اول و ثانی والفت وکسر وضم موحدة وسكون راء مهمل مخرج چاک
طح ۱ و فیه بیان کرده فتنطق بكسر اول وسكون ثانی باطاء مهمل والفت موحدة ورا
فتفتق بفتح اول وسكون ثانی وفتح فاف ثانی وکسر صغیرست شفاف ماتند
سندروس فتل مصری تنطق السين المعجمة فتند بضم اول وسكون ثانی
وضم و ال مهمل وسكون سین مهمل کندش حیوانی ست که جنبید ستر خایه است هر
او دیلا و تنطق یونانی بفتح اول وسكون ثانی وضم طاء مهمل وفتح ثور و تنطق
الطاء المعجمة فتبیطع بكسر وفتح اول وسكون ثانی وکسر موحدة وسكون تحاتی فت
کرتب رومی ط مع ب ح گویند ح ای ۲ فتجفت نه تاز و زردل کرتب تنطق اللام
فتبیل بفتح اول وسكون ثانی وکسر موحدة وسكون تحاتی هر کیلا طح ۱ وگویند
ق تجفت نه سرخ نعل بندوی ش و درم وگویند ورسولات نیم شقال ص
صغیر عربی یا نیسون ل یا زبانه یا رنگ کابل یا شح ارمنی تنطق النون فتذراش
بفتح اول وسكون ثانی وکسر و ال مهمل باراء مهمل والفت م سقر فتظفر یون بفتح اول
وسكون ثانی وضم طاء مهمل وسكون واو وکسر راء مهمل وضم تحاتی وسكون واو ثانی
طح ۱ ق مقطع مفتوح ماطف مسهل بلغم در جاس رم نه دقیق ش از کبر و درم واز
دقیق یک شقال تا و شقال ص از کبر صغیر عربی وکثیر یا صندل یا بندهال از
کبر چادر و دانگ وزن آن سورخان و بوزن آن لبنی واز دقیق پسیا و شان

[illegible]

[illegible]

1550

مجلس اول
مجلس دوم
مجلس سوم
مجلس چهارم
مجلس پنجم
مجلس ششم
مجلس هفتم
مجلس هشتم
مجلس نهم
مجلس دهم

[illegible]

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند

که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دو درم و گویند سه دانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج کاسر سین ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده گشتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عط
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطاس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء که گویند کاف از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و خوک نر کانس م بخار فون م نسبه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک کاف و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند
 که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دو درم و گویند سه دانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج کاسر سین ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده گشتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عط
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطاس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء که گویند کاف از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و خوک نر کانس م بخار فون م نسبه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک کاف و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

تتمیق الفوقانی کات و بفتح قانی م نوعی از سرخ که در ولایت شوشتر بهر سدر گویند
 که چون آنرا بکار تمام بخت سال بار آورده کاشت و بفتح سین ممل و خفاء و ضم
 سرحد فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تتمیق الجیم کاج و بفتح نازی م درخت
 نار و کاج و بضم سین ممل م خار پشت کاج بفتح کات ثانی و نون و عروس
 و پرده و کوچی موطب م گویند ای گویند ۳ ق مخدر م حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
 بش و دو درم و گویند سه دانه ص معجون گل ل غلب الثعلب با حب الصنایا بفتح سفید
 کاج و بضم لام و سکون واو م کبوتر تتمیق الخاء المعجمه کاف و بضم لام و سکون
 واو و خاء معجمه م گند ناتمیق الزاء المعجمه کاسر کج کاسر سین ممل و ضم را ممل
 و سکون لام و فتح حاء ممل و میم م بزرگ قلعت ده گشتی کاف و بضم فاء و سکون واو و عط
 است مشهور طایفه ۳ ق مبر و سکون مقوی و مفرح دل و جاب خون م قیصر
 سفید که بز روی زندش یک قیر اطاس بنفشه و نملوف و زعفران یا شک یا معجون گل
 و عنبر و دو وزن طباشیر و یک وزن صندل سفید و گویند که با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح فاء که گویند کاف از ف بانون و الف ثانی م بن خورثه و با تتمیق الزاء المعجمه
 کاف و بفتح نازی م درخت کاج م صنوبر تتمیق السین المعجمه کاسر سین ممل
 و خوک نر کانس م بخار فون م نسبه از کاه است که گلش در آخر بهرات مثل پیله
 سفید بر می آید تتمیق الشین المعجمه کاکوش و بضم کاف ثانی و سکون واو
 م بنفشه تتمیق الغین المعجمه کاج و ف آتش تتمیق الکاف کار و انک و
 بسکون را و ممل یا و او و الف و فتح نون م طاریست که بر کنار آب بنشیند کاسر کف
 بسکون سین ممل و ضم هم و او و مجول م خار پشت کاج م بکات فارسی ثانی
 و نازغ و بکات عربی ثانی م یک کاک کاف و بفتح لام م که و گویند خورثه نازی
 کادوک و بسکون واو و فتح را و ممل خیار کبیر و مگر کبیر کاج و بفتح واو و سکون

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تازه تنهق اللام کامل ف بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل ف نوعی از کل گویند گند ناکه نیل هر کس تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تنهق للیم کاشیم کشتن معجمه انجیلان روستی
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تنهق النون
 کاتین ف بسکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان ف بسکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تنهق الواو کاشیم و ف بسکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت ف بضم لام ترخص طلب راق مولد و م رقیق مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مری بلبله و زیره ش از تخم او و در مری و م الاوین و فز و بعضی بند را تنهق الهاء
 کاپیسه ف بکسبه موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین ممله گل معصفر کاجیره ف
 بکسبه جیم فارسی و سکون تختانی م معصفر کاتینه ف مفتوح را و ممله و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه بکسبه و بسکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاشیم ف بکسبه زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م معصفر کاسانه ف سین ممله و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه ف بسکون سین ممله و کس کاف فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تری سقران گویند کاشه ف بفتح شین معجمه
 سج کافاله و کافله بفتح غین معجمه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجمه
 فتح لام درخت ثانی م گل معصفر کاشه بسکون غین معجمه و فتح زون ف کرم و و سبک ه
 بیربوی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 سید شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کافور جودانه ف بضم فاء و سکون و او
 و کسبه و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و ال ممله و الف و فتح نوون م نوعی از کافور کافیه
 بکسبه و سکون تختانی و فتح شین معجمه م گل معصفر کاکره ف بکسبه ثانی و فتح را و مملعه ع

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تازه تنهق اللام کامل ف بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل ف نوعی از کل گویند گند ناکه نیل هر کس تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تنهق للیم کاشیم کشتن معجمه انجیلان روستی
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تنهق النون
 کاتین ف بسکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان ف بسکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تنهق الواو کاشیم و ف بسکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت ف بضم لام ترخص طلب راق مولد و م رقیق مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مری بلبله و زیره ش از تخم او و در مری و م الاوین و فز و بعضی بند را تنهق الهاء
 کاپیسه ف بکسبه موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین ممله گل معصفر کاجیره ف
 بکسبه جیم فارسی و سکون تختانی م معصفر کاتینه ف مفتوح را و ممله و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه بکسبه و بسکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاشیم ف بکسبه زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م معصفر کاسانه ف سین ممله و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه ف بسکون سین ممله و کس کاف فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تری سقران گویند کاشه ف بفتح شین معجمه
 سج کافاله و کافله بفتح غین معجمه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجمه
 فتح لام درخت ثانی م گل معصفر کاشه بسکون غین معجمه و فتح زون ف کرم و و سبک ه
 بیربوی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 سید شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کافور جودانه ف بضم فاء و سکون و او
 و کسبه و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و ال ممله و الف و فتح نوون م نوعی از کافور کافیه
 بکسبه و سکون تختانی و فتح شین معجمه م گل معصفر کاکره ف بکسبه ثانی و فتح را و مملعه ع

نوون و فتح جیم خیار باز رنگ سبز تازه تنهق اللام کامل ف بضم کاف ثانی و سکون لام
 ع خطه روحی کامل ف نوعی از کل گویند گند ناکه نیل هر کس تختانی و خفا و لون و فتح
 موحده فارسی و اظهار نام و ارشاد نشان تنهق للیم کاشیم کشتن معجمه انجیلان روستی
 طحی ۳۷ زرد تر بزرگ ورق من تخم را زبانه دل در در تخم انجیره یا تخم گند تنهق النون
 کاتین ف بسکون را و مملعه و فتح فوقانی ع عنکبوت کاکان ف بسکون کاف ثانی
 با موحده و الف ثانی م نبات قمر طم تنهق الواو کاشیم و ف بسکون نوون و سکون تختانی و فتح
 زرد مملعه م فاو یون کاهوت ف بضم لام ترخص طلب راق مولد و م رقیق مسکن حد
 آن و کاهوت مورت صفر مفتوح سدر و بول منوم راجع اور ام ملین و یو دینه و کرس
 و مری بلبله و زیره ش از تخم او و در مری و م الاوین و فز و بعضی بند را تنهق الهاء
 کاپیسه ف بکسبه موحده فارسی و سکون تختانی و فتح سین ممله گل معصفر کاجیره ف
 بکسبه جیم فارسی و سکون تختانی م معصفر کاتینه ف مفتوح را و ممله و سکون فوقانی و فتح زون
 ع علیه بکسبه و بسکون را و مملعه و فتح فوقانی عنکبوت کاشیم ف بکسبه زو فارسی و سکون
 تختانی و فتح را و مملعه م معصفر کاسانه ف سین ممله و الف ثانی و فتح زون مرغی سبز
 رنگ که در ولایت خورستان بسیار میشود کاسکینه ف بسکون سین ممله و کس کاف فارسی
 و سکون تختانی و فتح نوون م مرغ سبک که تری سقران گویند کاشه ف بفتح شین معجمه
 سج کافاله و کافله بفتح غین معجمه و الف ثانی و فتح لام درخت اول و سکون غین معجمه
 فتح لام درخت ثانی م گل معصفر کاشه بسکون غین معجمه و فتح زون ف کرم و و سبک ه
 بیربوی گویند جانور نیست سرخ زهر دار که بر و فطما می سیاه باشند و بیشتر دریا لیر یا
 سید شود و از آتاه ساز و ج زرد و گویند خیره کافور جودانه ف بضم فاء و سکون و او
 و کسبه و مملعه و فتح جیم و سکون و او ثانی با و ال ممله و الف و فتح نوون م نوعی از کافور کافیه
 بکسبه و سکون تختانی و فتح شین معجمه م گل معصفر کاکره ف بکسبه ثانی و فتح را و مملعه ع

اول و کسره ثانی مشهور است بهمین نام طحی ای منقطع لطف محفل خم بستانی سنی
از رخ او شمع شغال صفا سلطو خود و گویند که و خیارل حسب ورق آن باز دارند که بود
فتح اول و ضم ثانی و سکون و داو فتح وال معلوم گشته که آنرا با میوه ای که یک بخورند خنق الف
کیون ف بصم اول و ثانی و داو و جمل و الف سیاه وانه تنقیح الاله که بسته
ف بصم اول و ثانی و سکون سین هله و ضم فوقانی و سکون و داو فتح خنق تنقیح الهاء
کتابه فتح اول و داو و موحده و هاء و مام فاعشره و تخم تدر طحی گویند
۲۱ فتح در محفل قافض خمینی خوشبوی زبان گزیده ش و دو دنگ تا نیم درم ص
صندل و کباب یا صطلکی یا تخم کاهو یا کاجیل ایل بود و در پی یا اسل و ن کسبه و ف
اول و ثانی و سکون سین هله و فتح فوقانی م خنق کسبه و ف بصم اول و کسره ثانی و سکون
تحتانی و فتح وال هله بست گندم و پنجه و خیزان هسا تو تنقیح الموحده فارسی و
تنقیح السین الموحده کباب و فتح اول و موحده فارسی و الف م نبات پنبه تنقیح
الکاف کیوک ف فتح اول و ضم ثانی و سکون و داو و کاف ثانی م طایری است که
بنا جنس خود و جنسی کند و اگر احیا تا بر جا خود کیوک جانور دیگر که نه باشد به بیند و زمان
ماوه شود و بان زحمت گرد و تنقیح تحتانی کبی ف فتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی
م میون تنقیح و تنقیح التاء الفوقانی کت ه کسره اول و سکون فوقانی هندی و
خبت الحیدر تنقیح الحاء المجهه کت ف فتح اول و ثانی م قروت و چاشنی و فاقن
تنقیح الاله کت و ف فتح اول و ضم ثانی هندی و سکون و داو و نون فتح موحده و انهارا
و سکون و ماحله شمس از آن خوشی تنقیح الفین المجهه کت ف فتح اول و ثانی م قروت
و چاشنی و فاقن تنقیح الکاف کت ف فتح اول و ثانی م سیب جزیران هندی و
که چون سائیده و آب که بگل آمیخته باشند بریزند آنرا صاف کنند و تنقیح الاله کت ف فتح اول
ثانی هندی و انهارا و موحده فارسی و الف و فتح وال هله هندی و سکون م قروت و ف فتح اول و ثانی م قروت

اول و سکون ثانی ہندی و فتح اہم سورہ ہند بست متشابہ سکینہ تنقیح الیم کہ فتح اول ثانی و
 سکون سیم و سیم یعنی ورق ثانی تنقیح الیم کان فتح اول ثانی و الف لیس ملک کان فتح
 اول و کسر ثانی بار اوصلہ و الف ع قطران تنقیح الیم اوکتوت فتح اول و ضم ثانی
 و سکون و ادم طائرست سکوزار و ضم اول غور و سیم تنقیح الیم ثانی ثانی و فتح
 اول و ثانی ہندی و الف و کسر ہمزہ و وائی مشورہ ہندی است کہ گل اور افکار
 کل خار گویند گنگی ہضم اول و سکون ثانی ہندی و کسر کا ثانی م خرق و تنقیح
 الثاء المتثلثہ و تنقیح الیم کثیر فتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی بار اوصلہ
 و الف ہر کثیر اطمق مقوی سیم سکون خ سفید یاکش نیم شقال تا یک ورم
 ہی انیسون یاکرسل صیغ عربی یاد اہم باختر و اندک و تنقیح الیم صیغ
 کثیر الاصل فتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و ضم را وصلہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون
 ہمزہ با لام و الف ن کا و زبان تنقیح الیم کثیر اصل فتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و ضم را و
 وصلہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون را وصلہ و ضم سیم بسفلی فتح تنقیح الیم کثیر
 اول و ثانی و الف و اظہار اہم و ضم حرج تنقیح الیم الفاصیح فتح اول و سکون حرج
 م ایشم و وایہ ہر کثیر الکاف فتح اول و ثانی و سکون کان و فتح کثیر
 قصب گویند تنقیح الیم کثیر فتح اول و سکون ثانی و فتح لام و فخر اہم طائر عکہ تنقیح
 و تنقیح الیم الفاصیح و ضم اول و سکون حرج فارسی م فکوس لہی ہر کثیر تنقیح الیم
 کثیر فتح اول و سکون ثانی فارسی بانون و الف م وخت ہند بست کہ بار و غوانی
 وار و شکونہ اش ناخو شیت کچورہ فتح اول و ضم را و فارسی و سکون و ادم و زبنا و تنقیح
 کچون ہر فتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم لام و واصلہ و زبنا و غوانی و سکون
 الیم و تنقیح الیم کثیر و کثیر فتح اول و سکون حرج واصلہ و الف و لغت اول و کسر
 واصلہ و سکون ثانی و لغت ثانی م سیم مستکہ کہ لسان و فتح تنقیح الیم صیغ
 کسر فارسی و ضم اول و سکون ثانی و کسر لام بانا و الف واصلہ و سکون سین واصلہ

[illegible]

م از رتبت تنسيق اللام محل عضم اول و سکون ثانی و سر سه هاء مخفیة اللام
 محل جولان عفتحه هاء محله ثانی و واد و لام و الف م حضم محل السودان عفتحه سین
 محله مشد و سکون و واد و اول محله و الف م شمشیرج هاء کسرة تنسيق الحاء المعجمة
 و تنسيق الجیم کج ف بضم اول و سکون خا و معجمه و جیم م گیا ہی ست که از و جارب سازند
 تنسيق الحاء المعجمة کج ف بضم اول و سکون خا و معجمه م گیا هی لوخ تنسيق الدال المهمله
 و تنسيق الحاء المعجمة که دوی تلخ ف بفتح اول و ضم دال محله و واد و مجهول و تخانی
 مجهول و فتح فوقانی و سکون لام هاء توبیخی تنسيق الراء المهمله که بفتح اول
 و ثانی و سکون راء محله م کاوی هاء کیو طاطاب میاق سکون من یک شقال
 عنابل شربت فواکه و من بدل تنسيق المیم که ر م ف بضم اول و سکون ثانی و
 ضم راء محله م غله ایست مانند ازرن که اکثر در بیج نرا باشد که م بفتح اول و ثانی
 م و رخت هندی است که گلش زرد و شباهت است به که کزیک و کوی خور و تنسيق اللون
 که دوی شیرین ف بفتح اول و ضم ثانی و واد و مجهول و تخانی مجهول و کسر شین معجمه
 سکون تخانی ثانی و کسر راء محله و سکون تخانی ثالث ع فصر تنسيق الهاء که فی
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده پو ست خزیه تنسيق الواو المهمله تنسيق
 الالف که ا ه بضم اول براء محله و الف و رخت لسان العصاره که کاف بفتح اول
 و ثانی و الف باکاف ثانی م پورده ع سلوی که اگر بفتح اول و ثانی و فتح کاف ثانی
 و راء محله ثانی م ضاع که ریاف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی و گیا ہی ست
 که آن را بلند و زگو نید که م یضام بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و معجمه ملینه با مفتح
 موحده و سکون تخانی با ضا و معجمه م فاشتر که سه سعه و بفتح سین محله و سکون واد
 و اول محله م فاشتر سین که ثانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با موحده م کلم که ثانی
 ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و ضم موحده و سکون لام با سیم و الف مده

مجلس اول

[illegible]

۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

فصل اول در بیان سکون و حرکت
 الفتح اول و ثانی م ک را اول و سکون ثانی م با کسان و کبک و سرطان و بضم اول
 و سکون ثانی م بضم نری که ابن موسی برز و بند و آنرا بشانه آورده بریند و شال و
 امثال آن بیافند که شک و بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین بضم حوزة
 مرغ تنیق الکاف الفار سے رگ و الفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م کرگن
 که گیند تنیق اللام کریم و الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات هندیست
 خار داری برک که مراد و او هندیست گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و ضا نون
 و فوقانی هندی ثانی و از واج سازند تنیق اللیم که م بضم اول و سکون ثانی و ضم
 کاف ثانی م ر عطران کرم و الفتح اول و سکون ثانی و نر و رخت انکور ط ۷ م کاف
 قاضی بلسانی ص کتیرا و صحن عربی ماشکه و الفتح ثانی و کلم کر و ش الغنم بضم اول
 ثانی و سکون و او و ضم شین معجیه و سکون لام و فتح عین معجیه و نون م و فرنیون
 تنیق النون کر و لین و الفتح اول و سکون ثانی و کسر دال ممله و سکون تحتانی و کسر
 لام م نوعی از سیسیا لیوس کر و کرسن و الفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم
 را و ممله ثانی م و او مجهول و فتح هام سکت المساک مکی است ط ۷ ی ۲ کر کرین بجر
 الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و فتح هام عاقر قرحا کرین رومی و الفتح اول و سکون
 ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م قنطوریون و تنیق الواو کر و باسو و کر و بسوف و الفتح
 اول و سکون ثانی با سو حده و الف و ضم سین ممله و سکون و او و لغت اول و ضم
 سو حده و ضم سین ممله و لغت دوم م جانو علیا سه کر جفوف و الفتح اول و سکون ثانی و
 فتح جیم و ضم قام طار پودنه کر و الفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در
 بینه نمد کر و الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و ضم هام عاقر قرحا تنیق الهام
 کر و باسو و کر و الفتح اول و سکون ثانی با سو حده و الف و فتح سین ممله و لغت اول
 و فتح سو حده و لغت ثانی م چلیا سه کر تنیق و الفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی

فصل اول در بیان سکون و حرکت
 الفتح اول و ثانی م ک را اول و سکون ثانی م با کسان و کبک و سرطان و بضم اول
 و سکون ثانی م بضم نری که ابن موسی برز و بند و آنرا بشانه آورده بریند و شال و
 امثال آن بیافند که شک و بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین بضم حوزة
 مرغ تنیق الکاف الفار سے رگ و الفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م کرگن
 که گیند تنیق اللام کریم و الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات هندیست
 خار داری برک که مراد و او هندیست گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و ضا نون
 و فوقانی هندی ثانی و از واج سازند تنیق اللیم که م بضم اول و سکون ثانی و ضم
 کاف ثانی م ر عطران کرم و الفتح اول و سکون ثانی و نر و رخت انکور ط ۷ م کاف
 قاضی بلسانی ص کتیرا و صحن عربی ماشکه و الفتح ثانی و کلم کر و ش الغنم بضم اول
 ثانی و سکون و او و ضم شین معجیه و سکون لام و فتح عین معجیه و نون م و فرنیون
 تنیق النون کر و لین و الفتح اول و سکون ثانی و کسر دال ممله و سکون تحتانی و کسر
 لام م نوعی از سیسیا لیوس کر و کرسن و الفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم
 را و ممله ثانی م و او مجهول و فتح هام سکت المساک مکی است ط ۷ ی ۲ کر کرین بجر
 الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و فتح هام عاقر قرحا کرین رومی و الفتح اول و سکون
 ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م قنطوریون و تنیق الواو کر و باسو و کر و بسوف و الفتح
 اول و سکون ثانی با سو حده و الف و ضم سین ممله و سکون و او و لغت اول و ضم
 سو حده و ضم سین ممله و لغت دوم م جانو علیا سه کر جفوف و الفتح اول و سکون ثانی و
 فتح جیم و ضم قام طار پودنه کر و الفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در
 بینه نمد کر و الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و ضم هام عاقر قرحا تنیق الهام
 کر و باسو و کر و الفتح اول و سکون ثانی با سو حده و الف و فتح سین ممله و لغت اول
 و فتح سو حده و لغت ثانی م چلیا سه کر تنیق و الفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی

فصل اول در بیان سکون و حرکت
 الفتح اول و ثانی م ک را اول و سکون ثانی م با کسان و کبک و سرطان و بضم اول
 و سکون ثانی م بضم نری که ابن موسی برز و بند و آنرا بشانه آورده بریند و شال و
 امثال آن بیافند که شک و بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین بضم حوزة
 مرغ تنیق الکاف الفار سے رگ و الفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م کرگن
 که گیند تنیق اللام کریم و الفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات هندیست
 خار داری برک که مراد و او هندیست گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و ضا نون
 و فوقانی هندی ثانی و از واج سازند تنیق اللیم که م بضم اول و سکون ثانی و ضم
 کاف ثانی م ر عطران کرم و الفتح اول و سکون ثانی و نر و رخت انکور ط ۷ م کاف
 قاضی بلسانی ص کتیرا و صحن عربی ماشکه و الفتح ثانی و کلم کر و ش الغنم بضم اول
 ثانی و سکون و او و ضم شین معجیه و سکون لام و فتح عین معجیه و نون م و فرنیون
 تنیق النون کر و لین و الفتح اول و سکون ثانی و کسر دال ممله و سکون تحتانی و کسر
 لام م نوعی از سیسیا لیوس کر و کرسن و الفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم
 را و ممله ثانی م و او مجهول و فتح هام سکت المساک مکی است ط ۷ ی ۲ کر کرین بجر
 الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و فتح هام عاقر قرحا کرین رومی و الفتح اول و سکون
 ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م قنطوریون و تنیق الواو کر و باسو و کر و بسوف و الفتح
 اول و سکون ثانی با سو حده و الف و ضم سین ممله و سکون و او و لغت اول و ضم
 سو حده و ضم سین ممله و لغت دوم م جانو علیا سه کر جفوف و الفتح اول و سکون ثانی و
 فتح جیم و ضم قام طار پودنه کر و الفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در
 بینه نمد کر و الفتح هر دو کاف و سکون هر دو را و ممله و ضم هام عاقر قرحا تنیق الهام
 کر و باسو و کر و الفتح اول و سکون ثانی با سو حده و الف و فتح سین ممله و لغت اول
 و فتح سو حده و لغت ثانی م چلیا سه کر تنیق و الفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی

الشيخان محمد بن الحسين و محمد بن الفضل و محمد بن الحسن و محمد بن علي و محمد بن احمد و محمد بن محمد و محمد بن ابي طالب و محمد بن ابي جعفر و محمد بن ابي القاسم و محمد بن ابي اسحاق و محمد بن ابي عبد الله و محمد بن ابي حمزة و محمد بن ابي سعيد و محمد بن ابي بكر و محمد بن ابي رافع و محمد بن ابي ذر و محمد بن ابي سلمة و محمد بن ابي ميثاق و محمد بن ابي نجر و محمد بن ابي شريك و محمد بن ابي بصير و محمد بن ابي حنيفة و محمد بن ابي ثعلبة و محمد بن ابي رباح و محمد بن ابي عمار و محمد بن ابي قيس و محمد بن ابي سفيان و محمد بن ابي وايلق و محمد بن ابي ايوب و محمد بن ابي خزيمة و محمد بن ابي مرثد و محمد بن ابي ديار و محمد بن ابي غياث و محمد بن ابي جندب و محمد بن ابي بشار و محمد بن ابي ربيعة و محمد بن ابي كعب و محمد بن ابي جراح و محمد بن ابي صخر و محمد بن ابي يونس و محمد بن ابي بلعة و محمد بن ابي الهيثم و محمد بن ابي اسيد و محمد بن ابي مسعود و محمد بن ابي عمير و محمد بن ابي عامر و محمد بن ابي عثمان و محمد بن ابي شيبة و محمد بن ابي طه و محمد بن ابي حنبل و محمد بن ابي داود و محمد بن ابي ماجه و محمد بن ابي يعقوب و محمد بن ابي يوسف و محمد بن ابي عمر و محمد بن ابي حنبل و محمد بن ابي داود و محمد بن ابي ماجه و محمد بن ابي يعقوب و محمد بن ابي يوسف و محمد بن ابي عمر

ماهی است که مانند سقنقر بغایت سببی است ع سکه الصید تنبیه الدال المجهله ۸ کف
الاسد م سکون لام و فتح حمزه و سین معلوم و طینتا کفر الیود و یفتح اول ثانی و ضم را و معلوم و
سکون لام و فتح سیمانی و ضم با و سکون و او م کفر الیود و تنبیه الدال المجهله ۸ کف
اول و سکون ثانی و کسر شین مجمره و سکون و تخانی و ا و می که ز و نقره و دیگر فزات بدان
پیوند کنند تنبیه الدال المجهله ۸ کف یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی
مجهول و ز و مجمره مجهول است آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک خرو و عمو ص و
و عا میص جمع آن تنبیه السین المجهله ۸ کف یفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
و سکون سین معلوم و فلی که کثیر تنبیه العین المجهله ۸ کف یفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
و سکون سین معلوم و فلی که کثیر تنبیه العین المجهله ۸ کف یفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
اول سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی مجهول و فتح ز و مجمره و عمو ص تنبیه الدال
کفجه نول یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء با و ضم نون و واد مجهول م برگی
است که تبری فاست بران گویند تنبیه الهاء کفجه یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و کسر لام و تخانی مجهول و فتح ز و مجمره م کفجه یک تنبیه التخیانی کفری یضم اول و سکون
ثانی و کسر لام و جهری ف یوست بهار خرمانه خوشبو تنبیه الکاف و تنبیه الا الف
الکاف یضم اول و سکون ثانی و بار او معلوم هندی ف خروس گردنده یضم اول و سکون ثانی
و فتح را و معلوم و سکون و او و خفاء نون بدال معلوم کافز الگوراه یفتح اول و ضم ثانی و واد مجهول
بار او معلوم نبات هندی است که خربش بعروس بریده نماید و خیش هر کثول تنبیه الشین المجهله
لکش و کشیش یفتح اول و کسر ثانی و سکون شین مجمره در لغت اول و کسر اول و تخانی
مجهول و کسر کاف ثانی و تخانی مجهول ثانی و در لغت ثانی م ترا تیک تنبیه الکاف کاف ف
یفتح اول و سکون کاف ثانی نالی که از او خشک بیزند م کاف و کاه رانیز گویند و یضم اول م
الکیانی که از تخم کردن باز آمده باشد تنبیه الیاء لکجه یفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی

٥٠٠

١٠٠

فصل فی تفسیر

فصل دوم

محمّد بن عبد الله

۲۸۰

۵۵ سالہ کی عمر میں
افاقا -

مدرسة الفنون
والتجارة

عساکرت

م. شاهین م. زکریا م. شرف الم. خضر م. شقال م. سفیدج م. شربا م. شرم

و خفا و اوم پندانه تنسيق الحجابي للكراسينى ه بفتح اول و سکون ثانی با را و ممل و الف ه
سین جمله و خفا و نون و کسر کاف ثالث هم دو او هندیست لگرمی ه بفتح اول و سکون
ثانی و کسر را و ممل هندی ف خیار و راز و بضم اول ف تا کیان تلسیق اللام و تنسيق کل لغت
کلا ف بفتح اول ل لام و الف م و ن و غ و ک کلیات بکسر اول و سکون ثانی با تخانی م شخار
ه ساجی کلینده ه بفتح اول کسرتانی و تخانی و خفا و نون با و ال محلات تربیه تنسيق
کلید و ج ف بکسر اول ثانی و تخانی محمول با و او و الف م فلیو از تنسيق الحاء المهمله
کلم بکسر اول و سکون ثانی ف بیز و کلم و بفتح اول و سکون ثانی و ضم سم و سکون و او م سران
تنسيق ال نال المهمله کلخ امر و دت بضم اول ثانی و سکون و او و ف و ج و فتح ه و سکون هم
و ضم را و ممل و او و محمول ثانی م نوعی از امر و تنسيق ال نال المهمله کلا و ف بفتح اول و او
و الف و فتح و او و سکون را و ممل و و کلم و کلم ه بفتح اول ثانی و مشد و او ظاهر با و الف
ه کل کنول تنسيق الناء الجمعه کلوز ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او م غوره پندانه
کلیر ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخانی م تربیه تنسيق الناء الفانسی کلوز ف بفتح
و ضم اول و سکون ثانی و ضم سم و سکون و او م جلیاسه تنسيق السین المهمله کلاس
بکسر اول و سکون ثانی ف ابک م نوره ه جونه تنسيق الشذ المزججه کلاس ف بفتح اول
ثانی با الف و عکبوت و نسج از کلاش خانه گوید کلاموش ف بفتح اول ل لام و الف
سکون کاف فارسی و ضم سم و سکون و او م موش و شتنی تنسيق الفان المزججه کلخ ف
بفتح اول و سکون ثانی و الف م نازع هر کمال و کمال و کلا ف بفتح اول و ثانی و ضم
سم و سکون را و ممل م نوعی از کسر که بر شش پرباشه تنسيق الفاء کلثان ه بضم
اول و سکون ثانی بانون و الف ه کنیه تنسيق الکاف کلثانک بکسر اول و سکون ثانی و ضم
کاف ثانی و سکون نون آخر حرفه کلثان ف بفتح اول و ثانی م کوف و بوم و خزیه نارسید
و غوره پندانه ناشگفته و کا و شین از جوان و بضم اول و سکون ثانی م شیم نرمی که از بن

[illegible]

مجلس ۱۰۰

بر دید و آنرا بشانه آورده و بر سر سینه و شال و شال آن بایستد و یکسره کاف هر کی نمود و اولی نظم
 خصوصاً و نیز صحنه است تلخ که آنرا جودانه گویند کلید یک بفتح اول و ثانی و فخر و مالدون
 فتح موحده و ف جوب خوشبوی صندل آسای سرخی مائل کلید یک بفتح اول و کسره ثانی
 و سکون ثانی م تم کل تنیق اللام کلکل بفتح هر دو کاف و سکون هر دو لام هم مثل کل
 و بفتح اول هم بر جع بهایم و گاویش نیز تنیق المسیم کل بفتح اول و ثانی هم کز تنیق
 النون کل یحجن هم ضم اول و کسره ثانی و سکون ثانی و فتح جیم هم خولخان که هیچ بزرگ غنول
 بش کلید کان کسیر اول و ثانی و سکون ثانی و فتح کاف ثانی بالفت هم حرجون کلید و ثانی و ثانی و سکون
 کسیر اول و ثانی و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و سکون لام هم خوضم را بعله و سکون و دوم هر جبر تنیق
 الواو و کلا جو و کلا ث و بفتح اول و ثانی و الف و ضم جیم و سکون و اول و ثانی و ضم زار و فاری
 و لغت ثانی م طار عکله کلا و بفتح اول و ثانی و الف و ضم جیم و سکون و اول و ثانی و الف و ضم جیم
 م نوعی از اسب و بر شام کلید و بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم سین هم و ثانی و الف و ضم سین
 و فتح موحده و لغت هم طیه تنیق اللام و کلا ث و بفتح اول و ثانی و الف و فتح زار و فاری م طار عکله
 کلا و ث و بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و فتح زار و ضم جیم و غوره غنیه ناشگفته کلون و ث
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح و او و سکون نون و فتح و ال هم و نوعی از خیار بار یک
 دراز کلید هم ضم اول و سکون ثانی و فتح ثانی و فتح کاف و ط هم ه ب گویند ی
 گویند و بفتح اول و ثانی و الف و ضم جیم و سکون ثانی و کسره ثانی و الف و ضم جیم و سکون
 غله السیت هم کاسر الحی کلیدی و بفتح اول و کسره ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسره و
 هم و نوعی از انگور سیاه رنگ که در ولایت هر یاشو و کلیدانی روی کسیر اول و سکون
 ثانی و ثانی و الف و کسره نون م اشت کل و بفتح اول و کسره ثانی و الف و ضم سین
 مایه ریزه م سکت هم ماضی تنیق المسیم و ضم جیم و الف و ضم جیم و سکون اول و ثانی
 و الف م کات و کسیر اول م نیز از تنیق الفوقالی کلا و بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین

[illegible]

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح

کون اسود وفتح اول وضم ثانی و سکون واو و کسرتون وفتح هجره و سکون سین مهله
 وفتح واو ثانی م کون بر سیت و شونیر برانیر گویند تنبیه الدال المصلح لکاشیر وفتح
 اول و ثانی و الف و کسرتین معجیه و سکون تخانی م صمغ کرس کوی که فطر اسالیون ضم
 اوست ط ه ی ۲ گویند م ق نذیب محمل خ زر و تیر بوش و و و انگ ص کل صندل
 ل جاوشیر تنبیه الدال المصلح کنیف وفتح اول و کسرتانی و سکون تخانی ۲ بول هر
 پیشاب هر موت تنبیه السین المصلح لکادریس سرانی و یونانی وفتح اول و ثانی
 و الف وفتح وال مهله و سکون راء مهله وضم تخانی و سکون واو و ز نام و ارد ط ح
 ی ۲ گویند م ق ملطف در محمل خ تازه بری که بعد از ادراک نیم گرم بریش یک
 شقال ص سفر حل ل غانث ما اسقو لو قد یون یا تخم حاض بری یا تخم شلم سری
 لکافیطوس یونانی وفتح اول و ثانی و الف و کسرتا و سکون تخانی وضم ط او مهله و سکون
 وارف هاش و ارد ط ۲ ۳ ق مفتح محلی خ لبستانی سن یک شقال ص اسین
 یا ز و برل نیم وزن سیالیوس و و انگ نیم وزن آن سلخه یا کما در یوس یا حیده
 تنبیه الکاف کرب هر فتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهله و سکون کان ثانی م میوه
 است تنبیه الیم لکام وفتح اول و سکون ثانی یا کان ثانی و الف ح اخواه الطیب
 و گویند صمغ درخت بطم کم ف بضم اول و سکون ثانی وضم کان ثانی م زعفران
 تنبیه النون لکالیون یونانی وفتح اول و ثانی و الف و کسرتا وضم تخانی و سکون واو
 نوحی اردا و در یون سیاه کون ۲ وفتح اول وضم ثانی و سکون واو انواع است کرانی
 و فارسی و شامی و بطی هر دریا ط ح ی ۲ گویند م ق محمل ملطف معشی مفتح حلص خزان
 محمل خ کرانی سن و در رم ص کثیر و گویند حل یا نخواه یا اگر کرانی یک نیم وزن بطی
 و ان فارسی نیم وزن کرانی یا تخم کرب تنبیه الوا و کون حلو وفتح اول وضم ثانی و سکون

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح

فوقانی م فطر ط ب ر ق ر وی الغذاء محل ص موز قلع تنبیه الدال المصلح

داو و کسره نون و ضم حاء و همزه و سکون لام م ایسون تنهق الهمزة کتبی و فتح اول و کسره
 ثانی و سکون تخانی و فتح جیم فارسی م کرم شتاب تنهق التختانی کثیری م بضم اول و کسره
 ثانی و سکون مشد و سکون مشد و راء و همزه و الف مقصوره ف امر و ط م م گویند ب سا
 گویند ب ای ۲۱ ف قایض و منفی و مقوی دل ۷ شاه امر و دش از شراب او یکا قیسه
 ص ما و اصل ل سفرخل کون از منی بضم اول و ضم ثانی و سکون داو و کسره نون و فتح
 همزه و سکون راء و همزه و فتح سیم و کسره نون ثانی م کرد با کون بری بفتح موحده و کسره راء
 معله شده م شاه تیرج کون حبشه بفتح حاء و همزه و موحده و کسره شین مجهم م کون
 تنهق النون و تنهق الالف کتبلا بفتح اول و سکون نون و کسره موحده و سکون
 تخانی بالام و الف تمهیل تنهق الموحده کتب بفتح اول و ثانی و سکون موحده
 م بنگ ه بهانگ و بجای گویند و فارسی رسیانی است که از پوست نبات کتان
 برابند و بضم اول نوعی از خیار تنهق الجیم کتب بفتح اول و سکون ثانی م تروت تنهق
 الدال المهمله کتب بفتح اول و سکون ثانی و وال معله شکره معرب آن تند است و
 بزبان هندی پنج چیز کنگر ز بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء
 معله و ز او مجمره و آنرا کنگری نیز گویند و آن صمغ کنگرست ط ۷ نا گویند ب قاسته
 تنهق الواو المهمله کتا بضم اول بابانی و الف ۶ سدر م بر کتخار و بضم اول
 سکون ثانی و الف ۷ کمل کندی بضم اول و سکون ثانی و ضم وال معله مصطلک و گویند
 البان ط ۲۱ ای گویند ب ق بدل بخدر تا بعضی منته و مقوی و باغ و معده و حاکس
 خون ۷ سفید گرد ب بنایم در م ص اند با غراب ل مصطلک یا بهمن کتکوف
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی موشفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم تیره بفتح
 اول و ثانی و سکون تخانی و غر زهره تنهق الواو المهمله کتا و نون بفتح اول و

کسره نون و ضم حاء و همزه و سکون لام م ایسون تنهق الهمزة کتبی و فتح اول و کسره
 ثانی و سکون تخانی و فتح جیم فارسی م کرم شتاب تنهق التختانی کثیری م بضم اول و کسره
 ثانی و سکون مشد و سکون مشد و راء و همزه و الف مقصوره ف امر و ط م م گویند ب سا
 گویند ب ای ۲۱ ف قایض و منفی و مقوی دل ۷ شاه امر و دش از شراب او یکا قیسه
 ص ما و اصل ل سفرخل کون از منی بضم اول و ضم ثانی و سکون داو و کسره نون و فتح
 همزه و سکون راء و همزه و فتح سیم و کسره نون ثانی م کرد با کون بری بفتح موحده و کسره راء
 معله شده م شاه تیرج کون حبشه بفتح حاء و همزه و موحده و کسره شین مجهم م کون
 تنهق النون و تنهق الالف کتبلا بفتح اول و سکون نون و کسره موحده و سکون
 تخانی بالام و الف تمهیل تنهق الموحده کتب بفتح اول و ثانی و سکون موحده
 م بنگ ه بهانگ و بجای گویند و فارسی رسیانی است که از پوست نبات کتان
 برابند و بضم اول نوعی از خیار تنهق الجیم کتب بفتح اول و سکون ثانی م تروت تنهق
 الدال المهمله کتب بفتح اول و سکون ثانی و وال معله شکره معرب آن تند است و
 بزبان هندی پنج چیز کنگر ز بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء
 معله و ز او مجمره و آنرا کنگری نیز گویند و آن صمغ کنگرست ط ۷ نا گویند ب قاسته
 تنهق الواو المهمله کتا بضم اول بابانی و الف ۶ سدر م بر کتخار و بضم اول
 سکون ثانی و الف ۷ کمل کندی بضم اول و سکون ثانی و ضم وال معله مصطلک و گویند
 البان ط ۲۱ ای گویند ب ق بدل بخدر تا بعضی منته و مقوی و باغ و معده و حاکس
 خون ۷ سفید گرد ب بنایم در م ص اند با غراب ل مصطلک یا بهمن کتکوف
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی موشفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم تیره بفتح
 اول و ثانی و سکون تخانی و غر زهره تنهق الواو المهمله کتا و نون بفتح اول و

کسره نون و ضم حاء و همزه و سکون لام م ایسون تنهق الهمزة کتبی و فتح اول و کسره
 ثانی و سکون تخانی و فتح جیم فارسی م کرم شتاب تنهق التختانی کثیری م بضم اول و کسره
 ثانی و سکون مشد و سکون مشد و راء و همزه و الف مقصوره ف امر و ط م م گویند ب سا
 گویند ب ای ۲۱ ف قایض و منفی و مقوی دل ۷ شاه امر و دش از شراب او یکا قیسه
 ص ما و اصل ل سفرخل کون از منی بضم اول و ضم ثانی و سکون داو و کسره نون و فتح
 همزه و سکون راء و همزه و فتح سیم و کسره نون ثانی م کرد با کون بری بفتح موحده و کسره راء
 معله شده م شاه تیرج کون حبشه بفتح حاء و همزه و موحده و کسره شین مجهم م کون
 تنهق النون و تنهق الالف کتبلا بفتح اول و سکون نون و کسره موحده و سکون
 تخانی بالام و الف تمهیل تنهق الموحده کتب بفتح اول و ثانی و سکون موحده
 م بنگ ه بهانگ و بجای گویند و فارسی رسیانی است که از پوست نبات کتان
 برابند و بضم اول نوعی از خیار تنهق الجیم کتب بفتح اول و سکون ثانی م تروت تنهق
 الدال المهمله کتب بفتح اول و سکون ثانی و وال معله شکره معرب آن تند است و
 بزبان هندی پنج چیز کنگر ز بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء
 معله و ز او مجمره و آنرا کنگری نیز گویند و آن صمغ کنگرست ط ۷ نا گویند ب قاسته
 تنهق الواو المهمله کتا بضم اول بابانی و الف ۶ سدر م بر کتخار و بضم اول
 سکون ثانی و الف ۷ کمل کندی بضم اول و سکون ثانی و ضم وال معله مصطلک و گویند
 البان ط ۲۱ ای گویند ب ق بدل بخدر تا بعضی منته و مقوی و باغ و معده و حاکس
 خون ۷ سفید گرد ب بنایم در م ص اند با غراب ل مصطلک یا بهمن کتکوف
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی موشفت که اکثر و کوه پاهای برید و کنار باشد
 غار ناک بود و آنرا شیشه با است بخورند و بضم اول و کاف فارسی م بازو بوم تیره بفتح
 اول و ثانی و سکون تخانی و غر زهره تنهق الواو المهمله کتا و نون بفتح اول و

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فتح فوقانی و اظهار بار نیست ثانی جانوریست مانند گوزن که با نظیر خالها بر پیش
روی آن شبیه برومی گوزن شاخ شاخ شود و باو می تنهیک الفوقانی گوشت و بفتح
اول ثانی و سکون سین همزه فوقانی هم خطل تنهیک العجم کعب و بفتح اول و ثانی و جیم م
صغ تنهیک العجم الفار سے کعب و بفتح اول ثانی مجهول و جیم فارسی م جانوری و جیم تنهیک
ال دال المهمله کوثر و بفتح اول و ثانی مجهول و فتح و از فارسی م کعبه و آن صغ
و حیت پر خاری است که عبری آواشاکه خوانند چه سفید باقی بر روی گوشه و بفتح اول و
سکون ثانی یا شین معجم الف تنهیک الاء المهمله کوثر و بفتح اول و ثانی و الف م
گند نا کوثر و بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده با و ال مهمله و الف م کعبه از کجاست
کوثر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ف فاضل کوثر و بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فوقانی کعبه کوثر و بفتح اول و ثانی م کعبه که از آن اجاره سازند کوثر و بفتح اول و ثانی مجهول
و را و مکه و بفتح کاف ثانی و را و مجهول ثانی م غلیحاج کوثر و بفتح اول و ثانی مجهول و سکون
کاف ثانی با و ال و الف م شخاش هر پوست و چون تنهیک الزا و المعجمه کوثر و بفتح
اول و ثانی و سکون را و مکه و را و مجهول م سیه کعبه و بفتح اول و ثانی مجهول م مقل تنهیک
الفاء الفارسی کوثر و بفتح اول و ثانی م سیه است سرخ رنگ که پیش از زمین نشوره
رویدم از و تنهیک الشین المعجمه کوثر و بفتح اول و ثانی مجهول و سکون را و مکه و بفتح
سیم و سکون و او و شین معجمه جیم ندر تنهیک الصاد المعجمه کوثر و بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف ثانی و بفتح موحده و سکون لام و فتح مخرجه و سکون را و مکه و صاد معجمه طلق
تنهیک العین المهمله کوثر و بفتح اول و ثانی با و الف و کسر را و مکه و سیه و یا سیم
تنهیک الفاء کوثر و بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون کاف با و و کوثر و بفتح
اول و سکون ثانی م جیم تنهیک الکاف کوثر و بفتح اول و ثانی و سکون خا و معجمه
م خوشه انکوثر و بفتح اول و ثانی مجهول م تره کا و جیم حس کوثر و بفتح اول و ثانی مجهول

ثانی مجهول و کسر کات ثانی و فتح لام م غوره نیست گفته تنسيق اللام کو پل و بضم اول
 ثانی مجهول و فتح موحده فاسی و سکون لام م شکوفه کو پل و بضم اول و ثانی مجهول و
 جانور بوزم و بفتح اول و ثانی بزبان هندی م نیلوف تنسيق اللام کو پل و بفتح اول و سکون ثانی
 و فتح لام م غفل کو پل و بضم اول و ثانی مجهول و فتح باکیا هی است که در زمین سدا
 روید و بیچ آن شبیه بیچ می باشد تنسيق النون کو کس و بضم اول و ثانی مجهول و فتح
 کات ثانی م چند و غله نیست کو پل و بضم اول و ثانی مجهول و کسر با و سکون تحتانی
 م کو پل و تنسيق الواو کو دو و ده بضم اول و ثانی مجهول و ضم و ال معله م غله است هندی
 کو کو پل و بضم اول و ثانی مجهول و ضم کات ثانی م خاکبینه تنسيق الهاء کو پل و بفتح اول و
 ثانی و الف و فتح را و معله م خانه زنبور کو آنچه هدی بکسر اول با ثانی و الف و خفاء نون و فتح جیم
 فارسی و اظهار با و دو و ایند نیست کو پل و بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده فارسی
 و لام م شکوفه کو تاه پاچه و کو تاه پاچه و بضم اول و ثانی مجهول و فو قانی و الف و اظهار با و موحده
 فارسی و الف ثانی و فتح جیم فارسی در لغت اول و فتح فو قانی و اظهار با و در لغت ثانی م
 کو تاه پا و معله م بضم اول و سکون ثانی و فتح فو قانی هندی و اظهار با م قسط کو رزه و بفتح
 اول و ثانی و سکون را و معله و فتح زا و معله م سیوه کبر کو رزه و بضم اول و ثانی مجهول و فتح
 زا و فارسی و ال معله م کجده کو رزه و بضم اول و سکون ثانی و فتح زا و فارسی م خنفسه
 رنگ م اتم کو کله و بضم اول و ثانی مجهول و فتح کات ثانی م هر که و بضم اول و ثانی
 مجهول و فتح کات ثانی م چند کو ویر که و بضم اول و ثانی مجهول و اظهار با و فتح موحده
 و سکون را و معله و ضم کات ثانی و و اظهار مجهول ثانی غیر مطبق کوه و بضم اول و فتح
 ثانی م غوره نیست و کو کنار و پله ابریشم و امثال آن تنسيق التحتانی کو تاه پای و کو تاه پای
 و م کو تاه پا کو رسی و بضم اول و ثانی مجهول و کسر را و معله م غله ایست مانند چینه
 که خود و باشد کو پل لکری ه بضم اول و ثانی و خفاء نون و سکون لام و فتح کات ثانی

و سکون کاف ثالث و کسر را و جمله هندی است نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند ۳ ق فالض مخففت مقوی دل ۴ صا صا یل بزر می ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما صا سطر جل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و ی و ی و و وزن
 طین ر و و دو و انگ وزن ان سلیحه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نمکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 آگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کف ک بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار ثانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار ی لون بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخففت موحده کلودی کی گشلی تنسيق التختانی کهر هشی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاه
 بزرگ کهر هشی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م و فطر
 ف کات کو چک سفید کستی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و س تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر کهر اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کسر را و جمله هندی است
 نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف
 و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند ۳ ق فالض مخففت مقوی دل ۴ صا صا یل بزر می ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما صا سطر جل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و ی و ی و و وزن
 طین ر و و دو و انگ وزن ان سلیحه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نمکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 آگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کف ک بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار ثانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار ی لون بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخففت موحده کلودی کی گشلی تنسيق التختانی کهر هشی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاه
 بزرگ کهر هشی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م و فطر
 ف کات کو چک سفید کستی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و س تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر کهر اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کسر را و جمله هندی است
 نیلوفر تنسيق الهاء و تنسيق الالف
 کهار پايه بفتح اول و اظهار با و الف
 و فتح موحده فارسی و سکون را و جمله با تخانی و الف
 ثانی و تیار سقا کاک کهر با بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و جمله با موحده کهر کهر طاب
 م ۲ گویند ۳ ق فالض مخففت مقوی دل ۴ صا صا یل بزر می ش نیم متقال
 ص نیم وزن ار و الما صا سطر جل طبا شیر و دو و انگ وزن سندر و ی و ی و و وزن
 طین ر و و دو و انگ وزن ان سلیحه نیم وزن بکو بریان کرده کهار بفتح اول و سکون
 ثانی با تخانی و الف و نون م فا و انیا تنسيق الاء المجهله کهار بفتح اول و اظهار ثانی
 و الف و نمکی است که بعضی از اشجار را مثل پلاس و نهال بخند و گوهر و و کیده و چتر او
 آگ در قوم می سوزند و خاکستر آن است از خاک باشد که زبان هندی کهار گویند کجور بفتح
 اول اظهار ثانی و ضم نیم و سکون و او ف خرا کفیه بفتح اول اظهار ثانی و سکون تخانی
 م و خت هندی است که از قشاد کات سازند و بکسر ثانی و سکون تخانی م سبب
 صحرایی م زعر و تنسيق اللام کف ک بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و موحده سکون لام
 م جبر تنسيق اللیم کهار ثانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ف با و نجان تنسيق اللام
 کهار ی لون بفتح اول و اظهار ثانی و الف و کسر را و جمله سکون تخانی و ضم لام و
 و او مجهول و سکون نون ف تک شود تنسيق الهاء کتوه بفتح اول سکون ثانی و فتح
 و او و خا و ا و ف مخففت موحده کلودی کی گشلی تنسيق التختانی کهر هشی کهر اول و
 اظهار ثانی و فتح را و جمله و اظهار ثانی و کسر فوقانی هندی و سکون تخانی م کتاه
 بزرگ کهر هشی بفتح اول و اظهار ثانی و سکون نیم و کسر موحده و اظهار ثانی م و فطر
 ف کات کو چک سفید کستی ف کهر اول و سکون ثانی و کسر نون م خرو و س تنسيق
 الیاء التختانی و تنسيق الالف کیلا کهر اول و ثانی مجهول باللام و الف م موز تنسيق
 الراء المجهله کهر کهر اول و ثانی مجهول و قتمین جمله م زعفران تنسيق الاء المجهله

کین - لوسا کا مرقم - الحسن - مغرب - ابو بکر - ابن - ابی - ابرہہ

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وتمتق الهاء كته فتح اول فارسی و سکون سین مملو و فتح فوقانی م ساک سرخ
و سرگین تنسیت الشین المعجم و تمیق الفوقانی گشت بر گشت و فتح اول فارسی و سکون
شین م مجیم فوقانی و فتح سروده و سکون را مملو و فتح کات فارسی ثانی و سکون شین معجم
ثانی و فوقانی ثانی بنایه است بهم مجیمه مانند رسیان تافته آن بنجید و بودم بچک گویند
هر سه طحی ال بریدان یا کافور و سه وزن صبر سیاه گشت و فتح اول فارسی
م خمر نوزده تنسیت اللام و تمیق الحاء المعجم و گشت و فتح اول فارسی و سکون لام و ضم
سین مملو و سکون را مملو و روه گلاب و کسر اول ع لغزه گیر و تمیق الزاء المعجم
و کاف و فتح اول فارسی و سکون لام و فتح نین معجم و سکون را مملو و ششم نرم که از یون
بر شانه آرد و از آن مثال غیره بیاوند تمیق الزاء المعجم و لغزه گیر و فتح اول فارسی و ضم هم
و سکون واو و زاء و جمعه و فندق و گویند جلوه زده و گویند با و ام که بی که بچک شد و تمیق الشین
المعجم و گشت و فتح اول فارسی و فتح ثانی و ضا و با و ضم میم و سکون واو و شیک
ع بطرح تمیق الحاء و کاک و فتح اول فارسی و فتح ثانی و نوعی ان صمغ است که بر شانه
گراید و از بویه بهودانه حاصل شود و کوزه تمیق اللام و کفنه ال بضم اول فارسی و سکون
ثانی و فتح قات و سکون نون و کسر ال مملو و فتح سمره و سکون صا و مملو و لام ثانی و کسکه
که در قباب ترتیب یافته باشند بر آتش کلک و فتح هر دو کات فارسی و سکون هر دو لام
م نوعی از لیمو بقدر ناسخ و آتقد ریش است که چون سوزن در آن بجلانند و راندک
زبانی که لغته شود و بضم هر دو کات فارسی ع مقل تمیق الیم کل کند م و کسر اول
فارسی و سکون ثانی و فتح کات فارسی ثانی و سکون نون و ضم ال مملو و سکون میم
نخ گیکاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش در آن کند م بهم صید اندم گویند و تمیق النون
و کسکه بزم بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کات فارسی ثانی و کسر سروده
و سکون تحتانی و نون ثانی م گله که در سل بمنزج سادند تمیق الهاء و کاک و بضم اول

و سرگین تنسیت الشین المعجم
و تمیق الفوقانی گشت بر گشت
و فتح اول فارسی و سکون
شین م مجیم فوقانی
و فتح سروده و سکون را مملو
و فتح کات فارسی ثانی
و سکون شین معجم
ثانی و فوقانی ثانی بنایه
است بهم مجیمه مانند رسیان
تافته آن بنجید و بودم بچک
گویند هر سه طحی ال بریدان
یا کافور و سه وزن صبر سیاه
گشت و فتح اول فارسی
م خمر نوزده تنسیت اللام
و تمیق الحاء المعجم و گشت
و فتح اول فارسی و سکون لام
و ضم سین مملو و سکون را
مملو و روه گلاب و کسر اول
ع لغزه گیر و تمیق الزاء
المعجم و کاف و فتح اول
فارسی و سکون لام و فتح
نین معجم و سکون را مملو
و ششم نرم که از یون بر
شانه آرد و از آن مثال غیره
بیاوند تمیق الزاء المعجم
و لغزه گیر و فتح اول فارسی
و ضم هم و سکون واو و زاء
و جمعه و فندق و گویند
جلوه زده و گویند با و ام
که بی که بچک شد و تمیق
الشین المعجم و گشت و فتح
اول فارسی و فتح ثانی و ضا
و با و ضم میم و سکون واو
و شیک ع بطرح تمیق الحاء
و کاک و فتح اول فارسی و
فتح ثانی و نوعی ان صمغ
است که بر شانه گراید و از
بویه بهودانه حاصل شود و
کوزه تمیق اللام و کفنه ال
بضم اول فارسی و سکون
ثانی و فتح قات و سکون
نون و کسر ال مملو و فتح
سمره و سکون صا و مملو و
لام ثانی و کسکه که در قباب
ترتیب یافته باشند بر آتش
کلک و فتح هر دو کات فارسی
و سکون هر دو لام م نوعی
از لیمو بقدر ناسخ و آتقد
ریش است که چون سوزن در
آن بجلانند و راندک زبانی
که لغته شود و بضم هر دو
کات فارسی ع مقل تمیق
الیم کل کند م و کسر اول
فارسی و سکون ثانی و فتح
کات فارسی ثانی و سکون نون
و ضم ال مملو و سکون میم
نخ گیکاهی است چنان
نماینده که گویا پنج شش
در آن کند م بهم صید اندم
گویند و تمیق النون و کسکه
بزم بضم اول فارسی و فتح
ثانی و سکون نون و ضم کات
فارسی ثانی و کسر سروده و
سکون تحتانی و نون ثانی
م گله که در سل بمنزج سادند
تمیق الهاء و کاک و بضم اول

فصل
۲۹۲

که مخصوص ملک هند اند بنجر گرد و آنرا کوفته بنیزد و سنگ چهل کند که سرخ و قاری باشد
و بخاله و سفال آن خنجر بشیر و کار و امثال آن در دسته حکم کند و سر ناسمان مهر نمائند
ه لاله لاکه لاوک منفتح و او م نان تنگ که آنرا گوش نیز خوانند تنهق الام لال هر به نام
تانی مجواهر است که آنرا عمل گویند تنهق النون لادون منفتح و ال مهلم قسم است از غنیم
زبون طم اساق بلطف منفتح محل خم چوب خوشبوی مائل بزردی بی ریل بی سفلی
که در روغن حل شود و یک درم حل کنند لکاب لبنی تنهق الهاء لادون فکسبر
وال مهلم منفتح نون م گیاهی است که از پوست ساق آن ریمان سازند و من تنهق لاحتنه و
کسخر معجم و فتح شین معجم تنج ه سنیوی لاحتیه کسبر عین معجمه منفتح تخانی فوسفه از
تیو عات است که گلشن زده باشد مانند گل شبت و در شکر زردی زنده و در دمن کوهها
روید طح می گویند م ق منفتح خم بسیار شیرین و در و انگ حل و منفتح و کسبر ال تیو
لاکه منفتح کاف و اظهارات لک و لاک طب تنهق التخیانی لاجی و کسبر حمار
ع فاقه لاله و قری منفتح لام ثانی و معجمه بلینه با وضو دال مهلم و سکون خا و معجمه و معجمه
قوتانی و کسبر او مهلم از کون م سقالت النعمان تنهق الساء الموحله و تنهق
الالف لکام کسبر اول با موحده و زبک هیوسی طب و تنهق الموحله لکاب
منفتح اول و سکون ثانی بالام و الف و موحده ثانی م شقی معجمه حری گویند ب ق
محلل و سهل صفر خ سینه از آب آن از نیم ظل تا دو دلت ظل و گویند سنی در م
قدیم سندی ل ورق خطی یا خا بزی یا شاهره تنهق الحاء المصله لکاب القمع
بضم اول و ثانی و الف و ضم موحده ثانی و سکون لام ثانی و منفتح قاف و سکون میم
نشاسته تنهق الزاء المعجمه لبین المخرع منفتح اول و ثانی و ضم نون و سکون لام و منفتح هم
و سکون عین مهلم شیرین شیرین کاف تنهق الشین المعجمه لبین الخشاش م سکون لام
و فتح ناء معجمه و سکون شین معجمه یا خا و معجمه ثانی و الف و شین معجمه ثانی و افیون منفتح الضحی

[illegible][illegible]

گوشت خوک ۴ بری بحیة الحامع کبیر اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و سکون
لام ثانی و کسر حاء معله ثانی باسیمم و الیف ف پر سیاوشان تنقیه السید المصنوع
بحیة التیسیر ۵ بفتح فوقانی و سکون تحتانی و درخت سبزه طاب ای آق قانیرج قنار
من از یک مثقال تا دو درص را زیاده یا طباشیر تخم کل یا گندله یا طریث یا نیم وزن
عصاره آن یا بطریق المصنوع المصنوع ۶ م فنگوشت هر انس سکون و سیرا طح را گویند
ای ق شند ۷ میانه فزیدی و لاغری و محضله و تخم حصه تنقیق النون تخم الحلال ۸ م ففتح
حاء معله ثانی و سکون میم بالام الیف فنگوشت بره طح ۹ م فگوشت حولی یعنی کیداله
تنقیق الهیاء ۱۰ تخم الکلیل بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر نون و ضم سین معله و
سکون لام ثانی و کسر میمه و سکون کاف و کسر لام ثالث و سکون تحتانی ثانی و فتح لام
و فضاء و اف نوعی از خرمی جلی است که آنرا خرمی نامند و در او نه تنقیق الحلال و الحیاء
و تنقیق الحیاء ۱۱ م ففتح اول و سکون یاقین م زاک سیه تنقیق الحیاء المعجبه
۱۲ م ففتح اول م بری تنقیق الرمان ۱۳ م ففتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
خارسی و رخت اول و فتح شین معجبه و رخت ثانی م افکار حکمه سلیمانیه بفتح اول و سکون
ثانی و فتح لام ثانی و حاء معجمه ثانی و میمه و طینه با و ضم سین معله و فتح لام ثالث و سکون
تحتانی باسیمم و الیف فکسر نون و فتح تحتانی مشدده ثانی ف فصل روغن زعفران تنقیق
الرائع المعجبه و تنقیق الوجدان ۱۴ م ففتح اول و حاء معجمه مشدده و الیف ف
ضم کاف و فتح ذال معجمه مشدده با و سکون موصده م اشق تنقیق الهی که آنرا بفتح اول
سکون ثانی و فتح موصده م و تنقیق السید المصنوع ۱۵ م و تنقیق الوجدان کالسان اطباء
کبیر اول باسیمم معله الیف و ضم و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث م
لسان النحل و نیز خاص تنقیق الراء المصنوع لسان البحر ۱۶ م ففتح موصده و سکون حاء معله
م سبب لسان الثور ۱۷ م ففتح مشدده مشدده و سکون و اوف کا و زبان ها کا مضمه ماذا ط

...

میں

مستند

196

1

1

100

1974-1975

هر ارف مقترع خد شامی و خراسانی غلیظ و ورق که بروی نقطه بود ورق دوم و درم
 ص صندل سرخ یا بلبله سرخی یا سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته و چهار دانگ آن
 آن پوست اترج یا نوزن او در دو نیموزن او و نیم گرم لسان العصا فی بعضی عین مملو و صاد مملو
 الف ثانی و کسر فاء سکون تخانی ف ت ح م سهره که در جوطح ۲۱ اربعین خ سطرین نیم مثقال
 ص کدو سرته ل و در ترکیب ماه مغرور و نووری سرخ یا نیموزن بهین سرخ نیم مثقال
 لسان الحمل ع بقیع حاد و مملو و میم ورق بارتنگ طبعی و قاقلیض رابع حالبس خزن
 مدلش از تخم او یک مثقال ص صطک و سلینو یا بنفشه ل ورق آن دو ورق حاض بشتی
 تسبیق الشبلی المعجمه و تنقیق الکاف تشکف بقیع اول سکون ثانی و ثالث هم نیم
 تنقیق الهام تشکف م تشکف تسبیق الضاد المعجمه و تنقیق المعاد ل نصف بقیع
 اول و صاد مملو که تنقیق الی تنقیق م نوعی از لسان الحمل کوچک تسبیق العین المصلح
 تنقیق الموحدا کاف آب و بهن هه متوک تنقیق الی آفتب مطلقه بضم اول و سکون
 ثانی و فتح موحده و کسر فو قاسی و ضم میسم و سکون طاه مملو و فتح لام و قاف ص نیم نیموزن
 تنقیق الی تشکف آفتب بر بری بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فو قانی و فتح موحده
 ثانی و سکون را و مملو و فتح موحده ثالث و کسر را و مملو ثانی م سور تخان ل جز نیموزن
 یا تودر زردیام و نیموزن فضل تسبیق الف و تنقیق الفو تشکف بکسر اول و سکون کاف تشکف م
 تنقیق الی کاف المملو قاف م بضم اول یا ثانی مشد و الف و ساسر ح و آن غریب و ج
 طاب رس گویند می آفتب مخدر منوم خ بزرگ تیز بوی زرد رسیده ش نیم درم ص
 عسل ل جز نازل یا نیموزن بزر الیغ و دو دانگ وزن آن خنثاش با جز الفی و به وزن آن
 بزر الیغ یا سر و ج تسبیق القاف و تنقیق الی المملو قاف ع بضم اول و قاف و الف
 و شتر است و یک اول شتران و و شید تسبیق الکاف و تنقیق الی الکاف بضم
 اول باکاف و الف م لاک و لقم تنقیق الی لاک و بضم اول ه لاک م ی گویند

لام ثانی فی مخدر تنسیق الهاء و تنسیق الالف لخصو اذ یفتح اول مسکون او ضمین
 مملوء و او مجهول بار و مملوء شد کم پستان تنسیق الجیم لکنج و یفتح اول و ثانی و سکون
 نون م سنگ فسان تنسیق النون لکنس و یضمین مملوء سیر تنسیق الهاء لکنس
 یفتح اول و اظهار لام شراب و یخفا و یام و رخت و اجز و یضم اول م طار عرقاب تنسیق
 الباء التختانی و تنسیق الجیم لکنج و یسر یانی یفتح اول و سکون تختانی و یفتح لام ثانی
 و سکون نون م نیل لکنج سیر یانی یکسر اول و سکون ثانی و یفتح نون و تنوی اذ اعلییا
 که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند تنسیق الزاء المهدله لیاور و ولینو فر و یکسر اول
 سکون ثانی و یضم لام ثانی و او مجهول و یفتح موحده فارسی و لغت اول و یضم نون و
 او مجهول و یفتح فا و لغت ثانی م نیلو فر گه است که میان آب بروید و یکسر و یضم
 و سفید رنگ شود و اندرونش نر باشد و چون آفتاب طلوع کند شکفته تنسیق الالف لکنس
 لکنس یفتح اول سکون ثانی و یفتح لام ثانی و سکون نون لکنج لیاور یکسر اول و ثانی
 مجهول و او مجهول و یضم لام ثانی و سکون نون م برت تنسیق اللام لیاور یکسر اول و یضم لام
 ثانی و او مجهول و یفتح موحده فارسی و سکون لام ثالث م نیلو فر تنسیق الواو المیه اذ و یکسر
 اول و سکون ثانی و یضم میم و سکون و او باو ال مهله و لغت و یضم را و مملوء و یفتح ثانی
 که در بار از میان سنگها برآید و بوی لیمو کند طحی لیمو یکسر اول و سکون ثانی و یضم میم
 یفتح اول و یضم و درق اوح یا حامن اذ یفتح قاف مع موحصل و روغن لکنج تنسیق
 التختانی لیمو فر هندی یکسر اول و سکون ثانی و یضم نون و او مجهول و یفتح فا و یکسر را و مملوء و
 و سکون نون و کسر ال مهله و سکون تختانی ثانی م یسدنسی قیم المیه و یضم تنسیق
 الالف لکنس اوج بیم و لغت و مروت آب هر حل یانی و با دست حیات و زندگانی طاف
 ق م طرب م آب چشمه که از جانب مشرق شدت بیرون آید مقابل شمال و بر سنگ روان
 بود و راق و صافی و سبک و وزن و چون آفتاب بر تابد زود گرم گردد و چون داخل شود زود

[illegible]

پنج بضم اول و سکون ثانی و فتح نون و خوش نظر که کاطب می گویند تنبیق الهاء
 مجبیه ه بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار ا با هم بست
 تنبیق الحیم الفاء می و تنبیق اللال المصلا مجبیه بضم اول و سکون مییم فارسی و فتح کان
 و سکون نون م و وای هندی است تنبیق الخ تنبیق ک و بفتح اول و ثانی م با و ام
 کوئی و سحرک تنبیق التحتانی مجبیه ه بفتح اول و کسره ثانی و اظهار با و تحتانی و کسره مییم
 ثانی و اظهار با و ثانی م و وای هندی است تنبیق الحاء المصلا و تنبیق اللو حاء
 تخلص بفتح اول و سکون حاء و حله فتح لام که کبلا طح مع ق محلی لطف محل خ نسبی
 بن نیم شقال ص صندل بادام تلخ سفید کرده تنبیق تلخ محروث و بفتح اول و سکون
 ثانی و ضم را و حله فتح یخ الگوزنه طح ی ق لطف خ سفید سبک ش نیم دم
 ص صمارة و زرشک ل انجبه ان تنبیق الحاء المصلا مع م بضم اول و
 زرد س تخم مرغ تنبیق المیم حاء جمع بفتح اول و ثانی با الف و کسره مییم م مخلصه
 تنبیق الهاء طح و ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم مییم ثانی و سکون واد و فتح واد و حله
 م سقمونیا تنبیق الحاء المعجمه و تنبیق الحیم الفاء که تخلص بفتح اول و سکون خا و
 معجمه فتح لام م گیا نیست که چون جاد و جاد و رکت شود و تنبیق الحاء المعجمه فتح بضم اول
 ن مغر که و طح ر ق طین ح از ساق گوساله و ابل و بعد از ان گاویس گو سفید
 ص ملک و معتدل شمع و بفتح اول و فارسی ه آتش و زنبور و درخت فزا و کرمیت
 که بعرب از اساس گویند تنبیق الصاد المعجمه تخفیف بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی
 صندوق و ه بفتح طح ی خ از شیر گا و جوان تنبیق الهاء المعجمه بضم اول با ثانی و الف
 و فتح طح و حله م سبستان مخلصه بضم اول و فتح ثانی و کسره لام مشدود و فتح صاد و حله و
 نام از ان گویند که تریاق زیر است و از نیمه زرا خلاص و بنده است ح ی خ از
 گوشتان شبانکاره ش یک شقال تنبیق و تنبیق اللال المصلا

[illegible]

هم لیستانی تیز روی تازه مشخیرم نایک درم ص تخم خرنوب و بگو بریان کرده یا نیلوفر
 یاد و دل استنبتن روی یاد و وزن مر یا جوز یا ورق یا همین یا نیم وزن فضل و مرزنجوش
 مر یا خور و مسفر و باد بجزویه و فخر شکاک همه فایم مقام یک دیگر اند و در ابدال مرگ و خوش
 فتح سم الفار تانیق الغیل المجهول فتح و نفتح اول و سکون ثانی و عین مجسمه گیاه خرنوب
 مر ووب تانیق الفار مرق فتح اول و ثانی و نشور یا مرقی به نفتح اول و کسر ثانی و
 سکون تخمانی م معصفقر تانیق الکاف مر یک بضم اول و سکون ثانی و نفتح فوقانی
 و مر در سنگ مر یک و نفتح اول و سکون ثانی و ضم جمیم فتح میم م غلده س
 مرغ زبایک و بضم اول و سکون ثانی و عین مجسمه زاده مجیده و الف و نفتح اول
 ع لسان العصافیه مر و شکاک بفتح اول سکون ثانی و فتح و او را و جمله ثانی و سکون
 مجسمه مروق منضم مر زبایک و بضم اول و کسر ثانی و تخمانی مجهول و نفتح زاده مجیده
 یا باموده و الف و فتح تون م خوب کلا ن تانیق الیمیم مر و اسنوم نفتح اول و سکون ثانی
 و ال جمله و کسر مهده و سکون سین جمله و فتح فاو را و جمله ثانی م اسبی تانیق النون
 مر جان م نفتح اول و سکون ثانی با جمیم و الف مر و زنگاط ای ۲۱ جفت ۱۷
 نفتح نیم درم ص صمغ و کثیر ال که با مرزغان و مرزغن و نفتح اول و سکون ثانی و فتح
 زاده مجیده و عین مجمه و الف و کثرت اول م فتح عین جمله و کثرت ثانی م آتش مرین
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین جمله و سکون تخمانی و بوره تانیق الف و مر و کثرت
 بضم اول و کات که بیشک مر و نیم اول و سکون ثانی م مر و شکاک و ان العنای
 که در مرآتیه مذکور است تانیق الف نفتح اول ثانی و الف و کسر ل و فتح شکاک و خنی است
 یا نند و خست یا همین نوع خوشبوی و یا مر یا خور خوانند و آنچه بولش کثرت است ستمو سا خوانند
 لکن مر و شکاک باشد و نوع دیگر و یا را و در یک خوانند و می مر و سفید است و گوشت
 لسان الشور است و نوع دیگر و یا را و در یک خوانند و نیز گویند و ان مرقع است

ثانی نبیذی است که از کندی و وجود جادوس سازند و از ابوزهر و کبکرم کنند تنهقی التفتی
 من الرامی م کبکرم اول و سکون ثانی م عسی الای تنسیق و تنهقی التفتی الای العجوة الای
 مشرق و کبکرم دوم و سکون هر دو را و فارسی م کبکرم سبزرنگ که چون برگ درخت
 کند و کندی هم سازد و فاس و تبرک کولکان گویند تنسیق السید المصلا و تنهقی الای
 مستحقو نیاسری بفتح اول سکون ثانی و فتح حا و عمله و ضم قاف و سکون واو و کس
 نون با تحاتی و الف و آگینه هر کاح لول آگینه سفید و قلع کا و زان تنهقی
 الفوقانی است و یضام اول و سکون ثانی م سعد و موتها تنهقی الای المصلا
 سسواک القرد و کبکرم اول و سکون ثانی با و او و الف و ضم کاف و سکون لام و ضم قاف
 و را و همل و سکون و او و ثانی و دال معلوم آشنه تنهقی التفتی الای المصلا مسارت بفتح اول
 و سکون ثانی با فوقانی و الف هر دو را مستطاع کبکرم اول و سکون ثانی با طاء و عمله و الف
 و شراب بدست افشوده زو و مست کننده مسبق و بربری بفتح اول و سکون ثانی
 و فتح میم و ضم قاف و سکون واو م زرا و ند طول مسوره بفتح اول و ضم ثانی ع عکس
 و نهو سرخ تنهقی السید المصلا مسرف کبکرم اول م خمس ه تانبا تنهقی الکاف
 مسک کبکرم اول و سکون ثانی و مشک که ستوری طحی ۲۰۰ ملطف و متوی
 و مانع خ تنهقی مشک ویرا و کاف و نون مشرق و تنهقی الکاف مستحیل م م بوزیدان
 تنهقی النون سقاطون رومی کبکرم اول و سکون ثانی با قاف و الف و ضم طاء و همل و سکون
 و او و نون و مود و مندی هر گرسن م کبکرم اول و فتح ثانی و سسنگی است که کار و شمشیر
 ازان نیز کنند هسان طبعی ق بحلی نه سبب با بوندل طین قیو نیاسری تنهقی التفتی الای
 مست ر و د بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و ضم را و عمله و سکون واو م نوع دوم
 ماز و نون که آن را هفت برگ و غلاما لایز خوانند تنهقی الکاف مسته و یضام اول و سکون
 ثانی و فتح فوقانی م سعد و موتها تنهقی التفتی الای سسواک الای م کبکرم اول و سکون

[illegible]

یک کف صغیر یک ساول فرخ تنهق العین الهمله شکله اشبع یونانی کبر اول
 و سکون ثانی و کسر کان و ضم طاء و هاء بار او هله و الف و فتح سیم ثانی و کسر شین و مجر
 سکون تخانی م پودنه تبری و تک طح ه ۳ گویند ۴۲ فی مفتوح لطف در سحر
 معده خم نور سیده مثل نیم درم ص سرکه با صمغ ل قو مانا و درادار عدس مل مر و درون
 یا کلیل الملک یا شقارن و گویند پودنه تنهق الکاف شکله و بغیر اول سکون ثانی
 و فتح کان و سکون کان ثانی م سعد شکله و بغیر اول سکون ثانی و فتح کان
 و نون م جانور سیت کویک شبیه بر کب که بیشتر در کنار آب بنشیند شکله و
 بغیر اول سکون ثانی و کسر کان و سکون تخانی و فتح نون م نام حلواست است
 شکله و بغیر اول و فتح ثانی و سکون نون و فتح کان فارسی و شنج شکله
 و بغیر اول م شنج تنهق الیم شکله م و بغیر اول سکون ثانی و کان و ضم وال
 هله م جانور سیت سیاه رنگ بغایت خوش آواز تنهق النون شکله الیاب م بر
 اول و سکون ثانی و کسر کان و بغیر اول و سکون ثانی و کسر کان و فتح
 را و مجنه کسریم و سکون تخانی م سعد تنهق الواو شکله و بغیر اول و سکون ثانی
 م کله ست سرخ رنگ تنهق الهک شکله و بغیر اول و فتح ثانی و سکون خار مجنه
 و فتح نون م نوعی از حلوا شکله و بغیر اول و سکون ثانی و کان و الف
 و فتح نون م دانه خوشبوی که آنرا سوراخ کرده در بار کنند و در بند وستان از جا
 لکن پود که در فن حضرت شاه بدیع الدین دارد قدس سره است بسیار آرد تنهق التخیالی
 شکله هندی بغیر اول و سکون ثانی و کسر کان و و سکون نون و کسر وال هله م
 تنهق الصاد الهمله و تنهق الراع الهمله و تنهق بغیر اول و فتح صاد هله و سیر
 هله نیز موجوده شده و سکون را و هله و الیو اغنیق الغنی الحجه و فتح اول
 و سکون ثانی م شنج تنهق الیم مصباح الروم و کسر اول و سکون ثانی و کان

[illegible]

اولم نظر اول
عقل و کس هر که
اول در سنگ
آیین بجام چک پیر
طهری
مجله منقذ
سیاه غنی نال
دوره با سکه آتش
شماره دوم ص
رب السوس
۱۳۰۶
ل شمسین و لاد
صن دمایا
منصور الهام
بطلان عظیم اول
ریگونی تاسی
رشد صنایع پیشرفت
درست کارگران
تاریخ اسلام
طهری از حق محفل
معین حرم خانه
البرز و بیضا

[illegible]

و تار شک تمیق الزلعه العجوة الفارسیه تا و دم و رخت کای تمیق السید المصله
 تا عیس بربری کبکسین مجمه و سکون تختانی و تار شک تمیق الشیخ المعجمه
 تا خوش و بضم خا و بجه ثانی و را و معد و له ع اطفا الطیب تمیق الغیر المعجمه
 تا ان کلاغ و کبکسین ثانی و فتح کات و لام الف تمیقیت که از زمین مناک بر وید الف
 تا ان و بفارم صدن تمیق الکاف و تار شک و سکون را و ماله و کسیرم و ما کسیر
 طام ای اگر نید ۳۱ ف لطف و مقوی دل و خوشبو متقیم ورم ص طباشیر ل
 یک نیم وزن آن سنبل و نیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن
 قسط ناک و عنبر و مشک و غیره و امثال آن که منشوش بهشدن و قسمی است از ارم و
 که بهترین اقسام است و در پندی جانوری است شبیه به رنگ تمیق الکاف و الف
 تا رنگ و بفتح را و ماله م تا بجم اللام تا جیل سکون را و ماله و کسیرم و تا رگیل
 و جزیندی و تا ریل و کبریا طام و تا ف سبی س یک ورم ص فانیذ تا ریل و
 بفتح تختانی و جزیندی تا سبال و سکون سین ماله و پوست ما را و تمیق النون
 تا ن پریان و کبکسین و فتح موحده فارسی و سکون را و ماله تا تختانی و الف و وزن
 تا ش ع اطفا الطیب تا دین روی سکون را و ماله و کسیرم ماله م سنبل و روم
 طام ای اگر نید ۳۲ ف قابض طبع و فزیه خوشبوی سفید نال ص کثیر ایاس ل
 سنبل پندی تا روان و تاردن و سکون را و ماله با و الف و رخت اول و فتم
 را و و رخت ثانی و رختیت خوش و خوش اندام و گلزار فارسی تا ریل بدن بضم را
 مجمه و کسینی سرخ و رنگه دن و سکون کات فارسی و فتح و ال ماله و ما چوبه
 تمیق الوا و تا جوف بضم جیم و سکون را و دم و رخت صنوبر تا ن و دیو کبکسین و ال ماله
 که که تا جوف سکون را و ماله م کل تا را و بضم را و ماله جانوری است خوش آواز
 مانند بیل تا و ف بضم را و فارسی م و رخت تا جوف تمیق الصاع تا و ف و سکون

[illegible]

گردان تنهین السین الملهه فرس ع لفتح اول و کسر جیم ع هبت نر کس ط ه م ۴
 گویند ۴ ی ا گویند ۳ ق محلل لطف ۴ هفت زرده ص یلو فرل نسین یاخری
 تنهین الکاف نر شک ف لفتح اول ثانی و سکون سین ممله ع عدس ه مسور
 تنهین التحتانی نر گند ۴ ه کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و خفان و نون
 و کسر دال ممله بند ۴ و پنجگشت تنهین السین الملهه و تنهین الکاف نر شک
 به مشخ اول و سکون سین ممله و کاف باو عدده ۴ ش عدس تنهین الفوقانی
 نسج العنکبوت ع لفتح اول و ثانی م ابر کاکیا نسوت ع کسر اول و ضم سین ممله و و ا و ج و ک
 م تر بد تنهین الدایر الملهه نر شرف لفتح اول ه گل سیوتی نر ع لفتح اول نر کس
 ه گنید و ط گوشتش ۴ ی تنهین الکاف نر شک ف لفتح اول ع غله عدس تنهین النون
 نر شرف ف لفتح اول و سکون ثانی م گلست ه سیوتی نر شرف ف لفتح اول نر و و
 چینه ه گل سیوتی یا کو ج ط ۴ ی ا گویند ۴ گویند ۳ ق مقوت و باغ ش یک در م
 ه ۴ در م ص کاف نر حسس با یا سمان تنهین الشین المجه و تنهین الکاف
 نشاع کسر اول ف نشاسته ط م گویند ۴ گویند ۳ ق حابس خون و
 سکون و قابض و مغر ۴ خ سفید ش دو ورم حسل ل گرد آسبا یا بنج مغسول یا
 نر محض تنهین الکاف نر شک ف لفتح اول و سکون ثانی م وخت نار و تنهین الهاء
 نشاره ع لضم اول ف بوره هر درخت و براده هر چیز نشاسته کسر اول ع لفتح
 نشیه کسر اول و ثانی و تحتانی مجبول و شخ میم ف زو به ترکی ه سایی تنهین
 الهاء المجه و تنهین الدایر الملهه نر ضار لفتح اول و ضا و مجرب و دخت گو که بر کوه
 روید از اخل گویند تنهین الطاء الملهه و تنهین النون نر و نون لفتح اول ف
 بوره از نی ه ج ا ک ر ط ۴ ی ۲ ق مجلی ص صغ عربی یا طباشیر نر کس ط ه م ۴
 یا شخت تنهین العین الملهه نر غن ع لفتح هر دو نون و سکون هر دو عین ممله

وگویند که ستفقر در روز نعل باشد و دل در بیا بیا نهاد و سر دل بین است و از
ستفقر باریک کشیده و رنگ دل زرد و سرخ مائل و پوستش درشت و شکن
وز رنگ ستفقر این سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش اسطوخودوس است و لطیف و نازک
و نرم است و بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و معجم القش تملیون و در متن هم بضم میم و سکون
نون و کسر نونانی و گاه شکسته یز و در ویرا بقون خوانند طحی در شان ۴ و فربغ
ابی و گویند که تر و شقی است تنیق التخیلی و در چنینی هم گل نسین و زرد و نعلی و بفتح و ال و سکون
و سکون فاه که کیهان اول و ورق آن و زوال و زوالی بفتح را و معجم شد و با و او ثانی و است
و کسر نون و کل خطی تنیق الزاء المعجم تنیق الکاک و فربغ و در معجم و فربغ
بده و غرب تنیق الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و فین معجم فون و ارسال اندر او گویند
خفا و گویند بفتح ل کرم صدق تنیق الزاء المعجم تنیق الکاک و فربغ و زنگ و
بضم اول و فتح را و فارسی و سکون نون م و نور و معجمی رنگ که بر لوس سرچیند
و زوال و بضم اول و ثانی م طم شور و استخوان شانگ تنیق السین المعجم تنیق
المعجم معجم کسر و بضم اول و فتح ملین معجم ام اشن تنیق الحاء المعجم و فربغ
اول و ثانی و سکون تخانی و ایم و در و آن نابی است که در کوه روید و بوس
لیم و طحی ۲ تنیق النون و فتح الما و بفتح اول و سکون ثانی و
چرگ گوش طحی و کل ملین تنیق الهاء و فتح الکاد و سکون لام و فتح کاف
با و در الف و فتح را و معجم چرگ خانه زنبور و طحی ۲ و ملین ل و فین
کل و سده و بفتح میم و ورق نیل طحی ۲ تنیق الشین المعجم و تنیق الفاء
و فتح اول و ثانی و پوستین طحی تنیق المیم و فتح و بضم اول م جانور یورنه
و سلسو تنیق الهاء و شکوفه فتح اول و سکون ثانی و فتح کات و لام م وانه
اگر تنیق الغین المعجم و تنیق الال المعجم و فتح اول و فین معجم و
سکون

[illegible]

۳۲۰
 تنه
 ۳۲۱
 تنه
 ۳۲۲
 تنه
 ۳۲۳
 تنه
 ۳۲۴
 تنه
 ۳۲۵
 تنه
 ۳۲۶
 تنه
 ۳۲۷
 تنه
 ۳۲۸
 تنه
 ۳۲۹
 تنه
 ۳۳۰
 تنه
 ۳۳۱
 تنه
 ۳۳۲
 تنه
 ۳۳۳
 تنه
 ۳۳۴
 تنه
 ۳۳۵
 تنه
 ۳۳۶
 تنه
 ۳۳۷
 تنه
 ۳۳۸
 تنه
 ۳۳۹
 تنه
 ۳۴۰
 تنه
 ۳۴۱
 تنه
 ۳۴۲
 تنه
 ۳۴۳
 تنه
 ۳۴۴
 تنه
 ۳۴۵
 تنه
 ۳۴۶
 تنه
 ۳۴۷
 تنه
 ۳۴۸
 تنه
 ۳۴۹
 تنه
 ۳۵۰
 تنه
 ۳۵۱
 تنه
 ۳۵۲
 تنه
 ۳۵۳
 تنه
 ۳۵۴
 تنه
 ۳۵۵
 تنه
 ۳۵۶
 تنه
 ۳۵۷
 تنه
 ۳۵۸
 تنه
 ۳۵۹
 تنه
 ۳۶۰
 تنه
 ۳۶۱
 تنه
 ۳۶۲
 تنه
 ۳۶۳
 تنه
 ۳۶۴
 تنه
 ۳۶۵
 تنه
 ۳۶۶
 تنه
 ۳۶۷
 تنه
 ۳۶۸
 تنه
 ۳۶۹
 تنه
 ۳۷۰
 تنه
 ۳۷۱
 تنه
 ۳۷۲
 تنه
 ۳۷۳
 تنه
 ۳۷۴
 تنه
 ۳۷۵
 تنه
 ۳۷۶
 تنه
 ۳۷۷
 تنه
 ۳۷۸
 تنه
 ۳۷۹
 تنه
 ۳۸۰
 تنه
 ۳۸۱
 تنه
 ۳۸۲
 تنه
 ۳۸۳
 تنه
 ۳۸۴
 تنه
 ۳۸۵
 تنه
 ۳۸۶
 تنه
 ۳۸۷
 تنه
 ۳۸۸
 تنه
 ۳۸۹
 تنه
 ۳۹۰
 تنه
 ۳۹۱
 تنه
 ۳۹۲
 تنه
 ۳۹۳
 تنه
 ۳۹۴
 تنه
 ۳۹۵
 تنه
 ۳۹۶
 تنه
 ۳۹۷
 تنه
 ۳۹۸
 تنه
 ۳۹۹
 تنه
 ۴۰۰
 تنه

[illegible]

و سکون لام و فتح تنانی و ضم جم و سکون واو تنانی و رختی است که در حوالی فارسی میر و یرت بهر رخت
 سوز و کوه های آن نزدیک بهم باشند و برش مانند یک با سیمین و محوس در وقت زفر در دست گیرند
 ل خزل تنمیز الشید المجهج خوش ف بضم اول م تر بر تنمیز الکاف هو کیگ لضم اول و
 مجهول و ضم کاف و فتح تنانی م خزیره نارسیده تنمیز النون هو طون لضم اول و سکون نون
 و ضم طاء مجهول و سکون واو تنانی م تر بیل حقو یا یقون م داوی طام ی ۲ ق ملطف م کوی سسرخ
 نازده خوشبوی ش و در طبوحات از کشتال نادر ورم ص یور و نل یکجگیر بیخ و خربا ق م شفت و انیسون و
 گویند حاشا و گویند نیوزن اهل با شرا و نام معروفین بفتح نون و سکون را و مجهول و ضم تنانی و سکون واو
 تنانی م فرقیون تنمیز الهم هو یر و ف لضم اول و تنانی مجهول و فتح موحده و را و مجهول جانور چیر
 هو جو ففتح اول و تنانی و ضم جم و فتح و تنانی م شکار تنمیز الیاء التختانی و تنمیز الالف
 حیرا کبیر اول ف التماس و تنانی مجهول هو گوشت جھیرا حیرا کبیر اول و سکون تنانی باراز و حیرا و
 و سکون را و طاء بایم م ففتح حیدراف ففتح اول م ماسته شکار حیل بوا کبیر اول و سکون تنانی و کسر لام
 فتح موحده و واو مشدوع فاقا حیرا تنمیز الراء المجهول حیرا کبیر اول حاشا تنمیز الشید المجهج اول و
 سکون تنانی و فتح تنین مجر ف نال و کبیر اول م ککیری تنمیز الکاف الفاکس
 جنگ هو کبیر اول و سکون تنانی و حیرا و نون ف انگوره تنمیز المجهج حیرا م ففتح اول و ضم تنانی
 مر جیه ایس تنمیز النون حیرا و نون کبیر اول م ففتبیب تنمیز الهم کبیر اول و سکون تنانی و ضا و حیرا
 و الف ف ترتب تری حیرا و نون ففتح اول و ضم تنانی م شتر تنمیز التختانی حیرا و نون کبیر اول
 و سکون تنانی باراز و حیرا و الف و ضم وال مجهول و کسر کاف و نام و الم الاوین می ففیم الیاء
 التختانی و تنمیز الالف و تنمیز الفوقانی یا قوت تختانی و الف و ضم فاقا
 قاف م جوهر معروف ه ملک و یرم رک طرب ی ق محف و مقوسه دل م سرخ رانی
 کثیر اول و دو برابر و طاء تنمیز الال المجهول یکنند ففتح کاف و سکون نون م یا قوت
 تنمیز السین المجهول یس ف یسین ملام یسین تنمیز النون یاسین و یاسین و
 و تنمیز الهم المجهول یس ف یسین ملام یسین تنمیز النون یاسین و یاسین و

[illegible]

خرم زاد که یکی از اجداد و جمن بن استغدیار بود اخنوش نام مردی که بصلح حال و صدق مقال شهرت داشت
 و در مجتهدش از صید ملت یعنی چیدن او و در امر او شناختن آن میگذاشت و هر روز بصحری آنرا یاد
 و گوهرهای آن ولایت میرفت و او و یار و عطا و جمع میکرد و بشهر آورده و بخیال آن میفروخت روزی
 در انتهای سیر و سیاحت و تفحص او و یار نظرش بر کوزن کوچکی افتاد که بر قلعه ایستاده و فریاد میکرد و گاه
 دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده نمید و گاهی در
 جین جیست و خیزرگاه بجانب آسمان میکرد و از روی فشا و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از دهنش میزد
 چون اخنوش آن حالات از آن کوزن دید و حیرت برداشت و در کمین او نشاند و نزدیک او رسید و چنان
 بپا داشت که یکباره با او برخورد و اخنوش در حال او را فریاد کرد و در انتهای فرج نظرش افتاد که در دهن او نعلی
 بزرگ است و در یک کیم خایده و در دهنش مانده اخنوش را از مشاهده این تعجب زیاده نشانی الحال
 شد که او را گفت و از روده که نریان فارسی از آنرا بهار خانه گویند سنگ آتش بهار یافت اخنوش سنگ
 مذکور را بر چوب زر شک نهاده و خدمت ملک حرم زاد آورد و در حقیقت کوزن تمام آنرا مشاهده کرده و
 مذکور ساخت ملک حرم زاد حکیم ارستاسیوس که از اجداد حکیم تقی و از نوادگان حکیم اقلیدس صاحب
 و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک حرم زاد داشت و جلبیده آنچه از اخنوش
 صید لای مشاهده بود و باو تقریر کرد و حکیم ارستاسیوس پس از امان بسیار از اخنوش پرسید که کوزن
 این کوزن کف داشت یا نه و گفت دهن کوزن بسیار برف بود پس حکیم از اخنوش سوال کرد
 که در دم او یا بای او چرا حیرتی بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوچکی سیر رنگ و چنان مری
 میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم ملک گفت که خوراک این کوزن همیشه افغی بود
 از علامات معلوم شده و در روده های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است
 و دیگری خاصیت زهر لایل دارد و ملک بسم نموده فرمود که این را بکج تجزیه امتحان باید نمود
 پس حکیم ملک بهشت نفر از اندرین خانه حاضر ساخت و ملک یا آنها نمرانی نمود که آنها را واجب القتل
 پندید یا نیستید جواب داد که مقتضای شرح قتل ما واجب است پس ملک فرمود
 که این را بکج تجزیه امتحان باید نمود

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين
الذين هم الصالحين
الذين هم الصالحين
الذين هم الصالحين

گفت که مراد و سر کین بود و وی از آن ارام نداشتیم از تناول این سنگ بیکساعت اندر و فرس
ازین رایل شند و بچ اثری از و درین مجرور و درخود نیافتم ستم گفتم من بسیار ضعف داشت اکنون
مجرور و این سنگ در باصره من توت عظیم سید شد که در جوانی از حالت نداشتیم چهارم گفتم که مرا
در بصره قدیم بود اکنون مجرور و درین این سنگ فرض با کمال بصیرت مبدل شدیم گفتم که مدتی از
در روزان و متابم بودم اکنون اندر و مطلقا ازین رایل شند ششم گفتم که مرا لوسیه بودم بود الحال آن
با کمال ازین رایل شند هفتم گفتم که مدتی مدی است که بر ساقین من فروخ جبین بود که همیشه بید
شعق از آن جاری بودی اکنون همه آن پاک شده و رویشگی نهاده منعزل شده و رنگ اصلی از آن پاک
بدین و ششم گفتم که بدن دو ماه است که مراد و سر عظیم حادث شده بود اکنون بعد از خوردن او
آن پیشتر شدیم چه برسد که توبه از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که آب یک نارنج چهارم بکیده بودم
حکایت این شدت در فصل آن نارنج پودنه فعل سنگ چرا که ترشی نارنج یار و یاس است و در
سنگ هم جمیع قضیت است چنانکه پوست موجب اتمساک و نقطه است و این هر دو صفت با جمیع
از اندک حرارت این مجرور و بطور اثر آن و اندک حکا بعد از آن از ترشیها با کمالی من فرومده اند و من در
پنج دوالی بخواصیت مثل فادر و تر یاق و در آن تجویز است قسم ترشی نگارده اند و چه بسیار سنگها
با عظم و حکیم مذکور آنکه چون ششم نارنج مذکور بکیده بود و بخانه خوردت و در سراسر بسیار اشتد و چه بسیار
و بر در ملک خرم را و نگارده فریاد و مراد که مرا یاد بر میزند چون آواز او بگوش ملک رسید فرمود که نام
این سنگ را یاد و تر قرار و بندجید یاد و بال ممله بران ترش بعضی یاس و یا سیانست و گویند که یاد و
اوست او آن یقینی شش است بران فارسی و کثرت استعمال السنه سیاهی بر سر شما یافته و
عرب آن فادر است و در اختیار یاری گفتم که حجر التیس فادر است و از تر یاق بیشتر گفته اند
و بهیات بلوط است و در از و در همین نیز میباشد و هر یک در طیفات دارد و در میان خبر نیست که
نفر است و آن خوب مخلصه یا و اند و سبب صاحب مغرور آورده که از خراسان آورند و این صحبت
در پیوسته آنچه مشهور است بغیر شایانکاره در هیچ صنوی دیگر حاصل نمیشود و حالا در بند و شایان

و این سنگ را
در بصره قدیم
بودم و در این
سنگ را یاد و
تر قرار و بندجید
یاد و بال ممله
بران ترش بعضی
یاس و یا سیانست
و گویند که یاد و
اوست او آن یقینی
شش است بران
فارسی و کثرت
استعمال السنه
سیاهی بر سر
شما یافته و
عرب آن فادر
است و در اختیار
یاری گفتم که
حجر التیس فادر
است و از تر یاق
بیشتر گفته
اند و بهیات
بلوط است و در
از و در همین
نیز میباشد و
هر یک در طیفات
دارد و در میان
خبر نیست که
نفر است و آن
خوب مخلصه یا
و اند و سبب
صاحب مغرور
آورده که از
خراسان آورند
و این صحبت
در پیوسته
آنچه مشهور
است بغیر
شایانکاره
در هیچ
صنوی دیگر
حاصل
نمیشود
و حالا
در بند و
شایان

و این سنگ را
در بصره قدیم
بودم و در این
سنگ را یاد و
تر قرار و بندجید
یاد و بال ممله
بران ترش بعضی
یاس و یا سیانست
و گویند که یاد و
اوست او آن یقینی
شش است بران
فارسی و کثرت
استعمال السنه
سیاهی بر سر
شما یافته و
عرب آن فادر
است و در اختیار
یاری گفتم که
حجر التیس فادر
است و از تر یاق
بیشتر گفته
اند و بهیات
بلوط است و در
از و در همین
نیز میباشد و
هر یک در طیفات
دارد و در میان
خبر نیست که
نفر است و آن
خوب مخلصه یا
و اند و سبب
صاحب مغرور
آورده که از
خراسان آورند
و این صحبت
در پیوسته
آنچه مشهور
است بغیر
شایانکاره
در هیچ
صنوی دیگر
حاصل
نمیشود
و حالا
در بند و
شایان

جامع آورده که قاور بر رابد و معنی اطلاق سبک شدی بر بر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع بفرست آن
 نماید بواسطه خاصیتی که در آن خیر باشد و دیگر سنگی معلوم که مالیت و دفع عموم حاره و بار و کند شکر و قطعه
 و حکیم عاقله بن محمود شیرازی میگویی آن سنگی که من دیدم مایل بر روی و سفیدی بود با وجود این ریشه
 ریشه مانند ریشه های شب یمانی و در دفعت پیش هیچ کسی از دوائی مفروده و مرکب نفیوت او ندیدم
 و نیز از معالجات فراطبی فعل نموده که از بلاد فارس چیزی می آید که از اجزای التیس منجوانند و میگویی که در
 معاین جلا توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله
 بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای متغییه و شیر بود که آن پوستها و
 و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور بر گیاهی نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع
 مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان
 و در کوه کشده از اعمال تلکانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور بر
 انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید
 چنانچه اگر کوه سفند را بکشد و چپو له و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد
 چنانچه شیر گیان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور بر موضع
 می باشد که دانه از آن چهار توله و چپو له و او اند که یکی از آن میانصد میون که عسارت از چاه و تان
 عراق و سمرقند و بایصد و سید انجاسید باشد خرید و فروخت در سمرقند باو شان شده که خریدار او را
 موضع ساخته اند و باو بر تلکانه مرغ خوب نمک صسته میشو و چنانچه مرغ خوب نمک صسته می و چکل و بلور
 و سفال و سنگ صسته میشو و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در
 شبها کاره از بر کوی حاصل میشو و اکنون انچه شد اول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها
 بیشتر اند و غیره میگویی که من دیدم شخصی را از نور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حوت بسیار ظاهر شد
 قدری از قاور بر گیاهی باب باشد بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسر بود در حال ملون
 خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

این انچه در کتاب آمده است که قاور بر گیاهی است که در بلاد فارس می آید و در آنجا که از اجزای التیس منجوانند و میگویی که در
 معاین جلا توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای متغییه و شیر بود که آن پوستها و
 و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور بر گیاهی نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان و در کوه کشده از اعمال تلکانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور بر انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید چنانچه اگر کوه سفند را بکشد و چپو له و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد چنانچه شیر گیان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور بر موضع می باشد که دانه از آن چهار توله و چپو له و او اند که یکی از آن میانصد میون که عسارت از چاه و تان عراق و سمرقند و بایصد و سید انجاسید باشد خرید و فروخت در سمرقند باو شان شده که خریدار او را موضع ساخته اند و باو بر تلکانه مرغ خوب نمک صسته میشو و چنانچه مرغ خوب نمک صسته می و چکل و بلور و سفال و سنگ صسته میشو و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در شبها کاره از بر کوی حاصل میشو و اکنون انچه شد اول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها بیشتر اند و غیره میگویی که من دیدم شخصی را از نور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حوت بسیار ظاهر شد قدری از قاور بر گیاهی باب باشد بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسر بود در حال ملون خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

این انچه در کتاب آمده است که قاور بر گیاهی است که در بلاد فارس می آید و در آنجا که از اجزای التیس منجوانند و میگویی که در معاین جلا توله میشو و در صورت آن صورت حیوانیت و خشونت و ملاطبت چون بشکند توله بر پوست و توبر تو باشد مانند پوست پیاز و در آن ریزون پوستها بجای متغییه و شیر بود که آن پوستها و و طبعها که بایر گردان پیچیده اند و از قاور بر گیاهی نامند چون از آب رازیانه بسیارند و بر موضع مسح بوام طلا نمایند و در ساعت ورم نسکین باید و اخراج کم کند و چیز نقل میکند که در سینه و ستان و در کوه کشده از اعمال تلکانه و چند موضع انجاسید امین و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه قاور بر انجاسه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل دیداشد و در اکثر که سفند انجاسید چنانچه اگر کوه سفند را بکشد و چپو له و شش توله از شیر و ان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن دیداشد چنانچه شیر گیان بسیار از چنانچه دیده بجانب اجین و ملاقه میرند و در جانب اجین قاور بر موضع می باشد که دانه از آن چهار توله و چپو له و او اند که یکی از آن میانصد میون که عسارت از چاه و تان عراق و سمرقند و بایصد و سید انجاسید باشد خرید و فروخت در سمرقند باو شان شده که خریدار او را موضع ساخته اند و باو بر تلکانه مرغ خوب نمک صسته میشو و چنانچه مرغ خوب نمک صسته می و چکل و بلور و سفال و سنگ صسته میشو و این گوشتند از آن قسم مرغ اند و ابی اند نه صحرایی و کوهی چنانچه در شبها کاره از بر کوی حاصل میشو و اکنون انچه شد اول و متعارفست گرفته او را از حال و طبعها بیشتر اند و غیره میگویی که من دیدم شخصی را از نور گرفته بود و موضع مسح مورد گشته و حوت بسیار ظاهر شد قدری از قاور بر گیاهی باب باشد بر موضع مالیدند بر کجا که اثر طای آن میسر بود در حال ملون خودی آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضی از اوقات شخص را مار گرفته بود و در آن وقت تریاق

و برنگ ساق چقدر است بعد از آن زرد سفید خام و انتخاش با بنطری است که چون بپزند
 و بر شیر زنند بنده و دیگر اگر چون بر دم عقرب نهند و دیگر اگر بزنند و دیگر اگر بزنند و دیگر اگر بزنند
 و در خلق شخصی ریزند و افخی بر دگر نهند که او را بکشد و خواجیه سلامت ماند و اگر بکشد بر کالی سفید را بسایند
 باب و بر عضوی که بواسطه سقطه متالم شده باشد طلا کنند از آله الم و منع ورم نماید و چون زهر خورده را
 بخوراند زهر لطیفی عرق بیرون آورد و فاذیر بحر فی الجلیز می و در نه با زله و در نفس آن محسوس
 میشود و از آنرا ششها و باریک باشد بیم پوسته شده و حرارت آن منوط باشد فایده و بهر چه
 حیوانیه و نباتیه را و مسح بوم را که با کوبیدن و دوازده جواران بسایند یا کوفته بپزند و بخورند و او را از
 بدن عرق و صبح بیرون کنند و از موت ربائی و دیگر اگر او را در قلاوه بیاورند و زهر در او گشتی ریزند
 و در چین سبزه زهر از او درین گیرند فنج خشک و اگر آن خاتم را بر موضع مسح عقرب و بهر مهمیات و
 لیاریات و دواب و عموم مانند ذرا بچ در زمانه رفع ظاهر شود و اگر سوده اند یا شامند و بر موضع
 مسح بوم از جعبه و چین مسح نهند جذب سم کند به ترشح اخراج نماید و اگر قبل از آنکه بر دگر
 نهند و موضع مسح شش شود و ازین فاذیر بر و افشانند آنرا بمصلح می آورد و وضع سم نیکند و
 اگر از او بر شش عقرب بالند سمیت نیش او زایل شود و اگر ازین فاذیر بر نقد و حسب استانند
 ببحر مزاج ساخته و درین افامی و حیات ریزند و وضع حسن آنرا نهند و بکشد دیگر نوعی آنرا
 بدان ماند که از دم و آبک و کل ترتیب یافته باشد و بعینه چنین نیکو بر نظر محسوس شود و چون
 او را بر دوجوبه صلیب کنند سرخ شود و مانند خون تازه چون او را بر موضع مسح بوم که از دگر عرقی
 مار را و عقرب در ساعت و جمیع ساکن شود و طبع و شربت و منفعت و طرق استعمال آن
 محمد یوسف فاذیر بحر حار است و حرارت آن فو لیت اگر کسی را که دوش جسته بسیاری نم نهند
 شده باشد سبب انتقال بخور اندفع دهد و دوش قوی گرداند و شربت جسته سموم ملذ و خورده
 و دوازده جوجه صنف دل و قوت باه و دانی ویر که هر روز از آن دانی بخورد این باشد از بجهت
 زهر مار و خور مزاج را بر سفید است بجهت انکه خلش نخاصیت است نه لطیفیت او فعیات گرم است
 اگر از آنرا که بکشد و از آنرا که بکشد و از آنرا که بکشد و از آنرا که بکشد و از آنرا که بکشد

و احكام
مستند بر او و در دگر
نوشته و با گاهي
با تشنگي دل روز
آهسته آهسته در اخف
آن ساس مني
بيزبانان چو گلاب
چنانچه اندر زيب
چشم خود را نشان
در بخت نماند و
از كيفيات و
نسبتات و عوصف

۳۲

[illegible]

در این ترکیب متاع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقاً ضرری نداشت صفت آن
 قادر بر دو نیم مثقال و غیره شنب یک مثقال مشک یک مثقال سبیل الطیب یک مثقال و ربع قرض
 هفت و آنه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی نهایت گریزان باشند
 و غذا نخورند آب بگشت بره که در چینی و قرض داشته باشند بخورند و از تشنگی باوقظند
 و شربت نبات و گلاب و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب بنوشند
 آب سرد را می نوشند که مساوی پنج شود این ترکیب قدری بخورند نیز تجویز کرده که داخل شود
 که از آن تفریح تمام حاصل شود و دیگر با دوز هر جوانی که انتقال یا قوت سرخ را می داند و جوهر
 بدخشان و دو جوهر وارید سفید جوهر صندل سفید سوده کچو و سوده کچو و ورق طلا
 کچو و ورق نقره کچو و سبیل کچو و مشک و غیره مجموع این از یک مثقال زیاد نیست
 باید که هر کدام علیحدۀ علیحدۀ کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بند و سه روز یکی
 از آن نبات خورند و برند و گلاب گرم یا عرق بیدمشک از بی آن بخورند و میان روز مرغ
 و بخورند آب نیمه بخورند و آخر روز شربت یا عرق بیدمشک بنیاشانند و یک هفته قبل از خوردن
 احتراز کنند از جموجات و نفول و مسامشت و غم و مهموم و اگر در سالی دو بار احتیاج افتد بکثیر
 اول روز و روز شنبه و طه و کو و بخورند دیگر روز بایر و خوراک آن دو دانگ و نیم مثقال بود و دیگر
 قادر بر نیم مثقال یا قوت را می نعل بدخشان از هر یک پنج دانگ زیر حد یک دانگ و ورق طلا
 و ورق نقره چهار عدد و مشک کچو و همین قدر عسره و مثل او مصطکی و نیندانگ و سوده کچو و
 نیمه گلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یک حب بخورند و بعد از آن دو قاشق گلاب
 بخورند و قریب بظهر بخورند آب مرغ فرو و قدری برنج باغابو بخورند و آخر روز نبات بگشت
 عرق بیدمشک بخورند و مریای سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطکی
 رسته قندی و باوادم قندی تنقل کنند و یک هفته پیش از آن و یک هفته بعد از آن و یک هفته و ریشای
 آن از ریشه ها و سبزه ها و روغن و شیر و ماست و نیز از نبات احتساب کنند که فائده تمام و

چندین سال از این
 کفایت میکند
 و شربت نبات
 و گلاب و عرق
 بیدمشک تناول
 نمایند و بعد از
 خوردن ترکیب
 بنوشند آب سرد
 را می نوشند که
 مساوی پنج شود
 این ترکیب قدری
 بخورند نیز تجویز
 کرده که داخل
 شود که از آن
 تفریح تمام
 حاصل شود و دیگر
 با دوز هر جوانی
 که انتقال یا قوت
 سرخ را می داند
 و جوهر بدخشان
 و دو جوهر وارید
 سفید جوهر صندل
 سفید سوده کچو
 و سوده کچو و ورق
 طلا کچو و ورق
 نقره کچو و سبیل
 کچو و مشک و غیره
 مجموع این از یک
 مثقال زیاد نیست
 باید که هر کدام
 علیحدۀ علیحدۀ
 کنند و وزن کرده
 ترکیب سازند سه
 حب بند و سه روز
 یکی از آن نبات
 خورند و برند و
 گلاب گرم یا عرق
 بیدمشک از بی آن
 بخورند و میان
 روز مرغ و بخورند
 آب نیمه بخورند و
 آخر روز شربت
 یا عرق بیدمشک
 بنیاشانند و یک
 هفته قبل از خوردن
 احتراز کنند از
 جموجات و نفول
 و مسامشت و غم
 و مهموم و اگر
 در سالی دو بار
 احتیاج افتد بکثیر
 اول روز و روز
 شنبه و طه و کو
 و بخورند دیگر
 روز بایر و خوراک
 آن دو دانگ و نیم
 مثقال بود و دیگر
 قادر بر نیم
 مثقال یا قوت را
 می نعل بدخشان
 از هر یک پنج دانگ
 زیر حد یک دانگ
 و ورق طلا و ورق
 نقره چهار عدد
 و مشک کچو و همین
 قدر عسره و مثل
 او مصطکی و نیندانگ
 و سوده کچو و نیمه
 گلاب سرشته سه
 حب مساوی سازند
 هر روز یک حب
 بخورند و بعد از آن
 دو قاشق گلاب
 بخورند و قریب
 بظهر بخورند آب
 مرغ فرو و قدری
 برنج باغابو
 بخورند و آخر
 روز نبات بگشت
 عرق بیدمشک
 بخورند و مریای
 سیب شیرین و
 جوارش عود
 هندی و جوارش
 مصطکی رسته
 قندی و باوادم
 قندی تنقل کنند
 و یک هفته پیش
 از آن و یک هفته
 بعد از آن و یک
 هفته و ریشای
 آن از ریشه ها و
 سبزه ها و روغن
 و شیر و ماست
 و نیز از نبات
 احتساب کنند که
 فائده تمام و

در این ترکیب متاع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقاً ضرری نداشت صفت آن
 قادر بر دو نیم مثقال و غیره شنب یک مثقال مشک یک مثقال سبیل الطیب یک مثقال و ربع قرض
 هفت و آنه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی نهایت گریزان باشند
 و غذا نخورند آب بگشت بره که در چینی و قرض داشته باشند بخورند و از تشنگی باوقظند
 و شربت نبات و گلاب و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب بنوشند
 آب سرد را می نوشند که مساوی پنج شود این ترکیب قدری بخورند نیز تجویز کرده که داخل شود
 که از آن تفریح تمام حاصل شود و دیگر با دوز هر جوانی که انتقال یا قوت سرخ را می داند و جوهر
 بدخشان و دو جوهر وارید سفید جوهر صندل سفید سوده کچو و سوده کچو و ورق طلا
 کچو و ورق نقره کچو و سبیل کچو و مشک و غیره مجموع این از یک مثقال زیاد نیست
 باید که هر کدام علیحدۀ علیحدۀ کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بند و سه روز یکی
 از آن نبات خورند و برند و گلاب گرم یا عرق بیدمشک از بی آن بخورند و میان روز مرغ
 و بخورند آب نیمه بخورند و آخر روز شربت یا عرق بیدمشک بنیاشانند و یک هفته قبل از خوردن
 احتراز کنند از جموجات و نفول و مسامشت و غم و مهموم و اگر در سالی دو بار احتیاج افتد بکثیر
 اول روز و روز شنبه و طه و کو و بخورند دیگر روز بایر و خوراک آن دو دانگ و نیم مثقال بود و دیگر
 قادر بر نیم مثقال یا قوت را می نعل بدخشان از هر یک پنج دانگ زیر حد یک دانگ و ورق طلا
 و ورق نقره چهار عدد و مشک کچو و همین قدر عسره و مثل او مصطکی و نیندانگ و سوده کچو و
 نیمه گلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یک حب بخورند و بعد از آن دو قاشق گلاب
 بخورند و قریب بظهر بخورند آب مرغ فرو و قدری برنج باغابو بخورند و آخر روز نبات بگشت
 عرق بیدمشک بخورند و مریای سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطکی
 رسته قندی و باوادم قندی تنقل کنند و یک هفته پیش از آن و یک هفته بعد از آن و یک هفته و ریشای
 آن از ریشه ها و سبزه ها و روغن و شیر و ماست و نیز از نبات احتساب کنند که فائده تمام و

موسیقی میشود و برای درد و موضع چون نبوتش نفع تمام و بر محرک است و گویند آنچه از آب حیر و
تقریب و منافع آن نزدیک بمنافع موسیقی است و نیکوترین موسیقی معدنی است که از
ولایت و از آب خرو فارس نخل و طبع و گرم بود و در سوم و مطلق و محلول باشد بنا بر قول دلیستورس
و بقول شیخ الرئیس گرم بود و در آخر درجه دوم و خشک بود در اول و مقوی روح بود و خاصیت
و موسیقی معدنی زرد و بر آتش گدازد و در طعمش رفات و وحدت و مارت باشد و آنچه خوب است
لیکست قطری و حجر کوفه میشود و چون نرسد از صفا و از رقیق باشد و حشری قول سختی و
از آب است بپزند در آتخان جودت و در دوات موسیقی قول اسطاطالیس اگر خواهی که او را بپاز
بگیر چکر گویند و بر نی اشکاف پس فی الحال موسیقی جمال چون بهم چید نیکوست و الا بدین
پای مرغی بشکنند و لبش قدری موسیقی در خمیر کرده در گوشش فرو بر آنگینک است و روزی که
پای شکسته او درست شود و خاصیت و منافع موسیقی و قدری شربت آن بر آنکه موسیقی هم از
او به بیز فقیست و هم در انواع علل نقض یحیث و او سم جمیع حشرات را فاعل کند لطفا و شربت
و استخوان شکسته را به پیوند و بقول شیخ الرئیس او علی سینا اگر چه موسیقی در آب مریز نکوش
حکمرده در بینی بچکانند در دقتیقه و در دس کهن را به بر دو صرع و گششتن را به رسو و مند و در
همین قدر اگر در روغن یا سیمین بکشد و در گوش قطعی سازند رسو و مند و اگر کسی را اگر گوش
ریخیم بچکاند و در روغن گل و آب غوره حکمرده و فیتله بدو آلوده در گوش نهاند ریش گوش را
درست سازد و بچکاند و در روغن حب البان حکمرده در بینی بچکاند
در دس کهن را زایل کند و چون کیمیا باشد خرد بپزند و نیکو در مرض سل بیرون می آید و دارد
و استوس از و چون باب زیره و نانخواه و کرد و یا بدین تحقیق معدی را به بر دو رطوبتی را که در فم
معدیه جمع شده باشد و در سازد و بر نقطه که بر معدیه و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و
فستویه یا کشکاب که عذاب و سپستان و پنج سوسن در و جوشانیده باشند حکمرده سوز
ناشاید بند همه انواع سرفه را به بر دو استوس از و با سلنگین غرغره کنند خنای بکشاید و استوس

اینک که در او هفتاد و نه روز باشد و ثوابی هفت روز ببرد از آن غلبه آید و بجهت ارتقا
 نیکو نگردد و اگر کسی در وقت غلبه سی و شش روز باشد و ثوابی هفت روز ببرد از آن غلبه آید و بجهت ارتقا
 رحم را و وجه سنگ موسیائی بپایک در و ساق بندی خوشنایده باشد بدینجا ناید و بت رنج
 را بپایک در و افستیدن و یاد آورد خوشنایده باشد نیکو نگردد موسیائی ببرد آن پت رنج را و دفع
 وجه از آن توان را زایل سازد چون بطبع کرفس سیاه باشد و به کرم چون سیاه باشد و در وقت
 کند تا موضع که در آنک استیون خوشنایده باشد حلقه در بر شکستنی طلا نماید تا
 و برای عیش بر سینه طلا کند سیاقی که در اندول را بطریق نفوذ کلاب و بقول رسالت
 پیه خوک که مکسو و نکوه باشد موسیائی اینجند در گوش هم چکانند نیکو کند اگر چه اصم نواز
 باشد و محمد زکریا در کتاب باب افکار کرده که اگر کسی را بینی خرم شده باشد و خواهد که حالی بخای او
 باز شود و در آخر حرکت دو جو یاد و خود موسیائی در نیکو نگردد سنگ غسل سفید جلوه بخورد و اگر
 محرومی مزاج باشد شربت تبرکین بنوشد که بسیار مجرب است و نیکو دارد این از اسرار است
 حبس مخفی و مخفی صاحب فرج النفس که نقل کرده که بعد از تجربه نمود که شسته که بعد از
 طاری باشد و مطلقا درک نشود و نیز این حبس چینه سقطه و ضرب نهافتست و همچنین نافهست چینه
 درین فخلع صفت آن موسیائی گمانی سبز و صمغ عربی یکجور و نیم برابر و روینات یکجور حلیم و ده
 حب بند و نیم متقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشناسد فخلع
 بود و یا با عسل نیز و اگر علم بالصواع بسبب چینی و استغمال و فواید و مضامین
 و مصالح و شربت و بدل آن و آنرا پنج چینی و پنج حیات نیز نمایند غالباً و در زمان قدیم نبود
 آنکه کوه عمل در نیامده و شربت نیافتد و لهذا اطباء اسلام خاصیت آن در کتب خود
 نیامده و لیکن در زمانه نهصد و بیست چون فرنگیان ترکمال متصرف به بلاد هندوستان
 گشتند این پنج را هم رسانیدند و از آن زمان تا امروز که گذار و سی و هشت است و درین
 عالم شهرتی پیدا کرد و دو صد سال و که سی باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

اینک که در او هفتاد و نه روز باشد و ثوابی هفت روز ببرد از آن غلبه آید و بجهت ارتقا
 نیکو نگردد و اگر کسی در وقت غلبه سی و شش روز باشد و ثوابی هفت روز ببرد از آن غلبه آید و بجهت ارتقا
 رحم را و وجه سنگ موسیائی بپایک در و ساق بندی خوشنایده باشد بدینجا ناید و بت رنج
 را بپایک در و افستیدن و یاد آورد خوشنایده باشد نیکو نگردد موسیائی ببرد آن پت رنج را و دفع
 وجه از آن توان را زایل سازد چون بطبع کرفس سیاه باشد و به کرم چون سیاه باشد و در وقت
 کند تا موضع که در آنک استیون خوشنایده باشد حلقه در بر شکستنی طلا نماید تا
 و برای عیش بر سینه طلا کند سیاقی که در اندول را بطریق نفوذ کلاب و بقول رسالت
 پیه خوک که مکسو و نکوه باشد موسیائی اینجند در گوش هم چکانند نیکو کند اگر چه اصم نواز
 باشد و محمد زکریا در کتاب باب افکار کرده که اگر کسی را بینی خرم شده باشد و خواهد که حالی بخای او
 باز شود و در آخر حرکت دو جو یاد و خود موسیائی در نیکو نگردد سنگ غسل سفید جلوه بخورد و اگر
 محرومی مزاج باشد شربت تبرکین بنوشد که بسیار مجرب است و نیکو دارد این از اسرار است
 حبس مخفی و مخفی صاحب فرج النفس که نقل کرده که بعد از تجربه نمود که شسته که بعد از
 طاری باشد و مطلقا درک نشود و نیز این حبس چینه سقطه و ضرب نهافتست و همچنین نافهست چینه
 درین فخلع صفت آن موسیائی گمانی سبز و صمغ عربی یکجور و نیم برابر و روینات یکجور حلیم و ده
 حب بند و نیم متقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشناسد فخلع
 بود و یا با عسل نیز و اگر علم بالصواع بسبب چینی و استغمال و فواید و مضامین
 و مصالح و شربت و بدل آن و آنرا پنج چینی و پنج حیات نیز نمایند غالباً و در زمان قدیم نبود
 آنکه کوه عمل در نیامده و شربت نیافتد و لهذا اطباء اسلام خاصیت آن در کتب خود
 نیامده و لیکن در زمانه نهصد و بیست چون فرنگیان ترکمال متصرف به بلاد هندوستان
 گشتند این پنج را هم رسانیدند و از آن زمان تا امروز که گذار و سی و هشت است و درین
 عالم شهرتی پیدا کرد و دو صد سال و که سی باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

از کمال است و در آن خبره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او و نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می بندد شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنجا که جبهه پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از گذشتن خوشمزه و گوشت از آنجا
 گوشت و گوشت در میگیرد و پیوسته در خوردن آن میباد و در وقت میباید از امان آتشش بپزد
 روزی چند جراتهای او با کلبه روی باند مال می بندد و در خوردن غریبش با هم می کنند
 همچنین مدتی درین خبره بسری بردن گاه بعد از خوردن میباید بهمان کشته یا کشتی و دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را بستانا خند می بیند که لغایت توانا و فرزندش در او تقویتش
 می نمایند و از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این پنج گیاه مذکور بیان میکنند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگردد و در اطراف و جوی می بردند و بدان سود نامیرد از آن میان باز در میان
 جهانیان شکر کشته بر تقدیر وقوع رویشین چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می بردند نمک میدادند لیکن در خوردن او شتر می خندست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصص را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شاد است و او آن بدو یا پس است پس علاج مرض فیض بسیارند و چون
 حرارت بتن ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تغذیه و تدویب و تسهیل میکنند می باید
 که تر باشند و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانیه باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سود است و خاصیت باشند با طبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین مینماید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تغذیه بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا های بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در درجه اول است و

از کمال است و در آن خبره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او و نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می بندد شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنجا که جبهه پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از گذشتن خوشمزه و گوشت از آنجا
 گوشت و گوشت در میگیرد و پیوسته در خوردن آن میباد و در وقت میباید از امان آتشش بپزد
 روزی چند جراتهای او با کلبه روی باند مال می بندد و در خوردن غریبش با هم می کنند
 همچنین مدتی درین خبره بسری بردن گاه بعد از خوردن میباید بهمان کشته یا کشتی و دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را بستانا خند می بیند که لغایت توانا و فرزندش در او تقویتش
 می نمایند و از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این پنج گیاه مذکور بیان میکنند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگردد و در اطراف و جوی می بردند و بدان سود نامیرد از آن میان باز در میان
 جهانیان شکر کشته بر تقدیر وقوع رویشین چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می بردند نمک میدادند لیکن در خوردن او شتر می خندست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصص را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شاد است و او آن بدو یا پس است پس علاج مرض فیض بسیارند و چون
 حرارت بتن ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تغذیه و تدویب و تسهیل میکنند می باید
 که تر باشند و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانیه باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سود است و خاصیت باشند با طبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین مینماید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تغذیه بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا های بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در درجه اول است و

از کمال است و در آن خبره قرار و سکونت میدهند اهل شسته قدری آب و نان با و او و نیز بود و
 و در آن می نشیند بعد از آنکه آتش و زاده آورده و بجای می بندد شروع در خوردن گاه و بیچ نماید از
 آنجا که جبهه پیشش گیاه این پنج خنجر می افتد و پس از گذشتن خوشمزه و گوشت از آنجا
 گوشت و گوشت در میگیرد و پیوسته در خوردن آن میباد و در وقت میباید از امان آتشش بپزد
 روزی چند جراتهای او با کلبه روی باند مال می بندد و در خوردن غریبش با هم می کنند
 همچنین مدتی درین خبره بسری بردن گاه بعد از خوردن میباید بهمان کشته یا کشتی و دیگر آن
 جایگاه میرسد و اهل کشته که او را بستانا خند می بیند که لغایت توانا و فرزندش در او تقویتش
 می نمایند و از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این پنج گیاه مذکور بیان میکنند انعامه ازین پنج
 مذکور بسیار میگردد و در اطراف و جوی می بردند و بدان سود نامیرد از آن میان باز در میان
 جهانیان شکر کشته بر تقدیر وقوع رویشین چون در آن صحرانگ هم نمیرسد و اکل این پنج
 نمک بوده بهر جا که می بردند نمک میدادند لیکن در خوردن او شتر می خندست که بجای
 خود گفته خواهد شد و طبیعت پنج مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دانی گیلانی
 که بر شای گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این خصص را بنده گرم و تر است و دلیل بر آن
 که این پنج جوانی هم شاد است و او آن بدو یا پس است پس علاج مرض فیض بسیارند و چون
 حرارت بتن ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تغذیه و تدویب و تسهیل میکنند می باید
 که تر باشند و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه مانیه باشند لیکن جمهور بر آنند که
 خشک است و اینکه دافع سود است و خاصیت باشند با طبع این پنج را خواص بسیار است
 از بسکه آنها خوب ازین مینماید که کرده اگر گفته اند که گویا این از اجیات پرورش یافته چون
 اکثر بعد از تغذیه بدن مناسب کار میسرند و در نیز خوب از یک و لغیات و جو منات و مناسبات
 و غذا های بسیار خورند و نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که بنویس بهر خبر رسیده
 و اعتقاد حکیم عموالدین محمود است که حرارت او در اول مرتبه در درجه اول است و

در طوبت بایل کرده و میزند و بود که بر زمین در طوبت او ناک تمام باشد بخلاف حرارت که با وجود
 آنکه سار او سیرودت آب با لکمه منطقی نمیشود و اتفاقاً برین از سارین بر انست گرم و تر است
 و در جرد و دم و جهت هر و مایه که سر و مزاج باشند در وقت حاجت خواستفوان چهل سالگی رسیده باشد
 یا نباشد بی نافع است با لحاظ صفت و امتحان جمودت و مختاران بهترین چوب چینی انست که
 سرخ و سنگین باشد و سفید و اگر چه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این را صفت
 فخره است اما چون دلالت بر فحاحت و نارسیدگی دارد و آن سرخ باشد و باید که میان
 باشد و زنازی و گنگی چه درین زمان طوبت فضلیه او که موجب انقار حرارت غریبه است که
 و حرارت غریبه ظهور تمام پیدا میکند حکم عاودین محمود تر بدین تصریح نموده و سنگین و گرم که
 و سطح ظاهر بر ابر یا در چرخ بر خلاف این باشد تا در زمین کم طوبت نموده و خشکی برود
 شده و یا بکمال نشو و نمیده و طعم و رایحه غالب از محسوس نشود و از مقدارن مغیرات مثل
 کافور و صندل و آب و دیا و گرمی آتش و غیره و هوای بر سگال و نم دور باشد و دلیل اینها ظاهر
 است و جمعی بر آنند که با وجود گرمی و سنگینی نشان کرده و روی بسیار باشد و سخت نباشد و
 هر فیکه در زیر زمین تر و یکسخت بهتر است و باید که نوبت باشد و علی الخصوص از دریا که نشسته باشد
 و سفید و یا بشیر و دیگر نیز نافع است اما در وقت و شمع قسم اول نافع است و تر و بعضی بی نفعی
 که بریناگ و بر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد سیاه و بهترین و بی سنگین شیرین و
 زردیکه سفیدی زرد و بعضی زردیکه سبزی زرد بهتر دانند و آن جانب خطا که شکر بسیار و از آنجا
 سیرند و بخارای آورند و نوبی از آن از جانب زیری آدمی که بپند و بر موزی آورند و از آنجا
 باق و خراسان در دم میرند اما بچون که شکر نیست و بعضی سفید را بهتر میدانند و تر و حکار
 فیکه سرخ بهتر است چه لغایت خود رسیده است و اینچ سیاه است غالباً آب دریا و یا
 شکر بسیار و اصل نیست و چون درین پنج طوبت فضلیه بسیار است و طوبت فضلیه
 طوبتی است که در جوهر او باشند و محتاج هیچ اجزا و نباشد تا برین مدت لغای قوت او در

در وقت شیخوخت منصوص باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت تعرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین
 ترتیب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
 چون اصلاح بیست آن میکند و حرارت او را استعمال و حرارت و سورت فرومی نشاند
 و قریب با مقدار می آورد و نیز ازین دو الفع بسیار منصوص است و اطفال را از استعمال این
 روایان فایده نیست بلکه ضرر است چه حرارت غریبی اینها معمور رطوبه غریبیست
 و قتیکه رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود و تحمل است که حرارت بجهت شیخی می شود که توارک آن
 متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجیان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر است
 بیشتر است خصوصاً و قتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر بسیار
 کرد و از رطوبه رطوبت ضرر بسیار متوقع است و در جوی مزاجیان را اگر در حالت صحت بسبب
 روایت که باین نخست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
 اعتدال منحرف شده باشد در نحو نمودن بحالت اول بسیار مضر و معاون خواب بود و بدترین
 اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان
 میان خریف و انتهاران و در زمستان خوب نیست در قد و شش است آن آنچه از شما که
 اطباء متاخرین در مبلوغات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده بعضی
 صد و شصت تنقال در لیست روز جو شانه میجو را نهند که هر روز شصت تنقال در لیست
 میشود و بعضی دیگر صد تنقال در لیست روز بکاری برند که هر روز یا نوزده تنقال در لیست
 سیاقند و آنچه بالفعل اشتمار دارد صد و شصت تنقال است و بحدی که میجو شانه اند
 که هر روز قدر شربت هفت تنقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
 مقرر است که این وزن مذکور را در گین آب بوزن طبع که صد و شصت تنقال است میجو شانه
 که یکصد و بیست و سه حبه باشد و از آنچه مانده بعد از اسکناب و استغیای فایده بخار آن در پستان
 نحوه خوری از آن آب بخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

در وقت شیخوخت منصوص باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت تعرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین
 ترتیب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
 چون اصلاح بیست آن میکند و حرارت او را استعمال و حرارت و سورت فرومی نشاند
 و قریب با مقدار می آورد و نیز ازین دو الفع بسیار منصوص است و اطفال را از استعمال این
 روایان فایده نیست بلکه ضرر است چه حرارت غریبی اینها معمور رطوبه غریبیست
 و قتیکه رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود و تحمل است که حرارت بجهت شیخی می شود که توارک آن
 متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجیان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر است
 بیشتر است خصوصاً و قتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر بسیار
 کرد و از رطوبه رطوبت ضرر بسیار متوقع است و در جوی مزاجیان را اگر در حالت صحت بسبب
 روایت که باین نخست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
 اعتدال منحرف شده باشد در نحو نمودن بحالت اول بسیار مضر و معاون خواب بود و بدترین
 اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان
 میان خریف و انتهاران و در زمستان خوب نیست در قد و شش است آن آنچه از شما که
 اطباء متاخرین در مبلوغات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده بعضی
 صد و شصت تنقال در لیست روز جو شانه میجو را نهند که هر روز شصت تنقال در لیست
 میشود و بعضی دیگر صد تنقال در لیست روز بکاری برند که هر روز یا نوزده تنقال در لیست
 سیاقند و آنچه بالفعل اشتمار دارد صد و شصت تنقال است و بحدی که میجو شانه اند
 که هر روز قدر شربت هفت تنقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
 مقرر است که این وزن مذکور را در گین آب بوزن طبع که صد و شصت تنقال است میجو شانه
 که یکصد و بیست و سه حبه باشد و از آنچه مانده بعد از اسکناب و استغیای فایده بخار آن در پستان
 نحوه خوری از آن آب بخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

بر دو موجب استرخاء الیاف و عمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی اشتها
 چه در بحالت بواسطه حرارت که اکثر جمیع قوایست از لزج الصناب سوداوی که موجب است
 احساس تمام واقع نمیشود و اگر چه حار طبع موجب تقویت قوت ماضیه است اما چون نسبت
 استرخاء الیاف حرارتیک در محل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
 پس چیز که دفع این اذیت میکند قرص کل مغروره و قرص صندل مغروره میخوانند و دو روز
 بیشتر آن تیر خلی نیست و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که پنج چینی در سیران و مرطوبی مزاجان
 احداث حس بول میکند و تقطیر آن چه موافق علیطه که در عروق ایشان تجسس است
 و این دوا بجهت قوت اذابت تدریجیت آن ماده میباید و بخوابد که بعرق دفع کند و بواسطه
 قوت خود یا بجهت کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب کرده و مثانه میباید و در سیران
 یا اخلاط غلیظه فحله میگردد و بواسطه کثرت غلظت از دفع آن عاجز نمیشود و حس بول احداث
 میگردد و یا بواسطه طبع تر که باین دوا است و نیز طبع بسیار که از بدن ایشان جدا
 بسیار در باطنی که موجب مساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود و
 و بر نیاورد مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امتثال آن خواهد بود و خواه مخرج مغروره بخورند خواه
 بعد از آن تشریف نمایند و این عرق با کور قتیق مسام و تقویت حرارت او بجهت قوت او را این
 مخاطرات امین میبازد و موجب این مضر نمیباشد و در قرقه رب انار مخرج ککلات عرق
 بدین شک مصلح آن میباشد که ناشتا تناول نمایند و غذای لطیف بخورند و از فحرات و
 عطریات اجتناب جائز نمیدانند و اصل السوس نیز مصلح میباشد که با بنیطرقی صنف
 ساخته تناول نمایند صفت آن چوب چینی میباشد اصل السوس بخورم تیر میگردد و صندل سفید
 الایچی زعفران از مرکب یکدم تخم خیارین و دو درم مشک یکدم گندم هر که وقت و بجهت سستی
 سازند و سه روز ناشتا کیشغال یا شربت صندل مناسب میدانند و بدین طریق تا سه
 محل نمایند و اگر احتیاج یابند و سه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است و بول

و تقدیر مزاج آن بی طبع است و در فواید شراب مسطر است که منافع شراب نفسی است
 و بدنی نفسی مثل فرج و نشاط و وسوسه و رازله غم و بخل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ
 چیز درین امر مساوی آن نوازند آمانفعت بدنی مثل لذت و استراحت و کوفی رنگ
 جیره و تفتیح معاری و غیره با چه اگر این مقبول بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد
 را بسپار کردن و دوا و شناختن آن خالی از اشتباه نیست پس بنابرین که شراب انگوری
 و رفیع عادت سوداویه تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و استراحت و مزاج
 این فواید است در رازله امراض سوداویه بدل پنج چینی مقبول اندر شد و در رازله آنکه
 متفقر و متعفن شده باشند و چه که بسیار از اوید و در وقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه
 راحت است صفت آن جدا و خطائی عاقر قره کا کدر مصطکی سورجان قطعه مخاثر زرا و
 جمع و طول حب الفار مرصافی مقل سکینج جاوشیر زرباد از سر یکدشتغال صابون رقیق
 بر یک حناسه شغال آب لیمو بعد از حاجت بنیق چهار شغال روغن بالونه روغن گل خیری روغن
 سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد و پیه کرده هزار سر یکدشتغال روغن باریانوم
 بگذارد و بخیار با گلاب بسایند و ضمعه را لبر که کلکند و زینق لبر که کشند و مجموع ترکیب کند
 سر هم سازد طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسب است آن دارد و توله از انرا مثل صند
 ساید و یا بمیتول خصه الشعلب صلایه کرده باشند نبات و گلاب بعد از حاجت و یکدنگ عطران
 پالوده بخته بمیدند و اگر نیکو انگ عشره اضافه کنند هم خوب است این یکشیرت است و اگر
 مزاج شخصی حار باشد بجای خصه الشعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بیدانه یا لعاب بر قطن
 یا ششامه یا لوده یا زرد و لوده است که جایز است نوع دیگر که نیمه پنج چینی کوفته و بخته
 شیر نبات و نیمه گلاب لیمو آورده و یکتوله عشره یا نبات صلایه کرده بعد از آنکه حرارت شیره
 بی الحاکم شود و بر زرد و یا تیره بر نرند بعد از آن آرد چوب چینی در آن ریخته و بتر که زده و نیمه
 بر و انداز آن هر روز بعد از دو و میتول و چوب چینی تخمین کرده بر بند فوعد دیگر بطریق متداول است

مغز بادام سه توله نارگیل دو توله میدهد گندم نمک سیر تخم کز و میدهد گندم در روغن بختیانه
و دو سیر نبات و نیم سیر عسل صاف نموده بران ریخته چون نزدیک برسیدن بنمود و او در دهن
را صاف ساخته بچرخاند بعد از آن که دو جوش بخورد و مغز ناراداخل کرده همچنین برنج نانگ شک
نویخت و غسیر و کینو که غفران داخل کرده و قنیکر روغن و دیز و توره در طبخی زیره نبات یا سیر
پسین نمایند و بعد از آن که سرد شود و بطریق شکر پاره مربعه بگذازند و هر روز ناشتا مقدار
یک تخم مرغ تناول نمایند که فایده است و بهی و فربهی آور و دو تا قنیکر و کسینیکر
روی دارند بسیار سودمند است و توله خون صالح میکند و دهن را خوشبو میسازد و بخور را
میسوزد و فعل دیگر بیره او و دانه چوب چینی را یا کماشته فلفل زیره زیره کرده داخل بیره یا ن
در زخمای معده این بیره بخورد و شربت آن دو بیره تا چهار بیره فوعل بک بیره و در دیگر
سینه کرده بر دهن آن و یک پاره بار یک بسته و چوب چینی را بقدر نیم فلفل قطعه قطعه کرده
مانند قوس بر بالای پاره بند که گذارشته برالایش بسوزنی بپوشد و تمام شب همچنین آن
و یک بر آتش بگذارد تا بجای رود و آن چوب چینی مذکور برسد علی الصبح چوب چینی مذکور در سایه
خشک سازند و ورق درق ساخته شنب در گلابی که در آن غفران و قاقا و متو و غیره ریخته باشند
نم کرده و در بیره یا ن بقدر یک توله بانه فلفل همدان میل نمایند و بعد از گذشتن یک یا سه بار شربت
تناول نمایند و در شیوال تا چهل روز مداومت نمایند و اگر بیشتر از چهل روز بخورد نیز مفید است
و مضرت نمیرساند اگر بر مییز از جماع و ترشی کفند انسب خواهد بود و در کوش لبون و در حاجی
نشدن مطلوب نیست فوعل دیگر شرب او قوت و باغ و دل و جگر بد و از آل فالج و در و
و بوضیق النفس که از غلبه طبع باشد نماید و هر که اگر دم کرده باشد سه توله از این عرق جوش
اصلا بر او کار نکند و اگر ششش بپزد نشود احتمال دارد که پنج مرتبه دیگر اثر نتواند کرد و در
کنه و بهی و مقویست و عرق الشا و قمرس و عرقه و خدر را از پنج مرتبه کند و صفت آن پنج حیات
نیم سیر پوست پنج خیلان و سه سیر سبیل الطیب و اینچنین اند که رام رنج سیر نبات و نمک سیر

و رنگ و جلا و اجتناب نماید اولی است فوحم د یکی معاجین است که با ویدینا است
 سیکندره معجون که از فخرات حکما و متاخرین تجربین است که اجزاء و فلزات سفید فروده و با بعضی او به
 مفرجه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند است شربت اقل آن و در انتقال است
 آن چوب چینی به مقدار انتقال مصلی خود زعفران سبیل سانج نووری سرخ و سفید و ارجینی فلفل
 و ارفلفل قر قزل زنجبیل گسرخ شقاقل قافله جوز بوسعد کوفی او خربوز بریان و فخر شک بهمنین
 و روغن انیسون با ورنج و یخسبیه الثعلب جد و ارباب شیر است منج اسطوخودوس خولجان
 ریون چینی از هر یک و در انتقال عسبر اشب مشک خالص از هر یک و ام که انتقال قد سفید که در
 او به بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از فخرات حکم عاود الدین محمود شیرازی
 زربا و جد و از زرد و در حرج خولجان با بنیر بر ج ریون چینی اقبیمنون بلید سیاه شملیت مغسول
 ترید سفید موصوف و ارجینی سبیل مصلی جوز و زعفران لب سیاه قر قزل بل از هر یک و در انتقال
 و روغن چینی با نوره و انتقال کوفته بخیه با سه چندان غسل بهر شسته شترتی هر روز و در انتقال سیاه
 دیگر چوب چینی شسته و درم سیاه وانه به مقدار قر قزل خیدرم زنجبیل صمغ عربی زعفران از
 هر یک خیدرم مشک قدری کوفته بخیه با سه چندان غسل معجون کنند و در سیاه دیگر چوب چینی
 یک امارا فلفل از فلفل گرد زنجبیل عاود حایر یا رجز بوز ارفلفل سیاه وانه ناخواه از هر یک و در انتقال
 انتقال غسل مصفی پنج امارا و بهر کوفته بخیه و در غسل معجون سازند شترتی موافق شربت طبیعت
 فستق حریک بلید کابی بلید زرد بلید که مجموع عاشقی از وانه بلید رنگی و ارجینی بر زار سبیل سار و
 قر زعفران سورنجان مصری خولجان سعد کند و ارفلفل زنجبیل با و از این می ناخواه تخم زردک
 تخم شلغم جوز بوز بریان شقاقل خود بندی اجزاء برابر چوب چینی بقدر مجموع دار و امحل صا
 قوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی گاه از شترتی و در نیم انتقال از برای دفع درد استخوان
 و اشتها و هم طعام لغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار است و در سیاه دیگر از صندل و
 که از معجون سورنجان زیاد و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد و انتقال سورنجان شیرین

تبر بسفید موصوف چهار منتقال میسایه میباید پودن بری سافج بندی سداب خشک کنج
عطف از بریک منتقال پنج انجدان سفید از بریک چهار منتقال ریون و چینی پنج منتقال چو چینی
ست منتقال و بعضی سه منتقال پنجین نیز اضافه میکنند اجزاء کوکبه و حبه و دوشیان در روز
سیر که گفته بخسباند در سایه خشک کنند و بار وغن با دانه تخم لبست منتقال در وغن با حیل
و منتقال چیر کرده با سه وزن عسل کف گرفته معجون سازند شترتی کیتولایان سیکنجین بدینند
عحصل منشی که در سر که بر و روه باشند یک استار با و شیر عسل کف گرفته سیکنجین
نسخه دیگر چوب چینی و ظرفی نقد شش سیر آب کنند و نمیرسای چوب چینی سوده آینه در آن
برنجه کیساعت را بکنند بر شش که جوش آید چون یکد و جوش بخورد و دیگر فرو آورند و سر آن
دیگر را سر پوش کرده بخمر گیرند و بالای و بگدان بگذارند و هرگاه که بخار در یانید که سی که در میان
سوراخی باشد و راه و گیرند آهسته باشد اول دیگر را بر بالای آنکشت افروخته گذارند پس
کری مذکور بالای آن نهند و خمیری بران روزن کری گذارند که راه بدرد و با و نباشد
از آن بر کناره کری نشسته چادری یا خانی بر سر کشند چنانچه منفذ با و نباشد خمیر از روزن
کری و در سازند و سه گهری یا بر قدر وقت که خوانند نشینند تا بخار آن جمیع اعضای سر
بعرق در آید بعد از آن بر خوسته است به استه آن چادر را از خود دور سازند که بسیار دفعه
بخش است بهترین و خوشترین استعمال چوب چینی جوشانیدن و استیفاء بخاران نمود
است چون این طریق منفعبت بسیار دارد و درین زمان مزاج مردم منظم میگردد که یاد و
میسانند با من مشقت را می غنیشوند چه مخمت بر نیزان کمتر از مخمت در و نیست و از و گدشته
عرق و طریقی تیره بسیار محمود است لیکن معجون و سیره که روش ابل میند است و حلا و غلا و
و غیره اقسام خوردن او چندان خوب نیست چه تاثیر مخج چینی ترقیق و از اوبت صلا با
و سوا و است و لغو و این در نیالت در عروق ضعیفه لغایت و سنوار و نیز چون بطریقی که
و مزاج آن مذکور شد خالی از اجزای ارضیه نیست ممکنست که همین اجزاء در عروق ضعیفه

[illegible]

از حسن بنیائی برافشاده بود پس از عهد و عهد یاد رسیدم پرسیدم او پاسخ داد که یک دست
 برگ تنباکو را با برگ سبدها کوکله اوراد و فارسی بچکشست گویند ختنک ساخته بالمشافه نشنا کوکشیتم
 از خاصیت آن الله تعالی بنیائی بمن ارزانی داشت و این از عجایب ابرار است و نیز عهد و عهد
 که مصالح تنباکو بجز شیره نباشد که او میبوشند و دلیلش آنکه هرگاه با حبه برود تنباکو رنگ پذیرد و بجز شیره
 آنرا نتوان زدود و این تجربه را قم سیده حبهی برگ کالیش سطر اوراد آب برنج میجویشاند بعد از آن
 بکار میرند و اگر و بهر که جویشاند و بکشند و برنج باقند این همه اعمال میکنند و فرقه آب شسته جذب نمایند و
 ندر که کافور بر او افزوده بکار میبرند و این گزیده روشنی است او شوق آنکه هیچ شتفتی دل
 باین ابتلا در دخی آخر الزمانی نه بند و بسلامی استیلا می بیند غایب ناگهانی نگرود

پس از عهد و عهد بنیضه نظیر حکماء و الا تدبیر و اطباء و ملا و اولاد
 پوشیده نمائند که درین آن احدی ان کما القیام الا وادی ان
 و حل الامور و فرنگ نصیر به حاشیه شمس
 تاج و قمار را با بزرگ و بزرگ عبد الغنی
 در مطبع شمس و کنگر
 کاس طبع شد

اعلان

مشرده باد صاحبان فهم و ذکا را که رسائل نادره در فن حکمت بسجید
تصنیف ابوعلی وقت بر قاطبانی جناب حکیم نورالدین محمد عید الله
حکیم عین الملک شیرازی نور الله مرقدہ در متن کتاب است مسمی به
الفاظ الاودیہ و رساله دوم که هر نسخه اش چون اکثر است تصنیف
ارسطوزان فلاطون دوران جناب حکیم طالع محمد حسابد و شیخ محمد سعید
حساب منقح کتب طب شراب بر جاشیه از صفحہ (۱) تا ۲۳۳ مسمی به
میزان الاودیہ و رساله سوم که هر حرفش نریل مراض حسابی و هر
سجود مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقر اطو در جناب حکیم
محمد نصیر صاحب خلف با شرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی مخفر الله
ذو القابار جاشیه از ۲۳۹ تا ۲۹۶ مسمی به **فرہنگ نصیر** معروف
به **عمل مخزن الاودیہ** که حق تالیف این نیایش از مصنف عطا
امید که کتب صاحب طبع یا تاجر کتب قصد طبع نفرماید بعوض نفع نقصان
ندیر و از البته چندان نسخ که مطلوب شوند از دوکانهای بنده که علاوه
بر دیگر ملاذند مالک فرماید بلا عذر خواهد رسید و نشان دوکانها نیست فقط

مقام بنارس در دوکان بمقام عظیم آباد از دوکان بمقام شکر گوالیار بازار اولی
در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور
در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور
در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور در دوکان بنجلور

عبدالله بن محمد
جعلی صاحب کتاب

41.54

23.4.73 Mrs

[illegible]

9495